

پهلوانا

۱۰

۱۱

جلد

۲

مستزاد

پهلوانان

تاریخ پهلوانی در کرمانشاه

در دو قرن اخیر

(۱۱۷۴ - ۱۳۷۴ «ه.ش.»)

جلد دوم

جعفر کازرونی

پهلوانان

تاریخ پهلوانی در کرمانشاه

در دو قرن اخیر

۱۱۷۴ - ۱۳۷۴ (ه.ش. ۰)

جلد دوم: پهلوانان

جعفر کازرونی (کازرانی)

مشمول بر مطالبی در مورد تاریخچه ورزش در ایران، مقدمه‌ای در زمینه جامعه‌شناسی ورزشی، شرح حال قهرمانان - کشتی‌دوبندی، جداول مربوط به مسابقات آنان، شرح مراحل سه‌گانه تکامل کشتی. - همراه با عکس و تصاویر و آلبوم ضمیمه.

بخش ششم

اشاره ای به تاریخچه ورزش در ایران - مقدمه‌ای در
زمینهٔ جامعه‌شناسی - ورزش ، مبدأ المپیک و...

اشاره ای به تاریخچه ورزش در ایران

نزد هر قوم و نژاد ورزش از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. چراکه در جهان کهن به تجربه دریافته بودند، آدم سالم روح سالم داراست. این همان عقیده ای است که علم امروزه به اثبات رسانده است: عقل سالم در بدن سالم می باشد. تا فردی از نظر جسمی سالم و تندرست نباشد، عقل و فکر سالم نیز ندارد، درست فکر نمی کند، اندیشه ای بیمار و در نتیجه رفتاری نابهنجار دارد. در ازمئه گذشته، بین اقوام و ملل، جنگهای متعدد و پی در پی در می گرفت. این جنگها، رُخ به رُخ و باسلاحهای سرد، مانند شمشیر، گرز، نیزه، ذوبین و ... صورت می گرفت؛ به طوری که حمل و نقل این سلاحها و دیگر ساز و برگهای جنگی خود قدرت بدنی و عضلاتی بسیار نیرومند لازم داشت. از این رو اقوام کهن همواره سعی شان در ورزیده ساختن جوانان بود. از طرفی در جنگها، از وجود اسب و دیگر چهارپایان تیزرو و پرتوان استفاده می شد و این امر نیز مستلزم مهارت در به کارگیری این قبیل حیوانات بوده است لذا نزد ایرانیان قدیم نیز سواری با اسب، پرتاب نیزه، پرتاب ذوبین، به کار گرفتن سلاحهای متنوع جنگی، در برکردن البسه رزم و ... حائز اهمیت بسیار بود. تا جایی که به ضرورت و نیاز خاص ورزش و بدن سالم و دارا بودن عضلات نیرومند در مسایلی مانند اموراتقادی و مذهبی رخنه کرد. آن گونه که در دین - زردشت بیماری و ناخوشی منسوب به اهریمن [مظهر بدیها بود.] بدین سبب هر فرد ایرانی مبارزه با اهریمن را وظیفه خود می دانست و به منظور مبارزه با مظهر بدیها، انواع ورزشها را می آموخت و در آن تبخر می یافت. در ایران باستان آلات و ادوات جنگی از چنان اهمیتی برخوردار بود که این آلات و ابزار با مفاهیمی معنوی و روحانی عجین گشته بود. به همین دلیل روحانیان زردشتی گرز کوچکی به نشانه مبارزه با مظهر بدیها [اهریمن] با خود حمل می نمودند. ^(۱) بر مبنای تحقیقات منوچهر مهران در مجله «نیرو و راستی» سال ۲۲ برگرفته از تحقیقات و نوشته های دکتر بیژن؟ در مورد آموزش نیرومندی و بهداشت از کتاب «آموزش و پرورش در ایران باستان» در کتاب پژوهشی در ورزشهای - زورخانه ای چنین آمده است: «یکی از اهداف تربیت بدنی در ایران باستان تربیت قوای روحی جوانان بوده که آنها را به تحمل مشقاتی مانند گرسنگی و تشنگی و یا سرما و گرماعادت می دادند تا در موقع ضرورت جنگ به کار آید، ضمناً ... تحمل ناراحتی و شداید صرفاً به منظورهای نظامی بوده است. مثلاً یکی از تعالیم اوستا کتاب مقدس زردشتیان عبارت است از: آن کس که سیر غذا بخورد توانایی می یابد تا عبادت نماید و زراعت کند و فرزندان توانا و نیرومند داشته باشد. بنابه گفته استرابون تا پایان سن ۲۴ سالگی که جوانان ایرانی انواع و اقسام دانستنی ها و ورزشها را فرامی گرفتند، هرکدام که در تمام فنون موفق می شدند گُردک نامیده می شدند و **گُردک** به معنی پهلوان و دلیر کوچکی است که بعدها به درجه گُردی خواهد رسید. از تعالیم اوستا یکی آن بود که می گفتند: «کردار پهلوان باید ناشی از عقل سلیم و دور از مستی باشد. قهرمان باید در انجمن های مردمی پیشوا باشد و گام پیش نهد و

لوث مستی را براندازد. و باز در یکی از دعاها می بینیم که می گوید: "خدایا ما را نیرومند و پیروز فرما، گله و رمه به ما، ده که خوشبختی آورد. سپاهیان ما را شکست ناپذیر کن تا بر دشمن چیره شوند و موجب برکت میهن گردیده، پاسبان نژاد باشند."

چنان که از کُلیه تحقیقات و آثار مکتوب تاریخی بر می آید. ورزش و تربیت بدن یکی از اصول اعتقادی باستانیان به شمار می رفته، زیرا ورزش و تندرستی از ضروریات حیاتی هر قوم و نژاد قلمداد می گردیده است. اگر قوم و یا ملتی سربازان ضعیف و بی ساز و برگ می داشت، با اولین حمله دشمن از صفحه روزگار محو و نابود می گردید. این همان نکته ای است که مانیز بدان عقیده داریم که می گوئیم: «برو قوی شو که در نظام طبیعت ضعیف پایمال است.» یک انسان ضعیف در معرض خطرات بیماریهای متعدد، ظلم و جورهای اجتماعی و زورگوییهای زورگویان قرار دارد و همواره خوار و ذلیل است. نمی تواند درست زندگی کند، اندیشه ای درست داشته باشد و همیشه متمسک به نیرنگ، دروغ، ریا و دیگر نکات ضد اخلاقی و پلید می گردد، تا بلکه خویشتن را از خطرات وسیع طبیعت مخوف^(۱)، مردم زورگو و شداید موجود در زندگانی مصون بدارد. ناگفته نماند که باپدید آمدن عصر تمدن، پیدایش زورگویان زراندوز، دنیاپرستان و به اصطلاح دنیا داران و جهانخوارگان که فلسفه زندگانیشان جز سود و منافع شخصی نیست، به صحت و سلامت پیکره اجتماع امروز، ضربه ای مهلک وارد ساخته اند و درست به مثابه میکربهای مضر، در بدن جامعه رخنه نموده اند که اگر در مبارزه علیه این موجودات ذره بینی اجتماعی پیروز نشویم، مثل همان بیماری سرطان که اگر در مراحل اولیه بدن واقف نگردند و در صدد رفع ریشه ای آن بر نیایند کار بیمار تمام است. چراکه سلولهای سرطانی منجر به ایجاد توده های وسیع و مرگ زا شده و سلولهای آن دیگر نقاط بدن را فرا می گیرد.^(۲) پس بی جهت نیست که باید بکشیم تا از نظر ورزش و قدرت بدنی که منجر به صحت و تندرستی جامعه ما می گردد، به مرحله تکامل و نکته اوج برسیم و برای این منظور باید از ایرانیان باستان که اجداد پاک ما به شمار می آیند، پیروی کنیم. از آنان که خود را آریا یا آبریا (به معنی دوست یا باوفا) می نامیدند.^(۳) در کتاب: «نگاهی به تاریخ تبیت بدنی جهان» تألیف: دکتر جواد کریمی، در صص ۲۳ - ۲۴ تحت عنوان تعلیم و تربیت در ایران باستان چنین می خوانیم:

«اقوامی هم نژاد، که در روزگاران بسیار کهن با هم می زیستند، بعدها به دویخش بزرگ تقسیم شدند و گروهی از آنان، همان گونه که بیشتر اشاره کردیم به هندوستان رفتند و گروهی دیگر که خود را آریا

۱- منظور بیماریهای موجود در طبیعت، میکروبا، ویروسها و سایر موجودات ذره بینی مضر، همچنین حوادث طبیعی مثل، زلزله، سیل، طوفان و... می باشد.

۲- این حرکت را توسط سلولهای سرطانی در علم پزشکی (متاستاز) یا (دست درازی) گویند.

۳- آموزش و پرورش در ایران باستان تألیف: علیرضا حکمت.

یا آبریا (به معنی دوست یا باوفا) می‌نامیدند، در سرزمین‌هایی که در آسیای غربی واقع بود و ایران کنونی و افغانستان و ترکستان و قفقاز را شامل می‌شد سکنی گزیدند و آنجا را ایران به معنی مکان آریائیان خواندند.

سرزمینی که این گروه برای زندگی خویش گزیده بودند فلاتی مسطح بود با درّه‌های حاصلخیز و آب و هوای متغییر اما مناسب و بنابراین با منطقه فقیر و طبیعت نامساعد هندوستان تفاوت بسیار داشت و جای شگفتی نیست اگر «آریایی»‌ها در ایران بر خلاف هند، مردمی با تحرّک و کوشا و جنگجو بار آمدند تا بدانجا که توانستند در سالهای ۵۵۸-۳۳۱ پیش از میلاد (یکی از قدرتمندترین امپراطوری‌های آن روزگار به وجود آورند و با توانایی کافی از سرزمین و فرهنگ و آداب و رسوم خود محافظت کنند. ایران در حقیقت نمایانگر و معرف فرهنگ خاصی است که اندیشه‌های شرق و غرب را در برمی‌گیرد و بیهوده نیست که برخی از مورخان آن را به منزله پلی شمرده‌اند که فرهنگ‌های شرق و غرب گیتی را به یکدیگر مربوط ساخته است.

از این مختصر و دیگر مطالب نتیجه می‌شود که صحت بدن و تن درست به سبب ژشد و اعتلاء فرهنگ و معنویات نیز هست. چنان‌که ایران باستان را منشاء آزادی طلبی و احترام و توجّه ارزشهای فرد دانسته‌اند، که این فلسفه و شیوه تفکر بعدها در یونان به کمال خود رسید و از آن خطّه به مردم دنیا عرضه گردید^(۱) همچنین در کتاب مزبور برگرفته از تاریخ فلسفه تعلیم و تربیت آمده است: «ایرانیان از لحاظ دینی به طور کلی به مبدائی اصلی که آفریننده همه چیز است معتقد بودند و از مذهب خویش لزوم فعالیت و امید و احساس مسئولیت فرد و اندیشه درست و نیز سلحشوری و جنگجویی و احیاناً ستیزه جویی و کشورگشایی را الهام می‌گرفتند.^(۲)

با توجّه به مطالب فوق باید گفت: ورزش و تعلیم و تربیت نزد ایرانیان از اهمیتی ویژه و مقدّس برخوردار بوده است. ضعف را نشانه پلیدیها و پلیدیها را معرف حضور اهریمن می‌دانستند و در مقابل آن سلامت و قدرت را نشانه پاکیها و پاکها را نشانه خدا می‌دانستند؛ و هرگاه نزد قومی پاکیها و سلامتی اهمیّت داشته باشد و بدان عمل کنند، هیچگاه دچار پلیدیها و ضعف و سُستی نخواهند شد؛ در واقع به درستی زندگانی می‌کنند، از حیات بهره می‌گیرند و راه تکامل می‌پیمایند.

در ایران باستان ورزش و تربیت بدنی از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار بوده است و همانطور که گفته شد این اهمیّت ویژه هم از دین رسمی ایران، زردشت، نشأت می‌گرفت و هم ضرورت دفاع از آب و خاک و آداب و رسوم و فرهنگ ملی ایجاب می‌نمود تا سربازان و ملّتی سلحشور و مبارز در این راه تربیت شود. لذا ایرانیان باستان به انواع ورزشها و مهارتهای ورزشی مجهز بودند: دکتر جواد کریمی در کتاب نگاهی

۱- «آموزش و پرورش در ایران باستان»، تألیف: علیرضا حکمت.

۲- van dalen. A world History of ph.Ed. (1953), p.30

به تاریخ تربیت بدنی جهان، چنین آورده است:

«هرودت مورخ مشهور یونانی می نویسد: ایرانیان از پنج سالگی تا بیست سالگی سه چیز را می آموختند: ۱- سواری، ۲- تیروکمان، ۳- راستگویی. جوانان تمرینات روزانه را از طلوع آفتاب با دویدن و پرتاب سنگ و پرتاب نیزه آغاز می کردند و از جمله تمرینات معمولشان ساختن باجیره اندک و تحمل گرمای بسیار و پیاده روی های طولانی و عبور از رودخانه، بدون تر شدن سلاحها و خواب در هوای آزاد بود. سواری و شکار نیز دو فعالیت معمول و رایج بود و جستن بر روی اسب و فروپردن از روی آن در حال دویدن و به طور کلی سرعت و چالاکی از ویژگیهای سوارکاران سواران نظام ایران بود. اسب سواری: ایرانیان عهد باستان دلبستگی زیادی به اسب داشته و او را همانند عضو خانواده خود می پنداشتند و به هنگام نیایش برای او نیز مانند سایر اعضا خانواده خود دعا می کردند. اهمیت اسب در زندگی مردم ایران باستان چنان بوده است که نام بسیاری از سلاطین نامدار با کلمه اسب ترکیب یافته است، مانند:

لهراسب (اسب تندرو)، تهماسب (دارنده اسب زورمند) و ارجاسب (دارنده اسب بالارج). اختراع دهنه، نعل، زین، و رکاب به ایرانیان نسبت داده شده. ارباب رانی در ایران باستان قسمت مهمی از برنامه جشن مهرگان «که به افتخار مهر فرشته روشنایی برگزار می شده» بوده است. یونانیان، مسابقه مذکور را از ایران و رومیان از یونان اقتباس کرده اند - بارنجام به: تاریخ فرهنگ ایران نوشته دکتر عیسی صدیق ص ۶۳ - تیراندازی و شکار: پس از آموزش اسب سواری، تعلیم تیراندازی و شکار آغاز می شد. کمان بلند و تیرهایی از نی و نیزه کوتاه - زوبین - از وسایل شکار و تیراندازی ایرانیان بود. از آموختن تیراندازی و شکار به کودکان در شاهنامه سخن بسیار رفته است و از داستانهای شگفت انگیز هنرمندی بهرام گور نیز در تیراندازی آگاهی داریم.

چوگان بازی: یکی دیگر از برنامه های تربیت بدنی در ایران باستان چوگان بازی است که ایرانیان را مبدع آن می دانیم. کودکان پیاده و جوانان سوار بر اسب به بازی چوگان می پرداختند و بدان عشق می ورزیدند. بازیهای کریکت انگلیسی و گلف که از ورزشهای متداول و پر طرفدار در سراسر دنیای امروز است؛ از بازی چوگان ایرانی مایه گرفته اند.

شنا: از دیگر برنامه های با اهمیت ورزشی در ایران باستان تعلیم شنا به کودکان بود. آموزش شنا عموماً در شهر و رودخانه انجام می شده و هدف نظامی نیز داشته است. استرابون نوشته است که ایرانیان به اطفال خود گذشتن از نهرو رودخانه را بدون تر شدن سلاح و جامه تعلیم می دادند.^(۱) علاوه بر ورزشهای مذکور، ایرانیان به مهارتهای ورزشی نظامی دیگری از قبیل: کمداندازی، پرتاب نیزه، شمشیرزنی، نیز مجهز بودند. شمشیرها و سپرهایی که در جنگها به کار می رفت، چنان سنگین و پروزن بود که استفاده از آنها، مستلزم نیروی زیاد و عضلاتی ورزیده بود؛ به طوری که یکی از خواستهای

اصولی ایرانیان باستان از خدای خود، نیروی تن بود. ^(۱) بدین ترتیب ورزش و تربیت بدن راه خود را به عصر بعد از اسلام نیز گشود و طریقه فتوت و جوانمردی نیز با سلامت و نیروی بدن همراه گردید. شاطران و عیاران پای به میدان گذاردند. شاطری، همان دوندگی بوده است که به صورت حرفه به کار می رفته و از مهارت‌های حائز اهمیت ورزشی به حساب می آمده است. در این رابطه در چند دهه گذشته در زورخانه ها، یکی از حرکات ورزشی، شلنگ بوده، که آلت این ورزش تخته ای به طول ۲ متر و عرض ۳۰ سانتیمتر بوده است. این تخته را به طور شیب دار کنار گود زورخانه می گذاردند و شلنگ - اندازان با قدمهای بلند، از روی آن به طرف بالا می پریدند تا پاهایشان به منظور شاطری تند و سریع شود. ^(۲) مرحوم حسین پرتو بیضایی در کتاب تاریخ ورزش باستانی ایران - زورخانه - گفتار هشتم، فن شاطری - در قرون گذشته، ص ۶۵ - چنین آورده است: «... چنین به نظر می رسد که فن شاطری بدو در زورخانه ها به صورت ورزش و تمرین که همان شلنگ اندازی باشد، شروع و بعد از قوت گرفتن پاها، در خارج از زورخانه به صورت پیشه و شغلی که آن را شاطری می گفته‌اند در می آمده و در آن ایام بهترین وسیله سریع السیر برای نامه رسانی و گرفتن و دادن اخبار همین طبقه بوده اند و اگر چه پس از اختراع تلگراف و رواج چاپارخانه در ایران، این حرفه از بین رفته، لکن تا اواخر سلطنت - ناصرالدین شاه قاجار اداره ای به نام شاطرخانه در دربار سلطنتی دایر بوده ... ^(۳) پس ورزش و تربیت بدن از ایران باستان به ایرانیان عصر حاضر به ارث رسیده که به راستی این فرزندان خلف، کماکان در حفظ آن کوشیده اند؛ تا جایی که ورزیدگی و قهرمانی در میزان اجتماعی امروز، یکی از افتخارات و نکات مثبت اشخاص به شمار می آید. علاوه بر آن، در عصر ما که عصر تمدن و علم خواننده می شود؛ ورزش از علوم با اهمیت تلقی شده و در محیطهای آموزشی از جمله در دانشگاه ها راه پیدا کرده و مانند دیگر علوم، از درجات و مدارجی مانند، لیسانس، فوق لیسانس، دکترا و ... برخوردار گردیده است. استادان در این مقوله کتب بسیار نوشته و یا تألیف کرده اند. دانشمندان نیز در مورد آن، تحقیقات و آزمایشات گسترده ای به انجام رسانده اند و اثرات ورزش را در سلامتی بدن، بهبود وضع اجتماعی، رفتارهای ورزشکار در ترمهای جامعه و ... و ... روشن ساخته‌اند.

مقدمه ای در زمینه شناسی ورزش

مبدأ ورزش: همان گونه که تعلیم و تربیت در جوامع کهن، غیر مدون بود و انسان اولیه در دنیایی از تجارب طبیعی می زیست، ورزش نیز شیوه ای تجربی و غیر مدون دارا بود. بنابراین مراد از ورزش در

۱- پژوهشی در ورزشهای زورخانه ای نگارش: محمد مهدی تهرانی.

۲- پژوهشی در ورزشهای زورخانه ای نگارش؛ محمد مهدی تهرانی.

۳- (محمد حسن خان اعتماد السلطنه)، مؤسسه (شاطرخانه) را در صفحه ۳۷ فهرست ضمیمه کتاب: «المأثر والاثار» که در سال

۱۳۰۶ (ه. ش.) به تألیف در آورده، ذکر نموده است.

این مبحث، بیشتر جنبه های فیزیک بدن می باشد، نه اهداف عالیه ای که امروزه در رشته تربیت بدنی و یکی از شاخه های اصلی آن موسوم به ورزش گنجانیده شده است. پس اگر ورزش را با توجه به تعریف ساده آن، صرفاً حرکات بدن در نظر بگیریم می توان درباره مبداء آن چنین گفت:

آن چه مسلم است پیدایش ورزش با تاریخ پیدایش بشر در دوره چهارم زمین شناسی همراه و همزاد بوده است. چراکه انسان نخستین به منظور بقا و ادامه نسل خود، ناگزیر به انجام عملیات دشوار، حتی نسبت به عصر تمدن، ناچار به انجام عملیات محیرالعقول بوده است. آنان در غارها و جنگلها می زیستند، با حیوانات درنده می جنگیدند و در دامان طبیعت مخوف پرورش می یافتند... با پیشرفت دوره های متنوع کهن حرکات و انجام عملیات بدنی در چهار چوب مقررات خاص قرار گرفت. میادین مسابقات و رقابتها به وجود آمد و رفته رفته این مسابقات، بین دول مختلف صورت گرفت. میادین مسابقات و رقابتها به وجود آمد و رفته رفته این مسابقات، بین دول مختلف صورت گرفت و سرانجام جهانی شد.

اگر بخواهیم تعریفی جامع و مختصر از ورزش داشته باشیم، می توانیم بگوییم: ورزش شاخه ای از تربیت بدنی^(۱) است که خود مراحل نظیر تمرین کمی و کیفی، رشد مهارتی، قهرمانی و الگو را دربر می گیرد و تمامی این مراحل، به فواید مادی و معنوی که همان محبوبیت اجتماعی و مردمی است منتج می شود. گاهی نیز این محبوبیت از ورزشکار، یک شخصیت کریزمایی^(۲) می سازد و این مرحله همان تبلور رشد فرهنگی اجتماعی ورزشکار به شمار می رود. اما از نظر حیاتی می توان تعریفی ساده تر از ورزش را بیان نمود و گفت: ورزش در اصل حرکت است، در فیزیک بدن، به منظور استفاده درست از اعضاء و جوارح بدن، به منظور برخوردار گردیدن از سلامت - فکر و روان و به منظور در جریان تکامل زندگانی قرار گرفتن. البته تربیت بدنی، تفریحات سالم و ورزش با هدفی مشترک عمل می کنند و آن عبارت است از: تأمین تندرستی، سعادت و همبستگی انسانی در جامع کُلی گره زمین.

مقصود از ورزش: در توضیح مطلب باید چنین بیفزاییم که قوی شدن و کسب مهارت های ورزشی نباید در گنه خود مقصودی جز سلامت فرهنگ و شعور اجتماعی داشته باشد. اگر در ازمنه قدیم ورزش رابه - منظور قوی شدن برای جنگیدن به کار می بردند؛ آن جنگیدن در خدمت سلامت جامعه به کار می رفت. زیرا سربازان و مردم ورزیده در برابر نیروی خصم می ایستادند، تا از ناموس، شرافت، جان و آب و خاک خویش دفاع کنند. پس آن رزم و ورزیدگی ماهیتی مثبت و نفسی سلامت دارا بود. اما اگر ورزش کنیم

۱- تربیت بدنی در برگرفته واحدهای متنوعی است؛ از جمله: یادگیری های حرکتی، رشد و تکامل، زیست شناسی، آناتومی...

فیزیولوژی بیومکانیک، تغذیه، جامعه شناسی، روانشناسی و ...

۲- شخصیت کریزمایی همان شخصیت مورد قبول و مهر و محبت مردم است مانند شخصیت «غلامرضا خانی» در سری مردم ایبار.



رژه تیم ایران در مسابقات المپیک آسیایی ۱۹۷۰ (بانکوک)
 پرچمدار ایران: «عبدالله موحد» دلاور طلایی ایران.
 رئیس تیم بزرگ ۱۳۷ نفری ایران: «رضاکاشفی» [که در پشت سر «عبدالله موحد» دیده می شود].

پرچم المپیک: پرچم المپیک در سال ۱۹۲۰ (م.م) به وجود آمد. این پرچم سفید رنگ در وسط، دارای ۵ حلقه در هم رفته است [این حلقه هاسمبل همکاری و اتحاد ۵ قاره جهان می باشد]. رنگ - قرمز [آمریکا] - رنگ سبز [ایتالیا] - رنگ سیاه [آفریقا] - رنگ زرد [آسیا] - رنگ آبی [اروپا]

تا در راستای ضد ارزشهای یک جامعه گام بسپریم، زورگویی کنیم چشم تجاوز به ناموس، جان و مال دیگران داشته باشیم، اعمال ما در جهت مخالف ارزشهای درونی ورزش به کار گرفته شده است. به کار گرفتن قدرت بدنی در موارد نادرست و ضد میزانهای فرهنگی حرکتی ضد ورزش و قدرت به شمار می‌رود. این نکته راهی به سوی اخلاق و موازین قابل قبول قاطبه نفوس هر جامعه می‌گشاید. نکات بزرگ و برتر این اخلاق، گذشت، ایثار و مردم‌داری می‌باشد نه غرور، تکبر و قلندری و ضعیف‌کشی که اگر چنین باشیم در اوج، چهره‌های منفور و شخصیت‌های منفی از خود ارائه خواهیم داد. اما الگوی ارزشهای مثبت را در وجود اسوه‌هایی باید دید و درک کرد که همواره نامشان تبلوری از ارزشها و ثمرهای جوامع بشری به شمار می‌رود. چنین اسوه‌هایی در تاریخ بشریت بی‌شمار است؛ لیکن تعدادی از آن عزیزان پر ارزش به بهانه ورزش و پهلوانی شهره‌عام و خاص گشته‌اند که در بخشهای پیشین نام این عزیزان ذکر گردیده است. این مردان تاریخ مردانگی نفس پهلوانی را درک کرده و به جان خریدند، یعنی که در میادین نبرد قهرمان بوده‌اند و در میان مردم، پهلوان از طرفی می‌دانیم ورزش و نفس آن که خوبی - است محدود به یک شهر و دیار نمی‌شود و به تمامی اقوام، نژاد و ملل مربوط می‌شود. پس یک قهرمان می‌تواند برای مردم جهان یک الگوی شخصیتی رفتاری باشد. از این رو نباید در مورد ورزش و ورزشکاران ساده‌انگاری نمود؛ بلکه باید در این امر خطیر و جهانی توجهات خاص مبذول شود تا نوجوانی که قدم به عرصه ورزش می‌گذارد، فلسفه و روح ورزش را درک نماید، بداند که ورزش وسیله است نه هدف، وسیله‌ای است برای نیل به مقصود انسانی در راه تکامل سلامت جهانی و تحکیم مبانی اخلاق و ...

مبداء المپیک

آن گونه که در خیر است المپیک مبداء بسیار قدیم دارد؛ اما بر طبق تاریخ مکتوب و ثبت شده، مبداء و آغاز المپیک را ۷۷۶ (ق. م.)^(۱) و آغاز گران بازیهای المپیک را یونانیان می‌دانند. بدین ترتیب که ابتدا این بازیها، بین خود یونانیان انجام می‌شد که در آن اسپارت و آتن شرکت می‌جست، اما بعدها، این بازیها به دیگر ملت‌ها نیز سرایت نمود و رفته رفته بازیهای المپیک شکلی جهانی به خود گرفت.

وجه تسمیه المپیک و چگونگی اجراء بازیهای المپیک

کوه المپیداد در سرزمین یونان واقع شده است. یونانیان به نام یکی از خدایان دوازده‌گانه خود جایگاهی در المپ قرار دادند، آنگاه در این مکان مقدس مسابقات ورزشی به راه انداختند. به طوری که این مسابقات در هر چهار سال یک بار تکرار می‌شد. در این میان بازار مکاره، شعر و شاعری و هنر نیز به میادین المپیک راه یافت. یونانیانی که در بازیهای المپیک شرکت می‌جستند، سریع و سبک بودند و تنها لنگی به دور کمر می‌بستند. در یکی از مسابقات دو، لنگ دور کمر یکی از دوندگان باز شد و افتاد.

۱- قبل از میلاد مسیح (ع): (B.C.)

اما شخص دونده بی اعتناء به این ماجرا، کار خود را ادامه داد و برندهٔ مسابقه شد. یونانیان با مشاهدهٔ این جریان وجود لُنگ را نیز دست و پا گیر تشخیص دادند و از آن پس ورزشکاران لُخت و عور در میدانی المپیک حاضر می شدند. لذا حضور زنان در المپیک ممنوع گردید و اگر زنی برای تماشای این بازیها در المپیک دیده می شد، دستگیر و اعدام می گردید.

روم و بازیهای المپیک

آن زمان که پای سایر ملل به مسابقات المپیک گشوده شد. رومیان با اشتیاق تمام در این بازیها شرکت می جستند. اما پس از اینکه در جنگ، روم بر یونان پیروز گشت، نتوانست شکست در بازیهای المپیک را از کشور مغلوب تحمل نماید؛ لذا به فرمان تئودوسیوس^(۱) امپراطور روم شرکت در بازیهای المپیک منع شد^(۲) و این در حالی است که نام «رُم» همواره مبارزات بردگان آن سرزمین و میدانی خونبار- رزم گلاادیاتوری را به یاد می آورد. رومیان بردگان را در میدانی نبرد، آمفی تئاترها به جان یکدیگر می انداختند و غالب اوقات با یک اشارهٔ دست یا سر، فرمان قتل گلادیاتور مغلوب صادر می شد. چنین بود که در پایان رزم، شخص غالب نفر مغلوب را می کشت و یابه میل اربابان خود، جان او را می بخشید. اینجاست که باید اذعان نمود که رومیان رفتاری بر خلاف روح المپیک از خود بروز می دادند. آنها بازیهای المپیک را به خاطر جنگ تعطیل می کردند، در حالی که یونانیان به خاطر المپیک جنگها را متوقف می ساختند و نمونه های این حرکت مثبت و سازگار با روح المپیک در قرون ۱ - ۲ (ق. م.) از جانب یونانیان به دفعات دیده شد.

روح و فلسفهٔ بازیهای المپیک

در سالهای آغازین بازیهای المپیک، بر قرار کردن این مسابقات برای برگزارکنندگان آن، قدرت و مناصب حکومتی به چنگ می آورد. به طوری که هر کس مسابقات بیشتری برگزار می نمود، در احراز

۱ - Theodosius

۲ - کریمی جواد. نگاهی به تاریخ تربیت بدنی جهان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴، ف اول، ص ۵۰.

در فصل اول، صفحه ۵۰ کتاب مذکور چنین آمده است:

« در سال ۳۹۴ پس از میلاد (زمانی که رومی ها یونان را به تصرف خود در آورده بودند، در حالی که دو سال از برگزاری دویت و نود و سومین المپیک سپری شده بود، مسابقات المپیک به دستور «تئودوسیوس» امپراطور روم تحریم و تعطیل شد. این تعطیل قریب هزار و پانصد سال ادامه یافت و سرانجام در سال ۱۸۹۶ میلادی با همت و کوشش «پیردوکرین» * فرانسوی بار دیگر برگزاری بازیها المپیک از سر گرفته شد ...

* Pier do Corban

آراء بیشتر، از مردم موفق تر بود و در نتیجه به مناصب بالاتری دست می یافت. لیکن این سوءاستفاده‌ها توسط اربابان زر و زور با فلسفه و روح المپیک سازگاری نداشت. از این رو رفته رفته المپیک به روح و فلسفه راستین خود نزدیک می شد؛ چراکه سرزمین یونان مهد پرورش معلمان بزرگ فلسفه و دیگر علوم مشابه بوده است: سقراط بزرگ، افلاطون متفکر، ارسطو این معلم جاودانه بشر، گزنفون^(۱)، ... و دیگر متفکران و روشنگران عزیز در روشنی بخشیدن به افکار مردم و شکوفا گردیدن علوم تأثیری شگرف دارا بودند. رومیان نیز از انوار بی دریغ این خورشیدهای بشری بی بهره نماندند. تا جایی که در این دیار، دوره تجدید حیات فرهنگ اروپا شکل می گیرد و روم چون خورشیدی تابان بر - تارک کاخ جهان، پردرخشش می شود و از همین سرزمین است که «لئوناردو داوینچی» - ها^(۲)، «رافائل» ها^(۳)، «میکل آنژ» ها^(۴) و ... پیام آوران هنر و شگفتیهای دانش بشری می شوند؛ تمدن نوپایه - ریزی می گردد و بشر مترقی می شود که یکی از مظاهر تمدن نو، در این است که پیوسته در بازیهای المپیک دوستی‌ها افزایش می یابد، قهرمانان و توانمندان دلاور با پوششهای متحدالشکل، از هر قوم و نژاد، از هر رنگ و فلسفه، از هر عقیده و مسلک و طبقه، همه و همه یکسان و همگون، دوش به دوش هم در معنای اتحادی مقدس و انسانی، دلاورانه به رقابت می پردازند. از مسایل و مشکلات یکدیگر با خبر و در شادبیا و دردها انسانی هم شریک می شوند. همان گونه که جهان پهلوان تختی و قهرمان بزرگ شوروی الکساندر مدوید با هم گریستند و یک صدا خندیدند که در نتیجه آن، مردم ایران و جهان نیز یک صدا ندای ای انسان سر دادند؛ که این همصدایی و اتحاد، همان فلسفه و روح المپیک است.

ورزش در دامان ضد ارزشها

ارزشها در خطر سقوط به ضد ارزشها قرار دارند. به عبارت دیگر ارزشها و ثمرهای اجتماعی بر لبه تیغ ایستاده اند که اگر در راستای راستین خویش ره نسپرنند به ورطه ضد ارزشها سقوط خواهند نمود. آنجا که یک انسان با قاموس وجود برخاسته از شرافت انسانی، قدم در عرصه ورزش می گذارد و متناسب با رشته انتخابی خود تمرینات و حرکاتی خاص را انجام می دهد تا سر آمد شود، می رود تا ارزشی را بیان کند. بر سکوی قهرمانی جای گیرد، طلا آویز سینه گردد، پرچم کشورش برافراشته شود، سرود ملی اش نواخته شود و بدین وسیله در همدستی و اتحاد با دیگر بلاد همصدا و هماهنگ، ندای یکرنگی و یکی بودن سر دهد. اما اگر همین ورزشکار در حرکتی ضد ارزش قرار بگیرد و به منظور احراز مقام و عنوان قهرمانی به هر وسیله ای چنگ در آویزد و متمسک داروهای محرک و انرژی زا شود، دیگر از

۱ - xenophon

۲ - leonard - da - vinci

۳ - Rephael

۴ - Michelangelo

ارزش انسانی خود تهی می‌گردد. این سیاست و شیوه غیراخلاقی و غیر قانونی نکته عطف تراژدی و عمق فاجعه ای است که انسانها را از ارزش تهی و به صورت ماشینهای قدرت تبدیل خواهد نمود. در همین نکته عطف است که ورزشکار ضد ورزش با انواع ترفند و غیر ترفند پردوام می‌ایستد؛ در راه نیل به مقصود از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند و با تکیه بر اصل: هدف، وسیله را توجیه می‌کند؛ هر خار و خاشاکی را دست آویز قرار می‌دهد. حتی بر خلاف قانون ممنوعیت دوپینگ از داروهای محرک و انرژی زا استفاده می‌کند. اینجاست که باید گفت: هدف و آرمان اصلی ورزش از کف می‌رود. چرا که ورزشکار از همان آغاز ورزش جز به مدال طلا نمی‌اندیشد. به عبارت دیگر در ذهن ورزشکار ضد ورزش، یک مدال از چنان ارزشی برخوردار شده است که به منظور دست یافتن بر آن، ارزشهای اجتماعی و انسانی را زیر پا می‌گذارد. اینجاست که داروهای مخرب اعصاب و هورمونهای انرژی زا رُخ نشان می‌دهد؛ خانمان براندازی می‌کند، سینه‌های گرم و پر شور انسانها را به لرزه در می‌آورد، روح بشریت را به تسخیر می‌کشاند؛ اشکها را از دلهای محزون جاری می‌سازد و اسباب نامرادیهای بسیار فراهم می‌آورد.

چگونه شد که دوپینگ کردن توسط بشر معمول شد؟

می‌دانیم که اسکندر مقدونی به دنبال آب حیات قدم به سرزمین ظلمات گذارد. با سختیها و تاریکیها مبارزه کرد؛ اما راهش به شکست منتهی شد.

محمد بن زکریاری رازی سالیان سال در راه دست یافتن به اکسیر اعظم کوشید تا فلزات کم بهاء را به طلا تبدیل کند، لیکن هر چه بیشتر جست‌وجو می‌کرد. القصة که از ابتدای پیدایش نوع انسان، در دوره چهارم زمین شناسی بشر همواره مرگ را فاجعه هستی خود می‌دانست و در صدد دفع آن برآمد. چگونه؟! بادست یافتن به راز حیات جاودانه، آب حیات! آمانشد. علم، بر بشر هویدا گشت و چهاراسبه به جلو تاخت. دوره‌های متنوع علمی یکی پس از دیگری راه تکامل می‌پیمود، ... قرون وسطی زیر پاهای سنگین و پیشرو عصر رنسانس خورد و خاکشی شد ... اختراعات مختلف، اکتشافات خارق العاده پدید آمد، هزاران تُن فلز چون گنجشکی سبک وزن در آسمانها به پرواز در آمد. پس از ساختن گالریهای ساده و کوچک، نوبت به ساختن کشتیهای بزرگ، ناوگانهای جنگی و ... رسید. بشر به زیردريا رفت، اژدر افکن، موشک، بمب و هزاران وسیله دیگر ساخت و اینک ماهواره‌ها، قمرهای مصنوعی و جنگ ستارگان، اما همین قدرت استثنایی اشرف مخلوقات در برابر یک وقفه ساده جریان خون عاجز است و به یکباره او را به زیر خروارها خاک فرو می‌کشد و تمام. پس چه باید کرد؟! دانشمندان در آزمایشگاه‌های خصوصی، دولتی، دانشگاهی و ... به فکر افتادند، اما به جای دست یافتن به راز مرگ و کشف آب حیات به دامان هلاکت و مرگ سقوط کردند ... و چنین شد که داروهای آرام بخش، محرک و لذت آور و انرژی زا به بازار سرازیر گشت. سالمندان محزون، تنها با استفاده از چنین داروهایی چند ساعتی در شمع و احساس جوان بودن به سر می‌بردند و پس از زایل گشتن اثر دارو ناگهان استرسهای عصبی به آنان دست می‌داد و سراسر بدنشان به درد و ناراحتی مبتلا می‌گشت. پس اشخاص مزبور،

دوباره، سه‌باره و ... به داروهای شیمیایی پناه بردند و بالاخره در دام مخوف و مهلک اعتیاد گرفتار می‌گشتند ... دلان و قلدان ثروت از داروهای تستسترون استفاده کردند و با تزریق آمپولهای آن به حیوانات دونه، در شرط بندیها، پیروز می‌شدند و مسابقات را می‌بردند این بود که رفته رفته استفاده از هورمون تستسترون به ورزشکاران نیز سرایت نمود و بشر جوینده آب حیات بادستی پُرآب مرگ پای به میادین قهرمانی و زندگانی روزمره گذارد. چنین شد که بشر، این اشرف مخلوقات دچار سرنوشتی آمیخته به تراژدی گردید. اما ورزش، در نفس و ماهیت، خود امری مثبت و ضروری به شمار می‌رود؛ آن چنان که هر جامعه و ملت، با ورزش می‌تواند وجودی سالم و فعال داشته باشد. بنابراین ورزشکاران و نخبگان ورزش، خود از عناصر سالم جامعه می‌باشند که تأثیر مثبت و مستقیم بر جامعه خویش دارند؛ چراکه ورزش ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد، از جمله: ابعاد فرهنگی، اجتماعی، روانی، شخصیتی، رشد و تکامل و ... ورزشکار با روح و روان ورزشکارانه خویش به اصول اخلاقی و اجتماعی قومی خود توجه می‌کند و همواره به ارزشهای معمول و میزانهای مورد قبول عامه مردم احترام می‌گذارد. حتی در بیشتر موارد، خود الگوی عملی این ارزشها قرار می‌گیرد و رفته رفته به صورت یک شخصیت مقبول اجتماعی، اسوه می‌گردد. پس اگر در جامعه ای ورزش کردن در شرایط طبیعی خود، همگانی شود، بدون تردید آن جامعه به وادی تندرستی جسم و روان ره می‌یابد و دیگر قهرمان شدن برای چنان جامعه ای یک ارزش مطلق نیست که به منظور دست یافتن به عنوان قهرمانی و احراز مدال طلا خود را به آب و آتش بزند و به هر دست آویزی متمسک گردد. بلکه مردم این قبیل جوامع می‌دانند که ورزش یک وسیله است؛ نه یک هدف. حال اگر کسانی در این راه سرآمد جهانیان شدند، بسیار نیکو و امری افتخار آمیز می‌باشد. اما قرار نیست هر ورزشکاری سکودار قهرمانی شود. ورزش در شرایط طبیعی، امری است سالم در راستای سلامت و رشد جامعه که سبب تحکیم مبانی اخلاق و ایجاد فرهنگی سالم با فاکتورهای درست آن می‌گردد و قهرمانانی که در چهار چوب ارزشهای قابل قبول عامه، سکودار میادین مسابقات می‌گردند، از ارزشی والا و قهرمانانه برخوردارند.

تاریخچه ای از اولین تشک و باشگاه کشتی در کرمانشاه

تکامل روندی است علمی که تمامی پدیده های طبیعت و جهان خلقت را در بر گرفته است. پدیده ها، اکتشافات، اختراعات و ابداعات نیز از این فرمول و قاعده علمی مستثنی نیست. اگر به تحولات گوناگون نظری بیفکنیم و در آنها به تحقیق بپردازیم. خواهیم دید هر پدیده و هر موضوعی در دامان تکامل خویش به رشد و نضج ادامه داده است تا به مرحله ای از اوج رسیده است. به عنوان مثال، هنر، صنعت، مسایل اجتماعی، دینی، سیاسی، نظامی، رزمی، همه و همه در سیر تحولی خاص قرار داشته و دارند. چراکه اصولاً، رشد بدون حرکت نمی‌شود و حرکت تکاملی را در پی دارد. در مورد ورزش و کشتی و ... نیز همین امر صادق است. ورزش ابزاری طلب می‌کند و ابزار خود، روز به روز جانب پیشرفت را به دنبال دارد و تکامل را نیز، پس می‌توان گفت: ورزش و ابزار آن در سیر تحولات خود مراحل را پشت سر گذارده تا به صورت امروز خویش در آمده است. کشتی ابتدا بر زمین سخت،



محل : باشگاه نوکلی زمان : سال ۱۳۲۵ (ه. ش. ۰)
 عنوان مسابقه : مسابقات کشتی بی وزن استان پنجم - توضیح اینکه : در عکس (علی اشرف زهتابان) از قهرمانان
 و پیش کسوتان کشتی دوبندی کرمانشاهی در حال اجرای فنّ کُنده بر حریف نشان داده می شود. نتیجه : برنده
 (علی اشرف زهتابان) در وزن سوم کشتی آزاد.

آنگاه بر خاک نرم، سپس بر پوشال و چیزهایی از این قبیل انجام می شد. رفته رفته از همین اشیاء طوری در کف گود زورخانه ها استفاده می شد که برای پهلوانان و کشتی گیران حداکثر ایمنی تأمین گردد. تا اینکه کرک قالی در دولا به پارچه برزنت دوختند و آن را از پوشال و ... پُر کردند و دیگر از آن خاک برنخواست. چنین تشکی، برای نخستین بار، در سال ۱۳۰۳ (ه. ش.) توسط حاج عبدالحسین فعلی^(۱) در تهران تهیه شد. در خطه غرب نیز به علت عدم دسترسی دوستان کشتی به چنین تشکلهایی؛ در سال ۱۳۲۶ - (ه. ش.) بنیان گذاران کشتی جدید در کرمانشاه، همچون: روح الله محلوجی، علی اصغر جهانسون، نصرت الله کامکار، محمد ایرانی و ... در گونیهای خالی، شلتوک برنج ریختند و روی آنها کشتی گرفتند. چون بدنشان مجروح و زخمی می شد، بر گونیهای پر از شلتوک، رویه پارچه ای کشیدند. سپس رویه را از برزنت انتخاب کردند.

این تشکلهای ابتدایی، وسیله عزیزان نامبرده، در همان سالهای آغازین کشتی دوبندی در کرمانشاه، در اتاقهای کوچک و انبارهای مدارس از جمله: در مدرسه ملّی داریوش^(۲) انداخته شد. خبر این ابتکار دهان به دهان در شهر منتشر گشت و علاقمندان، به مدرسه داریوش هجوم آوردند. مدیر مدرسه، حاج عباس کامکار که این استقبال جانانه را از سوی جوانان شهر خود مشاهده نمود. اتاق بزرگتری در اختیار بنیان گذاران قرار داد. بدین منوال روز به روز به تعداد کشتی گیران دو بندی افزوده می گردید.

باشگاه مهدی رئوفی معروف به: باشگاه توکلی نخستین باشگاه رسمی کرمانشاه

در سال ۱۳۲۴ (ه. ش.)، مهدی رئوفی که از علاقمندان پر و پا قرص ورزش و تندرستی بود. زمینی در حدود ۲۵۰۰ مترمربع از شخص متمولی موسوم به حاج توکلی به اجاره گرفت و در زمین مذکور که در خیابان رفعتیه واقع بود؛ [به کمک مالی: مرحوم حبیب الله زارع - ناجی - اکبری - بیژن میرزاده - محمدعلی طاهر - نادم - نوری - مرحوم حاجی بشیری و محمدتقی خسروی^(۳)] باشگاهی کامل از هر نوع ورزش به غیر از فوتبال راه اندازی نمود. همچنین وی در این امر مهم از وجود پشتیبانان بسیاری مانند: محمدایرانی، علی آقارزان، سید ابوالقاسم اجاق، علی قلی - جهانسون، علی اصغر جهانسون و همچنین پیشکسوت ارزنده کشتی دوبندی، محمد آهنچی بر خوردار بود. بدین ترتیب نخستین تشک رسمی کشتی دوبندی در شهر کرمانشاه دایر گردید.

۱- حاج عبدالحسین فعلی، متولد سال ۱۲۷۷ (ه. ش.) مربی و استاد حسن سعدیان [به ارمغان آورنده نخستین مدال

جهانی برای ایران] و استاد جهان پهلوان غلامرضا تختی و ...

۲- این مدرسه در سال ۱۲۹۲ (ه. ش.) توسط حاج عباس کامکار معروف به: مدیر عباس تأسیس گردید.

۳- محمدتقی خسروی متولد ۱۲۹۹ (ه. ش.) در شهر کرمانشاه، دارای گواهینامه دآوری درجه یک بین المللی وزنه برداری و ...

در این گیر و دار، گه گاه در زمان مسابقات، در سالن مدارسی چون: مدرسه کزازی، دبیرستان ملی اتحاد و ... تشک کشتی انداخته می شد و آغاز گران کشتی دوبندی در کرمانشاه، مانند: محمدایرانی، نصرت الله کامکار، روح الله محلوجی، ولی الله محلوجی، رضا جاهد، حاج قاسم - الماسوندی، قاسم یوسف پور، ناصر منتظری، مصطفی تیمورپور، جهانبخش نجفی، حشمت الله قاسمی، یدالله الهی، خلیل جوادیان، جهانگیر پیری، محمود سنگدل و ... در این اماکن، در مسابقات قهرمانی شرکت می جستند. در این رهگذر محمد آهنچی از جان و دل مایه می گذاشت تا کشتی دوبندی در کرمانشاه جا بیفتد و هموطنان دیگری از جمله: حسن سعدیان نخستین طلاوایز جهانی از ایران و رهی آذری به صورت میهمان به خیل بنیان گذاران کشتی جدید در کرمانشاه پیوستند و هر کدام مدتی در کرمانشاه به تعلیم و آموزش کشتی پرداختند.

پس از مربی ارزنده محمد آهنچی و مربیان میهمان، حسن سعدیان و رهی آذری، در این جریانات پیچیده، کشتی گیران به یک مربی رسمی نیازمند بودند تا مسابقات و آموزش رسمی داشته باشند. با درک این نیاز عقلایی و قانونی، این آغازگران به اداره تربیت بدنی و استانداری کرمانشاه مراجعه نمودند، لیکن به مطلوب نرسیدند. مقارن با این زمان، بخشنامه ای به دست عزیزان آغازگر رسید بدین مضمون که یکی از کشتی گیران می تواند در کلاس مربیگری شرکت نماید، مشروط بر اینکه هرگز در مسابقات قهرمانی شرکت نجوید. پیش کسوتان آغازگر نیز تصمیم گرفتند آقای فریدون - کمالی را که به تازگی به استخدام آموزش و پرورش در آمده بود به کلاس مربیگری بفرستند و چنین شد که نامبرده به عنوان اولین مربی رسمی کشتی دوبندی کرمانشاه شناخته شد و اکنون نام پرآوازه فریدون - کمالی همواره در سینه بسیاری از قهرمانان کرمانشاهی با کلام مهر و محبت حکاکی شده است.

دومین باشگاه کرمانشاه، باشگاه ورزشی بهداری ۱۳۲۵ - ۱۳۳۲ (ه. ش.)

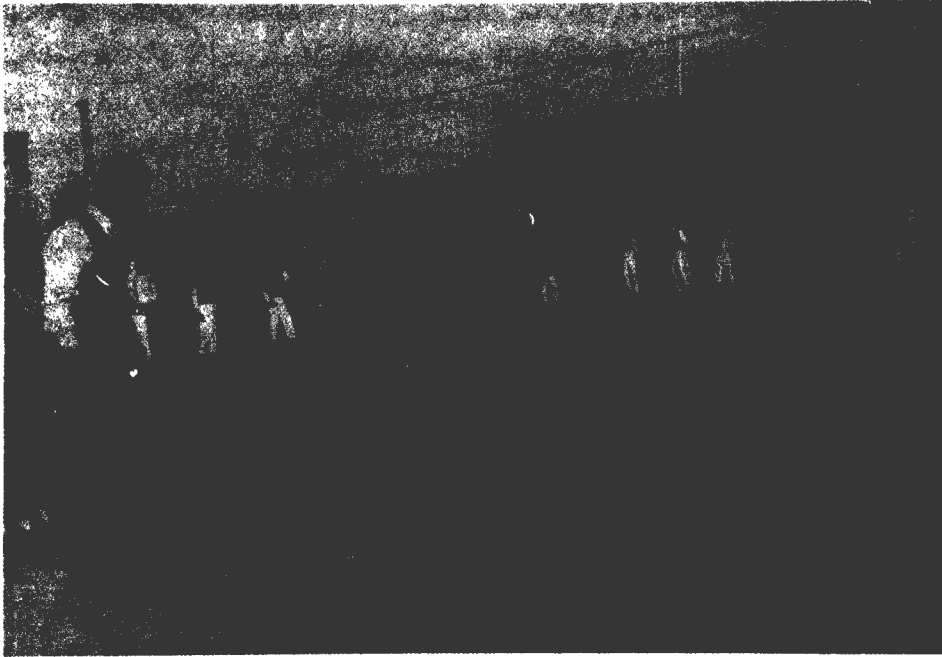
در سال ۱۳۲۵ (ه. ش.) یکی از کارمندان برومند بهداری کرمانشاه موسوم به: محمد تقی خسروی در خیابان شیر و خورشید سابق [هلال احمر] در محل بانک خون فعلی اقدام به تأسیس باشگاه ورزشی نمود. این باشگاه دارای رشته های متنوع ورزشی از جمله: والیبال، پارالل، بارفیکس، وزنه برداری، پینگ پونگ و کشتی بود. کشتی گیران این باشگاه با رنج و مرارت بسیار بر تشکی از پوشال و شلتوک برنج به تمرین مداوم می پرداختند. اما در اثر اقدامات مردان شایسته و علاقمند مدتی بعد، از سوی فدراسیون کشتی کشور با هماهنگی مرتضی نبوی تویسرکانی و به دستور ریاست وقت فدراسیون کشتی کشور تشک اصلی کشتی به کرمانشاه فرستاده شد. این تشک در سال ۱۳۲۹ در محل میهمانخانه بزرگ [پاساز قصر فعلی]، انداخته شد.

سومین باشگاه: باشگاه نیرودرستی

در سال ۱۳۳۲ (ه. ش.) بنابه پیشنهاد آقای محمدتقی خسروی باشگاه بهداری به باشگاه نیرودرستی تغییر نام و محل آن به جنب میدان شهرداری سابق انتقال یافت و در همان سال ۱۳۳۲ محل باشگاه مذکور به خیابان هلال احمر [محل فعلی آن] منتقل گردید و در رشته های: وزنه برداری - بدن سازی - چرخ سواری - والیبال و همچنین کشتی فعالیت ورزشی خویش را پی گرفت چنانچه نخستین قهرمانان وزنه برداری کرمانشاه از جمله: عباس احمایی، ابوالحسن تولایی، حاج حسن منتظر، محمد حسن - وندی، تقی رفیعی، حاجی مهرجو، علی میرزایی کرمانشاهی [در سالهای بعد در «تهران» به مقام داوری درجه یک بین المللی وزنه برداری نایل و به عنوان سرپرست «تیم» های ملی ایران در مسابقات المپیک و جهانی وزنه برداری برگزیده شد.]، دکتر محسن صادقی [که به مقام کشوری نایل، موفق به اخذ گواهینامه داوری بین المللی درجه یک و عضو تحقیق و آمار کنفدراسیون وزنه برداری آسیا گردید. در حال حاضر نیز نیابت ریاست فدراسیون وزنه برداری کشور را به عهده دارد.]، علی مرادی [دارای عنوان چندین دوره قهرمانی آسیا و در حال حاضر عهده دار ریاست فدراسیون وزنه برداری کشور است.]، عبدالله فاطمی [دارای قهرمانی کشور و آسیا و در حال حاضر مربی تیم ملی وزنه برداری کشور است.]، غلامرضا عجم [عهده دار ریاست فعلی هیئت وزنه برداری کرمانشاه] و... از این باشگاه برخوردارند. باشگاه نیرودرستی کماکان به فعالیت ورزشی خود در رشته وزنه برداری ادامه می دهد.

چهارمین باشگاه کرمانشاه موسوم به باشگاه شرکت کتیرا ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ (ه. ش.) عمر باشگاه مهدی رئوفی بیش از سه سال نبود، چرا که در اثر اختلاف مادی بین صاحب ملک و بنیان گذار نخستین باشگاه رسمی کرمانشاه، باشگاه مذکور تعطیل گردید. مهدی رئوفی نیز با عزم جزم به سراغ جایی دیگر رفت و در همان سال ۱۳۳۰ (ه. ش.) طبقه فوقانی شرکت کتیرا را واقع در سه راه نواب به اجاره گرفت. تشک در این باشگاه انداخته شد و کشتی گیران به تمرینات خویش ادامه دادند. اما به علت کمی جا، در سال ۱۳۳۱ (ه. ش.) این باشگاه نیز تعطیل شد. مهدی رئوفی کلیه وسایل و ابزار ورزشی را به آقای ابراهیم منشی زاده تحویل داد.

پنجمین باشگاه کرمانشاه موسوم به باشگاه شاهین ۱۳۳۱ - ۱۳۳۴ (ه. ش.) ابراهیم منشی زاده پس از تحویل گرفتن وسایل و ابزار ورزشی از مهدی رئوفی محلی را که پایین تراز میدان آیت الله کاشانی فعلی واقع در خیابان اصلی از شخصی موسوم به بانینانی به اجاره گرفت. این خانه دو حیاط داشت و محلی به نسبت مناسب به شمار می رفت تابستانها که هوا خوب و آفتابی بود، تشک کشتی را در حیاط عقبی می انداختند و به تمرینات خود ادامه می دادند.



یادبودی از مسابقات کشتی آزاد در کرمانشاه در مسیر تکامل کشتی دوبندی در خطه غرب .
در عکس «ناصر منتظری» در حال داوری تشک دیده می‌شود.

ششمین سالن کشتی - باشگاه البرز ۱۳۳۲ - ۱۳۴۳ (ه. ش.)

باشگاه البرز به همت آقای جواد حدیدی که خود از ورزشکاران پیش کسوت و دارای عناوین مختلف قهرمانی در رشته‌های مختلف ورزشی همچون فوتبال، تنیس روی میز، دو و میدانی و... به شمار می‌رود تأسیس گردید. این باشگاه علاوه بر رشته کشتی در دیگر رشته‌های ورزشی نیز خدمات بسیار دارا بوده است. [باشگاه البرز پیش از این به نام باشگاه المپ به مدیریت جواد رفیعی فعالیت داشته است.]

هفتمین سالن (۱) رسمی کرمانشاه در سالن کشتی شهر [برف خان]

در سال ۱۳۳۴ (ه. ش.) پس از بسته شدن باشگاه شاهین، سالن بزرگ طبقه فوقانی میهمانخانه بزرگ

۱ - چون در مکان فوق سالن مزبور صرفاً مخصوص کشتی بوده است، از این رو به عنوان «سالن کشتی» آورده شده است.

(۱) در اختیار کشتی گیران شهر قرار گرفت. در این سالن فریدون کمالی کار مربیگری را مُجدّانه ادامه داد. عباس عابدینی نیز به عنوان سرایدار در خدمت ورزشکاران قرار گرفت، این سالن خاستگاه قهرمانان آغازین کرمانشاه گردید و بدین ترتیب کشتی کرمانشاه در مسیر رُشد و تحولات خویش قرار گرفت. در سال ۱۳۴۴ پس از تعطیل شدن این باشگاه، ادامه تمرینات کشتی شهر به سالن کشتی تختی منتقل گردید. (۲)

۶ - سالن کشتی شهید عباس رضایی از «مجموعه ورزشی تختی» معروف به: سالن تختی

۷ - سالن کشتی شهید جوادیان از «مجموعه ورزشی شهید جوادیان»

۸ - سالن کشتی شهید دارابی از «مجموعه ورزشی آزادی»

۹ - سالن کشتی کیهانشهر از «مجموعه ورزشی سازمان تربیت بدنی کرمانشاه»

۱۰ - سالن کشتی صنعت نفت از «مجموعه ورزشی و تفریحی صنعت نفت»

۱۱ - سالن کشتی کارگران (۳) از «مجموعه ورزشی کارگران»

۱۲ - سالن کشتی هلال احمر از «مجموعه ورزشی هلال احمر»

۱۳ - سالن کشتی مخابرات

۱۴ - سالن کشتی اداره برق از «مجموعه ورزشی اداره برق»

۱۵ - سالن کشتی لشگر ۸۱ زرهی کرمانشاه از «مجموعه ورزشی لشگر ۸۱ زرهی»

۱۶ - سالن کشتی قرارگاه نجف اشرف از «مجموعه ورزشی سپاه پاسداران»

۱۷ - سالن کشتی دانشگاه رازی از «مجموعه ورزشی دانشگاه رازی»

۱۸ - سالن کشتی دانشگاه علوم پزشکی از «مجموعه ورزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه»

۱۹ - سالن کشتی اداره راه ترابری

علاوه بر اماکن مذکور، در هرگوشه و کنار شهر، هر جا که شده است؛ مرییان فعال و علاقمند تشک کشتی انداخته اند و به تعلیم و آموزش کشتی همّت ورزیده اند همچون باشگاه نور شاطر آباد و مانند آن.

۱ - سالهای بعد در این محل، پاساژی موسوم به پاساژ قصر ساخته شد.

۲ - در حال حاضر شخص دیگری موسوم به: «قیام» عهده دار خدمات مربوط به «سالن تختی» می باشد. - شخص علاقمند دیگری موسوم به: «غلام محمدی محب» معروف به: «غلام صلواتی» هراز چند گاه نمایشگاه سیار خود را که شامل عکسها و تصاویر «پهلوانان» و «قهرمانان» ایرانی است، در این سالن برقرار می کند.

۳ - به یاد بود، قهرمان کرمانشاهی «عباس عبدالعظیمی» که در یک مسابقه قهرمانی دچار قطع نخاع گردید و به رحمت ایزدی پیوست؛ چندین سال، «سالن کشتی کارگران» به نام وی موسوم بود.

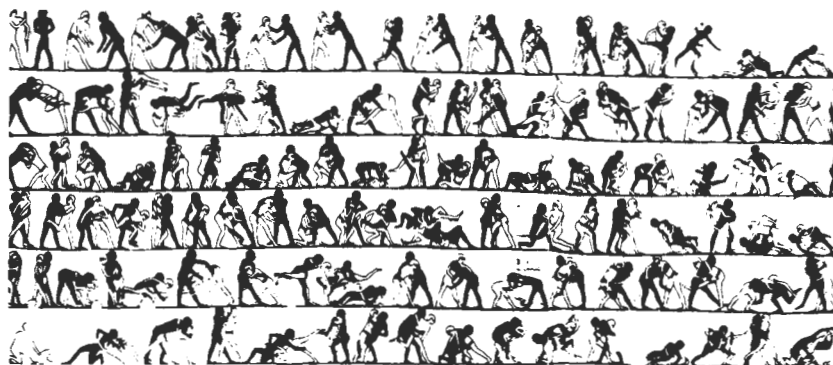


نمایی از «سالن کشتی شهید بهشتی» کرمانشاه

بخش هفتم

فصل اوّل و فصل دوم

فصل اوّل: کشتی گیران دوبندی پیش کسوت کرمانشاه در تکاپوی سیر تکاملی



کشتی، یادگاری از اسلاف پهلوان ما





نفرات از راست : حاج آقا بابا جیحونی - فریدون کمالی - هوشنگ سهرابی - اکبر میری - مصطفی تیمورپور - جهانگیر پیری - قاسم یوسف پور - علی آقا جاویدان - رضا جاهد - سرهنگ محمد آهنچی - حاج غلام ستاره. نفرات نشسته از راست : خلیل جوادیان - مصطفی رضایی - حاج حبیب الله محلوجی [سرخود را پایین گرفته است] - حاج قاسم الماسوندی - سرهنگ محمد آهنچی [در سال ۱۳۴۲ (ه. ش.) به ریاست فدراسیون کشتی ایران نایل گشت] . [این عکس تاریخی در سال ۱۳۲۹ (ه. ش.) به مناسبت اول شدن (تیم کشتی - کرمانشاه) در ایران در «مدرسه دارالفنون» تهران گرفته شده است .

پیش کسوتان و قهرمانان کشتی دوبندی در دوره جدید

محمد آهنچی [پیش کسوتی راستین و استوار با نامی جاودانه]

محمد آهنچی مردی از کرمانشاه و متولد سال ۱۳۰۲ (ه. ش.) پس از پایان تحصیلات متوسطه، عازم تهران شد و در دانشکده افسری تمرینات کشتی خود را آغاز نمود و چندین بار عناوین قهرمانی آن دانشکده را به خود اختصاص داد. محمد آهنچی در سال ۱۳۳۳ (ه. ش.) در وزن پنجم، کشتی آزاد، به مقام دوم قهرمانی کشور رسید. در واقع این قهرمان کرمانشاهی برای مرحوم مهندس توفیق حریفی سرسخت به شمار می رفت.

سرهنگ محمد آهنچی در سال ۱۳۴۲ (ه. ش.) عهده دار ریاست فدراسیون کشتی کشور شد و به مدت شش سال در این پست حساس به نحو احسن انجام وظیفه کرد. یکی از اقدامات تاریخی او به یاری شتافتن بنیان گذاران کشتی دو بندی در سال ۱۳۲۲ در کرمانشاه بود.

محمد آهنچی دارای ویژگیهای بزرگ اخلاقی بود. مردی بود افتاده حال و نوع دوست. این کشتی گیر - ارزنده، هم اکنون دارای درجه دکترا در رشته اقتصاد می باشد و در تهران به کار تدریس مشغول است.

فریدون کمالی [مربی شریف و پولادین خطه دلاورپرور غرب]

فریدون کمالی در سال ۱۳۰۳ (ه. ش.) در شهر دلاورخیز کرمانشاه در خانواده ای بااصل و نسب دیده به جهان گشود. وی از اوان کودکی، فردی بسیار منظم، دقیق و آرام بود و علی رغم بازیهای کودکانه، هیچگاه سبب اذیت و آزار دیگران نبود. همه او را دوست می داشتند و به شخصیت ذاتی اش احترام می گذاردند. فریدون کمالی پس از اتمام تحصیلاتش، در کرمانشاه به طور قراردادی به استخدام وزارت فرهنگ^(۱) در آمد. اما چون وی یکی از اعضای تیم کشتی شهر محسوب می گردید. به احترام اینکه از همه اعضا بزرگتر بود؛ اعضا تیم او را به عنوان مربی به مسئولین مربوطه معرفی کردند. این مربی بزرگ و ارزشمند از همان نخستین سالهای خدمتش صمیمانه و عاشقانه به امر تربیت و تعلیم ورزشی جوانان شهر خود را پرداخت.

او می دانست کرمانشاه، دیار پهلوانان و دلاورانی چون پهلوان صفر، پهلوان حسین گلزار، پهلوان نقی سرابی و... بوده است. و بایستی بلندای نام این آبر مردان در قاموس وجود پرتوان فرزندان آنان متبلور گردد. بنابر این فریدون کمالی بر اساس همین اعتقاد عزم مردانه اش را جزم کرد و با همکاری دیگر عزیزان کرمانشاهی در باشگاه شاهین اقدام به تعلیم دادن نوجوانان و جوانان در ورزش سستی - ایران، کشتی نمود. و در سال ۱۳۴۴ - (ه. ش.) فعالیت صادقانه خود را در سالن کشتی کرمانشاه واقع در محل جنب میدان گاراژ شهردامه داد. و کار کارستان خویش را کامکان پیش می برد.

۱ - در سالهای مذکور «سازمان تربیت بدنی» جزء «وزارت فرهنگ» سابق - آموزش و پرورش فعلی - بود.

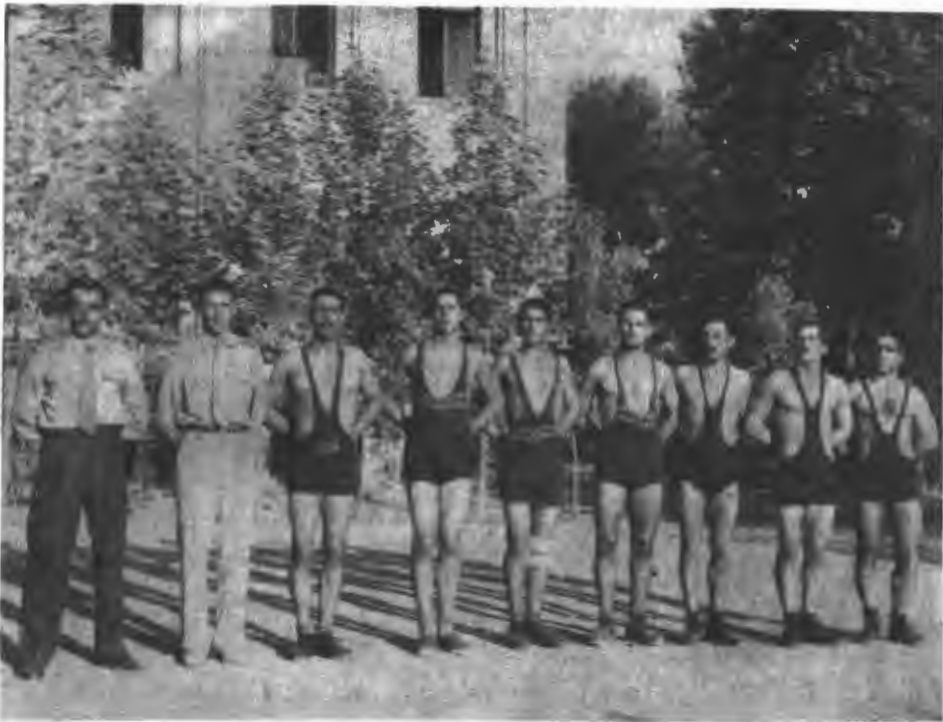
جوانان کرمانشاهی، دسته دسته می آمدند و ثبت نام می کردند. استقبال پرشور مردم از کشتی جدید یا دوبندی سبب گردید، دامنه فعالیت جوانان شهر، در این زمینه گسترش یابد و تیم شهر تقویت شود. (۱)

در راستای این تلاشهای تاریخی، فریدون کمالی پا به پای این تحولات پیش می رفت و کماکان یار و یاور جوانان ورزشکار بود. او طی سالیان عمر پر برکت خود پهلوانان و قهرمانان بسیاری را تحویل جامعه ایران داد و در این رابطه، در سالهای پس از آن، استادان و مربیان پر ارزشی نظیر: صادق ایمانی، مرحوم غلامحسین بلندی به مددش شتافتند. فریدون کمالی، اینک (۲) در تهران دوران کهنوت را در کنار خانواده محترمیش می گذراند.



فریدون کمالی در حال داوری کشتی در وسط تشک. توضیح اینکه در این عکس حریف در دام فن (کول انداز) خود گرفتار شده است. نام مسابقه: مسابقات انتخابی کشور. وزن ورشته: ۵۷ کیلوگرم کشتی آزاد محل: دبیرستان شاهپور کرمانشاه زمان: سال ۱۳۳۳ (ه. ش.). داور وسط: آقای فریدون کمالی نتیجه: برنده ناصر منتظری کشتی گیر کرمانشاهی. (در عکس نفر روی حریف.)

۱ - پیش از آن، در اماکن غیر ورزشی، همچون سالن دبیرستانهایی چون: سالن دبیرستان محمد رضا... - «دبیرستان امام خمینی (ره)» فعلی - به منظور انجام مسابقات قهرمانی کشتی، تشک انداخته می شد.



نفرات از راست : ۱ - صادقی ۲ - حاجی رشیدی ۳ - مرحوم اصغر جهانسوز ۴ - شعبان حاج - علی اکبری ۵ - جهانگیر پیری ۶ - علی آقا جاویدان ۷ - حشمت الله قاسمی ۸ - مترجم ۹ - ابطحی . - نام مسابقه : مسابقات ارتشهای ایران محل : «باغشاه» تهران . زمان : سال ۱۳۳۱ نفرات ایستاده از راست : ۱ - بیگلری ۲ - علی اشرف زهتابان مربی و سرپرست تیم ۳ - حسن رسولی نژاد ۴ - میرزا صالحی نام تیم : تیم «باشگاه البرز» کرمانشاه به مناسبت بازگشت پیروزمندانه از «آبادان» و «خرمشهر»

حاجی آقا رشیدی

حاجی آقا رشیدی فرزند اسماعیل لحاف دوز ، در سال ۱۳۰۵ (ه . ش .) در محله میدان وزیر - کرمانشاه به دنیا آمد . وی تحت تأثیرات دوستان و محیط فرهنگی زادگاهش در سن چهارده سالگی روی به ورزش آورد و قدم به زورخانه سنگ تراشها گذارد و به تمرین فنون کشتی پرداخت . حاجی رشیدی در سال ۱۳۲۹ به خدمت سربازی رفت و مقارن با این زمان محمد آهنچی که از مرییان پیش کسوت کشتی دوبندی بود ، با توجه به سوابق ورزشی این سرباز ورزشکار به دنبال وی فرستاد که به تمرینات کشتی دوبندی ادامه دهد .

حدود یک سال پس از تمرین مداوم کشتی به منظور شرکت در مسابقات کشتی آزاد و فرنگی به تهران اعزام گردید .

مسابقات کشتی در تهران

حاجی رشیدی در وزن ۵۷ کیلو گرم در رشته های آزاد و فرنگی در مسابقات تهران شرکت نمود و چون به کُلیه فنون کشتی مسلط بود به آسانی بر حریفان خود غلبه کرد. از جمله در اولین شب مسابقه با جلال آب فروش مصاف داد و در کشتی فرنگی بر وی پیروز شد. در شبهای دیگر نیز کشتی گیران - خرم آباد و گرگان را در وزن ۵۷ کیلو گرم مغلوب ساخت و در کشتی نهایی، با یکی از کشتی گیران قهرمان و با سابقه که در کشور فنلاند نیز کشتیهایی پیروز گرفته بود موسوم به مقرب اصفهانی، مواجه گردید اما طبق توصیه دوستانه سروان آهنچی، حاجی رشیدی کشتی را در رشته فرنگی به وی بخشید و دو روز پس از این ماجرا، در مسابقات کشتی آزاد، در وزن ۵۷ کیلو گرم نیز شرکت نمود. پس از چندین سر، کشتی پیروز، در مسابقه نهایی با همان کشتی گیر اصفهانی به نام مقرب مواجه گردید. در جریان این کشتی، قهرمان اصفهانی از کشتی گیر کرمانشاهی سگک گرفت که حاجی رشیدی با قدرت هر چه تمامتر او را پشت کاسه کرد و کشتی را برد.

مراجعت به کرمانشاه

حاجی رشیدی پس از پیروزیهای پی در پی در کشتی های آزاد و فرنگی به کرمانشاه بازگشت و مشغول حرفه پدیری خود، لحاف دوزی گردید.

وی هم اکنون در بازار چال حسن خان کرمانشاه به شغل لحاف دوزی اشتغال دارد و سینه اش مملو از حکایت و داستانهای شیرین پهلوانان این دیار می باشد.

رضا جاهد [شمعی که در سرزمین اندوه خاموش شد.]

رضا جاهد فرزند ابوالقاسم آهنگر، ۱۳۰۶ - ۱۳۶۷ (ه. ش.) در کرمانشاه به دنیا آمد. وی علاقه ای بسیار به ورزش و اخلاق نیک مردانه داشت و در باشگاه مهدی رئوفی قدم بر تشک کشتی نهاد و خیلی زود در سطح استان، کشتی گیری کار آمد گردید. چنان که توانست در مسابقات استانی سکودار قهرمانی باشد. وی بیشتر در وزن پنجم کشتی می گرفت؛ به طوری که از پیش کسوتان و بنیان گذاران کشتی دو بندی نقل شده است: رضا جاهد در سال ۱۳۳۳ (ه. ش.)، در مسابقات قهرمانی کشور، در قزوین، با جهان پهلوان غلامرضا تختی کشتی گرفت؛ در جریان این مسابقه پر شور و هیجان در شش دقیقه اول که کشتی سرپا برگذار می شد؛ رضا جاهد با حریف نامی خود مساوی بود که در این هنگام به احترام پهلوان پهلوانان غلامرضا تختی، دست و صورت وی را بوسید و کشتی را ادامه نداد.^(۱) رضا جاهد در مسابقات قهرمانی کشور سال ۱۳۳۴، در مدرسه دارالفنون تهران کشتی های خوب و قدرتی گرفت و خوش درخشید. این کشتی گیر به علت سختیها و ناهنجاریهای اجتماع و گرفتاریهای زندگانی در سال ۱۳۶۷ مرگ را بر زندگی ترجیح داد و چهره در نقاب خاک کشید. در واقع می توان رضا جاهد را از استعدادهای تلف شده ای دانست که اگر در شرایط مناسبی قرار می گرفت می توانست سالیان سال

۱ - مرحوم «جهان پهلوان تختی» همواره نسبت به قهرمانان کرمانشاهی مهر می ورزید.

پرچمدار قهرمانی جهان گردد.



یادبودی از پانزدهمین دوره مسابقات کشتی های آزاد و فرنگی کشور در تیرماه ۱۳۳۲ در «اصفهان»
 شرح عکس: قهرمانان وزن پنجم کشتی فرنگی کشور ۱ - «همای سعادت» از تبریز ۲ - «بادگاری» از تهران
 ۳ - «رضا جاهد» از کرمانشاه.

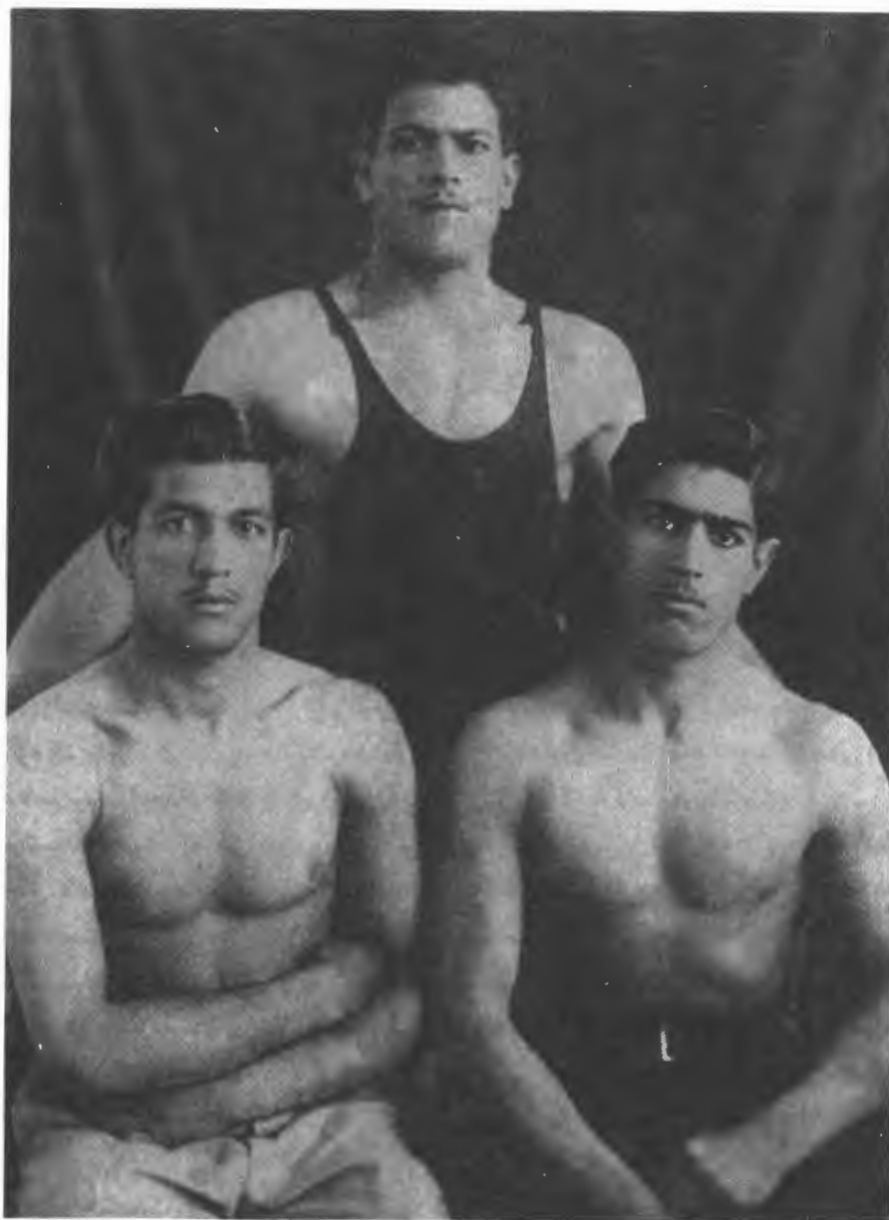


نفرات از راست : سروان هیربند - حاج قاسم الماسوندی - ناشناس - جهانبخش نجفی - حاجی ولی الله محلوچی (با لباس گرم) - حاجی رشیدی - علی اشرف ذهتابان - روح الله محلوچی - رضا جاهد - هوشنگ همّتی (یدالله - الهی - قاسم یوسف پور - فریدون کمالی (مربی) - شامیاتی (رئیس وقت تربیت بدنی کرمانشاه)

نفرات نشسته از راست : مصطفی تیمورپور - ناشناس - اکبر میری - داریوش رزقی - ناشناس - خلیل جوادیان - ... این عکس با صفا و پُر اصالت در سال ۱۳۲۹ (ه. ش .) به مناسبت اعزام (تیم کشتی کرمانشاه) به اصفهان گرفته شده است . این عکس در سال ۱۳۳۲ (ه. ش .) به مناسبت اعزام تیم کشتی کرمانشاه به « اصفهان » جهت شرکت در مسابقات قهرمانی کشور گرفته شده است . در واقع این قبیل مسابقات قهرمانی کشور که از سال ۱۳۲۵ (ه. ش .) طبق تصمیم ورزشی ، هر ساله در یکی از شهرستانها برگزار می شود ، تکامل و ادامه همان مسابقات - قهرمانی ایران به شمار می رود که در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۲۴ (ه. ش .) با شرکت (پهلوانانی چون : حاج - یدالله محبتی - محمد آقا اسماعیلی و دیگر قَدَر مردان کرمانشاهی) در تهران صورت گرفته بود .

حشمت الله قاسمی [اخگری که در طوفان حوادث قرار گرفت .]

حشمت الله قاسمی ، ۱۳۰۷ - ۱۳۷۱ (ه. ش .) در شهر دلاور پرور کرمانشاه متولد گردید . وی از آغازگران کشتی جدید در شهر خود محسوب می گردد که با علاقه هرچه بیشتر در کار کشتی مداومت به خرج می داد . این کشتی گیر پر استعداد در مسابقات بسیاری شرکت جست و دیری نپایید که به عضویت تیم شهر در آمد . حشمت الله قاسمی در سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۰ در مسابقات کشوری در وزن چهارم ،



یادبودی از سه پیش کسوت قَدَر کرمانشاه .
 به ترتیب از راست : ۱ - روح الله مخلوجی ۲ - نصرت الله کامکار ، نفر وسط به حالت ایستاده رضا جاهد.

در رشته آزاد و فرنگی عناوین دوم تا ششم قهرمان کشوری را کسب نمود و می رفت که دلاور جهان گردد، اما شرایط ویژه فرهنگی و ریشه های موجود استعمار در وطن او را از جهان ورزش و دلاوری به دور افکند! این قهرمان بنام در سن شصت و چهار سالگی سر بر تیره تراب نهاد و اندوه شکوفا نگردیدن تمامی استعدادش، یاران، اقوام و دوستانش را در اندوهی سترگ فروبرد.

علی اصغر جهانسوز

علی اصغر جهانسوز ۱۳۰۷ - ۱۳۷۳ فرزند علی اشرف، یکی از مالکین منطقه ای از املاک ماهیدشت، در کرمانشاه دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات در بانک ملی کرمانشاه استخدام گردید. این قهرمان یکی از بنیانگذاران کشتی جدید در شهر کرمانشاه به شمار می رود؛ چراکه از نخستین کشتی گیران باشگاه مهدی رئوفی بوده است. وی در طی دوران ورزش خود، کشتیهای بسیار داشته است. از جمله: در وزن دوم، در رشته فرنگی، در دو سال متوالی عناوین چهارم و پنجم کشور را احراز نمود و برای رقبای خویش همواره مبارزی سر سخت به حساب می آمده است.

علی اصغر جهانسوز پس از بازنشستگی در سن شصت و شش سالگی در اثر سکنه مغزی دارفانی را وداع گفت و عزیزان خود را با دنیایی از خاطرات بزرگمردیها و انسانیت هایش تنها باقی گذارد.

نصرت الله کامکار

نصرت الله کامکار در سال ۱۳۰۷ (ه. ش.) در شهر دلاور خیز کرمانشاه پای به عرصه وجود نهاد. پدرش حاج عباس کامکار معروف به: مدیر عباس رئیس و مؤسس دبیرستان ملی داریوش [واقع در محله برزه دماغ کرمانشاه] و از مردان نیکو کار شهر بود که به پاس خدماتش، مدرسه ای در خیابان - گمرک کرمانشاه به نام: عباس کامکار بنا گردیده است. نصرت الله کامکار از سال ۱۳۲۸ (ه. ش.) ورزش کشتی را در باشگاه مهدی رئوفی آغاز نمود و در اثر مداومت در کار تمرین و مدد مربیانی چون: حسن سعیدیان و محمد آهنچی به سرعت بر فنون و رموز کشتی جدید مسلط گردید. این قهرمان از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۵ بر روی تشک ظاهر بود و همواره یکی از قهرمانان زبده تیم شهر به حساب می آمد. مسابقات عمده نصرت الله کامکار را می توان به صورت ذیل خلاصه نمود:

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۲۸	قهرمانی کشور	آزاد	سوم	تهران	سوم	برنز
۱۳۲۹	قهرمانی کشور	فرنگی	سوم	تهران	چهارم	امتیاز

برای تیم

۱۳۳۰	ارتشهای ایران	آزاد	سوم	تهران	دوم	نقره
۱۳۳۲	قهرمانی کشور	آزاد	سوم	تبریز	چهارم	امتیاز

برای تیم

نصرت الله کامکار همانند: محمد آهنچی، فریدون کمالی، محمد ایرانی، علی اصغر جهانسوز، حاج روح الله مخلوجی، حاج ولی الله مخلوجی، رضا جاهد، ناصر منتظری، علی اشرف زهتابان و... از پایه گذاران کشتی دو بندی در کرمانشاه محسوب می گردد و سالها در کسوت یک معلم پاک سرشت در خدمت آموزش و پرورش کرمانشاه بوده و در رشته زبان انگلیسی به نوباوگان شهر آموزش داده است. وی هم اکنون بازنشست و آن چنان که شایسته است با کمال درستی و صداقت به کسب آزاد اشتغال دارد.

محمد ایرانی

محمد ایرانی فرزند حاج تقی عرب در سال ۱۳۰۷ (ه. ش.) در شهر پهلوان پرور کرمانشاه پای به عرصه وجود نهاد. پدرش مردی زحمتکش بود که با مرگ زود رس، اهل و عیال خود را تنها گذارد. محمد ایرانی پس از اخذ دیپلم در کرمانشاه، در سال ۱۳۲۹ به تهران رفت و در دانشکده افسری به ادامه تحصیل پرداخت. وی در دانشکده مذکور با افرادی چون عباس زندی و هوشنگ خاوری همدرس بود. محمد ایرانی در باشگاه توگلی کرمانشاه کشتی را آغاز نمود و تحت آموزش و تعلیم مربی ارزنده، حسن سعیدیان که از تهران به کرمانشاه دعوت شده بود، به سرعت بر فنون کشتی مسلط گشت. وی در مسابقات قهرمانی کشور شرکت نمود و در سالهای متفاوت در اوزان سوم، پنجم و ششم به عنوان دوم تا سوم قهرمانی کشور دست یافت. و در سال ۱۳۴۸ به منظور شرکت در مسابقات کشتی به کشور ژاپن اعزام گردید. این قهرمان پیش کسوت در طی سالهای فعالیت ورزشی خویش توانسته است در مشاغل ورزشی همواره مثمر تر واقع شود.

مشاغل در کشتی:

رئیس هیئت کشتی آبادان و خرمشهر در سالهای ۱۳۳۴ - ۱۳۳۶، رئیس هیئت کشتی زاهدان در سالهای ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸، خزانه دار فدراسیون کشتی کشور در سال ۱۳۴۰، رئیس هیئت کشتی تهران در سال ۱۳۴۲ [با همکاری مرحوم بلور]، دبیر هیئت کشتی کشور در سال ۱۳۴۳ [در زمانی که سرهنگ آهنچی ریاست فدراسیون کشتی کشور را به عهده داشت]، رئیس هیئت کشتی استان خوزستان در سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲، رئیس فدراسیون فوتبال لرستان در سال ۱۳۵۴، یکی از سرپرستان تیم ملی کشتی ایران در المپیک ۱۹۶۴ (م). نکته مثبت این قهرمان، خوی نیک و اخلاق انسانی اوست. دلی دریاگون و افکاری روشن دارد و هرگز از قدرت بدنی خویش، در راه ظلم و جور به دیگران استفاده ننموده است. این قهرمان با وفا و رفیق دوست در حال حاضر سرهنگ بازنشسته ژاندارمری است و در تهران به شغل آزاد مشغول است.



«محمد ایرانی» از پیش کموتان کشتی دوبندی در کرمانشاه .

زمان : ۱۳۳۰ (ه . ش .)

علی اشرف زهتابان

علی اشرف زهتابان در سال ۱۳۰۷ (ه . ش .) در شهر کرمانشاه متولد گردید . پدرش یوسف به پیشه تجارت اشتغال داشت و مردی سنتی و با اصل و نسب بود . علی اشرف در دبستان هدایت قدیم واقع در محله برزه دماغ شش کلاس درس خواند و پس از آن ، ترک تحصیل نمود . وی در سن پانزده سالگی



«علی اشرف زهتابان» قهرمان پیش کسوت و مربی ارزنده کرمانشاهی

سفری به تهران داشت که طی آن تمرینات کشتی جوانان تهرانی را در یکی از باشگاههای قدیمی مشاهده کرد و با تمام وجود شیفته‌این ورزش گردید. در این باره خود چنین می گوید:

” در سن ۱۵ - ۱۶ سالگی به تهران رفتم ، در خیابانی می گشتم ، به محلی رسیدم ، فکر کردم زورخانه است . داخل شدم ، تشکی انداخته بودند و داشتند کشتی می گرفتند . برایم تازگی داشت . به کرمانشاه که بازگشتم ، به تاریکه بازار رفتم ، چند گونی شلتوک خریدم ؛ در خانه کنار هم چیدم ، روی آنها را با گونی پوشاندم ، از بچه های محل دعوت کردم که بیایند و کشتی بگیریم . دست و پایمان زخمی می شد . به استانداری رفتم ، نامه‌ای نوشتم ، موافقت کردند ، اما گفتند در منزل نمی شود . آقای دادایی دبیر ورزش بود ، آمد کمک ، ولی خودش کشتی بلد نبود ؛ آقای رئوفی هم که مردی ورزشدوست بود به ما پیوست ؛ در طبقه بالای شرکت کتیرا ، بازرگانی فعلی ، سه راه نواب تشک انداختیم و به تمرین کشتی مشغول شدیم .

کشتی قهرمانی در کرمانشاه - ۱۳۲۴ (ه. ش.)

یک سال و نیم در باشگاه طبقه بالای شرکت کتیرا تمرین کردیم . تعدادمان به پنجاه نفر رسیده بود . ما برای انتخاب قهرمان بی وزن استان کرمانشاهان به تمام زورخانه های استان اعلان کردیم . حدود ۳۰ نفر در این مسابقه شرکت کردند و پهلوانان بنام کرمانشاه مثل پهلوان یدالله محبتی، پهلوان محمدآقا- اسماعیلی و دیگر پیش کسوتان نظاره گر این کشتی ها بودند . یک قهرمان کنگاوری به نام آقای صادقی از تهران آمده بود که صاحب مدال شود ، ۱۱۰ کیلو گرم وزن داشت و همه را ضربه کرد و در برابر آقای محمد ایرانی به فینال^(۱) رسید . در آن زمان ، قرعه کشی در مسابقات ، تازه روی کار آمده بود . قرعه کشی کردند ، نام من در آمد . من در آن موقع ۲۰ ساله بودم و ۷۵ کیلو بیشتر وزن نداشتم . ایرانی در برابر من قرار گرفت و در همان حمله اولش برای زیر گرفتن ، دماغش به زانوی راستم خورد و شکست و کشتی مختومه شد . سپس در مقابل صادقی قرار گرفتم ، نیم ساعت با دو استراحت^(۲) با یکدیگر کشتی گرفتیم ؛ نتیجه ای به دست نیامد . گفتند ، ده دقیقه دیگر کشتی بگیریم که در لحظات پایانی از صادقی کُنده کشیدم ، کتفش از جای در رفت و من اول شدم . شش ماه بعد ، یعنی در سال ۱۳۲۲ (ه. ش.) جهت شرکت در مسابقات کشوری به تهران اعزام شدم . مسابقات در باشگاه منوچهر ماهر حسن آباد انجام گردید و من در وزن سوم کشتی آزاد اول شدم . سپس به کرمانشاه بازگشتم ، تیمی شکل گرفت و تعداد کشتی گیرهای کرمانشاه زیاد شد . در این بحبوحه ستوان محمد آهنچی که بچه کرمانشاه بود از تهران آمد

۱- final : نهایی ، قطعی .

۲- در آن زمان در مدت نیم ساعت کشتی ، به فاصله هر ده دقیقه استراحت داده می شد . بدین منوال بعد از ده دقیقه اول و بعد از ده دقیقه دوم .

و سروسامانی به کشتی شهرداد. آنگاه آقای فریدون کمالی به جرگه‌مریان کشتی پیوست، مدیریت خوبی داشت. من، هم کشتی می‌گرفتم، هم مربی بودم. چون ارتش قصد تشکیل تیم کشتی داشت، پیشنهاد کردند که به ارتش بروم. رفتم و تیم تشکیل گردید. مدتی بعد مسابقات لشکری و کشوری برگزار شد. از کرمانشاه پنج کشتی‌گیر به تهران اعزام شدند. از تیم تهران، کشتی‌گیران بنامی شرکت کرده بودند. از جمله آقای اسدالله حمده که در رشته کشتی فرنگی قهرمان تیم ملی و در مسابقات المپیک صاحب امتیاز بود، علی غفاری و... پس از مسابقات برای کشتی‌گیران منتخب کرمانشاه چنین نتایجی به دست آمد: مجتبیوی در وزن ششم، مقام سوم، جهانبخش نجفی در وزن پنجم مقام دوم، محمود سنگدل در وزن چهارم مقام سوم، بنده - علی اشرف زهتابان - در وزن سوم مقام اول و دو کشتی‌گیر دیگر اوت شدند. و در بازگشت به دستور تیمسار جوانشیر فرمانده ارتش کرمانشاه، گل به سر و رویمان ریختند. چون این اولین پیروزی تیم کشتی کرمانشاه بود، وارد شهر که شدید مورد لطف و عنایت مردم قرار گرفتیم.

کشتی علی اشرف زهتابان با قهرمان سنگین وزن غلامرضا خاموشی

در سال ۱۳۲۸ (ه. ش. ۱) غلامرضا خاموشی که در اصل تبریزی بود، از تهران به کرمانشاه آمد. این قهرمان سنگین وزن، ۹۰ کیلو به بالا بود، ارتشی بود، شهر به شهر می‌گشت و همه را زمین می‌زد. خودش می‌گفت: هیجده شهر رفته‌ام و همه را زمین زده‌ام. موقعی که به زورخانه‌ها اعلام شد. هرکس می‌خواهد بیاید کشتی بگیرد. کسی حاضر نشد^(۱) من اعلام آمادگی کردم. همه گفتند با این شخص کشتی نگیر، خطرناک است. اما من بر سر تصمیم خود ماندم. در محل ارتش، میدان لشگر جشنی گرفتند و دعوتی کردند و تشک انداختند. گفتند کشتی نیم ساعته است، امتیاز هم قبول نیست و باید یکی زمین بخورد. یک افسر ترک داوری کشتی را به عهده گرفت و کشتی شروع شد. عده زیادی او را تشویق می‌کردند و کرمانشاهی‌ها، مرا مورد تمجید قرار می‌دادند. یک مرتبه متوجه شدم، جلوی چشمانم تار شد و خون گرم از توی صورتم می‌ریخت. من دیگر جایی رانمی‌دیدم و محوطه تشک، به‌طور کلی شلوغ شده بود. چند لحظه بعد که با دست راست خون توی صورتم را پاک کردم، متوجه شدم در اثر فن‌کننده‌ای که روی حریف اجراء کرده‌ام. گردنش شکسته و از ناحیه کمر نصف شده بود. او را به بیمارستان ۵۲۰ ارتش بردند. اما اثری نداشت، زیرا خاموشی بیچاره همان جا روی تشک مرده بود. من از شلوغی استفاده کردم و خانه ما دبیر اعظم بود، دوان دوان خود را به خانه رساندم. به رفقایم گفتم حریفم راکشته‌ام، کسی باور نمی‌کرد. آن موقع دوران خدمت سربازیم بود و در عین حال کارمند وزارت کشور هم بودم که چون به عنوان مربی کشتی در اختیار تربیت بدنی بودم از همان سازمان حقوق

۱- در سال ۱۳۲۸ (ه. ش. ۱) دوران کشتی پهلوانی به سر آمده بود و غالب پهلوانان نامی کرمانشاه سر به تیره‌تراب نهاده و تعدادی که در قید حیات به سر می‌بردند به سن کهنوت رسیده بودند؛ وگرنه کرمانشاه همیشه دیار پهلوانان بوده است.



یادی از تیم کشتی «باشگاه البرز» کرمانشاه به مدیریت: «جواد حدیدی»
 نفرات ایستاده از راست: ۱ - بیگلری ۲ - علی اشرف زهتابان مربی و سرپرست تیم ۳ - رشیدی ۴ - بهره‌مند
 نفرات نشسته از راست: ۱ - عطاالله چتازردی ۲ - جواد حدیدی ۳ - حسن رسولی نژاد ۴ - میرزا صالحی
 نام تیم: تیم «باشگاه البرز» کرمانشاه به مناسبت بازگشت پیروزمندانه از آبادان و خرمشهر.

می‌گرفتم. چند روز بعد چاقوکش‌های عده‌ای از مخالفینم در حوالی گاراژ مرا زیر ضربات چاقو گرفتند. پس از این واقعه خود را به ارتش معرفی کردم. دو ماه در سلول انفرادی زندان صالح آباد حبس کشیدم و مریض شدم. یک ماه هم در بیمارستان ارتش بستری شدم. سپس دادگاهی برایم تشکیل دادند. افسری از تهران مأمور رسیدگی پرونده ام شد به نام تیمسار بهارمست، تیمسار دستور آزادیم را صادر نمود و گفت ورقه خاتمه خدمتش را بدهید برود و از کرمانشاه منتقلش کنید. من به آبادان رفتم. در آن شهر مورد لطف کرمانشاهی‌های مقیم آن دیار قرار گرفتم. در باشگاه ورزشی و زورخانه‌های ماهر آبادان با طاهر عرب کشتی گرفتم. تشک را انداخته بودند کنار گود. من کُنده کشیدم، هر دو با سر افتادیم توی گود، کتف طاهر عرب شکست و تا آخر عمر علیل شد. دو سال در آبادان بودم سپس به کرمانشاه بازگشتم و مربی رسمی کشتی شدم طی دوران مربیگریم، کشتی‌گیرانی چون برادران محبتی، و دیگر عزیزان را تحویل جامعه ایران دادم.

ناصر منتظری

ناصر منتظری متولد سال ۱۳۰۸ (ه. ش. ۰) در کرمانشاه، فرزند صادق مردی از تبار ارکاد غرب می باشد. ناصر منتظری در نخستین سالهای جوانی به ورزش کشتی روی آورد؛ در «باشگاه‌های» - توکلی و شاهین تمرینات خود را آغاز نمود و ادامه داد. از آنجا که روحیه دلاورانه وی از پدریه ارث برده شده بود؛ دیری نپایید که در کشتی در رشته‌های آزاد و فرنگی در وزنه‌های ۵۷ و ۶۲ کیلوگرم مقام نخست استان کرمانشاهان را به خود اختصاص داد و چندین سال پیاپی این عنوان را حفظ نمود. ضمن اینکه در زورخانه‌های قدیمی شهر نیز ظاهر می شد، ورزش می کرد و در کشتی پهلوانی نیز شرکت می جست. در مورد شجاعت و دلاوری ناصر منتظری آقای دکتر جواد جواد کریمی که از اساتید در رشته تربیت بدنی و از داوران ارزنده بین المللی است چنین نقل می کند:

- در آن سالها که یکی از پهلوانان پر قدرت نمایشی به کرمانشاه آمده بود و نمایشات پهلوانی انجام می داد. ناصر منتظری هم عکس خود را با لباس دویندی کشتی، داده بود چاپ کرده بودند و بر در و دیوار شهر زده بودند و اعلام کرده بود حاضر است باین پهلوان کشتی بگیرد. پهلوان نمایشی هم گفته بود: «من کشتی گیر نیستم».

ناصر منتظری به مدت سه سال از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ (ه. ش. ۰) دبیر ورزش دبیرستانهای کرمانشاه بود. آنگاه به منظور ادامه تحصیل عازم کشور آلمان و اتریش گردید. در اتریش، ورزش را پی گرفت و در مسابقات کشتی سال ۱۳۳۸ (ه. ش. ۰) آن دیار به مقام قهرمانی در رشته آزاد، دسته سنگین وزن دست یافت.



تیم کشتی استان کرمانشاهان در حال رژه رفتن در محل «استادیوم مشهد» به مناسبت شرکت در مسابقات آموزشگاه های کشور در سال ۱۳۳۸ (۵. ش. ۱) - نفر اول در جلوی تیم باکت و شلوار و کراوات «ناصر منتظری» [سرپرست تیم] درعکس دیده می شود.

بازگشت ناصر منتظری به ایران

ناصر منتظری پس از مراجعت به کشور در سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۴۷ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه تهران مشغول تحصیل گردید و طی سالهای یاد شده به عنوان کاپیتان تیم کشتی دانشکده - مذکور به خدمات ورزشی خویش ادامه داد. این قهرمان به علّت عشق و علاقه بسیار به ورزش کشتی، هیچگاه رابطه خود را با این رشته از ورزش که برخاسته از سنت دیرینه پارسیان قلمداد می شود قطع ننموده و همواره در این راه مشوق جوانان کشور بوده است. وی، در این رابطه، مدتی سرپرستی هیئت کشتی استان تهران را به عهده داشته و به مدت چهار سال نایب رئیس و عضو هیئت کشتی استان تهران - بوده است. علاوه بر این، مدت پانزده سال با سمت بازرسی کشتی فدراسیون کشتی ایران و همچنین بازرسی هیئت کشتی استان تهران به نحو صادقانه ای به خدمات ورزشی خویش ادامه است. وی در سال ۱۳۷۳ موفق گردید، به زیارت کعبه معظمه مشرف گردد. در حال حاضر حاج ناصر منتظری

کارمند اداره ثبت احوال تهران و متأهل و دارای چهار فرزند پسر است. این ورزشکار قدیمی که از آغازگران کشتی دوبندی در کرمانشاه به شمار می رود، علی رغم پای گذاردن به سنین کهولت، همواره ورزیده و قوی بوده و هیچگاه فلسفه ورزش را که خدمت بی شایبه به جامعه و مهربانی با مردم می باشد؛ فراموش نکرده است.

مصطفی تیمورپور

مصطفی تیمورپور در سال ۱۳۰۸ (ه. ش.) در برزه دماغ که یکی از محلات پهلوان خیز کرمانشاه به شمار می رود، چشم به جهان گشود. پدرش حبیب الله فردی نظامی و خدمتگذار مردم شهر و دیارش بود. مصطفی تیمورپور

تحصیلات ابتدایی خود را در کرمانشاه به پایان رساند و از او ان کودکی به ورزش کشتی علاقه ای وافر داشت؛ با افتتاح باشگاه ورزشی به وسیله مهدی رشوفی درنگ را جایز نشمرد و عضو آن باشگاه گردید و دیری نپایید، که این کشتی گیر پیش کسوت به عضویت تیم کشتی شهر انتخاب شد. مصطفی تیمورپور پس از چند سال تمرین به خدمت ارتش در آمد و در مسابقات ارتشهای ایران، در وزن اول رشته های آزاد و فرنگی به عنوان دوم و سوم دست یافت. وی در طول پانزده سال تمرین کشتی، توانست مقامهای دوم تا چهارم قهرمانی کشور را کسب نماید و از این رهگذر برای شهر خود، امتیازات قابل توجهی به دست بیاورد.



نفربرنده مصطفی تیمورپور داور وسط عباس زندی

شاخص ترین مسابقات کشتی وی را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۳۳	قهرمانی کشور	آزاد	اول	اصفهان	چهارم	امتیاز
۱۳۳۴	قهرمانی ارتشهای ایران	آزاد و فرنگی	اول	تهران	دوم	نقره
۱۳۳۶	قهرمانی کشور ایران	آزاد	دوم	تهران	سوم	برنز

مصطفی تیمورپور فردی است متواضع و پر دوام که در کرمانشاه به شغل آزاد، روزگار سپری می کند.

جهانبخش نجفی

جهانبخش نجفی فرزند حاج محمد یوسف در سال ۱۳۰۸ (ه. ش.) در محله برزه دماغ کرمانشاه، کوی علی خان لُر به دنیا آمد. پدرش به پیشه پرزحمت کشاورزی اشتغال داشت و از روحیه ای قوی و مردانه برخوردار بود. جهانبخش نیز تحت تأثیرات ژنتیکی و تربیتی پدر، جوانی درشت استخوان، قوی و پر قدرت بار آمد. از آنجا که کرمانشاه شهری پهلووان خیز است و مردمانی ورزشدوست و ورزشکار دارد؛ عشق به پهلووانی و ورزش سنتی ملی ایران با خون جهانبخش عجین گشت به طوری که در همان سنین پایین (۹ - ۸ سالگی) با پیش با بچه های هم سن و سال خود، توی خاکها پلکیدن و کشتی گرفتن بود. روی زمین سخت، فنّ می خورد و فنّ می زد و اندک اندک قوی و پر تجربه بار می آمد. تا اینکه در پی این عشق و علاقه با دوستانش به باشگاه توکلّی راه یافت و در سیر تکاملی کشتی دو بندی قرار گرفت ... محمدآهنچی بدانها پیوست و فریدون کمالی در کسوت مربیگری کشتی به صحنه قدم گذارد و جهانبخش نجفی پی در پی سکوهای قهرمانی استان و کشور را فتح می نمود.

ورود به گود زورخانه

در سال ۱۳۲۷ (ه. ش.) جهانبخش نجفی در راستای عشق به پهلووانی قدم به درون گود زورخانه صندوق سازها گذارد و در همان جلسه نخست پس از اتمام ورزش با چندتن از باستانی کاران کشتی گرفت و پیروز گردید. مرحوم مشهدی احمدپنده با دیدن کشتیهای جهانبخش وی را تحت تعلیمات خویش قرارداد و در راه آموزش فنون کشتی پهلووانی بدو از هیچ کوششی دریغ نورزید. جهانبخش نیز با مداومت خویش و زحمات مربیان ارزنده ای چون احمدپنده بیش از پیش برفنون کشتی تسلط یافت؛ چنان که در سال ۱۳۲۸ که به خدمت زیرپرچم احضار گردید؛ پس از مدت شش ماه تمرین - پی در پی، زیر نظر ستوان یکم محمدآهنچی در مسابقات کشتی ارتش شرکت نمود و در اوزان پنجم و ششم آزاد و فرنگی مقام نخست را به خود اختصاص داد. پس از این پیروزی درخشان توانست به میادین مبارزات کشوری نیز راه یابد و کماکان خوش بدرخشد:



نفرسمت چپ «پهلوان حاج یدالله محبتی» . . در این عکس «مرحوم حبیب الله بلور» مربی و پیش کسوت
 ارزنده کشتی کشور با «جهانبخش نجفی» پیش کسوت کرمانشاهی مشغول گفتگو است .
 محل - کرمانشاه

جدول عناوین قهرمانی^(۱) (جهانبخش نجفی)

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۲۸	قهرمانی ارتش	آزادو فرنگی	۵ - ۶	تهران	اول	قهرمانی
۱۳۲۸	قهرمانی کشور	آزادو فرنگی	۵ - ۶	تهران	اول	قهرمانی
۱۳۲۹	قهرمانی کشور	آزادو فرنگی	۵ - ۶	تبریز	اول	قهرمانی
۱۳۳۰	قهرمانی تیم به تیم	آزادو فرنگی	۵ - ۶	کرمانشاه	اول	قهرمانی

زنجان و کرمانشاه

[در این سال که تیم شهرستان زنجان به کرمانشاه آمد، با وجود بیمار بودن جهانبخش نجفی به خاطر حفظ آبروی شهرو دیارش قدم به میدان گذارد و طی دو شب متوالی، رقبای سرسخت خود را مغلوب ساخت و موجب سربلندی مردم شهرش گردید.]

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۳۱	قهرمانی کشور	آزادو فرنگی	۵ - ۶	اراک سلطان آباد اول	اول	قهرمانی
۱۳۳۲	قهرمانی کشور	آزاد	۵	اصفهان	دوم	قهرمانی
۱۳۳۳	قهرمانی کشور	آزادو فرنگی	۵ - ۶	تهران	اول	قهرمانی

در سال ۱۳۳۲، جهانبخش نجفی می‌توانست مقام نخست را به خود اختصاص دهد. لیکن چون شب قبل از مسابقه رقیب فینال او، که قهرمان اصفهانی بود، بدو اظهار نمود که مردانگی کند و از کشتی صرف نظر نماید تا کماکان آبرویش و عنوانش در اصفهان محفوظ بماند. در این مورد با ستوان هیریڈ سرپرست تیم و آقای فریدون کمالی مربی تیم کشتی کرمانشاه وارد مذاکره شدند. قرار شد، جهانبخش نجفی از کشتی بارقیب فینال خود چشم پوشی نماید و در مقابل این کسر امتیاز از تیم کشتی کرمانشاه، سه امتیاز به تیم مزبور داده شود. نکته قابل توجه و با ارزشی که در این امر وجود دارد گذشت و اخلاق پهلوانی، پوریاگونه ای می‌باشد که از این قهرمان ارزنده کرمانشاهی صادر گشته است. اصولاً پهلوانان و قهرمانان کرمانشاهی با توجه به شرایط فرهنگی خاص خود، همواره در میادین رزم مردانه و بی شایبه مصاف می‌دهند و به منظور حفظ ارزشهای مردانه از ویژگیهای ناجوانمردانه دوری می‌گزینند. کشتی‌گیران کرمانشاهی که در سال ۱۳۳۲ به اصفهان گسیل شدند عبارت بودند از: جهانبخش نجفی، حاج قاسم یوسف پور، حاج قاسم الماسوندی، رضا جاهد، علی اشرف زهتابان، یدالله الهی، برادران مخلوجی، مصطفی تیمور پور، اکبرامیری، خلیل جوادیان، داریوش رزقی، حشمت‌الله خامه چی. این مسابقات با شرکت ۲۹۴ تن کشتی‌گیر از ۲۸ شهرستان از مورخه ۱۳۳۲/۴/۲۶ لغایت ۱۳۳۲/۵/۶ به طول انجامید.

۱ - نشریه مخصوص پانزدهمین دوره مسابقات کشتی های آزاد و فرنگی کشور، اصفهان، تیرماه ۱۳۳۲.



جهانبخش نجفی از قهرمانان پیش کسوت کشتی کرمانشاه

جدول کشتی های جهانبخش نجفی در سال ۱۳۳۲ (۱)

- دوره اول: وزن پنجم - جهانبخش نجفی از کرمانشاه بانیان از مراغه - برنده جهانبخش نجفی -
- دوره دوم: وزن پنجم - جهانبخش نجفی از کرمانشاه با کیابی از دزفول - برنده جهانبخش نجفی دوره سوم: وزن پنجم - جهانبخش نجفی از کرمانشاه با کاظمی نژاد از آبادان - برنده جهانبخش نجفی .
- دوره اول: وزن ششم نجفی از کرمانشاه با عابدینی از تبریز - برنده جهانبخش نجفی دوره دوم: وزن ششم - نجفی از کرمانشاه با دوانقی از زنجان، برنده جهانبخش نجفی دوره سوم: وزن ششم - نجفی دوره سوم: وزن ششم - نجفی از کرمانشاه با ناهید از شاهی - برنده جهانبخش نجفی
- دوره چهارم: در وزن ششم - نجفی از کرمانشاه با اشراق از شهر ری - برنده جهانبخش نجفی
- نتیجه نهایی: جهانبخش نجفی در وزن ششم قهرمان دوم کشور شناخته شد .

کناره گیری از تشک

در سال ۱۳۳۳ (ه. ش .) قهرمانان کشتی کشور به اردو گسیل شدند تا نفرات برگزیده در مسابقات

انتخابی به مسابقات کشتی جهانی که در فنلاند برگزار می‌گردید، اعزام گردند. در این مسابقات انتخابی تشخیص دادند و از آنجا که این قهرمان کرمانشاهی حق خویش را تضييع شده می‌دانست برای همیشه از تشک کشتی کناره گرفت. وی در سال ۱۳۷۱ در معیت تیم باستانی کاران پیش کسوت کرمانشاه جهت شرکت در مسابقات ورزشهای سنتی به شهرهای شیراز، یزد و قزوین اعزام گردید. همچنین در همان سال همراه تیم مذکور به منظور حضور در مراسم افتتاحیه باشگاه تیرایی به تهران گسیل شد. جهانبخش نجفی درکنار پیشه شریف کشاورزی و با وجود دارا بودن چندین اولاد و نوه کماکان به ورزش سنتی باستانی ادامه می‌داد. این پیش کسوت در پاییز سال ۱۳۷۵ درخت زندگانش به خواب رفت و یادش در دلها جاودانه ماند:



یادبودی از سال ۱۳۳۰ (ه. ش.)

نفرات از راست: «حاج قاسم الماسوندی» معروف به: «قاسم شاطر رفیع» دو نفر وسط، پشت میز به ترتیب: «جهانبخش نجفی» و «علی اشرف ذهتابان» - نفر جلوی میز کلاه به دست: «حاج روح الله محلوجی».

حاج روح الله محلوجی

حاج روح الله محلوجی در سال ۱۳۰۹ (ه. ش.) در کرمانشاه متولد شد. پدرش حاج فتح الله از مردان نیکو کار کرمانشاه به شمار می‌رفت. حاج روح الله محلوجی در سنین جوانی قدم به روی تشک کشتی نهاد و زیر نظر مربیان مجرب کرمانشاهی تمرین کشتی را آغاز نمود و چندان طول نکشید، در وزن خود، به مقام نخست کشتی استان نائل گردید و به مدت چندین سال این مقام را

برای خود حفظ نمود. وی در مسابقات قهرمانی کشور شرکت نمود، یک بار به مقام سوم و دوبار به مقام چهارم این مسابقات دست یافت. حاج روح الله مخلوجی در شهر تهران در راستای پیشه پدری در نیاوران به جراحی محلی مشغول است و بدین طریق به حال جامعه فردی نافع به شمار می رود.



تیم کشتی کرمانشاه در سالهای ۱۳۲۹ (ه. ش.) نفرات از راست اکبر میری، خلیل جوادیان، حاج روح الله مخلوجی، علی اشرف زهتابان، حاج قاسم یوسف پور، جهانبخش نجفی، حاج ولی الله مخلوجی.

حاج قاسم یوسف پور

حاج قاسم یوسف پور در سال ۱۳۰۹ (ه. ش.) در کرمانشاه به دنیا آمد. پدرش حاج اسماعیل یوسف پور از ورزشکاران باستانی بود که عشق و علاقه او در پسرش مؤثر افتاد. قاسم یوسف پور تحت اثر پدر، به زورخانه راه پیدا کرد و زیر نظر مرحوم مشهدی احمد مهرکن به ورزش

و کشتی پرداخت وی از سال ۱۳۲۷ قدم بر تشک کشتی نهاد و به زودی در جرگه تیم کشتی شهر قرار گرفت و همه ساله در مسابقات قهرمانی شرکت می جست و برای تیم کرمانشاه امتیازات خوبی به ارمغان می آورد. قاسم یوسف پوردر طی دوران فعالیت قهرمانی اش موفق گردید عناوین دوم تا ششم کشور را احراز کند و نام خود را در تاریخ آغازگران کشتی آزاد و فرنگی شهر و دیار خویش ثبت نماید. این قهرمان در حال حاضر در زادگاهش به کسب آزاد مشغول و از نظر اخلاقی یکی از مردان نمونه خوب کرمانشاه به شمار می آید.



نفرات ایستاده از راست: فریدون کمالی - حاج ولی الله محلوجی - مرحوم حشمت الله قاسمی - حاج قاسم یوسف پور جهانبخش نجفی - نصرت الله کامکار - مرحوم اصغر جهانسوز. - نفرات نشسته از راست: حاج روح الله محلوجی - خلیل جوادیان - باقر نصرتی - حاج مصطفی تیمورپور - شاهمراد دلفانی. زمان: ۱۳۳۰ (۵. ش.)

علی اشرف نقی پور

علی اشرف نقی پور ۱۳۱۷ - ۱۳۴۵ (ه. ش.)^(۱) فرزند خان بابا از ایمل کلهر در روستای برف آباد اسلام آباد غرب دیده به جهان گشود. مرحوم خان بابا در سال ۱۳۲۴ به ضرورت تحصیل فرزندان خود به همراه خانواده عازم شهر کرمانشاه گردید. علی اشرف که از روحیه‌ای حماسه جو برخوردار بود به ورزش ملی سنتی کشتی روی آورد و در سالن کشتی گاراژ [پاساژ قصر علی] تمرینات خویش را آغاز نمود و در اثر زحمات آقای فریدون کمالی دیری نپایید به فنون کشتی مسلط گردید؛ به طوری که توانست در سال ۱۳۳۴ در مسابقات آموزشگاههای کشور در سال ۱۳۳۷ به مقام قهرمانی دست یابد.

سفر به خارج از کشور

از آنجا که علی اشرف جوانی پر استعداد و علاقمند به کسب علم و معرفت بود در سال ۱۳۳۷ (ه. ش.) به منظور تحصیل در رشته پزشکی، عازم وین پایتخت کشور اتریش گردید و ضمن تحصیل، در باشگاه ایرانیان تمرینات کشتی را پی گرفت و در این راستا همچنان مقام قهرمانی خویش را حفظ نمود؛ چنانکه در مسابقات انتخابی اتریش جهت شرکت در مسابقات المپیک رم برگزیده گردید. اما به علت روحیه میهن دوستی از پذیرش تابعیت آن کشور روی گرداند و از رفتن به المپیک از جانب دولت اتریش صرف نظر نمود. چون این مسئله در مطبوعات اتریش انعکاس یافت؛ به دعوت تربیت بدنی وقت ایران نقی پور به کشور بازگشت تا از جانب میهن خویش به المپیک رم اعزام گردد؛ این تاریخ مصادف با سالهای بحرانی تاریخ ایران از نظر مبارزات مردم با حکومت استبدادی شاه بود، و چون علی اشرف نقی پور مردی ملی و مبارز بود؛ بطوریکه از طریق ارتباط با مرحوم غلامرضا تختی و با دیگر مبارزان داخل و خارج کشور علیه رژیم وقت همکاری داشت، شاید یکی از دلایل دولت وقت ایران در عدم موافقتش نسبت به اعزام وی به المپیک رم بدین جهت بوده است. لیکن به همین دلیل مجدداً به اروپا بازگشت و مقام خویش را به نرات دوم اتریش بخشید.

دست حادثه

در مورخه هفدهم خرداد سال ۱۳۴۵ (ه. ش.) برابر با ۱۹۶۶ میلادی هنگامی که علی اشرف نقی پور قهرمان میهن دوست ایرانی به اتفاق دو کشتی گیر اتریشی و یکی از دوستان ایرانیش از مراسم توزیع جوایز قهرمانان کشتی از شهری در جنوب اتریش بازمیگشت در اثر سانحه اتومبیل جان خود را از دست داد. بدن ورزیده او در میان آهن پاره های اتومبیل از چند ناحیه به شدت مجروح شده بود به بیمارستانی بردند که خود در آن دوره اترنی اش را گذرانده بود. تلاش جراحان و دوستانش به جایی

۱ - به علت دیر رسیدن مطلب، درج شرح حال مرحوم «علی اشرف نقی پور» به ناچار در این صفحه میسر گردید عکس وی در آلبوم ضمیمه آمده است.

نرسید و او برای همیشه به خواب ابدی فرو رفت. جسد وی به ایران منتقل گردید و در خاک پاک میهن مدفون گردید. این قهرمان به هنگام مرگ ۲۸ سال داشت و تحصیل پزشکی را به پایان رسانده بود.

حاج قاسم الماسوندی معروف به: قاسم شاطر رفیع

حاج قاسم الماسوندی ۱۳۱۰ - ۱۳۶۶ (ه. ش.) در خانواده ای مذهبی و پر تلاش در شهر کرمانشاه دیده به جهان باز کرد. پدرش محمد رفیع به شغل نانوائی اشتغال داشت. حاج قاسم نیز، از همان ابتدا جوانی فعال، پرکار و متدین بار آمد و ضمن تلاش در راه پر سنگلاخ زندگی قدم در راه ورزش گذارد و به تمرین کشتی پرداخت. وی زیر نظر فریدون کمالی و سرهنگ محمد آهنچی به تمرینات خویش ادامه می داد. این کشتی گیر و باستانی کار ارزنده چندین سال متوالی در رشته کشتی آزاد، در دسته سنگین وزن و با تجربه، همچنان بر سکوی نخست کشتی استان کرمانشاهان قرار داشت. از جمله: در سال ۱۳۳۲ (ه. ش.) نفر اول کشتی آزاد استان در وزن هشتم.

در سال ۱۳۳۳ (ه. ش.) نفر اول کشتی آزاد شهرستان کرمانشاه از دسته با تجربه وزن هشتم و برنده یک قطعه مدال درجه یک.

در سال ۱۳۳۴ (ه. ش.) نفر اول کشتی آزاد باشگاههای استان پنجم از دسته با تجربه، وزن هفتم و برنده یک قطعه مدال درجه یک گردیده است.

حاج قاسم الماسوندی در سال ۱۳۴۲ (ه. ش.) عازم سفر حج گردید، پس از زیارت خانه خدا، رهسپار عتبات عالیات شد. عشق و علاقه و ارادت وی به خاندان طهارت، همواره سبب تکرار مسافرتهایش به کشور عراق بود و چهار بار نیز به مکه معظمه مشرف گردید. حاج قاسم مردی مؤمن و پاک نهاد بود و ورزش را از دیدگاه معنوی اش بیشتر دوست می داشت تا از بُعد مادی اش. نقل کرده اند در یکی از مسابقات کشتی، در برابر حریفش که فردی ارتشی بوده و پیروز شدن در ارتقاء درجه اش تأثیر داشته است؛ خود را به زمین می زند تا او برنده شود. و این درست همان نکته مردانگی پوریا گونه ای می باشد که در قاموس وجود او بارقه زده است.

حاج قاسم در خیابان نواب کرمانشاه دکان فرش فروشی داشت و در این راستا، در سال ۱۳۵۸ (ه. ش.) در حین آوردن فرش از شهرستان یزد به کرمانشاه، ماشین خاور حامل فرشهای او با یک ماشین ده تن برخورد نمود و پای راستش قطع شد. اما حاج قاسم کسی نبود که در برابر وقایع و مصیبتها روحیه خود را از دست بدهد. دو سال پس از این حادثه، در سال ۱۳۶۰ (ه. ش.) یکی از پسرانش موسوم به محمدعلی در جبهه نوسود به شهادت رسید. لیکن در ایمان این پدر بزرگوار کوچکترین خدشه ای وارد نیامد.

وی پس از شهادت پسرش، به یاد او و سایر شهداء حسینه ای موسوم به حسینییه شهداء در محل باغ فردوس کرمانشاه، در گلزار شهداء بنا نمود. در این حسینه، در ایام سوگواری حسینی، مراسم عزاداری برگزار می شود. همچنین در شبهای جمعه، زیارت عاشورا و در صبحهای جمعه، دعای ندبه در آن خوانده می شود.

حاج قاسم الماسوندی در سال ۱۳۶۶ در خالی که بیش از ۵۶ سال از عمر پر برکتش سپری نشده بود؛ در اثر سکت قلبی چشم از جهان فروبست و پیکر پاک او در صحن حسینیه شهداء به خاک سپرده شد.



یادبودی از مسابقات کشتی دویندی در سال ۱۳۳۷ (ه. ش. ۱۰) در کرمانشاه - شرح عکس : صحنه‌ای از مسابقات کشتی آزاد بین تیم تهران و کرمانشاه در شهر کرمانشاه نشان داده شده است . در این عکس دست کشتی‌گیر کرمانشاهی ، حاج قاسم الماسوندی در برابر منصور مهدی زاده ، به عنوان کشتی‌گیر پیروز توسط داور - وسط ، فریدون کمالی بالا برده شده است .

منصور مهدی زاده در سالهای بعد از این کشتی با برزلیاقت و استعداد استثنایی خویش توانست در دسته سنگین - وزن کشتی آزاد، سالهای متوالی فاتح سکوی نخست جهانی باشد. این قهرمان ارزنده نامی جاودانه در تاریخ کشتی ایران دارد.



از سمت راست «حاج قاسم الماسوندی»، سمت چپ «حاج غلامرضا خوانساری» در حال انجام کشتی آزاد در کرمانشاه. در سال ۱۳۳۶ (ه. ش. ۰) - نتیجه: «حاج قاسم الماسوندی» نفر اول در وزن ۸۷ کیلوگرم

داریوش رزقی

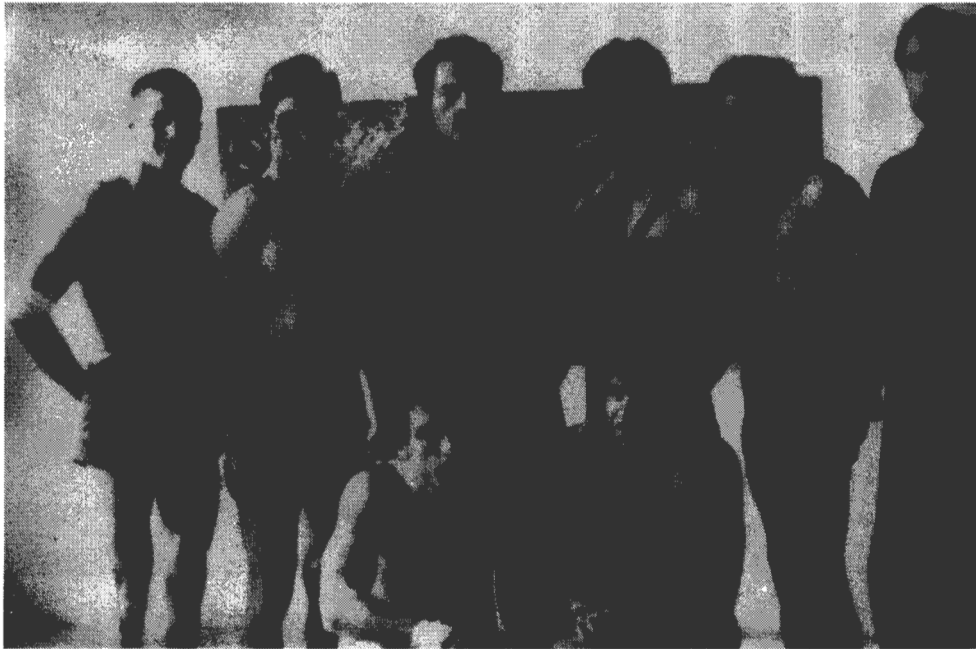
داریوش رزقی، ۱۳۱۰ - ۱۳۶۸ (ه. ش. ۰) در شهر دلاورخیز کرمانشاه در خانواده‌ای سرشناس پای به - عرصه وجود گذارد. وی در حین تحصیل در دبیرستان، در باشگاه مهدی رئوفی قدم بر تشک کشتی نهاد وزیر نظر محمد آهنچی تمرینات خویش را آغاز کرد. نامی نیک و پرافتخار از خویش باقی گذارده - است. داریوش رزقی از کشتی گیران قدیمی و پر ارزش دیار غرب قلمداد شده است. و در مدتی اندک عضو تیم شهر شد و چندین دوره، در مسابقات آموزشگاهی کشور و قهرمانی جوانان کشور به عناوین مختلف قهرمانی دست یافت.

این قهرمان پراج در سالهای آغاز کهنولت چشم از جهان فرو بست و عزیزان خود را در غم و محنت فرو برد.

جهانگیر پیری

جهانگیر پیری در سال ۱۳۱۰ (ه. ش. ۰) در کرمانشاه متولد گشت. وی در جوانی به ورزش روی آورد و

با وجود حرفه دشوار رانندگی کامیون ، در تمرینات کشتی غفلت نمی ورزید . جهانگیر پیروی در مسابقات بسیاری شرکت جست و عناوینی کسب نمود . از جمله : در سال ۱۳۳۵ در رشته آزاد ، در وزن چهارم توانست به مقام چهارم کشور نایل گردد . وی از قهرمانان پیش کسوت کشتی دوبندی به شمار می رود که همواره قدرت بدنی و ورزش را برای سلامت روح و روان می خواست .



یادبودی از مسابقات انتخابی قهرمانی کشور در سال ۱۳۲۹ (ه . ش .) نفرات از سمت چپ « ناصر منتظری » « دکتریدالله الهی » « مرعشی » « سرپرست اردوی اراک » ، « کاظم پلنگ کش » ، « امیرمجتبی » « توحیدی » « فریدون کمالی » (مربی) مشاهده می شوند . - نفرات نشسته از سمت راست « جهانبخش نجفی » و « علی اشرف زهتابان » .

دکتریدالله الهی

دکتریدالله الهی متولد در سال ۱۳۱۲ (ه . ش .) در شهر کرمانشاه ، مردی از دیار عاشقان علم و ورزش .
یدالله الهی از پیش کسوتان کشتی و از آغازگران کشتی در شهر کرمانشاه محسوب می گردد . وی در سنین نوجوانی زیر نظر مربیانی چون فریدون کمالی در باشگاه توکلّی تمرینات خود را آغاز نمود و دیری نپایید که در سطح استان همواره بر سکوی افتخار قرار گرفت و عناوین پنجم تا ششم قهرمانی کشور رانیز در وزن سوم ، رشته آزاد کسب نمود و چندین سال متوالی عضو تیم انتخابی شهر بود . این پیش - کسوت پُراج و قدیمی در سال ۱۳۳۶ جهت تحصیل به کشور آلمان غربی سفر نمود و در سال ۱۳۴۳ به کشور بازگشت و در دانشگاه ملی ایران موفق به اخذ درجه دکترا در رشته طب گردید . دکترالهی در حال

حاضر نیز به خدمات پزشکی خویش ادامه می دهد. نکته مثبت اخلاقی و فکری این قهرمان ارزنده در این است که وی کماکان به منظور مدد رساندن به مردم معمولی، در محلات مردمی به طبابت اشتغال دارد و هیچگاه در اندیشه مال اندوزی و سوءاستفاده از موقعیت خویش نبوده است و در این راستا در تربیت فرزندانش سعی فراوان مبذول می دارد.

حاج ولی الله محلوجی

حاج ولی الله محلوجی در سال ۱۳۱۲ (ه. ش. ۰) در شهر ورزش پرور کرمانشاه دیده به جهان گشود. حاج ولی الله از تبار خدمتگذاران، تبار حاج فتح الله محلوجی است که در اثر عشق و علاقه به پهلوانان - باستان، در عنفوان جوانی قدم به روی تشک کشتی نهاد و دیری نپایید که وی، در سطح استان بر سکوی نخست، رشته آزاد، در دسته سنگین وزن قرار گرفت. این قهرمان از توانی خدادادی و بدنی خود ساخته و کم نظیر برخوردار بود، به طوری که علی رغم امکانات محدود پس از اندکی تمرین در مسابقات - قهرمانی کشور سال ۱۳۳۰ به عنوان چهارم ایران دست یافت و این مقام برای کشتی گیری تازه کار، دال بر نیرو و هوشیاری فوق العاده وی بود. یک سال بعد از این پیروزی، در سال ۱۳۳۱ قهرمان جوان، حاج - ولی الله جهت شرکت در مسابقات قهرمانی کشور به شهر تبریز اعزام گردید و توانست در دسته سنگین - وزن کشتی آزاد مقام سوم کشور را احراز نماید.^(۱) همچنین در سالهای خدمت زیر پرچم (۱۳۳۰ - ۱۳۳۲) پرفدرت و پرتوان به تمرینات خویش ادامه داد و کماکان در اوزان هفتم و هشتم سکودار قهرمانی ارتشهای ایران بود و پس از اتمام دوران خدمت در سال ۱۳۳۳ همراه تیم انتخابی کشتی استان به تهران اعزام گردید و در رشته آزاد، در وزن هشتم مقام دوم کشور را کسب نمود. در سال ۱۳۳۴ نیز مقام نخست استان کرمانشاهان را در رشته آزاد، در وزن هشتم به دست آورد و به اتفاق دیگر نفرات انتخاب شده استان به تهران گسیل شد. در تهران در مسابقه نهایی با قهرمان تهرانی موسوم به تیموری مصاف داد، اما علی رغم احراز مقام سوم کشور حقیقتاً نایب شد و برای همیشه کشتی را کنار گذارد. در حال حاضر حاج ولی الله محلوجی در کرمانشاه با پیشه پدری خویش به خدمات صادقانه اش ادامه می دهد.

۱ - بااستناد به «روزنامه ورزشی، اجتماعی، بهداشتی نیرو و درستی» به امتیاز و مدیریت آقای محمد تقی خسروی مورخه



«حاج فتح الله محلوجی» (۱۲۵۸ - ۱۳۴۳ ه. ش .) از مردان
خبر و نیکوکار کرمانشاه .

محمود سنگدل

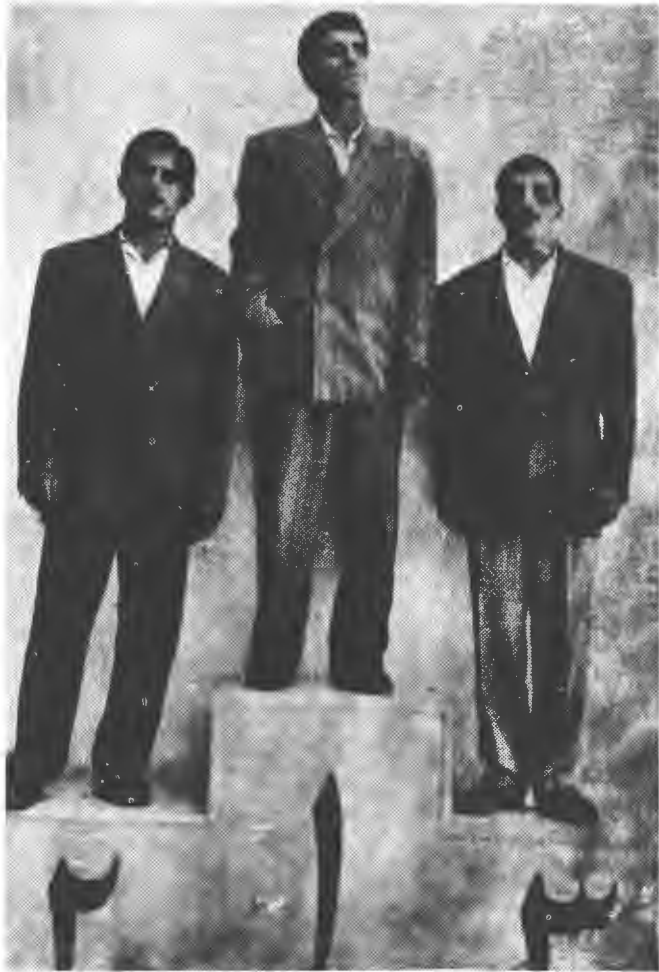
محمود سنگدل در سال ۱۳۱۲ (ه. ش .) در شهر قهرمان پرور کرمانشاه در محله فیض آباد به دنیا آمد. پدرش مردی زحمتکش و ورزشکار بود و غالباً اوقات فراغت خود را در زورخانه های معتبر شهر به ورزش سنتی باستانی می پرداخت . وی سه فرزند خود را به زورخانه می برد و بدانها فنون کشتی و ورزش می آموخت. محمود در باشگاه بیژن واقع در خیابان جلیلی علاوه بر ورزش باستانی ، بر تشک کشتی نیز به تمرین کشتی می پرداخت . تا اینکه دیری نپایید به عنوان کشتی گیری قَدَر در وزن پنجم کشتی آزاد ، در سطح استان مطرح گردید. این قهرمان پیش کسوت به شغل آزاد اشتغال یافت و پس از اختیار کردن همسر کماکان ورزش را نیز ادامه می داد. او مردی خود ساخته و با اخلاق برجسته پهلوانان بود.



«حاج ولی الله مخلوچی» در سنین جوانی.

حشمت الله خامه چی

حشمت الله خامه چی ۱۳۱۲ -
 ۱۳۶۵ (ه. ش. ۰) در کرمانشاه
 متولد گردید. پس از گذراندن
 دوره اول متوسطه در سال
 ۱۳۳۰ در باشگاه شاهین
 کرمانشاه قدم بر تشک کشتی
 نهاد و زیر نظر مربی پردوام این
 دیار فریدون کمالی تمرینات
 خویش را آغاز نمود و مدتی
 بعد ادامه تمریناتش را
 در باشگاه میهمانخانه بزرگ
 پی گرفت و دیری نپایید که در
 شمار کشتی گیران مطرح استان
 قرار گرفت. این پیش کسوت
 کشتی دویندی چندین دوره
 متوالی در مسابقات قهرمانی
 شرکت جست و توانست در این
 راستا امتیازاتی کسب نماید و در
 مقامهای سوم تا ششم قهرمانی
 کشور قرار گیرد از جمله در سال
 ۱۳۳۲ همراه تیم منتخب
 کرمانشاه به شهر اصفهان اعزام
 گردید و در وزن دوم کشتی -
 فرنگی مقام سوم کشور را احراز
 نمود. حشمت الله خامه چی
 در سنین میان سالی پشت به -
 خاک حقیقت سپرد و خاطره ای
 گرامی از خویش برجای گذارد.



قهرمانان وزن دوم کشتی فرنگی کشور.

۱ - شفیعون از اصفهان ۲ - امجدی از تهران ۳ - خامه چی از کرمانشاه
 محل : اصفهان زمان : ۱۳۳۲ (ه. ش. ۰)

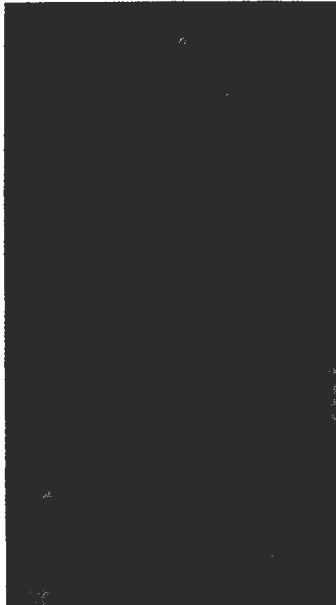
[از نشریه مخصوص پانزدهمین دوره مسابقات کشتی های آزاد و فرنگی]

هاشم کاظمی زنگنه

هاشم کاظمی زنگنه فرزند یدالله خان کاظمی زنگنه در سال ۱۳۱۵ (ه. ش. ۰) در شهر مردپرور کرمانشاه دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی قدم بر تشک کشتی گذارد و در مدتی کوتاه با همت خویش و تعلیمات مربی دلسوز، فریدون کمالی توانست به میادین مسابقات راه یابد، به طوری که در سال ۱۳۴۰ در وزن چهارم کشتی آزاد برسکوی قهرمانی آموزشگاه های کشور قرار گرفت. پس از آن نیز در چندین دوره پیاپی مسابقات قهرمانی کشور شرکت جست و بامبارزاتی مردانه و درخشش چشم گیر، امتیازات بسیاری برای تیم شهر کسب نمود.

دست حادثه

در سالهایی که امید پیروزیهایی برتر در انتظار هاشم کاظمی زنگنه بود؛ در حین انجام تمرین کشتی، از ناحیه گردن بدو آسیب جدی رسید که به همت مسئولین وقت سازمان تربیت بدنی استان، او را به کشور آلمان گسیل داشتند. کاظمی زنگنه پس از معالجه شدن به تحصیل روی آورگردید و با اخذ مدرک دکترای داروسازی در همان کشور، رحل اقامت افکند.



فصل دوم از بخش هفتم
کشتی گیران دوبندی کرمانشاه در مرحله دوم
تکامل کشتی در ایران





حبیب الله بلور استاد مسلم و مربی ارزنده کشتی دوبندی با توجه به اینکه در سیر تکاملی کشتی پهلوانی و قهرمانی در ایران مردان قدری همچون حاج عبدالحسین فعلی - مرحوم حبیب الله بلور، مرحوم جهان پهلوان غلامرضا تختی و دیگر عزیزان در این راه کماکان نقش اساسی داشته اند و از مردان سرآمد جهان پهلوانی قلمداد می شوند؛ لذا به پاس زحمات بی شایبه آنان به شرح مطالبی در مورد برخی از این قدرمردان می پردازیم .

حبیب الله بلور [پدر کشتی نوین ایران]

حبیب الله بلور فرزند رحیم و برادر مرحوم نصرت الله، مرحوم اسدالله و قدرت الله و نبیره - میرزا حسین بلور [که بناهایی نظیر آب انبار، مقبره و... از وی در شهر تفرش به یادگار مانده است .] به - سال ۱۲۹۲ (ه. ش .) در ناحیه ۵ تهران قدم به عرصه وجود گذارد. در سال ۱۳۰۸ که دانش آموز سال - سوم یک کالج آمریکایی بود، پدرش را از دست داد و ناگزیر کالج را ترک کرد و نزد پهلوان میرزا عباس - صدری اصفهانی به شیشه بری مشغول شد و در آیینه کاری کاخ مرمر و کاخ گلستان ، استاد خود را مدد نمود. استاد که او را جوانی فعال و مستعد دید، هرچه از فنون کشتی می دانست بدو آموخت و بلور نیز توانست لیاقت و برتری خویش را به ثبوت برساند. به طوری که با شرکت در نخستین دوره مسابقات - قهرمانی کشور، در سال ۱۳۱۸ در رشته های آزاد و فرنگی به مقام قهرمانی نایل گشت و از سال ۱۳۳۰ پیوسته برتشک، افتخار می آفرید. این استاد بزرگ ، تنها یک قهرمان نبود، بلکه مردی بزرگ بود که شخصیت و خصایل مردانه اش اثری جاودانه بر روند تکامل کشتی ایران باقی گذارد. وی در راستای ورزش کشور به اقدامات مفیدی در این زمینه مبادرت ورزید که به چند نمونه اشاره می گردد:

۱ - تأسیس باشگاه آهن در سال ۱۳۲۱ (ه. ش .) که خاستگاه قهرمانان بسیاری گردید.

۲ - تعلیم و آموزش کشتی در سالهای تبعیدش به شهرهای مشهد، قزوین و مازندران چنان که از این - رهگذر قهرمانان برجسته ای تحویل جامعه ورزش کشور داد. قهرمانانی که در میادین جهانی و المپیک ستارگانی خوش درخشش بودند.

۳ - انجام خدماتی شایسته و بزرگ پیرامون ورزش سنتی - ملی میهن دلاورپروایران در طی مدت هشت سال مربیگری تیم ملی (۱۳۳۴ - ۱۳۴۱ ش .) به عنوان نمونه با پشتکار برخاسته از عشق درونی استاد بلور، تیم کشتی ایران در (مسابقات جهانی «یوکوهاما»ی ژاپن در سال ۱۹۶۱ م.) برای نخستین بار بر سکوی قهرمانی قرار گرفت.

۴ - آموزش و تعلیم به قهرمانان بزرگ ایران، از جمله : جهان پهلوان غلامرضاتختی، پهلوان عباس - زندی، امامعلی حبیبی، نابغه کشتی ایران، جهانبخت توفیق، حسین نوری، حسین ابراهیمی - ملاقاسمی، باباوالادی، محمودملاقاسمی، غلام زندی، محمدعلی خجسته پور، منصوررئیسی، مهدی یعقوبی، ناصر جاوید، ناصر گیوه چی، بنی الله سروری و بسیاری دیگر از عزیزان که در میادین مسابقات جهانی خوش درخشیدند.

۵ - عهده داری ریاست فدراسیون کشتی کشور در سال ۱۳۴۲ (ش .)

۶ - فعالیتهای قلمی : الف - نگارش مقالات ارزنده پیرامون کشتی و ورزش باستانی در سال ۱۳۲۲ (ش.) در مجله نیرو و راستی و ادامه این فعالیت

ب - همکاری تنگاتنگ با مجله کیهان ورزشی در زمینه نگارش مطالب و مقالات بدیع و مفید درباره - ورزش، در راستای سلامت جامعه ایران. ج - تدوین و تألیف کتاب پرارزش فن و بند کشتی در زمینه - معرفی و آموزش فنون کشتی. این کتاب در بهمن ماه سال ۱۳۵۴ توسط انتشارات مدرسه عالی ورزش چاپ و منتشر گردیده است. استاد بلور در زندگانی خانوادگی نیز رفتاری مهربان و صادق داشت. دارای پنج اولاد ذکور و اناث بود که دو تن از آنان موسوم به فرح، و غلامعلی به دیدار معبود شتافته اند و سه تن دیگری نامهای فهیمه، محمد و بیژن از استاد به یادگاری باقی مانده اند حبیب الله بلور در سنین کهولت چشم از جهان فرو بست و یاد و نامش در لوح تاریخ ورزش جهان جاودانه ماند.

بازگشت پیروزمندانه حبیب الله بلور از سفر زیارتی - ورزشی از عتبات عالیات و کشتی وی با پهلوان حاج یدالله خان محبتی

در فروردین سال ۱۳۲۵ تیم باشگاه نیرو راستی تهران از زیارتی ورزشی به ایران بازگشت. پهلوانان، کشتی گیران، باستانی کاران و ورزشدوستان کرمانشاه به استقبال آنها شتافتند و با گرمی و میهمان نوازی تمام پذیر ایشان شدید. در این ملاقات دوستانه قرار شد استاد حبیب الله بلور و پهلوان یدالله خان - محبتی با هم کشتی بگیرند. از این رو فرشی در صحن حیاط دبیرستان شاهپور گسترده و در و دیوار را چراغانی و آذین بندی نمودند. ازدحام کم نظیری از ورزشکاران و مردم ورزشدوست کرمانشاه در محل گرد آمدند و همگان بآب صبری در انتظار مصاف دو قدرمرد بودند که مسئولین و بزرگان شهر به گفتگو نشستند و چنین نتیجه گرفتند که بهتر است این مسابقه برگزار نشود. زیرا با پیروزی هر طرف نتیجه ای جز

کدورت و ملال حاصل نخواهد شد. لذا بانندای صلوات دوپهلوان روی یکدیگر را بوسیدند.
حبیب‌الله بلور در سنین کهولت چشم از جهان فرو بست و یاد و نامش در لوح تاریخ ورزش جهان جاودانه ماند.

چون ستاره ز نظر، اشگ و فایزانییم

چون گل صبح به کویت ز سحر خیزانیم

استاد حاج عبدالحسین فعلی، مربی جهان پهلوان غلامرضا تختی

حاج عبدالحسین فعلی در سال ۱۳۰۴ (ه. ق.)^(۱) در شهر تهران پای به عرصه وجود گذارد. وی از کودکی عشق و علاقه ای استثنایی به ورزش کشتی داشت. چون سن کمش اقتضا نمی کرد، نمی توانست قدم به داخل زورخانه بگذارد. اما آنجا که سپاه عشق فناری قلب را به تسخیر در آورد، دیگر تیراز کمان رها شده و کسی جلو دارش نیست. این بود که عبدالحسین خردسال به بالای بام زورخانه - اسدالله حاج محراب می رفت و از روزنه روی پشت بام آن، تمرینات کشتی پهلوانانی همچون: ابوالقاسم قمی، صادق قمی، اسدالله حاج محراب و ... را نظاره می کرد و با هوش سرشاری که در امر - یادگیری داشت، فنون کشتی را

به ذهن می سپارد. و بدین -
منوال، به مرور ایام،
عبدالحسین به صورت
گنجینه ای از فنون در آمد. وی
در سال ۱۳۰۵ (ه. ش.) به -
خدمت سربازی رفت و پس از
اتمام خدمتش در زورخانه -
سرپل امیر بهادر به یاد گرفتن
عملی فنون کشتی پرداخت.
سپس به زورخانه اسدالله -
حاج محراب رفت و به طور
جدی تری به تمرینات کشتی
پرداخت.



پهلوان حاج عبدالحسین فعلی مربی «جهان پهلوان غلامرضا تختی» مردی با تمام نیرو و خلوص

کشتی حاج عبدالحسین فعلی با اصغر بازارچه

در سال ۱۲۸۱ (ه. ش. ۰) روزی حاج عبدالحسین در زورخانه اسدالله حاج محراب ورزش کرد پس از انجام عملیات و حرکات باستانی قصد خروج از زورخانه را داشت که اسدالله حاج محراب او را تشویق نمود به زورخانه کربلایی عباسعلی بروند؛ تا با اصغر بازارچه کشتی بگیرد. حاج عبدالحسین که به خود اطمینان کامل یافته بود، قبول کرد. در زورخانه کربلایی عباسعلی، حاج عبدالحسن در برابر اصغر بازارچه که هیکلی غول آسا داشت قرار گرفت. فرو که کوبیدند اصغر دست تو کرد. اما موفق به شکست جوان تازه از راه رسیده نشد. در حالی که پهلوان حاج عبدالحسین به آسانی اصغر بازارچه را به روی گود انداخت و برتری خود را به اثبات رساند.

ساختن اولین تشک در ایران

حاج عبدالحسین فعلی را سازنده نخستین تشک کشتی در ایران می دانند. تشک مزبور در ابعاد ۲ در ۲ متر از جنس برزنت و پراز کرک قالی و پوشال بود. این استاد و استثنایی چهار صد فن کشتی آزاد را چنان یاد گرفت که دیگر کسی را یارای مقابله با او نبود. هرفنی و بدل آن در ذهنش ملکه شده بود. این استاد - بزرگ شاگردان بسیاری داشت و پهلوانان و قهرمانان پر آوازه ای را تربیت نمود که اولین آنها حسن سعدیان است که نخستین مدال طلای جهانی را برای کشور خود به ارمغان آورد و آخرین شاگردش منصور بزرگ قهرمان نامی ایران است. دیگر شاگردان وی، جهان پهلوان غلامرضایتی بوده است که امروزه جهان به نام زیبای او افتخار می کند. نامی که برای تمامی مردم دنیا به صورت یک اسطوره تبدیل شده است.

حاج عبدالحسین فعلی فن سگک را اولین فنی می داند که آموخته است و امروزه در جهان کمتر کشتی گیری وجود دارد که همچون این استاد بزرگ به رموز کشتی پهلوانی و قهرمانی تسلط داشته باشد و یا به اندازه او فن بداند. وی از هر نظر در شرایط مناسب پهلوانی قرار داشته است. از بدنی سالم با سوخت سازی طبیعی، از تغذیه ای مناسب، استخوان بندی محکم و هوشی سرشار برخوردار بوده است. از همه مهمتر دلی قرص و سری نترس داشته است. از نظر نیروی بدنی و تعداد فنون، چنان غنی به شمار می رفته که هرگز در کار برد و به ثمر رساندن هیچ فنی عاجز نمانده است. زیر یک خم حریف را که می گرفته، کار را تمام می کرده است. در مایه سگک اگر کار می کرده هرگز بدل نمی شده و حریف را مغلوب می ساخته است. در باقی فنون: قوس از جلو، قوس از عقب... فی تو برات، لینگ سرکش، لینگ مغربی و...، بار انداز، فتیله پیچ، سالتو، سر زیر بغل و... و... هرگز در نمی مانده و کار را خاتمه می داده است. او عقیده دارد کشتی گیر باید حائز شرایطی نظیر شرایط خود او باشد تا بتواند



هراز چندگاه ورزشکاران و ورزشدوستان به دیدار مربی بزرگ کشتی ایران «حاج عبدالحسین فعلی» می‌شناهند. در این عکس «حاج عبدالحسین فعلی» پیرکشتی در کنار «داود ایوب» قهرمان سابق کشتی ایران دیده می‌شود. - «جمشید آرش» نیز که سالهاست در راه ورزش ملی ایران خدمات بسیار ارائه نموده است، نفر دوم از راست به حالت ایستاده دیده می‌شود.

کشتی‌بگیرید و قهرمان شود: تغذیه سالم و کامل، بدنی بیدار، پاهای محکم، فکری سالم و سری نترس - داشتن. در حالی که امروزه کمتر کسی جمع این شرایط را داراست.

حاجّ عبدالحسین فعلی در سال ۱۲۹۰ (ه. ش.) کامیونش را فروخت و زورخانه مشهدی اکبر را خرید. سپس بعد از آن به باشگاه منیریه رفت، مدّتی نیز در آنجا کار کرد. آنگاه در گذر وزیر دفتر به تمرینات کشتی ادامه داد و این همانجایی است که مرحوم حبیب‌الله بلورنیز مدّتی در آن، به تمرین کشتی پرداخته است حاجّ عبدالحسین باشگاه دیگری در انتهای بازار تهران افتتاح نمود که به علّت خالی بودن زیر آن، مدّتی بعد فرو ریخت. اما از آنجا که وی نمی توانست بیکار و به دور از ورزش و تمرین بنشیند، به پهلوان کرمانشاهی، اسدالله آهنگر مراجعه نمود و در باشگاه پولاد خدمات ورزشی خود را ادامه داد.

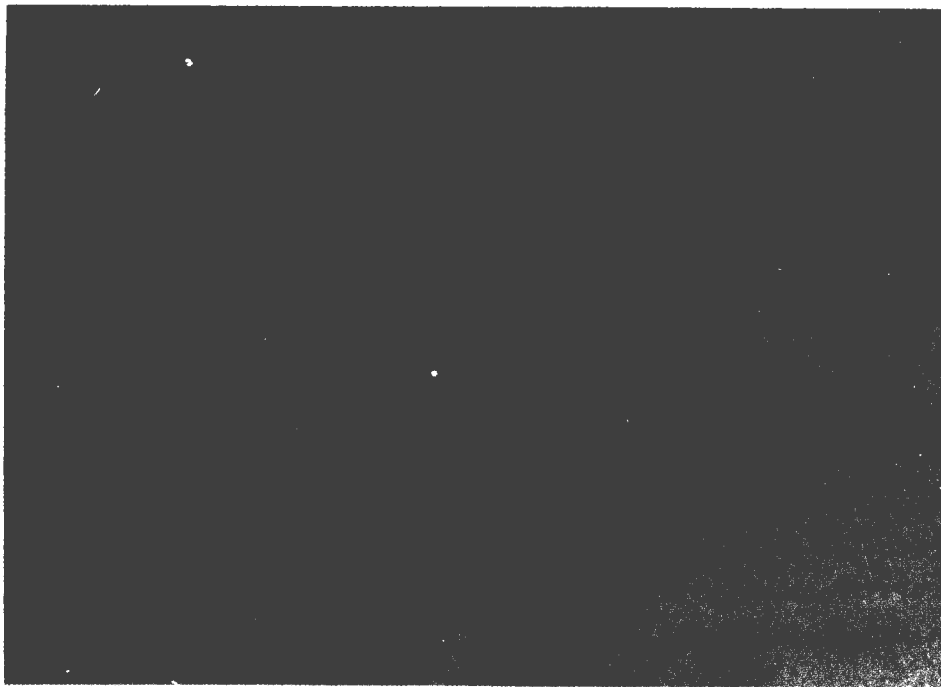
ورود صائم بیگ مربی ترک به ایران

مقارن با زمان افتتاح ورزشگاه شیروودی، یکی از مربیان هوشیار و زُبدۀ ترک موسوم به صائم بیگ از ترکیه به ایران آمد تا از فنون کشتی گیران ایرانی سر در آورد. حاجّ عبدالحسین فعلی از جریان امر آگاه شد و در برابر مربی ترک ایستادگی نمود و به مقامات مملکتی [در آن بُره از زمان] معترض شد که: این بیگانگان می آیند، فنون ما را یاد می گیرند و به کشور خود می برند.

در حال حاضر استاد و مربی بزرگ ایران، در تهران گلخانه دارد و با وجود کهولت سن، ورزش را ادامه می دهد. در واقع کشتی و فرهنگ و سنت آن در جان وی آتش افکنده و با روح او یکی شده است.

جهان پهلوان غلامرضا تختی

در شهریور ماه سال ۱۳۰۹ (ه. ش.) در خانواده ای متوسط الحال فرزندی دیده به جهان گشود که براو نام «غلامرضا» نهادند. این نام به انتخاب پدرش، مشهدی رجب بود که ارادتی خاص به امام هشتم (ع) در سینه اش موج می زد این مرد پاک و متقی به شغل یخچال‌داری اشتغال داشت و همواره سعی اش بر این بود که نان حلال و با زحمت به خانه بیاورد. خُلق و خوی مردانه و نیکش در روح و روان اهل و عیالش نیز مؤثر افتاد؛ و جوانمردی چون غلامرضا تختی تحویل ملت ایران داد. این فرزند برومند که همواره از تربیتی سالم تغذیه می کرد؛ به علّت عشق و علاقه وافر، به ورزش، در سال ۱۳۲۶ (ه. ش.) در باشگاه - «پولاد» پای برتشک کشتی نهاد و در بدترین شرایط و امکانات کار خویش را ادامه داد. وی که در دبستان و دبیرستان منوچهری واقع در «خانی آباد» تهران درس می خواند، پس از گذراندن دوره اول متوسطه به عنوان کارمند در راه آهن تهران استخدام گردید. این جوان بلند همت ضمن تلاش معاش تمامی هم خویش را در ورزش کشتی به کار گرفت به طوری که در سال ۱۳۲۹ (ه. ش.) نخستین مدال طلا را در قهرمانی کشور به دست آورد و بدین ترتیب دوران درخشش آغاز شد. در سال ۱۳۳۰ (ه. ش.) به عضویت تیم ملی ایران در آمد و پس از آن پی در پی در میادین مسابقات افتخاراتی نصیب خود و مردم میهنش نمود:



«جهان پهلوان تختی» در حال اجرای فنّ «کنده دست درشکن» بر حریف

عناوین شاخص جهان پهلوان غلامرضا تختی

- ۱۹۵۱ (م. م) - قهرمانی جهان «هلسینکی» [فنلاند] : مدال نقره - دروزن ششم، کشتی آزاد.
- ۱۹۵۲ (م. م) - المپیک «هلسینکی» [فنلاند] : مدال نقره - دروزن هفتم، کشتی آزاد.
- ۱۹۵۳ (م. م) - قهرمانی جهان «ورشو» [لهستان] : مدال نقره - دروزن هفتم، کشتی آزاد.
- ۱۹۵۶ (م. م) - المپیک «ملبورن» [استرالیا] : مدال طلا - دروزن هفتم، کشتی آزاد.
- ۱۹۵۸ (م. م) - قهرمانی آسیا «توکیو» [ژاپن] : مدال طلا - دروزن هفتم، کشتی آزاد.
- ۱۹۵۸ (م. م) - قهرمانی جهان «صوفیه» [بلغارستان] : مدال نقره - دروزن هفتم، کشتی آزاد.
- ۱۹۵۹ (م. م) - قهرمانی جهان «تهران» : مدال طلا - دروزن هفتم، کشتی آزاد.
- ۱۹۶۰ (م. م) - المپیک «رم» [ایتالیا] : مدال نقره - دروزن هفتم، کشتی آزاد.
- ۱۹۶۱ (م. م) - قهرمانی جهان «یوکاهاما» [ژاپن] : مدال طلا - دروزن هفتم، کشتی آزاد.
- ۱۹۶۲ (م. م) - قهرمانی جهان «تولیدو» [آمریکا] : مدال نقره - دروزن هفتم، کشتی آزاد.
- ۱۹۶۶ (م. م) - قهرمانی جهان «تولیدو» [آمریکا] : آخرین میدان.

علاوه بر افتخارات فوق، این جهان پهلوان در مسابقاتی که به صورت دوستانه دو یا چند جانبه انجام می شد شرکت می نمود و حضور فعال و برتر خویش را بر جهان ورزش به اثبات می رساند:

۱۹۵۵ (م. م) - در کشتی با قهرمانان تیم میهمان «ژاپن» در تهران و آبادان: پیروزی با برتری کامل (ضربه فنی) در وزن هفتم و وزن هشتم کشتی آزاد.

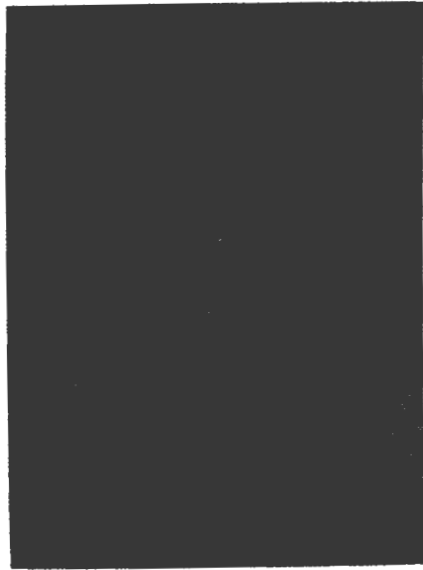
۱۹۵۶ (م. م) - در اعزام تیم ملی کشتی ایران به شوروی: پیروزی در دو مسابقه - از سه مسابقه، در وزن هفتم، کشتی آزاد.

۱۹۵۷ (م. م) - در کشتی باتیم - میهمان شوروی: پیروزی بر قهرمان شهیر شوروی «آبول»

۱۹۵۸ (م. م) در کشتی باتیم -

میهمان «پاکستان» پیروزی با برتری کامل - ضربه فنی بر «محمد نظیر» در وزن هشتم، کشتی آزاد.

جهان پهلوان در سالهای آخر عمر خود کماکان به مسابقاتش ادامه داد اما به دلایلی افتخار آمیز درخشش چندانی از خود بروز نداد؛ چنانکه در مسابقات المپیاد سال ۱۹۶۴ (م. م) که در توکیو پایتخت کشور ژاپن برگزار گردید، شرکت نمود و عنوان چهارم المپیک را در وزن هفتم کشتی آزاد به دست آورد و در سال ۱۹۶۶ (م. م) که مسابقات قهرمانی جهان در «تولیدو» برگزار گردید؛ وی در وزن هفتم کشتی آزاد با حریفان مصاف داد و علی رغم عدم احراز مدال، در بازگشت به وطن بیش از پیش مورد استقبال گرم هموطنان



تختی به مادر خود مهر می ورزید و قاموس وجودش آکنده از عشق او بود. و هر بار که از سفر بازمی گشت، مادر می پرسید: غلامرضا چندم شدی؟ این مادر اسطوره آفرین که همواره دامنی پراز گل دوستی و محبت برای فرزندان خویش داشت؟ پس از سالها در سوگ «جهان پهلوان» زیستن، سرانجام در سن ۹۷ سالگی رخت از جهان بر بست و به عزیز پُرپر شده اش جهان پهلوان، پیوست.

خویش قرارگرفت و مردم برایش چنین می خواندند: [رستم ایران کیه؟ تختیه، تختیه - شیردلیران کیه؟ تختیه، تختیه.]

جهان پهلوانا صفای تو باد
دل مهرورزان سرای تو باد
«کسرای»

جهان پهلوان تختی با تصاحب بازوبند پهلوانی، پایتخت درسالهای ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸ (ه. ش.) نام خویش را در عالم ورزش و کشتی باستانی نیز جاودانه کرده است. همچنین با شرکت در مبارزات ملی درجریانات ملی شدن صنعت نفت ثابت کرده که همواره قهرمانی ملی و میهنی بوده است. قهرمان ما، درسال ۱۳۴۵ (ه. ش.) با دختر دلخواه خویش پیمان مقدس زناشویی منعقد ساخت که حاصل آن جوان برومندی موسوم به بابک می باشد. این پهلوان برخاسته از محله خانی آباد تهران، اسوه‌ای بود که به تاریخ پیوست. همان گونه که جهان پهلوان، رستم زال به اسطوره‌ها پیوست. «غلامرضا تختی» ابر مردی با اعتقادات خاص دینی بود و خُلق و خوی پوریاگونه داشت و واسطه فیضش هم او بود که او خود نیز از مولایش علی (ع) فیض می گرفت. گزاف نیست اگر بگوییم: پس از پوریای ولی، این عارف ربانی و پهلوان جاودانی، چشم و چراغ جهانیان به جمال مردانه، ایثارگر و جوانمرد جهان پهلوان «غلامرضا تختی» روشن گردید. همه او را دوست می داشتند و به مصداق مصرع چه (خوش بی مهربانی هردوسری) او نیز عاشق مردم بود و هرگز از آنان غافل نبود:

«من راستی از مردم خجالت می کشم اصلاً نمی دانم چه کنم. دوست دارم از کشتی کناره گیری کنم، اما تقاضای مکرر مردم

هرروز، هر جا می روم همین اوضاع است. من حقیقتاً آن قدر به هموطنانم مدیونم که حدّ ندارد. من هیچگاه نمی توانم این محبت رافراموش کنم و تاجان دریدن دارم صمیمی و فدایی این همه دوستان هستم از همه ممنون هستم.» - «غلامرضا تختی» - او مردی متواضع و مهربان بود. به قول خودش مثل هیتلر عکس رقبایش را جلوی چشم می گذارد. با این تفاوت که هیتلر آرزو داشت خون آنها را بخورد ولی تختی با آنها راز و نیاز می کرد و بی نهایت به حریفانش علاقمند بود. این پهلوان اخلاق و مردانگی ۱۶ سال درمیادین نبرد مردانه مصاف داد و همواره گل سرسبد قهرمانان بود و حریفان نیرومندی چون (احمد آتیک)، (مصطفی کورت)، (بکربوکر)، (وایکینگ پالم)، (آلبول) قهرمانان شوروی، (محمد نظیز) قهرمان پاکستانی و دیگر ابر مردان را مغلوب خویش ساخت. اما آن چه که وی را به صورت (کریمزما)^(۱) در آورده بود؛ پیروز یها و درخششهای پی در پی و مدالهای طلایش نبود. بلکه اخلاق نیک،

۱- Karīzmā: کسی را گویند که در واقع چهره ای همه قبول و مردمی باشد. چنین اشخاصی اسوه های ملی به شمار می روند و نزد همگان عزیز و محترمند و کارهایشان نیز برای عامه مردم سرمشق و سخنانشان از صمیم قلب مورد اطاعت قرار می گیرد.

خصال نیکو و روح بلند و مردانه اش بود و در این مورد نه تنها ایرانیان، بلکه تمامی مردم جهان اتفاق نظر دارند. حتی رقبای سرسختش همچون: الکساندر مدوید، عصمت آتلی و احمد آتیک درباره خصایل نیکو و مردانه اش مطالب و خاطرات بسیار نقل کرده اند. مدوید می‌گوید: «تختی می‌تواند الگوی خوبی، از نظر ورزشی و اخلاقی برای جوانان شما باشد». جهان پهلوان تختی مانند پدرش مشهدی رجب ارادتی خاص به امام رضا (ع) داشت و پیش از هر مسابقه به منظور زیارت به سوی مشهد مقدس می‌شتافت. به راستی می‌توان گفت غلامرضا تختی همان مشی پوریای ولی را برگزیده و در نبرد بین روح شیطانی و روح خدایی؛ روح خدایی او بر سکوی نخست بلندای طبیعت قرار گرفته بود. به عنوان مثال رفتاری که این پهلوان بزرگ با «الکساندر مدوید» از خود نشان داد چیزی کمتر از رفتار پهلوان پوریای ولی با آن پهلوان هندی نبود. در حالی که می‌توانست وی را مغلوب خویش سازد، این کار را نکرد تا عضو مصدوم «الکساندر مدوید» آزرده نگردد و در واقع خود نیز از اصول مردی و مردانگی تختی بهره نکرده باشد. آن سال جهان پهلوان با امتیاز از روس شکست خورد، خود گریست و همه ایرانیان گریستند. اما این دریای توفنده آشک از خوشحالی وجود «پوریای ولی» بود نه از شکست ظاهری او. جهان پهلوان «غلامرضا تختی» با این گذشت و ایثار همچون مرید واقعی مولاعلی (ع) «پوریای ولی»، حجاب از دیدگان برگرفت و به مقام معنوی و روحانی خویش نایل گشت.

وی همواره در صدد انجام کارهای خیر بود و آنی از رسیدگی به هموعان خویش غافل نبود. یکی از نمونه هزاران کار نیکش به یاری شتافتن مردم در واقعه اسفناک زلزله «بویین زهرا» است؛ که به راستی اثرات معنوی آن در جهان آدمیت همواره جاودانه خواهد ماند.

جهان پهلوان به محض باخبر شدن از این واقعه جان خراش به یاریشان شتافت. نقل شده است هنگامی که تختی به بازار تهران مراجعه و اولین کمک نقدی خود را ارائه نمود. در عرض مدتی کوتاه مردم پول بارانش کردند، به طوری که تنها سرگردنش از زیر خروارها سکناس و چک پیدا بود و این ناشی از اعتماد مطلق مردم به شمار می‌رفت. تختی در ایران چهره‌ای داشت که مهاتما گاندی قهرمان انسانیت در کشور پهناور هندوستان داشت. همه می‌دانیم، شنیده‌ایم یا خوانده‌ایم که چگونه مردم هند کلمات گاندی را از جان و دل می‌شنیدند و او را عاشقانه دوست می‌داشتند. در سرزمین مانیز جهان پهلوان - غلامرضا تختی این چنین بود. کسی نبود که روی حرفش، حرفی بزند و یا بگوید نه. اما چون او خود به - سلطان گفت نه، مغضوب دستگاه واقع شد و در صبح شانزدهم دی ماه سال ۱۳۴۶ (ه. ش.) مردم خیری هولناک و مشحون از اندوه و حسرت با تیتیری درشت در روزنامه‌های رایج مملکت خواندند: تختی خود کشتی کرد؟! و در کنار این خبر جان‌گداز، عکس لختی او را که سینه ستبرش صفحه روزنامه را پر کرده بود و دو رشته مروارید اشک از چشمان عزیزش فرومی‌ریخت، چاپ کرده و ضمن شرح جریان محل خودکشی پهلوان را هتل آتلانتیک تهران قید کرده بودند! مرگ شبهه‌آمیز جهان پهلوان، شیردلیران، رستم‌ایران، قبل از آنکه مردم ماتمزه ایران و دیگر نقاط جهان رابه تفکر و ادارد در زیر

خروارها خاک غم فرو برد و محروم شدن بابک^(۱) این طفل شیرخواره، خودنیز اندوهی سترگ بود. آری سرانجام مرگ این فاجعه هستی، تختی رابا خود برد اما یاد اودرسینه ها جاودانه و بلندای داستانش اسطوره جانهاشد. جلال آل احمد گفت:

به قدرت زمانه «نه» گفتن و خودکشی!؟

مردم تهران با شنیدن خبر مرگ جهان پهلوان، غلامرضا تختی، کار و زندگی را فراموش کردند؛ دکانها را بستند، ادارات را تعطیل کردند، دانشجویان کلاسهای درس را ترک نمودند و همه به خیابانها ریختند؛ به ابن بابویه رفتند، بر سرو سینه زدند، گریستند و علیه رژیم پهلوی شعارها دادند، نویسندگان، شعرا، دانشمندان و اساتید یک صدا وبه اتفاق، نفرت خویش را از مرگ تلخ و نابهنگام تختی، این سنبیل انسان و انسانیت، به گوش مردم دنیا رسانیدند. و بر هجرت پر درد آسوه روزگار جهان پهلوان تختی از اعماق جان گریستند و بی آنکه مرگ او را باور کنند بر مرگ نفرین فرستادند. اشگها دیگر رنگ سپید نداشت؛ خون بود و قرمز بود و یک بار دیگر دُرفش کاویانی ایرانیان در آسمانی به رنگ خون به اهتزاز در آمده بود.

همچنین قلم، این شمشیربرنده و جهانگیر در توصیف غم هجران و مراسم شب هفتش در تجلیل و بزرگداشت او واقعاً عاجز است:

تهران یک پارچه سیاه بود. جمعیت چنان انبوه به سوی مزارش می شتافت که جای سوزن انداز نبود. از همه سوی تهران بزرگ به سوی ابن بابویه می دویدند بپا، باماشین، با موتورسیکلت، بادوچرخه، باسر، باکله، الله واکبر، اتوبوسهای شرکت واحد در زیر سیل سیاه پوش مردم گم بود. توی اتوبوسها، روی رکابها، طبقه اول، طبقه دوم، پشت سپر اتوبوسها و روی اتوبوسها جمعیت می جوشید و غلغله ای از تاریخ بود و در این توفان خروشنده همه یکدست و متحد بودند؛ با هم مهربانی می کردند و کسی پای کسی را لگد نمی کرد. دست همدیگر را می گرفتند صورتهایشان خیس از سیل اشک بود و بدون اینکه نام هم را بدانند گویی همه از یک خانواده و از یک پدر و مادر بودند و اینک در مرگ برادر خود می گریستند و زار می زدند. در این بابویه دخترها در وسط و پسرها در اطرافشان زنجیروار حلقه زده بودند. پیرزنهای ناتوان حتی آمده بودند؛ پیرمردها، زنها و بچه ها نیز، گویی عشق تختی قلب تپنده ای بود که خداوند برای ادامه زندگی درسینه ها گذاشته بود. همه جا یک صدا زاری و گریه و شعار بود. شعار علیه رژیم پهلوی و سازمان امنیت کشور ساواک. از هرسو ندای سلام و صلوات بود که نثار روح جهان پهلوان تختی می شد. دستگاه شاه از این همه مجد و اتحاد به وحشت افتاده بود و از هر طرف تاندان مسلح اقدام به دستگیری افراد می نمود این دستگیرها تا روزها، هفته ها، ماه ها و سالها ادامه یافت، اما مردم سیل

۱ - «بابک تختی» متولد ۱۳۴۶/۶/۱۴ با فداکاریهای مادر محترمش بانو «فاطمه [شهلا] توکلی و جدّیهای خویش توانست

تحصیلات خویش را تا درجات عالی ادامه دهد و در این راستا دست اندرکار ترجمه و تألیف کتاب شود.

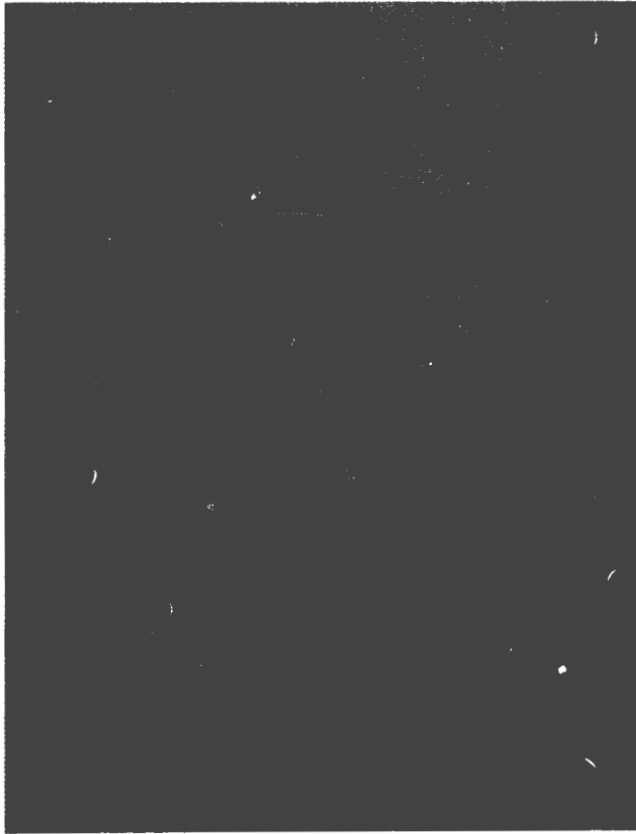
توفنده ای بودند که هیچ سدی در برابرشان تاب مقاومت نداشت .
 این گوشه ای از بزرگداشت مراسم شب هفت جهان پهلوان تختی بود که هرگز از خاطرها زدوده نمی شود و در کتابها ثبت و در سینه ها جاری است و بدین منوال یاد جهان پهلوان غلامرضا تختی مظهر والگوی زنده ارزشهای مردی ، مردانگی ، گذشت و فداکاری ، دردلها جاودانه گشت و بار دیگر ابر مردی راستین به اسطوره ها و حماسه های ملی پیوست .
 مدوید : آن واقعه را تا آخر به یادخواهم داشت - دیتریش از آلمان غربی کشتی گیری بود که همواره حریف را در برابر هجوم ناگهانی قرار می داد. بلغارها همیشه نیرومند بودند. آمریکایی ها کشتی گیران عجیب و غریب وارد صحنه می گردند. مثلا تیلور که ۲۰۰ کیلو وزن داشت . اما تختی از همه آنها خطرناکتر بود. او کشتی گیر بزرگی بود.



جهان پهلوان غلامرضا تختی هنگام خروج از خانه به منظور شرکت در میدان نبرد از زیر قرآن مجید عبور می کند.

مردی از تبار عشق و معرفت

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند .



مانی که «پوریای ثانی» «مرحوم جهان پهلوان غلامرضایتختی» مدال طلای [برگ زیتون] خود را به گردن ناصر محمدی آویخت . (محمدی) به معنای واقعی گذشت واقف گشت «مرید» تاختی» شد و پس از شهادت پوریای ثانی» تاکنون ، همه ساله در سالگرد «جهان پهلوان تاختی» سفره یادبود می اندازد - «ناصرمحمدی» نهرمانی است سفره دار ، پاتوق دار و داش مشطی که در «پل سیمان» شاه عبدالعظیم (ع) چلوکبابی دارد .

پهلوانان کشور در سالهای اخیر [در مسابقات پهلوانی بی وزن]

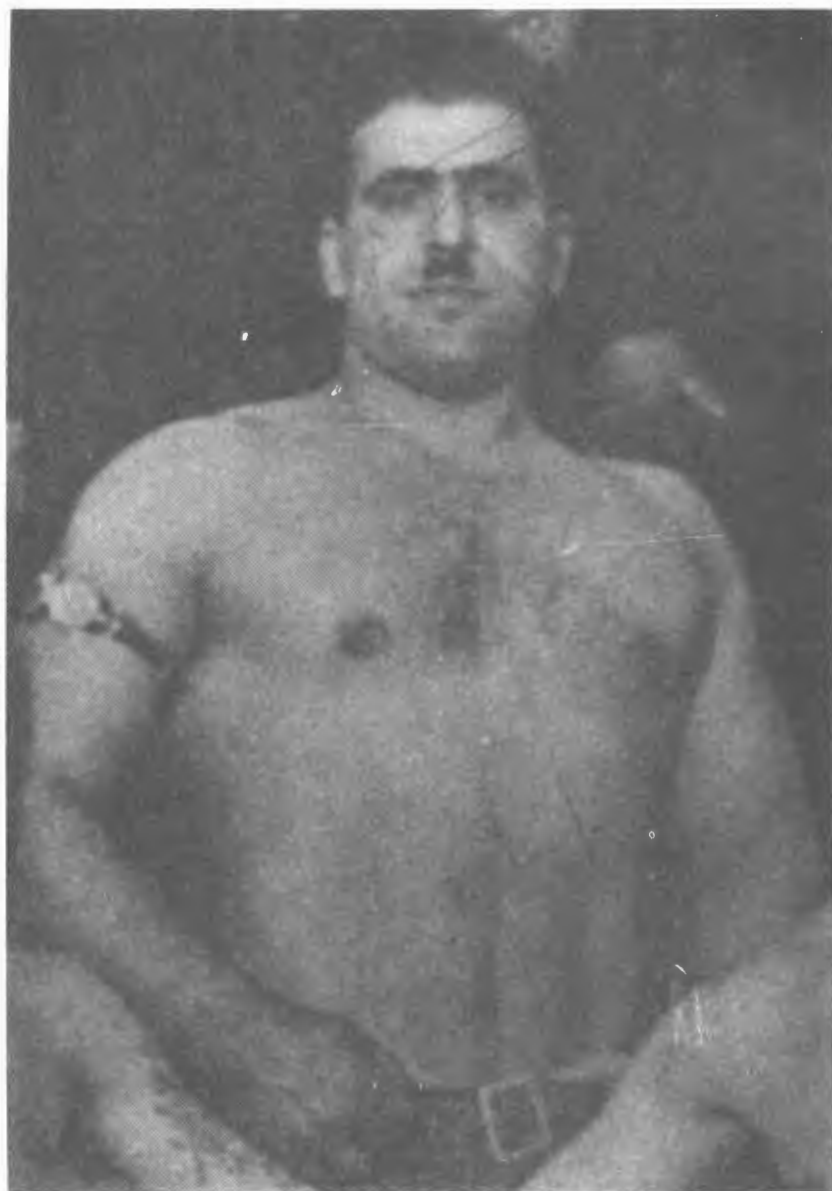
الف - پهلوانان صاحب بازوبند در سه سال پی در پی :

- ۱- پهلوان احمد وفادار خراسانی: ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱
- ۲- پهلوان عباس زندی: ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ [این پهلوان در مسابقات قهرمانی جهان در توکیو مدال طلای وزن ششم کشتی آزاد را به گردن آویخت. در بازیهای آسیایی ۱۳۳۷ نیز بر سکوی نخست وزن هفتم کشتی آزاد قرار گرفت - و سالها در کسوت مربیگری کشتی تیم ملی ایران خدمت نمود.]
- ۳- پهلوان غلامرضاتختی: ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ [شرح حال این پهلوان نامی در صفحات ۴۶۰ - ۴۶۷ این کتاب آمده است.]
- ۴- پهلوان علیرضا سلیمانی: ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰

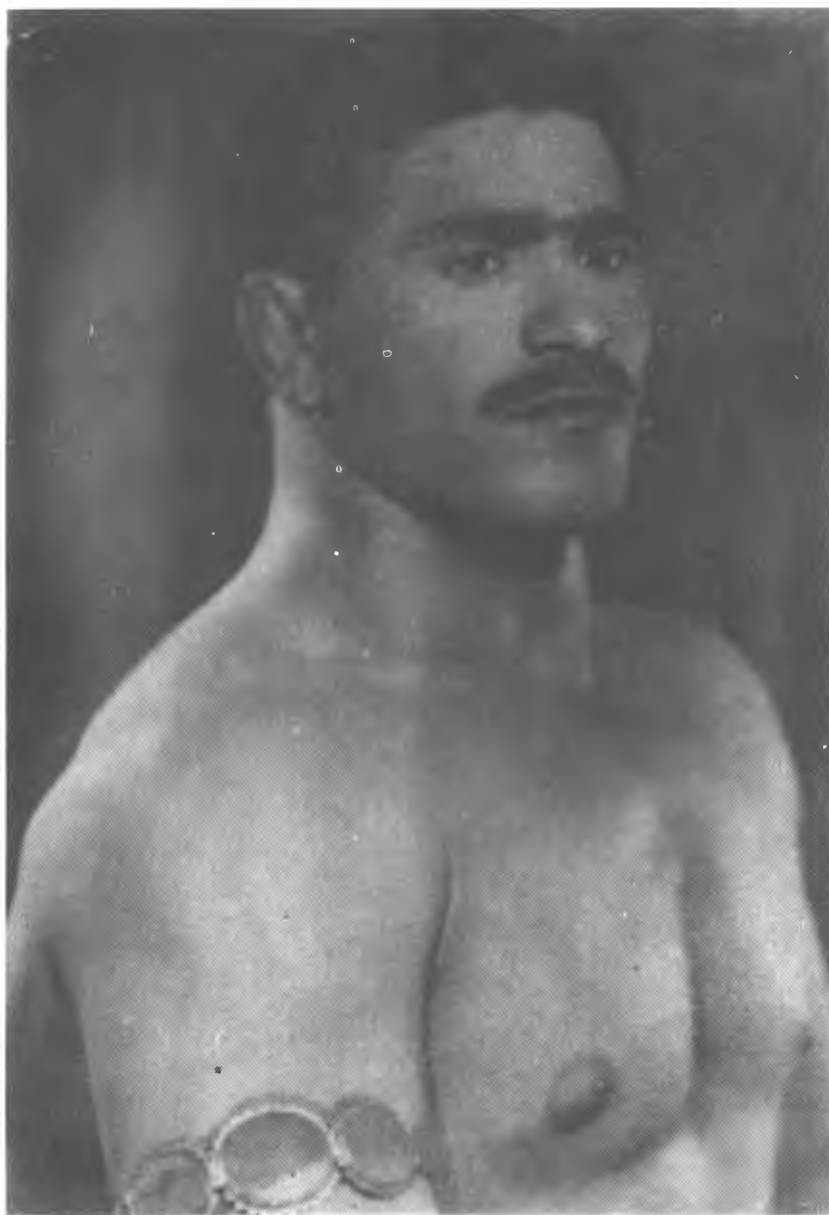
ب - پهلوانانی که یک بار یا بیش از یک بار، اما به طور غیر پیوسته به مقام پهلوانی دست یافته‌اند:

- ۱- پهلوان حاج مصطفی طوسی: ۱۳۲۳ و ۱۳۲۶
- ۲- پهلوان ابوالقاسم سخدری ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ [نایب پهلوان کشور در سالهای ۱۳۲۳-۱۳۲۶-۱۳۲۸]
- ۳- پهلوان ضیاء میرقوامی: ۱۳۲۶
- ۴- پهلوان رضا سوخته سرایی: ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵
- ۵- پهلوان محمدحسن محبتی: ۱۳۶۳ و ۱۳۶۷
- ۶- پهلوان محمدرضاتوپچی: ۱۳۶۶
- ۷- پهلوان ایوب بنی نصرت: ۱۳۷۱
- ۸- پهلوان محمود میران: ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴





«پهلوان حاج مصطفی توسی» پهلوان بی وزن ایران در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۶ (ه. ش. ۰)



«پهلوان احمد وفادار» ، پهلوان توانا و صاحب بازوبند طلای سه عقیقه پهلوانی ایران .
سالهای پهلوانی : ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ (ه. ش .)



«پهلوان عباس زندی» صاحب بازوبند پهلوانی طلای سه عقیقه پهلوانی ایران
سالهای پهلوانی: ۱۳۲۲ - ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ (ه. ش. ۰)



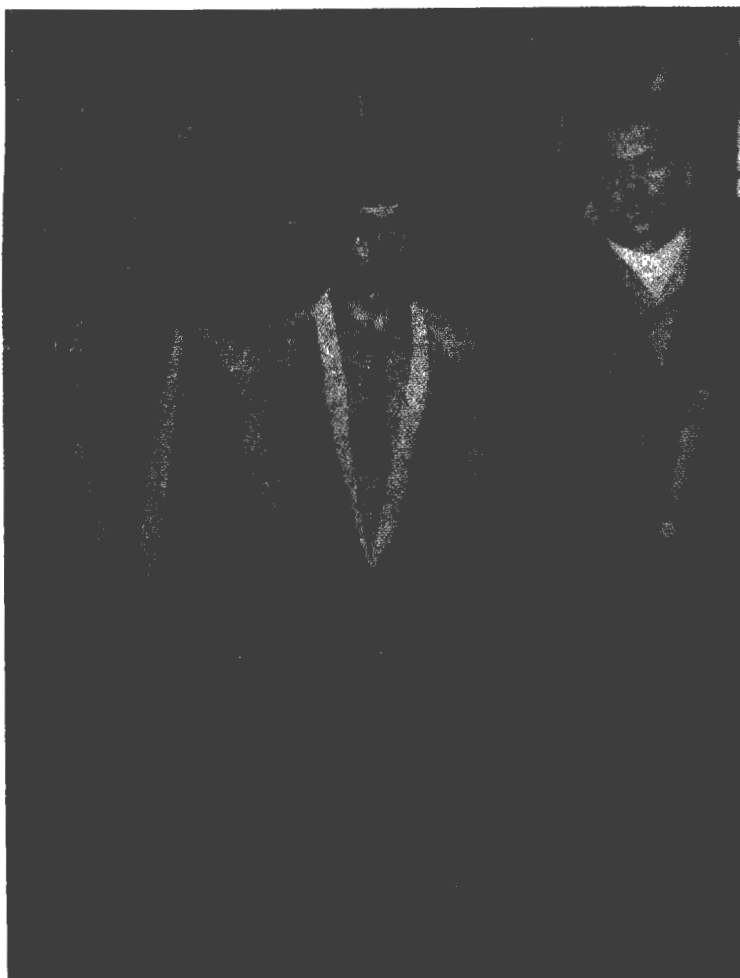
«پهلوان غلامرضاتختی» صاحب بازوبند پهلوانی طلای سه عقیقه پهلوانی ایران
سالهای پهلوانی : ۱۳۳۶-۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ (ه. ش.)



نفر سمت چپ: «پهلوان ابوالقاسم سَخَدَری» از خطهٔ خراسان، پهلوان ایران در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۷ و «نایب پهلوان» کشور در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۶ و ۱۳۲۸ (ه. ش. ۰) - و نفر سمت راست ضیاءمیرقوامی پهلوان کشور در سال ۱۳۲۶ (ه. ش. ۰) در عکس دیده می‌شوند.

در توضیح باید گفت: پهلوانانی که در سه سال پی در پی به مقام پهلوانی کشور دست می‌یابند، بازوبند پهلوانی برای همیشه بدانها تعلق خواهد داشت.

یادبودی از مسابقات پهلوانی بی وزن ایران



نفرات از راست : پهلوانان ۱ - یعقوبعلی شورورزی (نفر سوم ، برندهٔ مدال برنز) ، ۲ - (جهان پهلوان غلامرضاتختی) ، نفر اول صاحب بازوبند پهلوانی . ۳ - حسین نوری (نفر دوم ، برندهٔ مدال نقره) در مسابقات پهلوانی سال ۱۳۳۵ (۵ ش .) - همان گونه که پیش از این گفته شد «جهان پهلوان تختی» در سه سال منوالی ۱۳۳۵ ، ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ توانست در کشتی پهلوانی کشور «بازوبند طلای سه عقیقه رازینت بخش بازوی توانای خویش سازد .

یاد بودی از قَدَر مردان کشتی ایران



نفرات از راست : «عباس حریری» - «حاج مصطفی طوسی» - «ابوالقاسم سَحَدری» از قَدَر مردان
ورزش کشتی کشور.

دلاوران المپیک: (قدّمردانی که دلاوری ایرانیان را بر جهانیان به اثبات رساندند).



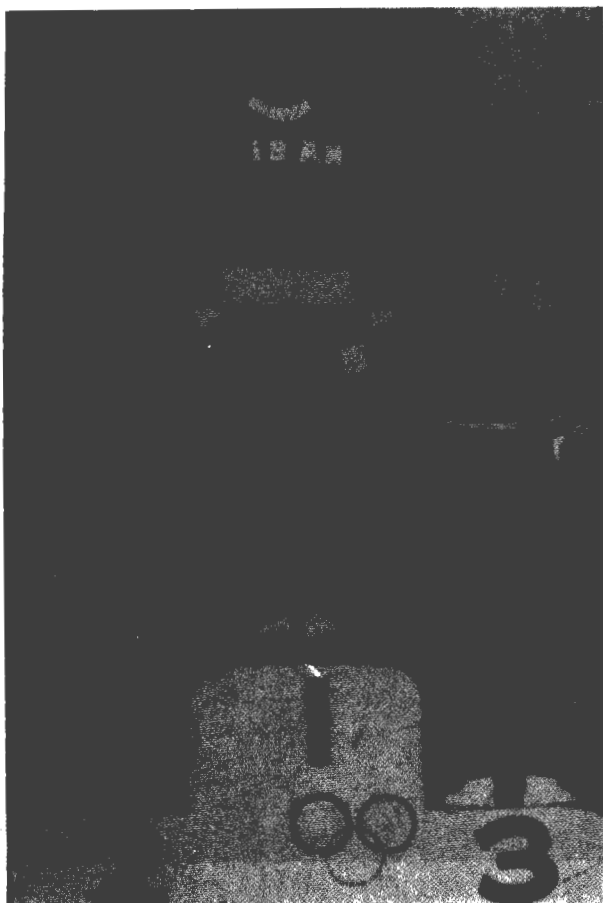
عبدالله موحد (مرد طلایی قرن بیستم) برنده شش مدال طلای پی در پی از (مسابقات جهانی المپیک):

- ۱۹۶۵ (م.) مسابقات جهانی «منچستر» طلا
 - ۱۹۶۶ (م.) مسابقات جهانی «تولیدو» طلا
 - ۱۹۶۷ (م.) مسابقات جهانی «دهلی» طلا
 - ۱۹۶۸ (م.) مسابقات المپیک «مکزیکو» طلا
 - ۱۹۶۸ (م.) مسابقات جهانی «ماردل پلاتا» طلا
 - ۱۹۷۰ (م.) مسابقات جهانی «ادمونتون» طلا
- و در مسابقات آسیایی نیز دارای دو قطعه مدال طلا

دلاوران المپیک



مسابقات کشتی آزاد المپیک ۱۹۵۶ (م) در «ملبورن»: سکوی نخست «امام علی حبیبی» از ایران برنده
مدال طلا - سکوی دوم: «کوزاهارای» از «ژاپن» مدال نقره - سکوی سوم: «ویستایف» از «روس» مدال برنز



مسابقات کشتی آزاد المپیک ۱۹۵۶ (م) در «ملبورن»: سکوی نخست «جهان پهلوان غلامرضانختی» از «ایران» برندهٔ مدال طلا - سکوی دوم: «کولایف» از «شوروی» مدال نقره - سکوی سوم: «پیتربلیر» از «آمریکا» مدال برنز



مسابقات کشتی آزاد المپیک ۱۹۶۸ (م) در «مکزیکو»: سکونخست «عبدالله موحد» از «ایران» برنده
مدال طلا - سکوی دوم: «ابنولجف» از «بلغارستان» مدال نقره - «دان زاریاسرتز» از «مغولستان»، مدال برنز



منصور بزرگر [دلاورایران] که سالها درمیادین نبردافتخارآفرین بوده است : دارای مدال طلای قهرمانی جهان

سال ۱۹۷۳ تهران

مدال نقره قهرمانی جهان سال ۱۹۷۵ کانادا

مدال نقره بازیهای المپیک سال ۱۹۷۶ مونترال

مدال نقره قهرمانی جهان سال ۱۹۷۷



شرح عکس از راست : احمد عرب - جمشید آرش [از علاقمندان به ورزش ملی ایران] - امیررضا خادم [قهرمان جهان که همواره فاتح و پرتوان پیش می‌رود.] عباس زندی [از قهرمانان و پهلوانان نامی ایران] - امامعلی حبیبی [قهرمان بزرگی که در طی چهار دوره مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان و المپیک به چهار مدال طلا دست یافته است.] - بابک تختی [تنها یادگار جهان پهلوان غلامرضا تختی]

فصل سوم از بخش هفتم قهرمانان کشتی دوبرندی در مرحله سوم تکامل کشتی در کرمانشاه



هوشنگ سهرابی

هوشنگ سهرابی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۱۵ (ه. ش. ۰) در شهر دلاور پرور کرمانشاه متولد گردید. وی در سال ۱۳۳۱ (ه. ش. ۰) پای بر تشک کشتی نهاد و زیر نظر اولین مربی کرمانشاهی آقای فریدون کمالی تمرینات خود را آغاز نمود و در اثر تلاشی مداوم و پیگیر توانست در سطح استان به مقام قهرمانی نایل گردد. هوشنگ سهرابی پس از اخذ دیپلم به منظور افسر شدن راهی تهران گردید و پس از موفقیت در امتحانات ورودی به دانشکده افسری راه یافت. در طی دوران دانشجویی، همواره در مسابقات ارتش و باشگاه های تهران خوش می درخشید و با حریفانی نامی و قدر مضاف می داد. این قهرمان پس از اخذ درجه افسری به شهر زادگاهش بازگشت و در حین خدمت جزء تیم شهر به تمرین و مسابقات خود ادامه داد و در سال ۱۳۴۲ (ه. ش. ۰) در وزن ۶۸ کیلوگرم کشتی آزاد و فرنگی انتخاب و همراه تیم شهر به تهران اعزام گردید. سهرابی در آن سال، کشتیهای خوبی گرفت و در مسابقه نهایی با کشتی گیر نامی ملا قاسمی مواجه گردید و در دقایق آخر با حساب یک اختلاف کشتی را به او واگذار نمود و به مقام چهارم باشگاه های تهران دست یافت. هوشنگ سهرابی به دلیل مشغله زندگانی و مأموریت های متوالی از سوی ارتش، در سنین جوانی از تشک کناره گیری نمود. وی هم اکنون جزء افسران بازنشسته ارتش ایران می باشد و در کنار اهل و عیال خویش در تهران روزگار می گذراند.

غلامحسین بلندی معروف به: غلام بلندی [مردی از بلندای عشق و معرفت]

غلامحسین بلندی در سال ۱۳۱۷ (ه. ش. ۰) در شهر اکراد دلاور، سنندج دیده به جهان گشود. خانواده بلندی بعد از سالهای شهریور ۱۳۲۰ به شهر کرمانشاه کوچ کردند. غلامحسین نوجوانی با شرم و حیا، مؤدب و پر جنب و جوش بار آمد. وی در سال ۱۳۳۳ (ه. ش. ۰)، در سن شانزده سالگی قدم به روی تشک کشتی نهاد و تحت تعلیمات مربیان دلسوزی همچون: آقای فریدون کمالی به سرعت به رموز و فنون کشتی آشنا و سر آمد جوانان شد. غلامحسین بلندی در سال ۱۳۴۲ (ه. ش. ۰) در وزن ۶۸ کیلوگرم، بر سکوی نخست کشتی آزاد استان پنجم قرار گرفت و این مقام را تا سال ۱۳۴۶ برای خود حفظ نمود. این دلاور فروتن و محبوب چندین بار در مسابقات کشوری نیز شرکت کرد و در سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۴ در وزن ۶۸ کیلوگرم، کشتی آزاد، در مقام چهارم کشور قرار گرفت. غلامحسین بلندی پس از کناره گیری از مسابقات، در سال ۱۳۴۶ (ه. ش. ۰) در کسوت مربیگری در سالن کشتی شهر، در خدمت جوانان کرمانشاه قرار گرفت و در این راه از هیچ کوششی فرو گذار ننمود و توانست قهرمانان ارزنده ای تحویل جامعه ورزشدوست کرمانشاه بدهد. وی درجه دار ارتش بود. و از صبح خروسخوان تا ساعاتی از ظهر گذشته در پست شغلی خود خدمت می کرد. آنگاه از بعد از ظهر تا پاسی از شب گذشته به آموزش و تعلیم جوانان می پرداخت. این استاد و قهرمان ارزنده، مردی متواضع، افتاده، حال و دوست داشتنی بود. اخلاق نیکو داشت و در دل همگان جای گرفته بود. این قهرمان گرد و آسوده اخلاق و انضباط در سال ۱۳۷۱ به علت سکت قلبی پشت به خاک حقیقت سپرد و اهل و عیال و

دوستانش را به سوگ خویش داغدار نمود. بامرگ «بلندی» نام بلندش بر بلندای عشق و معرفت جاودانه ماند. مرحوم غلام بلندی چنان خوب و عزیز بود که آن چهره مردانه و لبخند بی شایبه و مهربانش، هرگز از آینه دل پاک نمی شود.



یادبودی از تجلیل (تیم کشتی کرمانشاه) توسط استاندار وقت، آقای جواد شهرستانی نفرات ایستاده از راست :
صادق ایمانی - مرحوم غلام بلندی - عزیز علی یوسفی - فریدون کمالی - علی قلی جهانسوز (شهردار وقت
کرمانشاه) - جواد شهرستانی (استاندار) مرتضی علیزاده - علی اشرف زهتابان
نفرات نشسته از راست : بیژن زرافشانی - فرامرز امجدیان - محمود خاوران - محمد هیجی
ارسلان آرجون .

محل - استانداری کرمانشاه

زمان : ۱۶ / ۶ / ۱۳۵۰

محمد صادق ایمانی

محمد صادق ایمانی در سال ۱۳۱۷ (ه. ش. ۰) در شهر پر دلاور کرمانشاه دیده به جهان گشود. پدرش -
مراد علی مردی زحمتکش و ورزشدوست بود. این روحیه ورزشدوستی در فرزند قوی دلش مؤثر افتاد
و او را به سوی دنیای ورزش کشاند. وی در سال ۱۳۳۵ (ه. ش. ۰) در سن هیجده سالگی قدم به روی



ایستاده از راست: مرحوم احمد بیابانی ، حاج غلامرضا خوانساری ، فریدون کمالی ، مرحوم سهیل سهیلی ، حاج -
حبيب الله محلوجی . - نفرات نشسته از راست : محمد شیانی ، منوچهر کامروا ، هوشنگ قوامپور، محمدصادق -
ایمانی .

زمان : ۱۳۳۷ (۵ . ش .)

تشک کشتی نهاد و در سالن شرکت کتیرا تمرینات خود را آغاز نمود. آنگاه به سالن گاراژ^(۱) رفت وزیر نظر مربی پر ارزش کرمانشاهی، آقای فریدون کمالی تمرینات خویش را ادامه داد. مقارن با این زمان مرحوم حاج عبدالحسین فعلی که از مربیان بنام کشور به شمار می رفته و در آموزش فنون کشتی به جهان پهلوان غلامرضا تختی هم‌تی والا به خرج داده است سفری شش ماهه به کرمانشاه نمود و تعلیمات خویش را از صادق ایمانی نیز دریغ نداشت. صادق ایمانی در اثر زحمات این مربیان پیش کسوت و همچنین در سایه تلاش خود، توانست در زمان کوتاهی به کلیه فنون کشتی مسلط شود.

مسابقات صادق ایمانی

صادق ایمانی در سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ در رشته کشتی آزاد و فرنگی، در وزن ۵۲ کیلوگرم به مقام نخست قهرمانی کشور نایل گشت و مدال طلا گرفت. بدین منوال درخت زحماتش به ثمر نشست. از آنجا که این قهرمان، فردی نظامی بود، در مسابقات کشتی ارتشهای ایران نیز شرکت می جست و در مدت شش سال متوالی در وزنهای ۵۲ و ۵۷ کیلو، همواره بر سکوی نخست قهرمانی جای داشت. وی پس از کناره گیری از مسابقات، در سال ۱۳۴۸ (ه. ش.) در کسوت مقدس مربیگری بر تشک ظاهر شد و قهرمانان ارزنده ای چون: محمود خاوران، بیژن زرافشانی، محمد هیچی، علی جواهری، ابوالقاسم نقی زاده و همچنین فرزند خویش شهریار ایمانی را تعلیم و تمرین داد. از افتخارات وی می توان چنین یاد کرد: آقای ایمانی چند سال متوالی مربی تیم ارتشهای ایران بود؛ همچنین در سال ۱۹۸۱ - (م. ش.) جهت مسابقات جهانی «اسکوپیه» ی یوگسلاوی به عنوان مربی تیم ملی ایران برگزیده گردید. صادق ایمانی اینک بازنشسته ارتش است و همراه اهل و عیال خویش در تهران روزگار میان سالی خود را سپری می نماید. نام پر افتخار صادق ایمانی بر دلها، نقشی پاک نشدنی برجای گذارده است.

حاج حبیب الله محلوجی

حاج حبیب الله محلوجی در سال ۱۳۱۸ (ه. ش.) در شهر پر از دلاوریهای کرمانشاه به دنیا آمد. پدرش حاج نصرالله کسب آزاد داشت و از صلب پاک حاج فتح الله محلوجی بود. مرحوم حاج فتح الله محلوجی جد پدری حبیب الله، عمری را در خدمت مردم گذرانید. وی در خانه قدیمی و صمیمی اش که در واقع بوی محبت و گذشت کرمانشاهی اصیل، از آن بر می خاست از صبح تا شام به معالجه مردمی که دست و پا و یا هر قسمتی از مفاصل استخوانی آنها در رفتگی، ضربدیدگی و یا شکستگی داشت، می پرداخت؛ بی آنکه چشم داشت مادی از کسی داشته باشد. مردم دیار غرب همه حاج فتح الله را می شناختند و از صمیم قلب او را دوست می داشتند. در واقع می توان گفت: حاج فتح الله محلوجی یکی از صالحان خدا بود. که در شهر کرمانشاه برکت وجود داشت. و این برکت را در خانواده خویش به شیوه موروثی باقی گذارد. چنان که خدماتش توسط مرحوم حاج نصرالله - محلوجی پدر حبیب الله محلوجی و دیگر کسان ادامه یافت و هم اکنون نیز در کرمانشاه، یادگار وی

۱ - همان هفتمین سالن کشتی است که چون جنب میدان گاراژ بوده است، بدین نام نیز نامیده می شود.

موسوم به حاج ولی الله که از نخستین کشتی گیران دوبندی کرمانشاه به شمار می رود به شیوه سنتی و اصیل خانوادگی خود، به معالجات مردم ادامه می دهد. همچنین غیراز شکرالله که به رحمت ایزدی پیوسته است، دو فرزند دیگر مرحوم حاج فتح الله به نامهای حاج خیرالله و حاج روح الله که وی نیز از کشتی گیران دوبندی بوده است عهده دار خدماتی در این زمینه هستند. حبیب الله محلوچی با چنین ویژگیهای خاص فامیلی در سال ۱۳۳۳ قدم روی تشک کشتی نهاد و زیر نظر فریدون کمالی مربی پاک - طینت کرمانشاهی ورزش کشتی را آغاز نمود. وی پس از شش ماه تمرین مداوم، در مسابقات استانی شرکت کرد و در رشته آزاد، در وزن ۵۲ کیلوگرم نفر اول استان گردید و به اتفاق نفرات انتخابی اوزان مختلف، به منظور شرکت در مسابقات کشوری عازم تهران گردید. در کشتی نهایی با پذیرایی قهرمان تهرانی مواجه گشت که پس از دوازده دقیقه، کشتی مساوی شد. اما چون، داوران پذیرایی را فعالتر تشخیص دادند؛ در نتیجه در مسابقات قهرمانی مذکور پذیرایی بر سکوی قهرمانی قرار گرفت. حبیب الله محلوچی در سال ۱۳۴۱ (ه. ش.) به منظور ادامه تحصیل به تهران رفت و در همان سال در وزن سوم کشتی آزاد مقام قهرمانی مسابقات آموزشگاهی تهران را کسب نمود. وی در طی سالهای کشتی اش با قهرمانان بنامی، از جمله عبدالله موحد و توکل کشتی گرفت و هیچگاه دست از تلاش برنداشت. اما پس از اتمام تحصیلات خود و بازگشت به کرمانشاه در مسابقات قهرمان کشوری به مقام چهارم رسید و این آخرین مسابقه دوران جوانی وی به شمار می رود.

حبیب الله محلوچی پس از کناره گیری از مسابقات مدتی در کسوت مربیگری در خدمت جوانان کرمانشاه قرار گرفت. این قهرمان با اصل و نسب از دوران مربیگری خود چنین نقل می کند: "در سال ۱۳۵۴ به عنوان مربی تیم ملی همراه تیم اعزامی، به تهران، سپس به شوروی رفتم. یک بار هم به عنوان مربی تیم ملی جوانان ایران، همراه تیم انتخابی به آمریکا رفتم که در آنجا «تیم» ما، مقام اول جهان را کسب نمود. و در سال ۱۳۶۹ به عنوان مربی تیم ملی همراه تیم انتخابی به ژاپن رفتم. مدت ۱۱ سال ریاست هیئت کشتی استان را به عهده داشتم. دو، سه بار هم به علت کمبودها و نارسایی های تربیت بدنی از پست خود استعفا دادم. در سال ۱۳۵۹ در انتخابات ریاست هیئت فدراسیون کشتی کشور که در تهران انجام شد؛ شرکت کردم. صنعتکاران با ۲۴ رأی به عنوان رئیس انتخاب شد و من با ۲۳ رأی نایب رئیس شدم. مدت دو سال باهم کار کردیم و هر دو ماه یک بار به منظور انجام وظایف به تهران می رفتم. اما وقتی صنعتکاران از مقام خود استعفا داد؛ قهرماً من هم بر کنار شدم. تا سال ۱۳۷۰ رئیس هیئت کشتی استان کرمانان شاهان بودم، ولی به علت برخوردهایم با مسئولین تربیت بدنی، استعفادادم. و سلام." در حال حاضر حاج حبیب الله محلوچی بازنشسته بانک و فردی متعهد به امور خانوادگی است که اکنون دوران میان سالی خود را در کسوت مربیگری بزرگسالان کرمانشاه سپری می نماید. یکی از افتخارات بزرگ این مربی ارزنده این است که در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰ م.) در توکیو مربی تیم ملی کشتی آزاد ایران بوده است. این قهرمان از مردان صالح و پاک روزگار قلمداد می شود و نام بزرگ او در تاریخ کشتی ایران جاودانه خواهد ماند.



یادبودی از بازگشت تیم کشتی استان کرمانشاه از مسابقات قهرمانی کشور در محل (سالن تختی) کرمانشاه در سال ۱۳۵۲

نفرات ایستاده از راست : ۱ - حسن ملکی زاده (مربی) ۲ - مرحوم لطف الله لطف الله نسب (نفر چهارم در وزن ۵۷ کیلوگرم) ۳ - علی جواهری (نفر دوم در وزن ۸۲ کیلوگرم)
 ۴ - محمد هیجی (نفر اول کشور در وزن ۶۸ کیلوگرم) ۵ - بیژن زرافشانی (نفر اول کشور در وزن ۷۲ کیلوگرم) ۶ - عباس محبی (نفر سوم فرنگی کشور) ۷ - امیراسلان ارجون (نفر سوم کشور در وزن ۵۲ کیلوگرم)
 ۸ - مصطفی کیانی (نفر اول آموزشگاه های کشور در وزن ۹۰ کیلوگرم) ۹ - حبیب الله محلوچی (مربی و سرپرست تیم) نفرات نشسته از راست : ۱ - یزدان فرزائی (نفر دوم کشور در وزن ۵۷ کیلوگرم) ۲ - احمدکوه - دره ای (نفر اول کشور در وزن ۶۲ کیلوگرم) ۳ - خسرو خالیکران (نفر سوم کشور)

سهیل سهیلی

سهیل سهیلی ۱۳۱۸ - ۱۳۵۵ (ه. ش.) در شهر کرمانشاه پای به عرصه وجود گذارد. پدرش عرب خان از مردان زحمتکش خطه غرب بود. سهیل سهیلی در سال ۱۳۳۳ قدم بر تشک کشتی نهاد و تحت تعلیمات مربی پیش کسوت، فریدون کمالی بر کلبه فنون کشتی مسلط گردید و به عنوان عضو تیم شهر برگزیده شد. وی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به استخدام ارتش درآمد و بانهایت دقت مشغول انجام وظیفه گردید. این کشتی گیر پاک نهاد در مسابقات قهرمانی، شرکت فعالانه داشت و عناوین ذیل را کسب نمود:

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۴۰	قهرمانی کشور	آزاد	۷۴ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۴۳	برگ‌زیتون طلایی	آزاد	۷۴ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۴۶	قهرمانی کشور	آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	دوم	نقره
۱۳۴۷	قهرمانی کشور	آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	دوم	نقره
۱۳۴۸	قهرمانی کشور	آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	دوم	نقره

سهیل سهیلی در سال ۱۳۵۰ از تشک کناره گرفت و چون از ارتش باز خرید شده بود. یک ماشین ترانزیت خریداری نمود و به رانندگی پرداخت. این قهرمان دلاور در سال ۱۳۵۵ هنگامی که با ماشین ترانزیت خود از کشور آلمان غربی به مقصد ایران باز می‌گشت در پیچهای از میر ترکیه ماشینش به کناره‌جاده برخورد کرد، به درون درّه پرتاب شد و جان به جان آفرین تسلیم نمود. همسر و سه فرزندش هم اکنون در شهر تهران در حالی که داغ دلاور مهربان و پر تلاش خود را بر سینه دارند روزگار می‌گذارند. یاد شیرین این گل قرمز کاسه شکن^(۱) که خیلی زود از صراحی تن‌رهایی یافت هرگز از دل‌های گرم و پر شور مردان مهربان کرمانشاهی زوده نخواهد شد.

محمود بصیری

محمود بصیری در سال ۱۳۱۸ (ه. ش.) در کرمانشاه به دنیا آمد. وی در حین تحصیل در دبیرستان، به ورزش کشتی روی آورد و در باشگاه توکلی^(۲)، قدم به روی تشک نهاد و در کار تمرین، پرتوان و علاقمند پیش می‌رفت. پس از تعطیل شدن، باشگاه مذکور، در باشگاه گاراژ، زیر نظر فریدون کمالی به تمرینات خویش ادامه داد. این کشتی‌گیر که از آغازگران کشتی‌دوبندی کرمانشاه قلمداد می‌گردد، توانست در وزن ۶۲ کیلوگرم رشته آزاد، خوش بدرخشد و همواره طی چندین دوره متوالی سکودار قهرمانی آموزشگاههای کشور شود. همچنین، در مسابقات قهرمانی کشور سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ در وزن ۶۲ کیلوگرم آزاد، گوی سبقت از همگان ربود و به دو قطعه مدال طلای قهرمانی کشور دست یافت. این قهرمان با ارزش پس از اخذ دیپلم به تهران رفت و در دانشکده افسری به تحصیلات خویش ادامه داد و در این رهگذر در دو سال متوالی، در وزن ۶۲ کیلوگرم آزاد عنوان قهرمانی ارتشهای ایران را احراز نمود. محمود بصیری پس از اخذ درجه سربازی و نایل شدن به افتخار بازنشستگی به اتفاق زن و فرزندان خود راهی کشور آمریکا گردید و در آن دیار رحل اقامت افکند.

۱ - «کاسه شکن» نام محلی گل لاله می‌باشد. گلبرگهای آن به رنگ قرمز آتشین است و خالهای سیاه رنگ دارد. این گل

لطیف و زیبا در مزارع و پشت بامهای کاه‌گلی به طور خود رو، می‌روید.

۲ - همان باشگاه مهدی رثوفی است.

احمد کوه دره‌ای [قهرمانی از تبار پاکدلان]

احمد کوه دره‌ای در سال ۱۳۲۳ (ه. ش.) در شهر قهرمان پرور کرمانشاه پای به عرصه وجود گذارد. پدرش مراد کارمند بهداری و قهرمان دوچرخه سواری ایران بود. این علاقه به ورزش در تربیت پسرانش مؤثر افتاد و این خوی در احمد کوه دره‌ای به صورت طبیعت ثانویه در آمد. وی پس از گذراندن تحصیلاتی مقدماتی به استخدام هواپیمایی کشوری در آمد. و در سال ۱۳۴۰ قدم به روی تشک کشتی نهاد و با استفاده از تعلیمات مربی پیش کسوت، فریدون کمالی چنان فوق العاده و استثنایی پیش رفت که در همان سال در مسابقات کشتی آموزشی کشوری شرکت نمود. مسابقات و عناوین این کشتی گیر پیش کسوت را می توان چنین خلاصه نمود:

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۴۰	آموزشگاهی کشور	کشتی آزاد	۴۸ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۴۲	آموزشگاهی کشور	کشتی آزاد	۵۲ کیلوگرم	رضائیه	سوم	برنز
۱۳۴۲	آموزشگاهی کشوری	کشتی فرنگی	۵۲ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۴۴	انتخابی تیم ملی	کشتی فرنگی	۵۷ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۴۴	اعزام به شوروی	کشتی فرنگی	۵۷ کیلوگرم	شوروی	دوم	نقره
۱۳۴۵	اعزام به شوروی	کشتی فرنگی	۵۷ کیلوگرم	شوروی	اول	طلا
۱۳۴۶	کشوری	کشتی فرنگی	۵۷ کیلوگرم	کرمانشاه	سوم	برنز
۱۳۴۶	کشوری	کشتی آزاد	۵۷ کیلوگرم	کرمانشاه	اول	طلا
۱۳۴۷	کشوری	کشتی آزاد	۵۷ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۴۸	ارتشهای جهان	کشتی آزاد	۵۷ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۵۲	کشوری	کشتی آزاد	۶۲ کیلوگرم	بابلسر	دوم	نقره

این قهرمان دلاور علاوه بر عناوین فوق، در سالهای ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۵۲ و ۱۳۵۲، در کشتی آزاد، وزن ۵۷ کیلوگرم، نایب قهرمان تیم ملی ایران بود.

احمد کوه دره‌ای در سال ۱۳۵۲ از مسابقات کناره گیری کرد و در همان سال در کسوت مربیگری، در سالن کشتی تختی خدمات ورزشی خود را آغاز نمود و در این رهگذر کشتی گیران ارزنده‌ای چون: یزدان فرزایی، نعمت الله غلامی، مسعود شجری، رضا بلوردی، اردشیر ایوانی و... تحویل جامعه ورزش کشور نمود.

برادران کوه دره‌ای: محمود کوه دره‌ای و علی اشرف کوه دره‌ای نیز از کشتی گیران پیش کسوت دوبندی به شمار می روند. در حال حاضر محمود در کار داوری، کماکان به عالم ورزش خدمت می کند

و علی اشرف در کسوت مربیگری در کشتی فرنگی در تلاشی پی‌گیر است. احمد کوه دره ای از خُلقی نیکو بر خوردار است و همواره مورد احترام ورزشدوستان و ورزشکاران شهر قرار دارد. وی متأهل و دارای سه فرزند است و دوران میان‌سالی خود را در کار آموزش و در تلاش زندگانی سپری می‌نماید.



یابودی از مریمان و کشتی‌گیران کرمانشاهی در تابستان ۱۳۴۵ (ه. ش. ۰) در (سالن سرپوشیده) کرمانشاه.
 نفرات ایستاده از راست: مرحوم غلام بلندی - مرتضی سیف‌الله پور - بهزاد قیطاسوند -
 جعفر پاکدامن - حسین دادرس - جلیل‌علیزاده - یعقوبی - یدالله بلدی - منوچهر بیژن پور
 سیامک سهرابی - حبیب‌الله محلوجی - فریدون کمالی - کیومرث محبی - محمد جلیلیان - ناشناس
 حسین کردستانی - آقا حسین -
 نفرات نشسته از راست: جواد گویری - نفر جلوی گویری ناشناس - جهان‌شاه قدوسی - محمد هیچی - احمد کوه -
 دره‌ای - خلیل سیف‌الله پور و (پشت سر نامبرده اردشیر کیانی) - اسماعیل گرجی - علی گلزاری - ایرج حیدرپور
 محسن مالارانی - ردیف وسط ناشناس - عباس نباتی - ناشناس.

سیامک سهرابی

سیامک سهرابی متولد در سال ۱۳۲۳ (ه. ش. ۰) است که در شهر ورزش پرور کرمانشاه در خانواده‌ای متدین، با اصالت و خدمتگزار دیده به جهان گشود. پدرش علی اکبر نام داشت و کارمند شهربانی کرمانشاه بود.

سیامک سهرابی در عنفوان جوانی به ورزش روی آورد و در سال ۱۳۳۶ در باشگاه نیرو کرمانشاه قدم

روی تشک نهاد و دیری نپایید که تحت تعلیمات مربی پیش کسوت آقای فریدون کمالی و تلاش مداوم خود در وزن پنجم، در رشته‌های آزاد و فرنگی در سطح استان بر سکوی قهرمانی قرار گرفت. وی در سالهای بعد در وزنهای بالاتر از جمله: اوزان ششم و هفتم استانی شرکت جست و زینت بخش سکوی قهرمانی گردید. تواضع، فروتنی و پاکدامنی این قهرمان ارزنده، پهلوانان پاک سرشت ازمنه - گذشته را به یاد می‌آورد؛ مردانی که روح عالی انسانی و ارزشهای حقیقی‌گود را درک کرده بودند مردم را دوست می‌داشتند و هیچگاه آزارشان به کسی نمی‌رسید. سیامک سهرابی با سمت کارمندی در بانک، در زادگاه خویش کماکان به خدمت مردمی خویش ادامه می‌دهد و در کنار اهل و عیالش زندگی پاک و ساده خود را سپری می‌نماید.



(سیامک سهرابی) قهرمانی از دیار فروتنی، پاکی و اصالت، نمونه‌ای در دین و معرفت.

عباس نباتی

عباس نباتی فرزند حیدر در سال ۱۳۲۳ (ه. ش.) در شهر دلاورپور کرمانشاه متولد گردید. پدرش مشهدی حیدر در شرکت ملی نفت ایران به رانندگی اشتغال داشت و همواره به ورزش و پهلوانی عشق می‌ورزید. از این رو، عباس نیز در اثر تأثیراتی که از پدر دریافت می‌نمود روی به ورزش کشتی نهاد و در سنین نوجوانی تحت تعلیمات مربیانی چون: فریدون کمالی و حبیب‌الله ملحوجی قرار گرفت.

نخستین پیروزی در سطح برتر از استان

عباس نباتی در سال ۱۳۴۵ در مسابقات آموزشگاه‌های کشور که در شهر شیراز صورت گرفت شرکت

نمود و توانست در وزن ۵۷ کیلوگرم کشتی فرنگی مدال نقره را از آن خود سازد و به دنبال این پیروزی تمرینات خویش را پی گرفت، به طوری که در سال ۱۳۴۶ نیز در شهر تبریز در وزن ۵۷ کیلوگرم کشتی - فرنگی مقام دوم قهرمانی کشور را احراز نمود. این قهرمان کرمانشاهی، علی رغم پیشرفتهای متوالی به علت دشواریهای زندگی در همان سنین جوانی از تشک کناره گرفت. در حالی که این قهرمان جوان هنوز راهی طولانی و پردرخشش در پیش رو داشت و اگر شرایط اجتماعی برایش مساعد می بود، بی تردید یکی از قهرمانان مطرح سرزمین مامی گردید.



عباس نباتی قهرمان و پیش کسوت کرمانشاهی.

مرتضی علیزاده

مرتضی علیزاده فرزند فرخ در سال ۱۳۲۴ (ه. ش.) در محله فیض آباد کرمانشاه تولد یافت. مشهدی - فرخ مردی ورزشدوست بود و مرتضی را که بیش از شش سال نداشت با خود به زورخانه سنگ - تراشهای برد. مرتضی رفته رفته با ورزش باستانی خو گرفت و زیر نظر مرشد حسن خوش اندام و مرشد عبدالله خیاط به اصول ورزش باستانی کاملاً آشنا شد. اما از آنجا که این نوجوان درشت اندام به

ورزش علاقه ای وافر داشت .
در سن چهارده سالگی ،
زیرزمین منزل پدری خود را که
در محله سبزه میدان واقع بود
به صورت یک باشگاه
خصوصی در آورد و با ابزار
وسایل ورزشی خریداری شده
از قبیل، میل ، سنگ ، تخته‌شنا،
دمبل، هالتر و ... به ورزش
پرداخت .

وی در سال ۱۳۴۳ به تشویق
آقای فریدون کمالی قدم‌بر-
تشک کشتی نهاد و دیری نباید
که به عنوان یک کشتی گیر قَدَر
در سطح استان مطرح شد و در
اولین دوره مسابقات قهرمانی
جوانان کشور که در تهران برگزار
گردید شرکت نمود و عنوان
دوم کشور را به دست آورد . در
همین سفر بود که زعمای
فدراسیون کشور با توجه به
شرایط ویژه بدنی و آمادگی
کامل مرتضی علیزاده ، از او
خواستند در تهران اقامت کند تا
زیر نظر مربیان کار ورزیده ،



نفرات از راست :

جهان پهلوان تختی - مرتضی علیزاده قهرمان و پیش کسوت کرمانشاهی

جهت مبارزات جهانی آماده شود . به دنبال این اندیشه، وی را به تهران منتقل کردند . علیزاده نیز در
دبیرستان دارالفنون به ادامه تحصیل مشغول گردید. همچنین زیر نظر آقای نبی سروری در سالن محمد-
رضا شاه سابق تمرینات کشتی را پی گرفت . اما چند ماهی بیش از اقامت او در تهران سپری نگشته بود
که در حین تمرین با جهان پهلوان ، غلامرضا تختی پای علیزاده از ناحیه میچ دچار شکستگی گردید
و به مدت یک سال زمین گیر شد . پس از بهبودی در مسابقات قهرمانی جوانان سال ۱۳۴۵ شرکت یافت
و به مدال طلای دسته سنگین وزن رشته های آزاد و فرنگی مسابقات قهرمانی جوانان کشور دست یافت

در همان سال نیز، نفر دوم دسته سنگین وزن کشتی آزاد ایران گردید. در سال ۱۳۴۷ پس از اخذ دیپلم به خدمت نظام رفت و سپاهی دانش شد. پس از پایان خدمت در سال ۱۳۴۹ از محل خدمت خود، تکاب افشار عازم تهران و مشغول تمرین کشتی شد، پس از اندکی تمرین در مسابقات قهرمانی کشور سال ۱۳۵۰ که در اصفهان برگزار گردید؛ شرکت جست و در دسته سنگین وزن رشته آزاد به مدال برنز دست یافت. همچنین در سال ۱۳۵۱ در مازندران، در وزن + ۱۰۰ کیلوگرم کشتی - آزاد ایران قهرمان دوم ایران شناخته شد. همچنین در سال ۱۳۵۳ در کرمانشاه مدال طلای وزن + ۱۰۰ کیلوگرم کشتی آزاد کشور را به سینه آویخت و در همان سال ۱۳۵۳ به مسابقات بین‌المللی فرایبورگ آلمان اعزام شد که در دسته سنگین وزن، رشته آزاد مقام چهارم را احراز نمود.

مرتضی علیزاده در سن ۲۸ سالگی در کسوت مربیگری در شهر کرج به فعالیت ورزشی خود ادامه داد و در این راستا قهرمان ۷۴ کیلوگرم آسیا و جهان و دیگر کشتی گیران ارزنده‌ای تحویل دنیای ورزش نمود. علیزاده قهرمانی متواضع، افتاده حال و آرام است که همواره خُلق و خُوی مردان گود در او اثر کرده و مگذارده است لحظه ای از سلک مردانگی و انسانیت پای بیرون نهد. وی هم اکنون در شهر کرج در رشته ادبیات فارسی به تحصیل مشغول و برای جوانان آن دیار یک الگوی مجسم از حُسن اخلاق و رفتار نیک به شمار می‌رود. ارادت خاص این قهرمان به مولای متقیان علی علیه السّلام، از وی مردی پاکدامن و درست کردار ساخته است.

علی اصغر خوشخو معروف به: (خان داش)

علی اصغر خوشخو در سال ۱۳۲۴ (ه. ش. ۰) در محله - شیرخورشید^(۱) کرمانشاه تولد یافت. وی تحت تأثیر شرایط فرهنگی شهر خود، در سن چهارده سالگی در باشگاه نیرو درستی زیر نظر آقای خسروی ورزش را آغاز نمود و در سال ۱۳۳۹ به مدت یک سال در خوزستان، زیر نظر آقای زرین باف به تمرینات کشتی ادامه داد و با پشتکار و علاقه ای شگرف با کُلیّه فنون کشتی آشنا و بر تعدادی از فنون مسلط گشت. آنگاه در سال ۱۳۴۰ تمرینات خود را در کرمانشاه زیر نظر آقای - فریدون کمالی پی گرفت و تا سال ۱۳۴۶ پیوسته و پرتوان بر تشک کشتی با نامی پُرآوازه خوش درخشید. علی اصغر خوشخو در طی دوران فعالیت ورزشی اش



علی اصغر خوشخو از قهرمانان و پیش کسوتان کشتی

توانست مقامها و عناوینی احراز نماید:

۱ - پس از انقلاب اسلامی نام «شیرخورشید» به «هلال احمر» تغییر یافت.

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۴۱	آموزشگاهی کشور	آزاد	۶۲ کیلوگرم		سوم	برنز
۱۳۴۲	آموزشگاهی کشور	آزاد	۶۲ کیلوگرم	کرمان	دوم	نقره
۱۳۴۳	قهرمانی بزرگسالان کشور	آزاد	۶۲ کیلوگرم		سوم	برنز
۱۳۴۴	آموزشگاهی کشوری	آزاد	۶۲ کیلوگرم	شیراز	دوم	نقره
۱۳۴۶	آموزشگاهی	آزاد	۶۲ کیلوگرم	تبریز	اول	طلا
۱۳۴۶	آموزشگاهی	آزاد	۶۲ کیلوگرم	کرمانشاه	چهارم	-

علی اصغر خوشخو پس از کناره گیری از مسابقات قهرمانی در سال ۱۳۴۶، به وظیفه مقدس معلمی اشتغال یافت؛ همچنین با هممتی والا در کسوت مربیگری، در خدمت باشگاه شرکت نفت کرمانشاه درآمد و چندین سال در این سلک به فعالیت پرداخت. این قهرمان و مربی ارزنده در سال ۱۳۶۳ از کرمانشاه به شهر کرج منتقل گردید و در کنار شغل شریف معلمی در باشگاه جهان چیت، همچنین در باشگاه آزادی کرج به تمرینات کشتی و در این رهگذر به خدمات ورزشی صادقانه خویش مشغول شد.

محمد هیچی

محمد هیچی در سال ۱۳۲۵ (ه. ش.) در شهر کرمانشاه متولد گردید. پدرش امان الله مردی زحمتکش و از توده مردم بود. هیچی در طی دوران تحصیلات دبیرستانی به ورزش کشتی روی آورد. وی نخستین - تمرینات خود را در سالن گاراژ واقع در پاساژ قصر فعلی آغاز نمود. و در سالهای نخست و سالهای بعد از آن با استفاده از آموزش و تعلیمات مربیان ارزنده ای چون: فریدون کمالی، حبیب الله محلوجی، صادق ایمانی و منوچهر کامروا دیری نیاید که مراحل یادگیری و ترقی را در کشتی پشت سر نهاد و در وزن خود سر آمد کشتی استان شد و از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ در کلیه مسابقات قهرمان کشوری و انتخابی تیم ملی و بین المللی در وزنهای ۶۸ و ۷۴ کیلوگرم، شرکت و عناوینی به شرح ذیل کسب نموده است:

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۵۲	پهلوانی کشور	کشتی پهلوانی	۷۴ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۵۳	قهرمانی کشور	کشتی آزاد	۶۸ کیلوگرم	کرمانشاه	اول	طلا
۱۳۵۳	جام انتخابی	کشتی آزاد	۶۸ کیلوگرم	تهران	اول	طلا

بین المللی (آریا... سابق)



«محمد هیجی» قهرمان و پیش کسوت کرمانشاهی که برخلاف نامش از قدرت در بدن و فنّ و توان خیلی چیزها دارد.

محمد هیجی در مسابقات دوران قدرت خود، همواره کشتی گیری شاخص بوده و در مسابقات انتخابی تیم ملی، بین المللی و قهرمانی کشور به جز موارد فوق الذکر از مقام دوم تا ششم را کسب نموده است. وی در مورد خاطراتش چنین می گوید:

«- یکی از افتخارات من در ورزش کشتی، همواره این بوده است که دوبار با عبدالله موحد قهرمان شش - ساله جهان^(۱) مسابقه داده ام که آخرین بار در پاس فینال مسابقات انتخابی تیم ملی جام جهانی صوفیا در برابر این قهرمان ارزنده و استثنایی با امتیاز ۵ - ۳ مغلوب شده ام که یکی از بهترین مسابقات من بوده است. محمد هیجی در دوران کشتی خود فراز و نشیبهای بسیار داشته است. اما هیچگاه تردید و دو

۱- عبدالله موحد، شش سال متوالی بر سکوی قهرمانی جهان فرار داشت و از این نظر می توان او را مرد طلایی قرن بیستم نام نهاد.

دلی به خود راه نداده و کماکان کوشا و پرتوان بوده است. این قهرمان ارزنده پس از کناره گیری از مسابقات، به مدت پانزده سال در سمت مربیگری انجام وظیفه نموده است. لیکن به علت حادث شدن دوبار عارضه سکته قلبی، اینک، تشک را ترک نموده و به شغل اداری خویش در بانک ملی کرمانشاه اشتغال دارد. محمد هیچی قهرمانی متواضع، فروتن و متعهد به امور خانوادگی به شمار می رود و در کنار همسر و سه فرزندش روزگار می گذراند در حالی که همواره سعی اش بر این است، صادقانه خدمتگذار مردم خوب و مهربان شهرش باشد.



«محمد هیچی» در زمان مربیگری، در کنار یکی از شاگردان فعال خود موسوم به «آقاپیس سودیاب»
مناسبت: مسابقات جام «ناطق نوری» محل: شهرنور مازندران. زمان: ۱۳۶۳ (ه. ش.)

یدالله بلدی

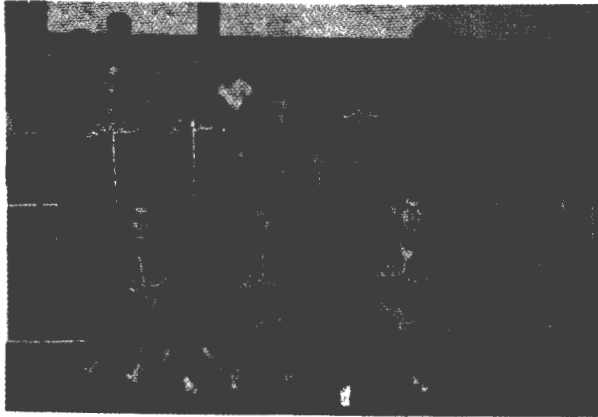
یدالله بلدی فرزند عبدالله در سال ۱۳۲۵ (ه. ش. ۰) در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. وی در عتفوان جوانی روی به ورزش کشتی آورد و تحت تعلیمات مریان پیش کسوت کرمانشاهی همچون: فریدون کمالی، علی اشرف زهتابان، مرحوم غلام بلدنی، حبیب الله محلوچی و... قرار گرفت و در اندک مدتی توانست در شمار کشتی گیران قدر استان قرار گیرد. یدالله بلدی پس از راه یافتن به دانشگاه، تمرینات خویش را در شهر تهران پی گرفت و در این راستا به عناوین برجسته‌ای دست یافت. از جمله در سال ۱۳۵۰ (ه. ش. ۰) در دسته سنگین وزن کشتی آزاد مقام اول دانشگاه‌های ایران را به دست آورد و جهت شرکت در مسابقات جهانی دانشجویان به کشور روسیه اعزام گردید. این کشتی‌گیر ارزنده دارای ویژگیهای بارز اخلاقی است؛ به طوری که می‌توان آن را پیش کسوتی مردمی و شریف به حساب آورد.



«یدالله بلدی» در حال اجرای فن روی حریف خود بر تشک کشتی دیده می‌شود [داور حبیب الله محلوچی]

محل: سالن کشتی جنب میدان گاراژ [پاساژ قصر فعلی]

زمان: سال ۱۳۴۱ (ه. ش. ۰)



تیم کشتی فرنگی کرمانشاه در مسابقات قهرمانی کشور در سال ۱۳۴۸ در کرمانشاه نفرات از راست : خلیج ، جعفر پاکدامن ، علی اشرف زهتابان ، محسن مالارانی ، کیومرث محبی . - نفرات نشسته از راست : حشمت اله نوری ، عباس معیریان ، انوشه قره گوزلو.

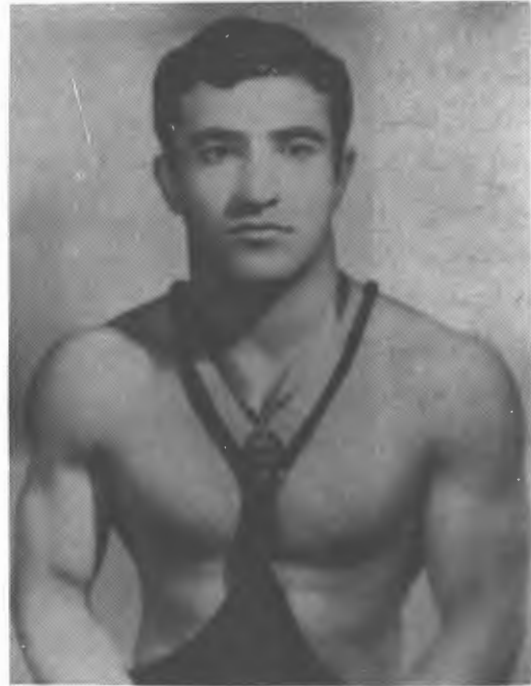
کیومرث محبی

کیومرث محبی در سال ۱۳۲۶ (ه. ش.) در محله فیض آباد که از محلات دلاور خیز کرمانشاه به شمار می رفته است ؛ دیده به جهان گشود . پدرش حاج مرتضی به پیشه سقط فروشی اشتغال داشت^(۱) و مشوق فرزندش در امر ورزش بود. کیومرث محبی در عنوان جوانی در باشگاه البرز^(۲) کرمانشاه قدم به روی تشک کشتی نهاد و تحت تعلیمات مریبان ارزنده ای همچون فریدون کمالی و صادق ایمانی قرار گرفت. کیومرث محبی در سال ۱۳۴۵ (ه. ش.) در مسابقات کشتی جوانان کشور که در سالن تختی تهران برگزار گردید؛ شرکت نمود و در رشته کشتی آزاد ، در وزن ۵۸ کیلو به مقام نخست کشور دست یافت . در سال ۱۳۴۶ در وزن ۶۲ کیلو گرم در رشته کشتی فرنگی که در شهر کرمانشاه برگزار گردید مقام اول را کسب و مدال طلای این وزن را زینت خویش نمود. و در سال ۱۳۴۸ در وزن ۶۸ کیلوگرم در رشته - کشتی فرنگی که در شهر تبریز صورت گرفت ؛ شرکت کرد و به مقام سوم کشور نایل گردید . و پس از ادامه تمرینات در سال ۱۳۴۹ نیز در مسابقات قهرمان کشوری که در استادیوم ورزشی کارگران میدان خزانه تهران انجام شد شرکت و عنوان نخست کشور را در رشته فرنگی در وزن ۶۸ کیلوگرم ، احراز نمود .

۱ - در حال حاضر « حاج مرتضی محبی » در قید حیات است ؛ اما خود را بازنشست و دکان سقط فروشی را به فرزندش « کیومرث » واگذار نموده است .

۲ - « باشگاه البرز » کرمانشاه به مدیریت آقای « جوادی حدیدی » که قبل از انقلاب از فعالیت بازا بستاد.

کیومرث محبتی دقیق، شجاع و زیرک کشتی می‌گرفت و هنگام قرارگرفتن روی تشک، در مسابقات هرگز هراسی از یال و کوپال حریف به خود راه نمی‌داد و همواره خونسرد و مطمئن به کار خود ادامه می‌داد. اما، این قهرمان در سال ۱۳۵۳ (ه. ش.) از تشک‌کناره گرفت و تأهل اختیار نمود و به زودی دارای فرزندی سالم و زیبا گردید که نامش را هومن گذارد. اما از بد حادثه هومن در سن شانزده سالگی در یک گردش علمی که توسط مسئولین دبیرستان ... ترتیب داده شده بود در رودخانه ریژاو^(۱) واقع در منطقه دالاهو غرق شد و خانواده قهرمان را به سوگ نشاند. آری، عزیز دل‌بند قهرمان شهرما، ره به سفر ابدی سپرد و رفت؛ غنچه سرخ گلزاری از سبزه زاری جوان بود و رفت؛ مام مهربانش را در دامان اندوه و حسرت



کیومرث محبتی قهرمان پیش کسوت کرمانشاهی

باقی گذارد و پدر را نیز در افق بیکران این دنیای پر حادثه تنها نهاد. اما از آنجا که محبتی مردی خدای ترس و معتقد می‌باشد به مصداق آیه "إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ" در این مصیبت صبر پیشه نمود و یک بار دیگر بر همگان ثابت نمود که اگر چه دیگر در میادین نبرد حاضر نمی‌شود، لیکن کماکان قهرمان است. زیرا، در واقع کسانی که در روزگار مصیبت صبر پیشه می‌سازند؛ جز نام زیبای قهرمان چه صفت دیگری می‌توان بدانها نسبت داد؟ کیومرث محبتی در شهر کرمانشاه به شغل پدر مشغول است و دوران میان سالی را در خدمت خانواده و مردم می‌گذراند.

۱- rīž- āv: به لفظ کردی است و به فارسی همان ریز آب می‌باشد. رودی است واقع در منطقه دالاهو که به علت پستی

و بلندی بستر، در مسیر خود، پی در پی و آشکار گونه می‌ریزد و با قدرت و فشاری خاص پیش می‌رود.



« کیومرث محبی » بر سکوی نخست قهرمانی کشور در وزن ۶۸ کیلوگرم کشتی فرنگی «محمد رضا فلیچ خانی»
 از تهران بر سکوی دوم و «ایرج خسروکیانی» از خوزستان بر سکوی سوم دیده می‌شوند .
 مکان : (سالن کارگران) تهران .
 زمان : سال ۱۳۴۹ (ه. ش .)

محمود خاوران

در سال ۱۳۲۷ (ه. ش.) محمود خاوران در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود پدرش مشهدی یدالله در مسافری اطمینان به شغل گاراژ داری اشتغال داشت؛ اما دست اجل ندهد فرصت نداد که سایه خرمش بر اهل و عیال شریفش تداوم بیابد. لذا محمود در کودکی از برکت وجود پدر محروم ماند؛ در نتیجه با رنج و سختی، دوران کودکیش را سپری نمود. وی در سن ۱۷ سالگی قدم به عرصه کشتی گذارد و در اثر زحمات مربیان ارزنده کرمانشاهی: صادق ایمانی و حاج حبیب الله مخلوچی و تلاش پیگیر، خیلی زود استعداد شگرف خود را در این راه بروز داد. محمود خاوران با شرکت در دوره سی ام مسابقات کشتی آزاد توانست در وزن ۶۲ کیلوگرم قهرمان ایران شود و مدال طلا را آویز سینه اش کند. پس از آن در مسابقات قهرمانی ایران، در مسابقات انتخابی تیم ملی برای مسابقات جهانی صوفیا پس از سید عباسی دوم شد. و در ششمین دوره مسابقات بین المللی کشتی آزاد، جام تختی در وزن ۶۲ کیلوگرم پس از پیروزی برگیوی کراشویلی از شوروی، نفر چهارم مسابقات جهانی کانادا در سال ۱۹۷۰ میلادی مدال برنز گرفت، پس از مسابقات مرحله انتخابی تیم ملی برای اولین بار در وزن ۶۲ کیلوگرم پیراهن تیم ملی به تن کرد و در یازدهمین دوره مسابقات بین المللی کشتی آزاد جام دانکلف ۱۹۷۲ راهی بلغارستان، بورگاس شهر ورزش دوست و قهرمان پرور گردید. نتیجه این کشتی، پیروزی بر استوالارسکی از لهستان و کورتوف از بلغارستان و اندرونو از رومانی بود، اما با واگذاری کشتی - خود، به علت اختلاف امتیاز در برابر راموس از کوبا، از دست یافتن به مدال طلا بازماند. لیکن در سال بعد، پس از یکدوره مسابقات انتخابی و پیروزی بر جهاندار عبدالباقر برای دومین بار پیراهن ملی پوشید و راهی دوازدهمین دوره مسابقات بین المللی جام دانکلف گردید که در شهر «وارنا» ی بلغارستان در جمع ستارگان پیروز جام دانکلف، پیروزی محمود خاوران این کشتی گیر جوان - کرمانشاهی شگفت انگیز بود. او در جام دانکلف ۵ مبارزه داشت که حاصلش ۴ پیروزی بر ایوان - یانکلف از بلغارستان، زالی از رمانی، کارکاش از ترکیه و مساوی ۷-۷ با کراستف از بلغارستان، نفر سوم المپیک مونیخ - و پیروزی سیار چشم گیر بر ویکتور مارکلیف کشتی گیر نامدار و زبده روس و نفر برگزیده تیم ملی شوروی به منظور اعزام به مسابقات جهانی در ظرف دو دقیقه با استفاده از فن (سرو ته یکی) و (فی تو برات) و در نتیجه ضربه فنی، بیش از پیش همگان را مبهور ساخت و نشان داد، چه آینده پر افتخاری در انتظار اوست.

بد حادثه

بیست روز پس از پیروزی شگفت انگیزش بر نامدار روس ویکتور مارکلیف در حال تمرین در زادگاهش، کرمانشاه، در اثر ضرب خوردگی و پاره شدن دیسک کمر و نارحتی از مهره های کمر در بیمارستان مدائن تهران تحت عمل جراحی قرار گرفت و با دنیایی پراز حسرت - در حالی که این قهرمان دلاور هنوز حرف اول راهم نزده بود! با تشک کشتی وداع گفت.



محمود خاوران از قهرمانان و مربیان ارزنده کشتی دویندی کرمانشاه

ویژگیهای خاص فیزیکی و معنوی قهرمان

محمود خاوران از نظر نرمش و سوبلس^(۱) بدنی، ویژگی خاص و کم نظیری دارا بود و بی شک اگر آن حادثه آسفنناک برایش پیش نمی آمد می توانست به زودی به مقام جهانی دست یابد و مرد طلایی قرن و قهرمانی یکه تاز گردد. وی از نظر اخلاقی بسیار نرمخو، مهربان و فروتن می باشد و مردم همه دوستش دارند، چرا که او نیز مردم را دوست می دارد. خاوران چندین سال متوالی در باشگاه صنعت نفت کرمانشاه در کسوت مربیگری به آموزش کشتی پرداخته است و در این رابطه کشتی گیران و قهرمانان خوب و ارزنده ای تحویل جامعه ورزش داده است که از جمله آنان می توان به افراد ذیل اشاره نمود: الله مراد زرینی - سید جمال میرزاده - بهروز رشیدی - فرامرز چقما میرزایی - احمد زهرایی - مجید وقاری - شهید مسعود چنفا گلانی - شهید عباس رضایی - شهید عبدالوحید رضایی.

نکته ای که باید در مورد محمود خاوران ذکر شود، این است که: این قهرمان پر ارج، در طی سالهای مربیگری خود، کشتی گیران بسیاری را تعلیم داده که همگی از نظر اخلاقی، مانند خود او متواضع و مهربان شده اند و این مطلب به حساب خلق و خوی نیک و روش درست خاوران گذاشته می شود. چرا که وقتی مربی درست کردار باشد، شاگرد نیز تحت تأثیرات او، قرار می گیرد. محمود خاوران قهرمانی دلاور و معلمی ارزنده قلمداد می شود که خلق و خوی مردمی اش ندای عشق او را در دلها جاودانه می گرداند. وی در شهریور ۱۳۷۴ به تهران منتقل گردید و به اتفاق خانواده اش راهی تهران شد. این قهرمان گرمی در کنار انجام وظایف خویش کماکان به پسرانش محمدرضا و مجید عشق می ورزد.

خسرو محمدی

خسرو محمدی در سال ۱۳۲۹ (ه. ش.) در محله گاوگوشان کرمانشاه متولد گردید. وی در سال ۱۳۴۹ ورزش کشتی را آغاز نمود و تحت نظر مربیان ورزیده کرمانشاهی و با توجه به پشتکار عالی خود، در سال ۱۳۵۰ در سطح استان، کشتی گیری سر آمد گردید و به منظور شرکت در مسابقات آموزشگاهی به کرمان اعزام شد؛ که پس از دو برد در کشتی اول به علت اضافه وزن از کشتی بعد، بازماند. در سال ۱۳۵۳ کشتی آزاد، در دسته سبک وزن در اصفهان به مقام نخست آموزشگاههای کشور نایل گشت. وی در سال ۱۳۵۴ به مسابقات بین المللی لودز لهستان اعزام شد و با عنوان سوم قهرمانی، به کشور بازگشت. این قهرمان، چندین دوره در مسابقات قهرمانی کشور شرکت جست و به عنوانی، از جمله مقام دوم دست یافت. وی از کشتی گیران با پشتکار و شجاع کرمانشاه به شمار می رود و در یک دوره ده ساله از ۱۳۵۰ - ۱۳۶۰ همواره سکودار وزن ۵۲ کیلوگرم کشتی آزاد استان بوده است. یکی از

۱ - سوبلس - sub - les: نرمش و انعطاف فوق العاده بدنی است که باعث عکس العمل سریع بدن شخص، در مقابل فنون

اجراء شده به وسیله حریف می گردد.

افتخارات این قهرمان ساده دل ، پیروزی وی در سه سال متوالی سالهای اولیه انقلاب در (مسابقات قهرمانی جام بسیج کشور) است که در وزن ۵۲ کیلوگرم آزاد به (سه قطعه مدال طلا) دست یافت . همچنین در مسابقات قهرمانی کشور ، در همدان در وزن ۵۲ کیلوگرم آزاد عنوان چهارم را کسب نمود . خسرو محمدی پس از کناره گیری از مسابقات قهرمانی در کسوت مربیگری قدم بر تشک کشتی نهاد و در امر آموزش جوانان کشور خود ، با تلاشی پی گیر ، همت گماشت . گرچه مدتی در راه داوری کشتی سعی و اهتمام ورزید ، لیکن با توجه به دلایلی ، داوری را کنار گذارد و باردیگر وظیفه مقدس مربیگری را به عهده گرفت و طی سالها فعالیت توانست کشتی گیران خوبی تحویل جامعه ورزشدوست کرمانشاه بدهد که از جمله می توان افراد ذیل را نام برد : محمدعلی گنجایی - رضا عباسی - ماشالله حسینی - انشاءالله حسینی - آرش حوری - کورش مرادی - محمد محمدی - محمد رضامرادی - قاسم - محمدی - مراد شلانی - عادل حیدریان . خسرو محمدی هم اکنون نیز کار مقدس مربیگری را کماکان ادامه می دهد و در این راه پُر تلاش و پُر ثمر صادقانه پیش می رود . امتیاز شاخص این قهرمان کرمانشاهی این است که به زندگانی ساده و بی شایبه معلمی بسنده نموده و کماکان در جوار خانواده خویش شرافتمند و با عزت نفس به سر می برد .



خسرو محمدی در سمت چپ عکس به عنوان نفربرنده با حریف آمریکایی خود که در سمت راست عکس قرار دارد، دیده می شود.

ابوالقاسم نقی زاده

ابوالقاسم نقی زاده در سال ۱۳۳۰ (ه. ش. ۰) در محله چنانی کرمانشاه متولد گردید. پدرش مشهدی باقرمردی کشاورز و زحمتکش بود. ابوالقاسم در سال ۱۳۴۷ کشتی را آغاز نمود و به همت مربیان مجربی چون آقایان: صادق ایمانی و حاج حبیب‌الله محلوچی توانست به رموز و فنون کشتی آزاد مسلط گردد و به عناوین برجسته‌ای دست یابد.



«ابوالقاسم نقی زاده» بر سکوی نخست قهرمانی مسابقات آموزشگاه های کشور «علی آخوندی» بر سکوی دوم و غفور خوش کردار بر سکوی سوم

عناوین کسب شده در مسابقات قهرمانی

سال (ه. ش. ۰)	نام مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۵۰	آموزشگاههای	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	تبریز	اول	طلا

منطقه‌ای ۵ گانه ^(۱)					
۱۳۵۰	قهرمانی	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	کرمانشاه	اول
	آموزشگاه‌های ایران				
۱۳۵۱	آموزشگاهی	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	رضائیه	اول
	منطقه‌ای ۵ گانه				
۱۳۵۱	قهرمانی	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	مشهد	اول
	آموزشگاه‌های ایران				
۱۳۵۲	آموزشگاهی	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	رضائیه	اول
	منطقه‌ای ۵ گانه				
۱۳۵۲	قهرمانی	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	اصفهان	دوم
	آموزشگاه‌های ایران				
۱۳۵۳	قهرمانی	کشتی آزاد	۹۰ کیلوگرم	اهواز	اول
	ارتش‌های کشور				
۱۳۵۶	تیم ملی	کشتی آزاد	۹۰ کیلوگرم	تهران	دوم
	قهرمانی ایران				
۱۳۵۷	تیم ملی	کشتی آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	دوم
	قهرمانی ایران				
۱۳۶۲	تیم ملی	کشتی آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	سنندج	دوم
	قهرمانی ایران				
۱۳۶۳	انتخابی	کشتی آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	اهواز	دوم
	تیم ملی				
۱۳۶۴	انتخابی	کشتی آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	تهران	دوم
	تیم ملی				
۱۳۶۴	جام بین‌المللی	کشتی آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	تهران	دوم

علاوه بر مسابقات مذکور، ابوالقاسم نقی زاده در بسیاری از مسابقات «جام» های بین‌المللی ۲۲ بهمن و «چندجانبه ای» حضور فعال داشت و همچنین در سال ۱۳۵۷ به عنوان ستاره مسابقات «لیگ» باشگاه های کشور شناخته شد. این قهرمان ساده رفتار و فروتن به علت مشکلات و سختیهای زندگی، در سال ۱۳۶۴ از مسابقات قهرمانی کناره گرفت و کار مربیگری را که از سال ۱۳۵۹ آغاز نموده بود

۱ - استانهای: (کرمانشاه)، (همدان)، (کردستان)، (ایلام)، (لرستان)

ادامه داد. نقی زاده هم اکنون نیز یکی از خدمتگذاران صدیق ورزش سنتی، کشتی به شمار می رود و در کنار زن و پنج فرزندانش از جمله پسرانش علی، رضا و طیب به شیوه ای ساده، زندگانی می سپرد.

علیرضا جواهری

علیرضا جواهری به سال ۱۳۳۰ (ه. ش.) در محله فیض آباد شهر کرمانشاه متولد گردید. پدرش اصغراز کارمندان شریف شرکت نفت کرمانشاه بود و از مشوقین اصلی فرزند خود در ورزش کشتی به - شمار می رود. علیرضا جواهری در سال ۱۳۴۹ کشتی را زیر نظر مربیان پرتجربه شهر کرمانشاه، آقایان صادق ایمانی، حاج حبیب الله مخلوجی، مرحوم غلامحسین بلندی شروع نمود و در سال ۱۳۵۱ توانست عنوان سوم آموزشگاهها را کسب نماید و در سال ۱۳۵۲ مقام نخست مسابقات قهرمانی آموزشگاه های کشور را که در تبریز برگزار گردید احراز نمود. سال بعد نیز، این مقام را در مسابقات آموزشگاه های کشور که در کرمانشاه انجام شد حفظ کرد. جواهری در سال ۱۳۵۴ در مسابقات قهرمانی کشور که در همدان برگزار گردید شرکت جست و در وزن ۹۰ کیلوگرم، کشتی آزاد به مدال نقره دست یافت؛ آنگاه عازم خدمت زیر پرچم گردید و در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ نفر اول «ارتش» های ایران گردید. و در همان سال ۱۳۵۶ توانست در شهر ساری به مقام نخست قهرمانی کشور نایل گردد و در سال بعد نیز همین مقام را در تهران به دست آورد. در سال ۱۳۶۰ در یزد به مقام سوم کشور رسید و در همان سال همین عنوان را در مسابقات جام بین المللی تختی که در تهران برگزار گردید کسب نمود. جواهری در مسابقات دیگری نیز شرکت یافته است، از جمله: جام لودن لهستان، جام الان باتور - مغولستان، جام تفلیس، جام مدوید شوروی. وی در جام الان باتور عنوان دوم و در جام تفلیس عنوان چهارم را کسب کرد و در جام مدوید در دسته مربیان به شوروی اعزام شد. این قهرمان گرامی، در واقع در شمار کشتی گیران پرتوان و پیش کسوت کرمانشاه قلمداد می شود. وی دربرهه ای از زمان برتشک ظاهری شد که ورزشکاران ماز کمترین امکانات ورزشی برخوردار بودند. به سخن دیگر قدر - مردانی چون جواهری قهرمانی خود ساخته و پر جزم و عزم بودند. از این رو می توان این قهرمان را صاحب ارزشی استثنایی و والا دانست که همواره نامی جاودان در تاریخ کشتی این دیار داراست. جواهری در حال حاضر کارمند بهداری کرمانشاه است و با خلق و خوی مردمی، کماکان به انجام وظایف خویش مشغول می باشد و در جوار اهل و عیال خویش به زندگانی ساده و آبرومندی ادامه می دهد.



علیرضا جواهری: از قهرمانان بیش کسوت کرمانشاهی که سالها بر تشک کشتی خوش درخشیده است.
محل: تهران - سالن شهدای هفتم تیر



تیم کشتی آزاد «کرمانشاه» در سال ۱۳۵۴ (ه. ش.) که در شهر «همدان» بامصافی مردانه قهرمان کشور گردید.
 تیم کشتی کرمانشاه در طی ۳۰ دوره مسابقات قهرمانی کشور ۴ بار به مقام قهرمانی ایران دست یافت.
 شرح عکس: نفرات از راست: علیرضارزقی (در حال حاضر داوور بین‌المللی است.) - احمدکوه دره‌ای -
 علیرضاجواهری - حاج حبیب‌الله معلوجی - محمد حسن مجیبی - بیژن زرافشانی - فریدون کمالی - مربی -
 پیش‌کسوت .
 نفرات نشسته: علیرضایمانفر - خسرو محمدی - اسفندیار زرافشانی - شهید کوروش زرونی .

بیژن زرافشانی

بیژن زرافشانی فرزند محمد در سال ۱۳۳۱ (ه. ش.) در کهریز^(۱) کرمانشاه دیده به جهان گشود. این قهرمان ارزنده در سال ۱۳۴۷ در حالی که محصل بود، قدم بر تشک کشتی نهاد و با تحمل رنج و مشقات بسیار، در روزهای تمرین، هفت کیلومتر راه را، به وسیله دو چرخه از کهریز الهیه به شهر می آمد و زیر نظر منوچهر کامروا و اصغر گلنسانی در سالن باریکه تختی به تمرین کشتی می پرداخت و در این رهگذر، به تشویق پدر، عمویش علی اکبر و پسر دایی اش حسن الفتی و کماکان به همت مربیان - دلسوز کرمانشاهی توانست در مدتی پر تلاش، عضو تیم کشتی آزاد شهر و سالها سکو دار قهرمانی - کشور قهرمانی کشور گردد. پس از مربیان نامبرده که در حد آموزشگاهی بیژن زرافشانی را تحت تعلیمات صادقانه خویش داشتند. مربیان ارزنده دیگری چون: صادق ایمانی، حاج حبیب الله - ملحوجی و مرحوم غلامحسین بلندی با همتی والا، این قهرمان با اصالت را تحت حمایت و آموزش خود قرار دادند. اما مربی ثابت وی صادق ایمانی بوده است که در راه آموزش دادن به این قهرمان، از هیچ کوششی دریغ ننموده است.

مسابقات قهرمانی کشور

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۵۱	قهرمانی کشور	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۵۲	قهرمانی کشور	کشتی آزاد	۸۲ کیلوگرم	کرمانشاه	اول	طلا
۱۳۵۳	قهرمانی کشور	کشتی آزاد	۸۲ کیلوگرم	همدان	اول	طلا
۱۳۵۴	قهرمانی کشور	کشتی آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۵۸	قهرمانی کشور	کشتی آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	کرمانشاه	اول	طلا

ستاره و فاتح مسابقات

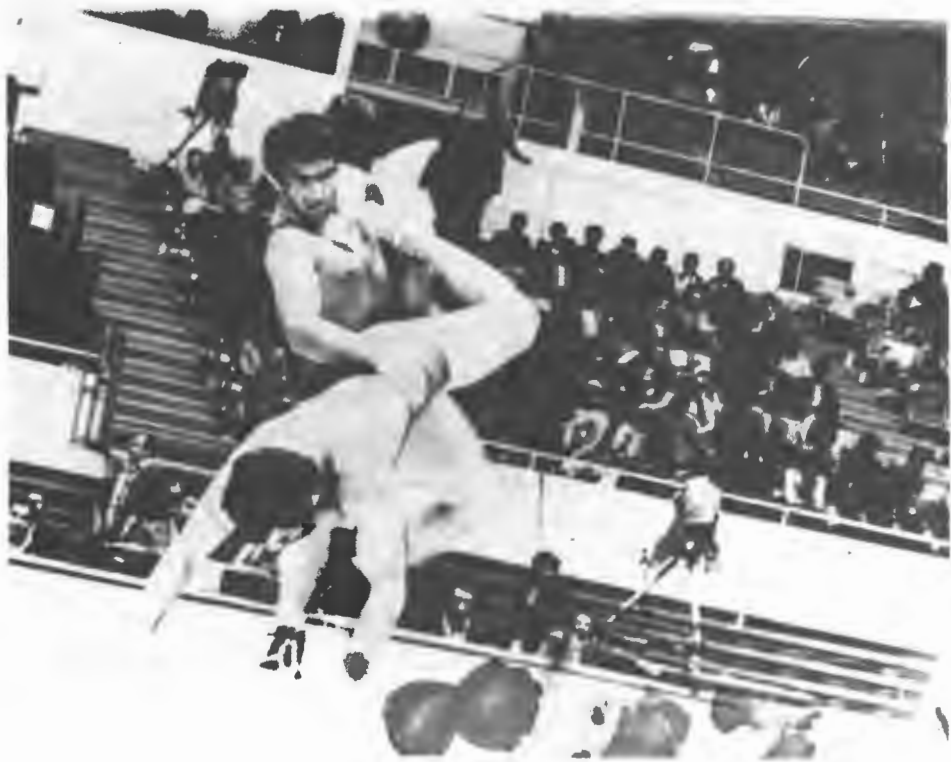
در مسابقات قهرمانی کشوری سال ۱۳۱۵، حریف فینالیست بیژن زرافشانی، ضیاء معینی از هم‌زمان و هم‌قدردان محمد فرهنگ دوست^(۲) و منصور برزگر^(۳) بود که این قهرمان ارزنده - کرمانشاهی با اختلاف یک امتیاز بر او چیره گشت.

در سال ۱۳۵۳، مقارن با برگزاری مسابقات قهرمانی کشور، تیم کشتی آمریکا جهت انجام مسابقاتی دوستانه وارد ایران گردید، پس از انجام مسابقات در غالب شهرهای کشور وارد همدان شد. اما در همدان قهرمان سنگین وزن آمریکایی که می رفت، ایران را بدون شکست ترک نماید، به دست گرد کرد.

۱ - «کهریز» قریه ای است واقع در ۷ کیلومتری غرب «کرمانشاه».

۲ - «محمد فرهنگ دوست» دارای دو مدال نقره جهانی.

۳ - «منصور برزگر» دارای یک مدال طلا و چهار مدال نقره جهانی و المپیک.



بیژن زرافشانی در حال اجرای فن «کنده فیتله پیچ» بر حریف قدر خوش (علیرضایبیا) از تهران، در وزن ۸۲ کیلوگرم کشتی آزاد. نام مسابقه: تورنمنت بین المللی تهران
 محل: استادیوم ۱۲۰۰۰ نفری آزادی تهران.
 زمان: ۱۳۵۴ (ه. ش.)

بیژن زرافشانی مغلوب گردید. وی در سالهای ۱۳۵۳، ۱۳۵۴ و ۱۳۵۸ موفق شد؛ کُلیّه حریفان خود را ضربه فنی کند و به عنوان ستاره مسابقات شناخته شود.

این دلاورگرداز سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۸ (ه. ش.) با سه دوره فاصله، همواره بر سکوی نخست کشتی آزاد، در دسته سنگین وزن، طلا و نقره و باعث افتخار دیار پهلوانان بوده است. این قهرمان از اندامی بسیار ورزیده و کم نظیر برخوردار است، چنان که هیچگاه حریفی نتوانسته است، در میادین مسابقات دو کتف او را به خاک برساند. در حالی که بیژن زرافشانی خود، به راحتی بر رُقبایش غلبه می یافت.

زرافشانی در مسابقات بین المللی نیز، ملی پوشی استوار و پر درخشش بوده است:

مسابقات بین المللی

سال	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۹۷۲ (م.)	جام جهانی تولیدو	کشتی آزاد	۸۲ کیلوگرم	«تولیدو» آمریکا	دوم	نقره
۱۹۷۴ (م.)	جام جهانی استانبول	کشتی آزاد	۸۲ کیلوگرم	استانبول	پنجم	۶ امتیاز برای تیم ایران
۱۹۷۶ (م.)	«تورنمنت» کانادا	کشتی آزاد	۸۲ کیلوگرم	«مونترال» کانادا	دوم	نقره
۱۹۷۷ (م.)	جام یاشار- دوغوی ترکیه	کشتی آزاد	۸۲ کیلوگرم	«سامسون»	سوم	برنز
۱۹۷۷ (م.)	جام دانکلف	کشتی آزاد	۸۲ کیلوگرم	«وارنا» بلغار	چهارم	۷ امتیاز برای تیم ایران

علاوه بر پیروزی های مذکور، بیژن زرافشانی طی سه سال متوالی، توانست در وزن ۸۲ کیلوگرم رشته کشتی آزاد، یک مدال طلا و دو مدال برنز از مسابقات بین المللی تهران - کاپ آریامهر سابق - به دست بیاورد.

با توجه به جدول فوق، زرافشانی چندین سال توانسته است زینت بخش سکوی قهرمانی «جام» های بین المللی باشد. در حال حاضر وی روزها را به کسب رزق مشغول است و پس از انجام کارهای روزانه، به سالن تختی کرمانشاه می رود و به تعلیم و آموزش کشتی می پردازد. و در این رهگذر، توانسته است قهرمانان ارزنده و طلایه داری تحویل جامعه ورزش بدهد. از جمله:

۱ - سلیمان الهیاری که شرح وی در همین بخش آمده است.

۲ - علی حسینی دوبار، قهرمان دوم جوانان ایران.

۳ - نادر قنبری که شرح وی در همین بخش آمده است.

۴ - جعفر خدایی که شرح و
در همین بخش آمده است .

۵ - کیومرث رجیبی در حیات
قهرمانی کشور و یک بار
قهرمان جوانان دنیا.

این قهرمان و مربی ارزنده از
نظر اخلاقی ، همواره مورد
تأیید مردم شهر بوده و در
تواضع و افتاده حالی مردان
بزرگ و دلاور قدیم را به یاد
می آورد . نکته ای که در مورد
برادران زرافشانی نباید
ناگفته بماند، همت و فداکاری
مادر این قهرمانان بوده است .
چرا که این شیر زن گُرد و
دلاور در شبهای سرد زمستان
که خطر حمله گرگ را به دو
فرزند خویش احساس
می نمود، با رشادت تمام به
استقبالشان می شتافت تا مبادا
پسران دلبندهش کسه از
تمرین کشتی برمی گشتند ؛
دچار یأس و حرمان شوند و از
ادامه تمرینات باز بمانند . این
نیز از ویژگیهای زنان کُرد
است که همواره باید دلی



بیژن زرافشانی قهرمان وزن ۱۰۰ کیلوگرم در مسابقات قهرمانی کشور سال
۱۳۵۸ (۵ ش .) - نفر دوم «علامه رضالحجیم چی» از مازندران - نفر سوم
عباس صحرايي از خراسان

دریاگون و مردانه داشته باشند و در راه دلاور نمودن فرزندان خویش از هیچ کوششی دریغ نورزند .



(تیم کرمانشاه) تیم نخست (ایران)

یادگاری از تیم (کرمانشاه) که سه دوره پی در پی در سالهای ۱۳۵۲، ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ (ه. ش.) در شهرهای (کرمانشاه)، (همدان) و (تهران) مقام نخست کشور را کسب نمود. نفرات تیم: برادران محبی - برادران زرافشانی - معینی - محمدی - غلامی - شیانی - عبدی.

یادبودی از کشتی گیران قدیمی کرمانشاه در سالن کشتی «باشگاه البرز» در سال ۱۳۴۱ (ه.ش.)



شرح عکس : نفرات از راست : علی منتظری ، ... ، ... ، جواد حدیدی (مربی) ، جعفر فیض حُرّی [ورزشکاران و باستانی کاران پرتلاش کرمانشاهی] ، ... ، نفر آخر در سمت چپ «وفا یونسی»
 نفرات ردیف دوم به حالت نشسته : غفار سعدالهی ، ... حشمت اله تیغی ، ابوالحسن محمدی علی آبادی .

یزدان فرزایی

یزدان فرزایی در سال ۱۳۳۳ (ه. ش.) در شهر کرمانشاه متولد گردید. پدرش حاج محمد مردی متدین، پرهیزکار و خدای ترس بود، به شغل آزاد اشتغال داشت و در این رهگذر جز به کسب رزق حلال نمی‌اندیشید. یزدان از ابتدای زندگانی اش، نوجوانی پاکدل و شریف به شمار می‌رفت و در این راستا، همواره در اندیشه مردان بزرگ و پاک نهاد سرزمین دلاورخیز پارس بود. وی در سال ۱۳۴۹ در باشگاه - تختی کرمانشاه به عضویت کشتی گیران آزاد در آمد و زیر نظر مربیان خوب کرمانشاهی: مرحوم - غلامحسین بلندی، احمد کوه دره ای، محمود خاوران، محمد هیچی تمرینات خویش را آغاز نمود و دیری نپایید که در بین همسالان و هم ردیفان خویش کشتی گیری شایسته و کارآمد گردید. یزدان - فرزایی هنگام مسابقات، در سرعت عمل، جست و خیز و حملات پیاپی به حریفان، از روش و سبکی مخصوص به خود برخوردار بود. از این رو کشتی های او همیشه از کشتی های پُرجنب و جوش و پُر فعالیت به شمار می‌رفت.

عناوین قهرمانی

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۵۲	قهرمانی جوانان کشور	کشتی آزاد	۵۷ کیلوگرم	زنجان	دوم	نقره
۱۳۵۳	قهرمانی آموزشگاههای ایران	کشتی آزاد	۵۷ کیلوگرم	اصفهان	اول	طلا
۱۳۵۴	قهرمانی آموزشگاههای ایران	کشتی آزاد	۵۷ کیلوگرم	کرمانشاه	دوم	نقره
۱۳۵۵	قهرمانی منطقه ای غرب کشور - جام کیهان ورزشی	کشتی آزاد	۵۷ کیلوگرم	کرمانشاه	دوم	نقره
۱۳۵۶	انتخابی نیروهای مسلح ایران	کشتی آزاد	۶۲ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۵۹	قهرمانی کشور و انتخابی تیم ملی ایران	کشتی آزاد	۶۲ کیلوگرم	بروجرد	سوم	برنز
۱۳۶۱	انتخابی تیم ملی	کشتی آزاد	۶۲ کیلوگرم	تهران	دوم	-

یزدان فرزایی در سال ۱۳۶۱ به دلیل موقعیت جنگ ایران و عراق و اعزام به جبهه، در منطقه شلمچه یا منطقه عملیاتی کربلای ۴ و ۵ از مسابقات کناره گیری نمود. پس از بازگشت از جبهه، در سال ۱۳۶۷ (سال صدور قطعنامه ۵۹۸) فعالیت ورزشی خود را دنبال نمود. و در کسوت مربیگری در خدمت جوانان و بزرگسالان شهر خویش قرار گرفت. وی هم اکنون کارمند دانشگاه رازی کرمانشاه است و در چهار کلاس آموزشی به تعلیم کشتی مشغول است:

۱ - کانون بسیج جوانان

۲ - دانشگاه رازی

۳ - هیئت کشتی استان

۴ - باشگاه نور شاطرآباد - که از محروم ترین باشگاه های شهر به شمار می رود . - و این روحیه مردمی و خوب این قهرمان را بازگو می کند .
یزدان فرزایی مردی متعهد به امور خانوادگی به شمار می رود و در کنار همسر و سه فرزندش: حُسناء، نفیسه و محمد علی شادمانه زندگی می سپرد .



یزدان فرزایی در حال اجرای فنّ یک خم مقابل ابراهیم جوادی «قهرمان جهان» - سال ۱۳۵۱، لیگ سراسری.

اسفندیار زرافشانی

اسفندیار زرافشانی فرزند محمد در سال ۱۳۳۴ (ه. ش.) در کهریز کرمانشاه دیده به جهان گشود. پدرش به کشاورزی اشتغال داشت و قاموس وجودش پر از روح بلند حماسه های دلاوران ایران زمین بود. مردی با تمام وارستگیها و بزرگیها که دریای ژرف سینه اش در قلبهای تپنده و مردانه عزیزانش بیژن و اسفندیار این قهرمانان نامی گرد، که به راستی آنان را باید گردان کرد نامید، متبلور گشت. اسفندیار از سن پانزده سالگی در سالن تختی کرمانشاه، قدم بر تشک گذارد و زیر نظر مر بیان دلسوزی چون: حاج حبیب الله محلوجی و صادق ایمانی کار خود را آغاز نمود و دیری نپایید گل استعدادش شکفت و در سطح استان برتریش به اثبات رسید.



«اسفندیار زرافشانی» در مسابقات انتخابی قهرمانی جهانی «لوزان» در سال ۱۳۵۵ (ه. ش. ۱)

وی در اولین مسابقه قهرمانان کشوریش به جای قهرمان ارزنده، محمود خاوران دلاور غرب که به علت آسیب دیدگی، از مسابقات قهرمانی کنار گرفته بود به محل برگزاری مسابقات اعزام گردید. اسفندیار زرافشانی طی چندین دوره پیاپی خوش درخشید و پیوسته زینت بخش سکوی بلند

قهرمانی بود. وی علاوه بر مربیان نامبرده، تحت تعلیمات و آموزش فریدون کمالی، غلامحسین - بلندی و علی اشرف زهتابان نیز قرار گرفت و کماکان برتری خویش را بر هم‌مقدران خویش حفظ می‌نمود. در مورد عمده عناوین قهرمانی و مسابقات این قهرمان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

عناوین قهرمانی

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل مقام	مدال
۱۳۵۳	قهرمانی جوانان کشور	آزاد	۶۲ کیلوگرم	مشهد	اول طلا
۱۳۵۳	قهرمانی کشور	آزاد	۶۲ کیلوگرم	کرمانشاه	سوم برنز
۱۳۵۴	قهرمانی کشور	آزاد	۶۲ کیلوگرم	همدان	سوم برنز
۱۳۵۵	قهرمانی کشور	آزاد	۶۲ کیلوگرم	تهران	سوم برنز
۱۳۵۶	انتخابی تیم ملی	آزاد	۶۲ کیلوگرم	تهران	دوم -
به منظور اعزام به المپیک مونترال					
۱۳۵۶	جام «تات راس»	آزاد	۶۲ کیلوگرم	(تات راس)	اول طلا

لهستان

اسفندیار زرافشانی در مسابقات قهرمانی کشور سال ۱۳۵۵ در حالی که برندهٔ محسن فره وشی - موسوم به: کاووس جعفرزاده از مازندران را برده بود؛ در کشتی سوم، با یک باخت در برابر محسن - فره وشی آن هم به علت ضربیدگی کتف از گسیل شدن به مسابقات جهانی بازماند. در سال ۱۳۵۶، تیم کرمانشاه با نقراتی چون برادران محبتی و اسفندیار زرافشانی عازم لهستان گردید و با حضور کشورهای چوچون: روس، آلمان شرقی، آلمان غربی، بلغارستان و آمریکا، اسفندیار زرافشانی پس از شش سرکشتی گرفتن، در وزن ۶۲ کیلوگرم کشتی آزاد به مدال طلا دست یافت و چون در این مسابقات بی آنکه امتیاز منفی داشته باشد همواره با ضربهٔ فنی بر حریفان گردنکش خویش فایز آمد. ستاره مسابقات شناخته شد. اسفندیار در سال ۱۳۵۲ در جام تفلیس با بوریس بادایف قهرمان روس مساوی کرد. بیژن زرافشانی نیز در آن سال بر تشک ظاهر شد و مربیان پر تجربه‌ای چون مرحوم، استاد حبیب الله بلور و حاج حبیب الله محلوچی شاهد و ناظر برتریهای خاص برادران زرافشانی بودند. اسفندیار زرافشانی به علت آسیب کتف چپ خود، در کشتی با محسن فره وشی، عضو پر و پا قرص تیم ملی ایران، در سال ۱۳۵۶ از مسابقات قهرمانی کناره گرفت و در کسوت مربیگری در خدمت نوجوانان و جوانان شهر خود قرار گرفت به طوری که در اثر تلاشهای پیگیر وی، دیری نپایید که شاگردانش، بیرق افتخار برکف گرفتند. به عنوان مثال در سالهای ۶۲ - ۶۳ و ۷۲ - ۷۳ تیمهای نوجوانان و نونهالان کرمانشاه به مقام قهرمانی نخست کشور دست یافتند. در اینجا



«اسفندیار زرافشانی» نفر دوم به حالت نشسته از سمت چپ در مسابقات کشتی آزاد قهرمانی کشور ۱۳۵۴ در کرمانشاه.

می‌توان اذعان نمود که اگر ایران در آتش جنگ با کشور عراق^(۱) گرفتار نمی‌شد و چندین سال وقفه در کار ورزش و برگزاری مسابقات پیش نمی‌آمد، به‌طور حتم، تیمهای زیر نظر اسفندیار زرافشانی همواره بر سکوهایی برتر مسابقات قهرمانی جای داشتند. وی در سال ۱۳۵۸ در کسوت مقدس مربیگری در خدمت تیم شهر قرار گرفت و با سعی همیشگی خود در تعلیم دادن و آموزش جوانان، کماکان همت گماشت. در سال ۱۳۶۷ به منظور گذراندن دوره یک - ماهه مَدَرسِی بین‌المللی کشتی، زیر نظر فیلا^(۲) به شهر پیونک‌یانگ گره شمالی اعزام گردید و تاکنون در پانزده استان کشور مسئولیت کلاسهای مختلف مَدَرسِی بین‌المللی کشتی را عهده دار بوده است. اسفندیار زرافشانی قهرمانی تحصیل کرده، مطلع به امور تغذیه در ورزش و دارای لیسانس از دانشکده علوم ورزشی دانشگاه تهران می‌باشد. این قهرمان ارزنده از جوانان متواضع، و فروتن شهر - کرمانشاه به شمار می‌رود و در حال

۱ - جنگ «ایران» و «عراق» در روزی و یکم شهریور سال ۱۳۵۹ با یورش هواپیمای جنگنده «عراق» به اکثر پایگاه‌ها و فرودگاه‌های ایران، از جمله: فرودگاه‌های «مهرآباد»، «همدان»، «کرمانشاه»، «تبریز»، «بوشهر»، پایگاه «دزفول» و ... آغاز گشت و در تابستان ۱۳۶۷ پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی دولت ایران، دو کشور در شرایط متارکه جنگ قرار گرفتند.

۲ - Fila: سازمان کشتی جهانی.

حاضر در دبیرستانهای کرمانشاه به تدریس در رشته تربیت بدنی مشغول است. همچنین در کنار خدمات ورزشی اجتماعی خود نسبت به اهل و عیال خود بسیار مهرمی ورزد و برای برادر دلاورش بیژن احترامی فوق العاده قائل می باشد.

محمد حسین محبتی (ستاره طلایی غرب)

محمد حسین محبتی فرزند پهلوان حاج یدالله محبتی در سال ۱۳۳۴ (ه. ش. ۰) در خاک دلاوران و شیرمردان، کرمانشاه، شهر پهلوانان استثنایی همچون پهلوان حسین گلزار دیده به جهان گشود. محمد حسین از تبار گردان پاک نهاد سرزمین دلاوری و حماسه به شمار می رود و از تک ستارگان جهان ورزش است که در افق دیار غرب درخشید. وی در سال ۱۳۵۰ در سن شانزده سالگی در سالن تربیت بدنی کرمانشاه بر تشک کشتی ظاهر شد و شکوفایی استعدادش با تلاش پی گیر، به همت مربیانی مانند: علی اشرف زهتبان، صادق ایمانی و محمد کاظم محبتی در زمانی کوتاه به ثمر نشست و ملی پوش شد. این قهرمان تحصیلات خود را به حد فوق دیپلم بازرگانی خاتمه داد و تمامی اوقاتش را صرف ورزش نمود. که به راستی در این راه خوش درخشید و سالها ستاره مسابقات آسیایی بود و پی در پی مدالهای طلا سینه آویز سینه این پهلوان می گشت.

بازیهای آسیایی:

سال	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۹۷۹ (م. ۰)	بازیهای آسیایی	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	«چلندر» هندوستان	اول	طلا
۱۹۸۱ (م. ۰)	بازیهای المپیک آسیایی	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	«بمبئی» هندوستان	اول	طلا
۱۹۸۲ (م. ۰)	بازیهای آسیایی	کشتی آزاد	۷۴ کیلوگرم	«لاهور» پاکستان	اول	طلا
۱۹۸۳ (م. ۰)	بازیهای آسیایی	کشتی آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	اول	طلا

محمد حسین محبتی فرزند دلاور ایران زمین به اتفاق برادر شیرمردش محمد حسن محبتی (ستارگان طلایی غرب) به شمار می روند که در مدت پانزده سال مبارزه و مصاف همچنان پردوام و پر قدرت در برابر حریفان و رقبای خویش محکم و پرتوان ایستاده بودند و به راستی نام جاودانه دیار - پهلوانان، کرمانشاه را بر تارک کاخ ورزش جهان، همچنان جاودانه، با خطوط طلایی حکاکی کردند. این ستارگان طلایی و پرافتخار شهر مردان، اگر از بد حادثه در برهه بحرانی تاریخ جنگ ایران و عراق قرار نمی گرفتند، بدون شک قُلل بی شماری از مسابقات جهانی و المپیک را فتح می کردند و ما اکنون اگر کُنیه برادران فاتح به این دلاوران بدهیم، به گزاف سخن نگفته ایم. چرا که این



«محمد حسین مجیبی» مرد طلایی غرب بر سکوی نخست مسابقات بین المللی «جام تختی» محل : تهران -
 زمان : سال ۱۳۵۹ (ه. ش.)

برادران نامی با تلاشهای مداوم و تمرینات سخت بدنی و محیرالعقول یک بار دیگر پهلوانی پدر را به اثبات رساندند. و باید گفت، حال، ما، در زمانی هستیم که به لحظه لحظه های آن مباهات داریم که هم عصر دلاوران زادگاه خویش در دیار پهلوانان رستم گونه، قطره های شبیم زندگی را در شریانهای جان خویش جاری می سازیم. محمدحسین محبی هشت بار در مسابقات ۲۲ بهمن چهار بار در وزن ۷۴ کیلوی آزاد و چهار بار در وزن ۸۲ کیلوی آزاد که در شهرهای ناصفهان، تهران و مازندران برگزار گردید شرکت جست و در تمام این هشت سال زینت بخش سکوی نخست مسابقات بود. وی در این هشت بار، هشت - مدال طلا بر سینه آویخت و در تاریخ سرزمین مردان، جاودانه گشت.



محمد حسین محبی مرد طلایی غرب با سابقه ای درخشان و پرافتخار در میدان نبرد «جهانی»، «آسیایی» و بین المللی.

مسابقات «جام» های بین المللی

سال	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۹۷۸ (م.م)	جام «لودز» لهستان	آزاد	۷۰ کیلوگرم	لهستان	دوم	نقره
۱۹۸۱ (م.م)	کاپ تفلیس	آزاد	۷۴ کیلو	تفلیس	دوم	نقره
۱۹۸۲ (م.م)	جام «بخارست» رومانی	آزاد	۷۴ کیلوگرم	بخارست	اول	طلا

۱۹۸۲ (م.م)	کاپ مجارستان	آزاد	۸۲ کیلوگرم	بیت‌الله	سوم	برنز
۱۹۸۳ (م.م)	جام «لایب زیگ»	آزاد	۸۲ کیلوگرم	لایب زیگ	اول	طلا

آلمان شرقی

مسابقات جهانی

سال	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۹۷۸ (م.م)	جهانی	آزاد	۷۴ کیلوگرم	مکزیکو	دوم	نقره
۱۹۸۱ (م.م)	جهانی	آزاد	۷۴ کیلوگرم	«اسکوپیه»	چهارم	امتیاز
				یوگسلاوی		برای ایران
۱۹۸۲ (م.م)	جهانی	آزاد	۷۴ کیلوگرم	«ادمونتون»	پنجم	امتیاز
				کانادا		برای ایران
۱۹۸۵ (م.م)	جهانی	آزاد	۸۲ کیلوگرم	مجارستان	چهارم	امتیاز
						برای ایران

همچنین محمدحسین محبّی در سالهای ۱۹۸۹ (م.م) و ۱۹۹۰ (م.م) در وزن ۸۲ کیلوگرم آزاد به مسابقات جهانی، «مارتی نی» سوئیس و «توکیو» ی ژاپن اعزام گردید و خوش درخشید.

مسابقات پهلوانی :

محمد حسین محبّی در سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ دوبار متوالی در کشتی پهلوانی با وزن ۹۰ کیلوگرم که در تهران و اصفهان برگزار گردید شرکت جست و هر دو بار مدال طلا بر سینه آویخت .

این قهرمان هم اکنون در شهر کرمانشاه در کسوت مربیگری به خدمات ورزشی ارزنده خویش ادامه می‌دهد. در حقیقت می‌توان گفت محمد حسین محبّی مرد طلایی دیار غرب است و این کُنیه، زینده برادر کوچکترش محمد حسن محبّی نیز می‌باشد که به راستی این دو قهرمان، یاد آور نام پدر خود . پهلوان حاج یدالله خان محبّی به شمار می‌آیند . محمد حسین محبّی در کنار انجام وظایف اجتماعی و ورزشی خود کماکان به تنه‌پسرش روزبه مهر می‌ورزد.



یادبودی از مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان در سال ۱۹۷۷ لوزان سوئیس نفرات به حالت ایستاده از راست
 : محمود معزی پور - منصور برزگر - محمد حسن محبی - محمد رضا طالقانی - علیرضا سلیمانی - رضا سوخته -
 سرایی . نفرات به حالت نشسته از راست : محمد حسین محبی - محسن فره وشی - رمضان خدر - فدیرنخودچی
 محمد بزم آور .

محمد حسن محبتی (ستاره طلایی غرب)

محمد حسن محبتی در سال ۱۳۳۵ (ه. ش.) از صلب پهلوان حاج یدالله خان محبتی در محله فیض آباد کرمانشاه پای به عرصه جهان نهاد. فیض آباد، این نام آشنا برای تمامی کرمانشاهیان، برای تمامی پهلوانان ایران، همواره خاستگاه مردان نامی گود و تشک بوده است. فیض آباد محله ای از محلات قدیمی کرمانشاه می باشد که همیشه در تاریخ پهلوانی و دلاوری دیار غرب آوازه ای بلند داشته است. از آخرین نسل مردان گود و تشک، یعنی کشتی پهلوانی و کشتی دوبندی می توان پهلوان حاج یدالله خان محبتی را نام برد که نام و آوازه بلند پسران دلاورش، محمد حسین و محمد حسن محبتی مکمل نام وی گشته است. مردان نامی بسیاری از محله فیض آباد برای خود، جای در این کتاب گشوده اند که پیوسته نامشان با افتخار بر زبان جاری می شود. اکنون نیز محمد حسن محبتی، نامی به حق در تاریخ پهلوانان برای خویش می گشاید:

محمد حسین محبتی تحصیلات خود را در سطح متوسطه به پایان برد. اما به علت عشق و علاقه وافره - امر ورزش تمامی هم خویش را صرف تمرینات کشتی نمود. وی در سال ۱۳۵۴ در سالن تختی قدم بر تشک کشتی گذارد و به همت مربیان دلسوز کرمانشاهی و پشتکار کم نظیر خود، خیلی زود در سطح کشور نامی گشت. در این راه می توان از مربیانی چون: علی اشرف زهتابان، صادق ایمانی، حاج حبیب الله محلوجی، غلامحسین بلندی، احمد کوه دره ای و محمود خاوران نام برد.

محمد حسن محبتی در طی هفت سال در دسته سنگین وزن کشتی آزاد همواره سکودار قهرمانی کشور بود. شش بار بر سکوی نخست جام بین المللی ۲۲ بهمن قرار گرفت و علاوه بر مدال طلا و نقره جهانی بارها طلا دار بازیهای آسیایی، و همچنین دوبار بازویند پهلوانی کشور را زینت بازوی مردانه خود نمود. بسیاری از قهرمانان کرمانشاهی توانسته اند با انجام تمرینات دشوار و مداومت در حرکات سنگین بدنی، صاحب عضلاتی قوی و بدنی فوق العاده شوند. به عنوان مثال از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ مرشد حسن - خوش اندام کلید زورخانه میدان را در اختیار برادران محبتی و مظفر خسروی گذارده بود و این عزیزان چندین سال متوالی صبحهای زود به مدت دو ساعت در خفا ورزش زورخانه ای می کردند. سپس از جلouxان^(۱) تاروی کوه طاق بستان را بک نفس می دویدند و عصرها نیز از ساعت ۴ تا ۹ شب در سالن تختی کرمانشاه به تمرین کشتی می پرداختند. اما به علت شرایط بحرانی تاریخ انقلاب اسلامی ایران و همچنین موقعیتهای جنگی ایران و عراق تبم کشتی ایران به مسابقات جهانی اعزام نشد. در نتیجه دلاورانی که در این برهه از تاریخ ایران در اوج قدرت و شکوفایی بودند، نتوانستند در مبادین جهانی و المپیک شرکت جویند و به حق مسلم خویش دست یابند. باین وجود پهلوانان دیار ما در هر مصافی که بر تشک ظاهر می شدند همچنان استوار و پُر دوام درفش افتخار نام پهلوانی کرمانشاه را در دستهای پُر توانشان کماکان بر بلندی های پیروزی نگه می داشتند.

۱ - واقع در (خیابان شاهپور - سابق -) یا (خیابان مدرس - فعلی -)



محمد حسن محبّی مرد طلایی غرب برسکوی نخست مسابقات آسیایی .
محل : « بمبئی » هندوستان .
زمان : ۱۹۸۷ (م .)



«پهلوان محمدحسن محبی» برندهٔ بازوبند پهلوانی کشور: [شرح عکس مربوط به سال ۱۳۶۳ است] سال ۱۳۶۳ (ه. ش. ۰) در تهران: ۱- نفر اول محمد حسن محبی ۲- غلامرضا حلمی از (مشهد) ۳- عبدالله - عزیزی از کردستان [نفرات ایستاده از چپ حسین زاکانی (داور) - سلطان علی ترخاق (رئیس وقت فدراسیون - کشتی ایران) - مهدی شیرگیر (رئیس وقت ورزش باستانی - احمدوفادارخراسانی (پهلوان قدر ایران) - مهندس - داودی شمسی (رئیس وقت سازمان تربیت بدنی ایران) و دیگر عزیزان.]

سال ۱۳۶۷ (ه. ش. ۰) در اصفهان: ۱- نفر اول محمدحسن محبی ۲- محمدرضاتویچی از (تهران) ۳- امیرافراطی از (همدان).

[نتایج مسابقات اصفهان به عکس فوق مربوط نمی شود]

عناوین کشوری

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۵۵	قهرمانی جوانان کشور	آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۵۶	قهرمانی جوانان کشور	آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	اول	طلا

و ... تا هفت دوره ، نام محمد حسن محبّی به عنوان طلا دار دسته سنگین وزن کشتی آزاد بر تارک کاخ قهرمانی کشور پر درخشش بود .

نخستین مدال طلای جهانی

این قهرمان ارزنده در سال ۱۳۵۶ برابر با ۱۹۷۷ « م . » - در لاس وگاس آمریکا توانست طلا دار قهرمانی جوانان جهان ، در وزن ۸۲ کیلوگرم کشتی آزاد گردد .

مسابقات آسیایی

سال	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۹۷۹ (م .)	قهرمانی آسیایی	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«چلندر» هندوستان	اول	طلا
۱۹۸۲ (م .)	قهرمانی بازیهای آسیایی	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«دهلی» هندوستان	اول	طلا
۱۹۸۶ (م .)	بازیهای آسیایی	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«سئول» کره جنوبی	دوم	نقره
۱۹۸۷ (م .)	قهرمانی آسیایی	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«بمبئی» هندوستان	اول	طلا
۱۹۸۹ (م .)	قهرمانی آسیایی	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«توکیو» ژاپن	اول	طلا

مسابقات (کاپ)های بین المللی

سال	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۹۸۱ (م .)	کاپ بین المللی رومانی	آزاد	۹۰ کیلوگرم	رومانی	اول	طلا
۱۹۸۳ (م .)	کاپ بین المللی مدوید	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«مینسک» روسیه	اول	طلا
۱۹۸۵ (م .)	کاپ بین المللی مجارستان	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«بوداپست» مجارستان	اول	طلا

۱۹۸۶ (م.م)	کاپ بین‌المللی مدوید	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«بوداپست» مجارستان	سوم	برنز
------------	-------------------------	------	------------	-----------------------	-----	------

مسابقات جهانی و المپیک

سال	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۹۷۵ (م.م)	قهرمانی جوانان جهان	آزاد	۸۲ کیلوگرم	«لاس‌وگاس» آمریکا	اول	طلا
۱۹۷۶ (م.م)	المپیک بزرگسالان	آزاد	۸۲ کیلوگرم	«مون‌ترال» کانادا	-	-
۱۹۷۷ (م.م)	قهرمانی جهان	آزاد	۸۲ کیلوگرم	سوئیس	-	-
۱۹۷۸ (م.م)	عدم شرکت تیم ملی	ایران در مسابقات جهانی به علت انقلاب				
۱۹۸۰ (م.م)	عدم شرکت تیم ملی	در المپیک مسکو به علت تحریم مسابقات از سوی دولت ایران .				
۱۹۸۱ (م.م)	قهرمانی جهان	آزاد	۹۰ کیلوگرم	یوگسلاو	چهارم	امتیاز برای تیم ایران
۱۹۸۲ (م.م)	قهرمانی جهان	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«ادموندتن»	چهارم	امتیاز برای تیم ایران
۱۹۸۳ (م.م)	عدم شرکت تیم ملی	کشتی آزاد ایران در مسابقات جهانی به علت تحریم مسابقات از سوی دولت ایران به دلیل شرکت کردن کشتی‌گیران اسرائیلی در حالی که اگر مسئله تحریم پیش نمی‌آمد محمدحسن محبتی یکی از بخت‌های مهم این وزن بود .				
۱۹۸۴ (م.م)	عدم شرکت تیم ملی	ایران در مسابقات المپیک «لوس‌آنجلس» آمریکا به علت تحریم مسابقات از سوی دولت ایران .				
۱۹۸۵ (م.م)	قهرمانی جهان	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«بوداپست»	دوم	نقره
۱۹۸۷ (م.م)	عدم شرکت تیم ملی	ایران در مسابقات جهانی فرانسه به علت تحریم مسابقات از سوی دولت ایران				
۱۹۹۰ (م.م)	قهرمانی جهان	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«توکیو» ژاپن	سوم	برنز

مسابقات پهلوانی

محمد حسن محبّی در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۷ (ه. ش.) در مسابقات کشتی پهلوانی بی‌وزن که به ترتیب در (تهران) و در (اصفهان) برگزار گردید، شرکت جست و در هر دو بار بر حریفان قَدْرُ خویش پیروز شد و بازوبند پهلوانی را زیب بازوی مردانه اش نمود و بار دیگر از محله (فیض آباد) کرمانشاه، ستاره افتخار، درخشش گرفت. محمدحسن - محبّی این پهلوان جوان، از سال ۱۳۷۰ در کسوت مربیگری کشتی آزاد در باشگاه - صنعت نفت کرمانشاه در خدمت جوانان در آمد. این قهرمان ارزنده به یاد حماسه‌ها و اساطیر ایران زمین دختر کوچولوی خود را رودابه نام گذارده است. آرزو می‌کنیم که نام‌پروا و آوازه‌آین پهلوان پهلوان‌زاده کماکان بردرفش کاویانی، براهتزاز باشد.



پهلوان محمد حسن محبّی قَدْرُ مرد دیار غرب در حال اخذ بازوبند پهلوانی

سید جلال مشعشعی

سید جلال مشعشعی در سال ۱۳۳۵ (ه. ش.) در شهر کرمانشاه دیده‌به جهان گشود. پدرش سید - نریمان و برادر بزرگترش مشوق اصلی او در امر کشتی بودند. وی در سال ۱۳۵۴ قدم بر تشک کشتی نهاد و با تلاشی مداوم و به مدد مربیان خوب کرمانشاهی غلامحسین بلندی، صادق ایمانی و محمد - کاظم سحبه، کشتی‌گیری قَدْرُ از کار در آمد و همواره زینت بخش سکوهای قهرمانی کشور بود. سید - جلال مشعشعی پس از اخذ دیپلم در استخدام وزارت بهداشتی قرار گرفت و در راستای وظایف خویش،



سید جلال مشعشی فهردان کرمانشاهی در مسابقات پهلوانی کشور

به خدمت مشغول گشت. این قهرمان در مسابقات بسیاری شرکت جسته است و عنایه بی بر جسته ای احراز نموده است.

عناوین کسب شده در مسابقات قهرمانی

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۵۶	قهرمانی جوانان کشور	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۵۸	مسابقات پهلوانی کشور	بی وزن	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	دوم - نایب پهلوان - نقره	
۱۳۵۸	جام قهرمانی بین المللی ۲۲ بهمن	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۵۹	قهرمانی کشور بزرگسالان	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	بروجرد	اول	طلا
۱۳۵۹	جام قهرمانی بین المللی ۲۲ بهمن	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۶۰	کشتی دو جانبه قهرمانی ایران	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۶۲	انتخابی تیم ملی - به منظور اعزام به تفلیس	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	سوم -	
۱۳۶۲	قهرمانی کشور بزرگسالان	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۶۳	قهرمانی کشور بزرگسالان	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	سنندج	اول	طلا
۱۳۶۳	جام بین المللی شادروان تختی	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا

در مسابقات (جام بین المللی شادروان تختی (برادران محبی)، محمد حسین در وزن ۸۲ کیلوگرم و محمد حسن در وزن ۹۰ کیلوگرم آزاد نیز نفرات اول شدند و کرمانشاه با وجود سه مدال طلا و سه دیپلم - افتخار، یک بار دیگر به عنوان دیار پهلوانان شناخته شد. دیاری که همواره مرد پرور و دلاور خیز بوده - ست. سید جلال مشعشعی نیز دلاوری از دیار غرب است که کماکان نام او با طنینی از صفا و خوبی هماهنگ می باشد. این قهرمان پُر توان در زمان فعالیت های مسابقاتی خود، به دلیل انجام تمرینات دشوار و طاقت فرسا در زمرة سخت کوشان نشک فلماذمی شد. وی از جوانان پاک نهاد و متقی شهر کرمانشاه به شمار می رود که در آب و هوا و توانمندی از قهرمانان نمونه کشور است. در واقع او نیز از پیروان و مریدان



سید جلال مشعشی برسکوی قهرمانی در مسابقات «جام بین المللی تختی» در وزن ۱۰۰ کیلوگرم کشتی آزاد. فردوم: قهرمانی از کشور «بلغارستان»، نفر سوم «ابوالقاسم نقی زاده» از کرمانشاه، نفر جلوی سکو «ابوالفضل انوری» قهرمان سابق جهان که جوایز را توزیع نموده است. محل: مجموعه دوازده هزار نفری تهران. - زمان: ۱۳۶۴ (۵. ش. ۰).

پهلوانان پاکدامن ازمنه گذشته به حساب می آید. چراکه از جوانان معتقد به میزانهای اجتماعی و دینی ایران زمین است و هیچگاه دیده نشده است؛ قدمی برخلاف اصول اجتماعی و دینی خویش بردارد. لذا وی، همواره در شمار جوانان قابل قبول و قهرمانان پهلوان صفت می باشد. سید - جلال مشعشی در سال ۱۳۶۳ به علت مشقات زندگی از مسابقات قهرمانی کناره گرفت و در کسوت مربیگری جوانان، در سالن شهید دارابی خدمات ورزشی خویش را پی گرفت این قهرمان ارزنده به تازگی تأهل اختیار، نموده است تا بتواند در کانون گرم خانوادگی فرزندانی در دامان تربیت پاک خویش تحویل جامعه بدهد.

رضابلوردی

رضا بلوردی فرزند مهدی در سال ۱۳۳۷ (ه. ش. ۰) در کرمانشاه تولد یافت. وی به طور مادر زاد از نعمت راه رفتن محروم بود تا اینکه در سن شش سالگی توسط معالجات مرحوم دکتر فریدون بناپور سلامت خود را باز یافت و به شکرانه این بهبودی به تکاپو و بازیهای مربوط به دوران بچگی روی آورد. ورزش را با فوتبال آغاز کرد و با راهنمایی دبیر ورزشش مرحوم میرآقایی قدم بر تشک کشتی نهاد و در اثر تعلیمات مربیانی چون: حسن ملکی زاده، احمد کوه دره‌ای، حبیب‌الله محلوجی، غلام بلندی، صادق ایمانی و حشمت‌الله میرزایی توانست پیاپی در میادین مسابقات خوش بدرخشد و در اوزان ۴۸، ۵۲، ۵۷ و ۶۲ کیلوگرم به عناوین قهرمانی دست بیابد.

عناوین برجسته قهرمانی

سال (ه. ش. ۰)	نام مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۵۲	قهرمانی منطقه‌ای کشور	آزاد	۴۸ کیلوگرم	کرمانشاه	اول	طلا
۱۳۵۳	جام کیهان ورزشی	آزاد	۴۸ کیلوگرم	کرمانشاه	سوم	برنز
۱۳۵۴	قهرمانی جوانان کشور	آزاد	۵۷ کیلوگرم	تهران	سوم	برنز
۱۳۵۴	قهرمانی کشور	فرنگی	۵۲ کیلوگرم	ایلام	چهارم	-
۱۳۵۵	قهرمانی کشور	فرنگی	۵۷ کیلوگرم	اصفهان	چهارم	-
۱۳۵۷	قهرمانی کشور	فرنگی	۵۷ کیلوگرم	اصفهان	چهارم	-
۱۳۵۸	پهلوانی کشور	پهلوانی	۵۰ تا ۶۰ کیلوگرم	تهران	پنجم	-
با وزن						
۱۳۵۸	قهرمانی جام تختی	آزاد	۵۷ کیلوگرم	کرج	اول	طلا
۱۳۵۸	قهرمانی جام انقلاب اسلامی	آزاد	۵۸ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۵۹	قهرمانی کشور	آزاد	۵۷ کیلوگرم	تهران	اول	طلا

رضابلوردی چند دوره در مسابقات لیک سراسری شرکت جست و خوش درخشید و در سال ۱۳۵۴ در این مسابقات به عنوان ستاره مسابقات شناخته شد. همچنین توانست در مسابقات انتخابی بسیاری از جمله در مسابقات انتخابی «جام» ها، «تیم ملی» و مسابقات انتخابی اعزامی به کشورهای دیگر (کانادا- رومانی و...) مقام قهرمانی احراز نماید این قهرمان از سال ۱۳۶۱ در کسوت مربیگری بر تشک ظاهر شد و همچنان فعال و علاقمند در جهت سلامت جامعه به خدمات ارزنده خویش ادامه می‌دهد.



«رضا بلوردی» در حال اجرای فن «قتیله پیچ» در یکی از مسابقات آموزشگاههای کشور در شهر اصفهان

مظفر خسروی

مظفر خسروی در سال ۱۳۳۸ (ه. ش.) در کرمانشاه تولد یافت. پدرش مشهدی علی اکبر یکی از مشوقین اصلی وی در امر ورزش بود. خسروی در همان اوان نوجوانی به ورزشهای مختلف از قبیل دو- و میدانی، فوتبال، والیبال روی آورد؛ در رشته های مذکور استعداد خویش را به آزمایش گذارد و در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ آقای فریدون کمالی با مشاهده انعطاف و تناسب اندام این نوجوان چالاک، بدو توصیه نمود که بهتر است به کشتی روی آورد و تمامی هم خویش را صرف این ورزش نماید. وی نیز قدم بر تشک گذارد و زیر نظر مرییان فعال و دلسوزی چون: آقایان صادق ایمانی، حاج حبیب الله محلوچی، مرحوم غلامحسین بلندی و احمد کودره ای تمرینات خویش را آغاز نمود و در مدتی نه چندان طولانی در شمار یکی از دلاوران میادین مسابقات، سکودار قلمداد گردید.

عناوین کسب شده در مسابقات قهرمانی

سال (ه.ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۵۴	قهرمانی	آزاد	۷۴ کیلوگرم	تهران	چهارم	۶ امتیاز
	آموزشگاههای کشور					برای تیم
۱۳۵۵	قهرمانی	آزاد	۶۵ کیلوگرم	تهران	دوم	نقره
	جوانان کشور					
۱۳۵۵	قهرمانی	آزاد	۶۸ کیلوگرم	تبریز	اول	طلا
	جوانان کشور					
۱۳۵۱	قهرمانی	آزاد	۶۸	تهران	اول	طلا
	جوانان کشور					
۱۳۵۱	قهرمانی	آزاد	۶۸ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
	جوانان کشور					
۱۳۵۱	قهرمانی	آزاد	۶۸ کیلوگرم	تهران	سوم	برنز
	کشور - بزرگسالان					
۱۳۵۸	مسابقات	پهلوانی با وزن	۷۰-۸۰ کیلو	تهران	نایب	نقره
	پهلوانی کشور		گرم		پهلوان	
۱۳۵۸	جام کشورهای	آزاد	۶۸ کیلوگرم	مشهد	سوم	برنز
	اسلامی - باشکرت ۱۱ کشور					
۱۳۵۹	قهرمانی ارشهای	آزاد	۶۸ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
	ایران					
۱۳۶۱	قهرمانی باشگاه -	آزاد	۷۴ کیلوگرم	کرمانشاه	اول	طلا
	های صنعت نفت ایران					
۱۳۶۳	قهرمانی بسیج -	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	بابل	دوم	نقره
	های کشور					
۱۳۶۱	قهرمانی بسیج	آزاد	۹۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۷۰	قهرمانی	آزاد	۹۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
	کارکنان دانشگاه های کشور					



مظفر خسروی قهرمان پُردرخشش کشور.

آغاز جنگ ایران و عراق و لغو اعزام به کشورهای «چین» و «سوئد»

مظفر خسروی در سه سال متوالی در سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۵۹ در مسابقات تیم ملی جوانان امید کشور شرکت جست و در این رابطه در سال ۱۳۵۹ جزء نفرات انتخابی تیم مزبور، آماده می شد تا به منظور شرکت در مسابقات تورنمنت چین عازم کشور چین و همچنین به منظور مصاف دادن در مسابقات جهانی عازم کشور سوئد گردد. اما جنگ، این ویرانگر آبادیها و خصم تمدن بشری، این فرصت طلایی را از دست قهرمان ارزنده کرمانشاهی و دیگر عزیزان ایران بیرون آورد. چراکه هنگام پرواز تیم ملی ایران؛ فرودگاه مهرآباد تهران همزمان با فرودگاه های کرمانشاه و همدان مورد بمباران هواپیماهای کشور عراق قرار گرفت و قهراً انجام پرواز میسر نشد.

اولین دوره برگزاری مسابقات بین المللی جام ۲۲ بهمن

در سال ۱۳۵۸ اولین دوره مسابقات بین المللی جام ۲۲ بهمن موسوم به جام تختی در تهران برگزار گردید که در آن سال قهرمان کرمانشاهی، مظفر خسروی نیز در اردو بود و در مسابقات مزبور؛ در رشته - کشتی آزاد، وزن ۶۸ کیلوگرم کشتی گرفت که در نتیجه: علی دهقان به مقام اول، کشتی گیری از کشور بلغارستان به مقام دوم، قدرت الله پور کریمی به مقام سوم و مظفر خسروی به مقام چهارم دست یافتند.

خسروی در سالهای فعالیت قهرمانی خود در مسابقات بسیاری شرکت جست و کماکان خوش روحیه و دلیر به مبارزات خویش ادامه می داد. از جمله سه مرحله در مسابقات قهرمانی کشتی دهه فجر در کردستان، همدان و قروه شرکت نمود و دلاورانه، مصاف داد و کماکان با احراز مقام اول نفر برتر این مسابقات قلمداد گردید.

همچنین در مسابقات انتخابی تیم ملی جوانان امید کشور برگزیده شد؛ اما در شرف اعزام تیم جوانان - امید به کشور شوروی به دلیل حمله کشور مذکور به کشور افغانستان، دولت ایران شرکت در مسابقات مزبور را تحریم نمود. خسروی طی هفت سال تحریم مسابقات جهانی از سوی دولت ایران، پیوسته در مسابقات داخلی کشور از قبیل مسابقات نیروهای بسیج کشور، کارمندان دانشگاه های کشور، بزرگداشت دهه فجر، و مسابقات چند جانبه و ... شرکت فعال داشت.

نشریه بامداد، مورخه یکشنبه، بیست و پنجم شهریور ماه، ۱۳۵۸ - شماره ۱۰۸، قسمت ورزش، در مورد این قهرمان به عنوان سنت شکن «دنده شکن» یاد کرده، چنین درج نموده است: «کرمانشاه که «۲۴» امتیازش در چهار وزن ۹۲، ۷۴ و ۱۰۰ کیلو تقریباً مسجل است، البته همیشه امکان بروز حوادث و غافلگیری وجود دارد. کرمانشاه اگر چه در وزنه های بالا درست بر عکس مازندران، همیشه چندی است قواره های زیر ۷۴ کیلویش، چهره دلپذیری ندارند. اما شاید امسال، مظفر خسروی ۶۸ کیلوی گرد و قُلدرشان که بدن ساخته و پرداخته اش مجسمه های اساطیر را به یاد می آورد. کاری کند، کارستان که طلسم بشکند. مظفر خسروی منبع قدرت خالص است که البته این قدرت را شجاعت همراهی می کند و خواست. تا به حال هر که با این قُلدر کرمانشاهی رو به رو شد در منگنه بازوان



«مظفر خسروی» قهرمان کرمانشاهی نفربرنده در مسابقات پهلوانی، با «روحانی» از مشهد، محل: استادیوم «شهید شیروودی»

پولادآسایش سخت اسیر شده و حداقل اینکه یکی دو دنده اش در این راه آسیب دیده! مظفر از آن قواره‌هایی است که می‌بایست پیش از هرکسی خودش به فکر خودش باشد و به فکر حفظ خودش. از من بشنوید او «می‌تواند» که چیزی شود.

مظفر خسروی پس از شرکت در مسابقات قهرمان کشوری - بزرگسالان - سال ۱۳۵۹ در یزد، در وزن ۶۸ کیلوگرم کشتی آزاد با توجه به شرایط جنگی و دیگر مشکلات عدیده به مقام چهارم دست

یافت و به طور رسمی از مسابقات قهرمانی کناره گرفت. اما از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱ که کماکان به عنوان مربی و سرپرست تیم کشتی آزاد کرمانشاه به دیگر شهرهای ایران اعزام می‌گشت، هرگاه احساس می‌کرد که تیم کرمانشاه، به دلیل نقص نفر، دچار کمبود امتیاز گردد، خود روی باسکول وزن کشتی می‌رفت و در این رابطه در اوزان ۷۴، ۹۰ و ۱۰۰ کیلوگرم در مسابقات نیروهای بسیج کشور، باشگاه‌های صنعت - نفت کشور، کارکنان دانشگاه‌های کشور و همچنین در مسابقات چند جانبه دهه فجر شرکت می‌جست و همواره سکودار قهرمانی بود.

وی در حال حاضر درکسوت مربیگری جوانان و نوجوانان استان به اتفاق مربی ارزنده کرمانشاهی اسفندیار زرافشانی در سالن تختی کرمانشاه به خدمات ورزشی خویش ادامه می‌دهد و در این راستا، به عنوان نایب رئیس هیئت کشتی استان و عضو هیئت مربیان استان^(۱) امیدوار و فعال، کوشا و ساعی می‌باشد. در حال حاضر وی در کنار همسرش که فرزندی از خطه مازندران و از اقوام نزدیک عسگری محمدیان و مجیدترکان دلاوران ملی پوش ایران، می‌باشد به زندگانی ساده و شریف خود ادامه می‌دهد و نسبت به فرزندان خویش: محمد مهدی، مریم و زهرا صمیمانه عشق می‌ورزد.



«مظفر خسروی» قهرمان کرمانشاهی در مسابقات قهرمانی کشور. - در این عکس «صادق ایمانی» در حال راهنمایی کردن وی دیده می‌شود.

مکان: یزد.

زمان: ۱۳۵۹ (۵. ش.)

۱ - اعضاء هیئت مربیان استان کرمانشاه: احمد کوه دره ای - اسفندیار زرافشانی - بردان فرزایی - مظفر خسروی.

بهرروز رشیدی

بهرروز رشیدی فرزند آقابابا در سال ۱۳۳۹ (ه. ش. ۰) در شهر دلاوران، کرمانشاه دیده به جهان گشود. وی تحت تأثیر اسطوره‌های حماسه‌ای ایران زمین به ورزش مردانه کشتی علاقه‌ای وافریافت و در سال ۱۳۵۴ در باشگاه ورزشی صنعت نفت کرمانشاه قدم بر تشک نهاد و زیر نظر آقای محمودخاوران قهرمان و مربی ارزنده کرمانشاهی تمرینات خود را پی گرفت و دیری نپایید که گل استعدادش شکفت و در دسته سبک وزن آزاد در شمار کشتی‌گیران قدر ديار غرب قرار گرفت. به طوری که در مسابقات داخلی همواره پیروز بود. از جمله در همان سال ۱۳۵۴ توانست در وزن ۵۷ کیلوگرم کشتی آزاد در مسابقات جام کیهان برنده مدال طلا شود. همچنین در سال ۱۳۶۳ مقام نخست مسابقات انتخابی چکسلواکی در وزن ۵۷ کیلوگرم کشتی آزاد را به دست آورد.

این قهرمان در سال ۱۳۶۳ با دزخشش طلایی‌اش بر تشک، توانست به مسابقات بین‌المللی جام مدوید راه یابد. این قهرمان کم نظیر در شهر مینسک شوروی چنان مردانه مصاف داد که اعجاب و تحسین همگان را برانگیخت و جهان قهرمان الکساندر مدوید او را کشتی‌گیری استثنایی تشخیص داد. اما از آنجا که کشتی‌افت و خیز بسیار دارد و مسأله شانس و اصابت قرعه نیز در آن تأثیر مسلم و بسزایی دارد؛ رشیدی به جای احراز مدال طلا، مقام دوم وزن ۵۷ کیلوگرم کشتی آزاد را کسب نمود و مدال حقیقی نقره جام مدوید را به دست آورد. در مسابقات قهرمانی کشور سال ۱۳۶۶ که در «مشهد» صورت گرفت، نیز در فینال مسابقات با واگذار کردن کشتی در مقابل عسگری محمدیان به جای مدال طلا، نقره آویز وزن خویش گردید.

بهرروز رشیدی این قهرمان متواضع، در حال حاضر افسر ارتش است و در کرمانشاه خدمت می‌کند. همچنین در کسوت مربیگری در باشگاه سربازان شماره ۲ کرمانشاه به آموزش کشتی نیز مشغول است.



بهرروز رشیدی قهرمان کرمانشاهی

مجتبی حسینی (۱)

مجتبی حسینی فرزند علی در سال ۱۳۵۱ (ه. ش. ۰) در شهر اسلام آباد غرب متولد گردید. وی در سنین نوجوانی زیر نظر مریمیان ارزنده سهراب باقری و اسفندیار غلامی در باشگاه شهید ریز وندی، سپس در باشگاه شهبازی، اسلام آباد غرب به تمامی فنون کشتی مسلط گشت و در سطح استان به عنوان کشتی گیری برتری مطرح گردید.

مسابقات قهرمانی کشور

سال (ه. ش. ۰)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۱	قهرمانی کشور	آزاد	۴۸ کیلوگرم	مشهد	سوم	برنز
۱۳۶۱	جام بین‌المللی	آزاد	۴۸ کیلوگرم	تهران	چهارم	-
	۲۲ بهمن					
۱۳۶۱	انتخابی تیم ملی	آزاد	۴۸ کیلوگرم	کرمانشاه	دوم	نقره
۱۳۶۹	جام «تفلیس»	آزاد	۴۸ کیلوگرم	تفلیس	هفتم	-
	شوروی					
۱۳۷۰	جام قائد اعظم	آزاد	۴۸ کیلوگرم	پاکستان	اول	طلا
	پاکستان					
۱۳۷۰	جام بین‌المللی	آزاد	۵۲ کیلوگرم	ساری	سوم	برنز
	۲۲ بهمن					
۱۳۷۱	قهرمانی کشور	آزاد	۴۸ کیلوگرم	اراک	سوم	برنز
۱۳۷۲	قهرمانی کشور	آزاد	۴۸ کیلوگرم	ساری	اول	طلا
۱۳۷۲	جام لاداکلف	آزاد	۴۸ کیلوگرم	بلغارستان	دوم	نقره
	بلغارستان					
۱۳۷۴	قهرمانی کشور	آزاد	۵۲ کیلوگرم	مشهد	سوم	برنز

مجتبی حسینی در دسته سبک وزن کشتی آزاد همواره سکوداز قهرمانی آموزشگاهی کارگران بسیج، هلال احمر و ... بوده است. این قهرمان هم اکنون پرتلاش و فعال در سالن کشتی تختی کرمانشاه به تربیت جوانان کشتی ادامه می‌دهد.

کامران کرمان

کامران کرمان نام پدر علی اشرف متولد ۱۳۴۳ (ه. ش.)^(۱) در کرمانشاه شروع بد ورزش در سال ۱۳۵۹ در سالن کشتی تختی - زیر نظر مربیان کرمانشاهی از جمله : کاظم محبتی

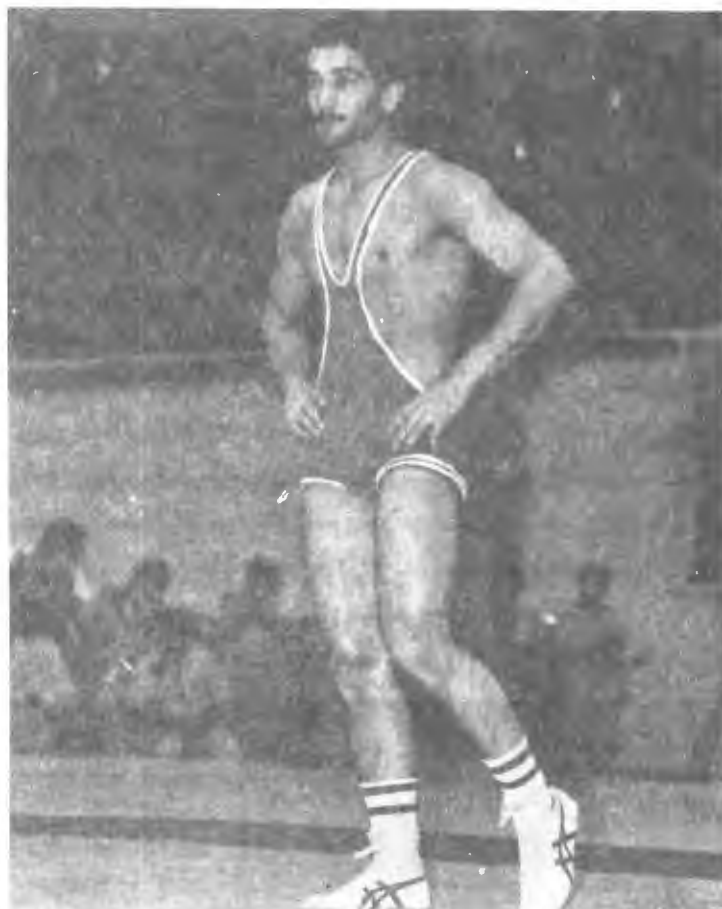
سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۲	انتخابی تیم ملی جوانان	آزاد	۶۲ کیلوگرم	تهران	دوم	-
۱۳۶۲	قهرمانی کشور بزرگسالان	آزاد	۶۲	تهران	سوم	برنز
۱۳۶۳	قهرمانی ارشهای ایران	آزاد	۶۲	تهران	دوم	نقره
۱۳۶۵	انتخابی تیم ملی بزرگسالان	آزاد	۶۲	تهران	سوم	-
۱۳۶۶	بین المللی قائد اعظم آزاد پاکستان	آزاد	۶۲	«مولتان» پاکستان	اول	طلا
۱۳۶۷	انتخابی تیم ملی بزرگسالان	آزاد	۶۸	تهران	سوم	-
۱۳۶۷	مسابقات ۲۲ بهمن آزاد	آزاد	۶۸	تهران	پنجم	-
۱۳۶۸	پهلوانی ایران با وزن پهلوانی	پهلوانی	۶۲-۷۵	مشهد	چهارم	-

کامران کرمان در سال ۱۳۷۱ از تشک کناره گرفت و در حال حاضر در کرمانشاه در پست - کارمندی بانک ملت کماکان به خدمات اجتماعی خوش ادامه می دهد.

سید جمال میرزاده

سید جمال میرزاده فرزند سید مجتبی در سال ۱۳۴۱ (ه. ش.) در کرمانشاه تولد یافت در سال ۱۳۵۷ در سالن کارگران زیر نظر مربی پروام کرمانشاه حسن ملکی زاده ورزش کشتی را آغاز نمود و شش ماه بعد تمرینات خویش را در باشگاه صنعت نفت ادامه داد که محمود خاوران در تعلیم کشتی گیران باشگاه مذکور هرچه داشت در طبق اخلاص می گذارد و قهرمانان جوانی چون شهید عباس رضایی ، شهید وحید رضایی ، شهید غلامرضا ایرانفر ، شهید مسعود حیدری در و ... تحویل جامعه ورزش داد .

۱ - در شناسنامه تولد ایشان ۱۳۴۳ (س . ش) است .



سید جمال میرزاده در مسابقات «جام بین المللی ۲۲ بهمن» در وزن ۶۸ کیلوگرم آزاد محل: تهران - سال ۱۲۰۰۰ نفری - زمان: ۱۳۶۴ (ه. ش.)

در سال ۱۳۵۹ پس از شروع جنگ ایران و عراق، تمرینات سید جمال زیر نظر حاج حسین بیگلری دامه یافت و مقارن با این زمان بود که وی در سطح کتبتی گیزان به استان مطهر گ بد و تا قهرمانی مسابقات بین المللی ۲۲ بهمن و سقا به خارج از کشور ر پیش وقت که اند حادثه، اثر تصادم اتومبیل، با شکسته شدن و قطعه از مهره های کمرش، تشک کنار گرفت

عناوین احراز شده در مسابقات قهرمانی

در سال ۱۳۵۷ قهرمان مسابقات بهمان بر د و ۶۲ کیلوگم

در سال ۱۳۵۸ قهرمان جوانان، بر د و ۶ کیلوگم داد.

در سال ۱۳۵۹ قهرمان جوانان ایران در وزن ۶۸ کیلوگرم آزاد همچنین وی در چندین مسابقه قهرمانی هلال احمر و مسابقات «جام» های بین شهری به مقام نخست دست یافت. یک بار نیز در مسابقات انتخابی جام بین المللی ۲۲ بهمن جهت شرکت در مسابقات مزبور برگزیده گردید و چهار دوره به عضویت تیم ملی به منظور شرکت در مسابقات دهه فجر، در آمد، یک بار هم به مسابقات جام دانکلف اعزام گردید.

سید جمال میرزاده سالها در کنار دایی خود، مرحوم حاج کاظم ابوالفضلی سابق با آرمان پیروزی بر نیروی خصم در پشت جبهه و در خطوط مقدم جبهه فعالانه حضور داشت و در جریان مرصاد از اعضا کوشا و پرنیرو بود و در عملیات مذکور چندین بار مجروح و در بیمارستان بستری گردید. وی هم اکنون در ادامه مشی حاج کاظم همواره در کنار پسران وی، جوانی مؤثر و مفید قلمداد می شود.

فرامرز چغا میرزایی

فرامرز چغامیرزایی متولد سال ۱۳۴۱ (ه. ش. ۰) در کرمانشاه می باشد که ورزش کشتی را در سال ۱۳۵۶ آغاز نمود. وی در اثر پشتکار و استعداد خویش و زیر نظر مربی ارزنده و جوان محمودخاوران، توانست در اندک زمانی به عنوان یک کشتی گیر خوب بر تشک ظاهر شود و در این راستا، یکی دیگر از مریبان جوان، موسوم به منوچهر عزیزی در به ثمر رسیدن این قهرمان نقشی مؤثر ایفا نمود. فرامرز چغا میرزایی در مدت کوتاهی، در کشتی به عناوین ذیل دست یافت:



مسابقات قهرمانی کشور در سال ۱۳۶۳ (ه. ش. ۰) در سنندج - «فرامرز چغامیرزایی» [از کرمانشاه] مقام نخست - فرهاد جعفری [از سنندج] مقام دوم - عباس مجیدی [از مازندران] مقام سوم. در وزن ۶۸ کیلوگرم آزاد

سال (ه. ش.)	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۵۷	قهرمانی نوجوانان کشور	آزاد	۴۲ کیلوگرم	تهران	سوم	برنز
۱۳۵۹	آموزشگاههای کشور	آزاد	۶۲ کیلوگرم	رشت	دوم	نقره
۱۳۶۱	آموزشگاههای کشور	آزاد	۶۸ کیلوگرم	اراک	اول	طلا
۱۳۶۳	قهرمانی کشور - بزرگسالان	آزاد	۶۸ کیلوگرم	سنندج	اول	طلا
۱۳۶۳	جام بین‌المللی	آزاد	۶۸ کیلوگرم	تهران	سوم	برنز

تحتی

همچنین این قهرمان جوان، طی چهار دوره مسابقات سرتاسری صنعت نفت کشور در وزن ۶۸ کیلوگرم آزاد سکودار قهرمانی و طلا آویز سینه بوده است. و در حال حاضر در باشگاه صنعت نفت کرمانشاه، زیر نظر محمود خاوران کماکان به تمرینات خویش ادامه می دهد.

الله مراد زرینی

الله مراد زرینی در سال ۱۳۴۲ (ه. ش.) در محله جلیلی کرمانشاه در خانواده ای متوسط الحال دیده به - جهان گشود. وی در سال ۱۳۵۵ در حالی که هنوز دانش آموز بود روی به ورزش کشتی آورد. نخستین مربی اش، محمود خاوران از قهرمانان سابق کشتی ایران و از پیش کسوتان ملی پوش بود. با هوش و ذکاوتی که در زرینی وجود داشت و در اثر پنج سال تلاش مستمر و خستگی ناپذیر و با ارتقاء وزن، از ۴۸ کیلوگرم به ۶۸ کیلوگرم موفق شد از جوانان کشور گوی سبقت برآید و در مسابقات قهرمانی جوانان کشور در رشته آزاد و در وزن ۶۸ کیلوگرم بر جایگاه نخست قرار بگیرد. زرینی به دنبال این پیروزی به عضویت تیم ملی جوانان ایران در آمد و با تیم ملی جوانان به منظور شرکت در مسابقات جهانی جوانان عازم کشور کانادا گردید، اما به دلیل عدم صدور روادید از سوی کشور مذکور، تیم ملی جوانان ایران که در کشور انگلستان به انتظار اخذ روادید بود به کشور خود بازگشت. در سال ۱۳۶۱ تیم ملی جوانان ایران به منظور شرکت در مسابقات قهرمانی جوانان، آسیا عازم شهر هیسار هندوستان گردید. الله مراد زرینی که در رشته کشتی آزاد، وزن ۷۰ کیلوگرم نفر برگزیده کشور بود، همراه این تیم بود و در این مسابقات که نخستین تجربه مسابقات خارجی وی به شمار می رفت، نفر چهارم گردید.

قهرمانی ارشهای جهان

زرینی در سال ۱۳۶۱ پس از بازگشت از شهر هیسار هندوستان، عازم خدمت سربازی شد و در سال ۱۳۶۲ به عنوان یکی از اعضای تیم منتخب نیروهای مسلح ایران، به منظور شرکت در مسابقات



مسابقات (جام بین المللی) ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۳ در سالن دوازده هزار نفری آزادی تهران نفرات از راست : محمود کدخدازاده از تهران الله مراد زرینی از کرمانشاه برندهٔ مدال طلا در وزن ۷۴ کیلوگرم کشتی آزاد داوود وسط محمود کوه دره ای از کرمانشاه

ارتشهای جهان به شهر لیون فرانسه اعزام گردید. وی در این مسابقات باشکست دادن حریفان سرشناسی از آمریکا و فرانسه توانست مدال طلای وزن ۷۴ کیلوگرم مسابقات قهرمانی کشتی آزاد ارتشهای - جهان را به دست آورد و برگ افتخار دیگری بر دفتر افتخارات کشتی این دیار افزود. در همان سال ۱۳۶۱ زرینی به همراه تیم منتخب نیروهای مسلح ایران عازم شهر دمشق سوریه گردید و توانست به مقام قهرمانی تورنمنت بین المللی^(۱) دست یابد.

در سال ۱۹۸۳ (م. ز) زرینی با شکست دادن حریفان قدرتمند ایرانی توانست در وزن ۷۴ کیلوگرم در کشتی آزاد، ملی پوش شود. اینجاست که باید گفت، کرمانشاه دیار پهلوانان و دلاوران به شمار می آید

۱ - torneament: مسابقاتی که چند کشور در آن شرکت داشته باشند؛ مانند مسابقات بین المللی که در ایران برگزار

که همواره خاستگاه ابر مردان بوده است و بدون شک اگر جوانان فعلی کرمانشاه در شرایط علمی و مساعد ورزشی قرار بگیرند ادامه دهنده راه مردان طلایی غرب خواهند شد و در غیر این صورت گود و تشک کشتی به صورت اماکنی خاص حرکات نرمش و مسابقاتی بی ثمر خواهد بود.

در همان سال ۱۹۸۳ (م.م) زرینی به همراه تیم ملی ایران به منظور شرکت در مسابقات قهرمانی جهانی به شهر کی یف شوروی اعزام گردید. پس از اتمام مسابقات کشتی فرنگی به دلیل حضور یافتن تیم اسرائیل در این پیکارها، تیم ملی ایران مسابقات را تحریم نموده و به تهران فراخوانده شد. به گفته کارشناسان و صاحب نظران، اگر تیم ایران، شرکت در مسابقات مذکور را تحریم نمی کرد؛ این تیم که از تیمهای برتر تاریخ کشتی ایران پس از انقلاب به حساب می آمد خوش می درخشید و می توانست تمام معادلات پیش بینی شده توسط خارجیان را به هم بزند. در سال ۱۹۸۴ (م.م) نیز به دلیل تحریم بازیهای المپیک لس آنجلس از سوی ایران فرصتی دیگر برای دستیابی الهی مراد زرینی و همزمان او به فتحخارات بزرگ جهانی از دست رفت.

در سال ۱۳۶۳ (ه.ش) زرینی در مسابقات بین المللی ۲۲ بهمن که در سالن دوازده هزار نفری تهران برگزار گردید شرکت جست و موفق شد با شکست دادن قهرمانان بنامی همچون: فیضی شکر قهرمان اروپا از ترکیه، محمود کد خدایی چهره استثنایی کشتی ایران و سرگئی کینایوف از شوروی به مقام قهرمانی دست یابد.

پیکارهای بین المللی جام مدوید

یک ماه پس از اتمام مسابقات بین المللی ۲۲ بهمن، قهرمانان ارزنده کرمانشاهی: محمد حسین محبتی، الهی مراد زرینی و بهروز رشیدی به منظور شرکت در پیکارهای بین المللی جام مدوید به شهر مینسک شوروی اعزام شدند. در این مسابقات تیم کرمانشاه با یک مدال نقره در وزن ۵۷ کیلوگرم آزاد توسط بهروز رشیدی و دو مدال برنز توسط الهی مراد زرینی در وزن ۷۴ کیلوگرم و محمد حسن محبتی در وزن ۹۰ کیلوگرم، به کار خود خاتمه داد. به طور حتم عدم دسترسی محمد حسن محبتی و الهی مراد زرینی به مدال طلای این مسابقات را می توان به حساب بدشانسی گذارد. چراکه در این مسابقات محمد حسن محبتی و الهی مراد زرینی شایسته مدالهای طلا بودند...

مسابقات جهانی در بوداپست مجارستان

تیم علی ایران پس از سه سال غیبت از مسابقات جهانی و المپیک در سال ۱۹۸۵ (م.م) در مسابقات جهانی بوداپست مجارستان حضور یافت. الهی مراد زرینی پس از پیروزی در دوراول، در مقابل حریف افغانستانی به مصاف نامدارترین کشتی گیر حاضر در وزن ۷۴ کیلوگرم این مسابقات موسوم به: دیوید شولتز قهرمان جهان و المپیک از امریکا رفت. در این مسابقه، زرینی تا یک دقیقه به پایان

وقت با حساب ۴ بر ۲ از حریف سرشناس خود جلو بود و می رفت که خالق یک شگفتی بزرگ باشد؛ اما دیوید شولتز کشتی گیر آمریکایی با انجام یک حرکت فول^(۱)، پای راست زرینی را خلاف جهت مفصل کشید که سبب پاره شدن رباط و مینسک زانوی پای او گردید. زرینی نیز طبق دستور پزشک نتوانست به مسابقه ادامه بدهد و پس از بازگشت به ایران، زانوی خود را وسیله پزشکی حاذق جراحی نمود.

ادامه مسابقات جهانی

الله مراد زرینی در سال ۱۹۸۶ (م. م) به همراه کاروان ورزشی ایران به منظور شرکت در المپیک آسیایی ۱۹۸۶، عازم «سئول» پایتخت کره جنوبی محل برگزاری بازیهای آسیایی گردید و در این مسابقات مدال نقره به گردن آویخت. کشتی فینال او بسیار حساس و برای کره ای های میزبان، در خور توجه بود که در مقابل کشتی گیر کره ای، زرینی با نتیجه ۳-۴ بازنده شد. شاید اگر این کشتی در هر کجای دنیا غیر از کره می بود زرینی پیروز از میدان خارج می شد. همین کشتی گیر کره ای در سال ۱۹۸۸ (م. م) در المپیک «سئول» به مقام قهرمانی وزن ۸۲ کیلو گرم رسید.

ناگفته نماند که تیم ملی ایران در مسابقات کشتی جهانی سال ۱۹۸۶ (م. م) شرکت نمود. و بدین ترتیب زرینی که می توانست سالهای زیادی برای استان و کشور خود افتخار آفرین باشد؛ از صحنه قهرمانی کنار رفت.

کشتی پهلوانی

الله مراد زرینی در سال ۱۳۶۶ (ه. ش) به منظور شرکت در مسابقات کشتی پهلوانی ایران عازم کرمان گردید و در کشتی پهلوانی بی وزن شرکت نمود و با وزنی حدود ۸۰ کیلوگرم پنجه در پنجه کشتی - گیران ۱۳۰ کیلویی انداخت و در پایان، در حالی که کشتی فینال را با حساب ۲-۳ به محمدرضا - توپچی واگذار کرد و به مقام نایب پهلوانی کشور دست یافت. زرینی در سال ۱۳۶۷ پس از حصول بهبودی از آسیب دیدگی زانو در مسابقات تیم ملی کشتی آزاد، در مسابقات قهرمانی آسیا، در وزن ۸۲ کیلوگرم آزاد شرکت نمود و همان گونه که در طی هفت دوره مسابقات، همواره مرد قدر میدان بود؛ این بار نیز با بدنی آماده و قهراقی، بی آنکه امتیازی از دست بدهد، با غلبه بر حریفان خویش در میدان - هفتم تیر تهران - ستاره مسابقات شناخته شد و این امر زیبار مطبوعات کشور، انعکاسی افتخار آمیز یافت.

۱- فول fol: حرکت خطا را در کشتی گویند. که برخی اوقات این حرکات خطا ممکن است از دید داوران پنهان ماند که سبب این گونه آسیب دیدگیهایی می شود.



مسابقات کشتی پهلوانی ایران سال ۱۳۶۶ در استان کرمانشاه نفر سمت راست : محمد رضا توپچی پهلوان ایران از تهران نفر سمت چپ : الله مراد زرینی نایب پهلوان ایران از کرمانشاه نکته جالب توجه این است که این کشتی با اختلاف یک امتیاز (۳ - ۴) به سود (محمد رضا توپچی) خاتمه یافت .

الله مراد زرینی از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸ (م.م) عضو تیم ملی ایران بود و در وزنهای ۷۴ و ۸۲ کیلوگرم کشتی آزاد در مسابقات شرکت می جست . وی در این اوزان در مسابقات داخلی هرگز طعم شکست را نچشید . از جمله مسابقات داخلی زرینی چهار مسابقه قهرمانی کشور را می توان نام برد که در این مسابقات ، در اوزان ۷۴ و ۸۲ کیلوگرم آزاد ، چهار قطعه مدال طلا تصاحب نموده است . هم اکنون الله مراد زرینی در شهر دلاور خیز کرمانشاه در استخدام سازمان تربیت بدنی است و همچنین ریاست هیئت کشتی این استان را عهده دار می باشد . این قهرمان پر افتخار در کسوت مربیگری به خدمات ورزشی خود ادامه می دهد و نسبت به امور خانوادگی مردی متعهد به شمار می رود و رکسانا دختر کوچولویش را بسیار دوست می دارد .



تیم ملی کشتی آزاد ایران اعزامی به مسابقات جهانی (بوداپست) مجارستان ۱۹۸۵. نفرات نشسته از پایین سمت راست: مجید ترکان ۴۸ کیلوگرم - امیرتهرانی ۵۲ کیلوگرم - عسگری محمدیان ۵۷ کیلوگرم - محسن کاوه ۶۲ کیلوگرم - محمود کدخدایی ذخیره ۷۴ - کیلوگرم - خسرو پیشرو ۶۸ کیلوگرم - محمد حسن محبی ۹۰ کیلوگرم - محمد حسین محبی ۸۳ کیلوگرم - الله مرادزرنی ۷۴ کیلوگرم - اسدالله محمدی - علیرضا سلیمانی ۱۳۰ کیلوگرم - کاظم غلامی ۱۰۰ کیلوگرم و ردیف بالا: (محمود معزی پور) و شمس الدین سید عباسی (مربیان نیم ملی - محل عکس: استاد بوم شهید شیرودی نهران).

یوسف نوری

یوسف نوری فرزند امیر در
 ۱۳۴۳ (ه. ش.) در کرمانشاه
 متولد گردید. وی به علت
 علاقه وافری که نسبت به
 ورزش کشتی در خویشتن
 احساس می نمود در سال
 ۱۳۵۹ در سالن کشتی تختی
 قدم بر تشک نهاد و از ادامه
 تحصیل دبیرستانی
 چشم پوشید. نوری زیر نظر
 مربیان مجربی همچون:
 حشمت الله میرزایی،
 بیژن زرافشانی و برادران
 محبی در کار تمرینات خود
 مداومت بسیار ورزید و
 سرانجام به میادین مبارزات برتر
 راه یافت:



یوسف نوری - مناسبت عکس: قهرمان کشوری سال ۱۳۷۰ در وزن ۱۳۰ کیلوگرم کشتی آزاد در برابر
 «ابراهیم مهربان» قهرمان تیم ملی ایران - نتیجه: فردوم کشور برنده مدال نقره.

عناوین قهرمانی

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۳	انتخابی مسابقات بین المللی ۲۲ بهمن	آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۶۴	انتخابی مسابقات بین المللی	آزاد	۸۲ کیلوگرم	اهواز	دوم	نقره

				۲۲ بهمن		
۱۳۶۵	پهلوانی پایتخت	کشتی پهلوانی بی وزن	تهران	اول	طلا	
۱۳۶۵	قهرمانی کشور	آزاد	مشهد	دوم	نقره	
۱۳۶۶	قهرمانی ارتشهای ایران	آزاد	تهران	اول	طلا	
۱۳۶۶	پهلوانی ایران	آزاد	تهران	اول	طلا	
		۸۰-۹۰ کیلو				
		گرم				
۱۳۶۶	انتخابی مسابقات	آزاد	تهران	دوم	نقره	
		۹۰ کیلوگرم				
		بین المللی ۲۲ بهمن				
۱۳۶۷	انتخابی تیم ملی	آزاد	تهران	دوم	نقره	
		۱۰۰ کیلوگرم				
۱۳۶۸	قهرمانی کشور	آزاد	شیراز	سوم	برنز	
۱۳۶۸	جام بین المللی	آزاد	استانبول	پنجم	-	
		۹۰ کیلوگرم				
۱۳۶۸	جام بین المللی	آزاد	تهران	سوم	برنز	
		۹۰ کیلوگرم				
		۲۲ بهمن				
۱۳۶۸	انتخابی تیم ملی	آزاد	کرمانشاه	سوم	برنز	
		۱۰۰ کیلوگرم				
۱۳۶۹	قهرمانی کشور	آزاد	تبریز	دوم	نقره	
		۱۰۰ کیلوگرم				
۱۳۷۰	انتخابی تیم ملی	آزاد	تهران	دوم	نقره	
		۱۰۰ کیلوگرم				
۱۳۷۰	قهرمانی کشور	آزاد	کرمانشاه	سوم	برنز	
		۱۳۰ کیلوگرم				
۱۳۷۱	قهرمانی کشور	آزاد	اراک	دوم	نقره	
		۱۳۰ کیلوگرم				

نوری در سال ۱۳۶۸ در مسابقات جام بین المللی یاشاردوغو، افراهیم کامبیروف قهرمان چندین - ساله بلغاری و نوراؤل این مسابقات را مغلوب نمود؛ اما با یک مساوی با شمشک ترک [قهرمان جهان و المپیک] به مقام پنجم دست یافت و در همان سال در تهران، در مسابقات بین المللی ۲۲ - بهمن با یک مساوی با کشتی گیر بلغاری مدال برنز گرفت. نوری در حال حاضر در میدان تکاپوی زندگی به تلاشی پی گیر پرداخته است.

سلیمان الهیاری

سلیمان الهیاری در سال ۱۳۴۳ (ه. ش.) در روستای «دوچغا»ی الهیارخان کرمانشاه به دنیا آمد. پدرش علی از کشاورزان غیور منطقه بود، علاقه ای وافر به ورزش کشتی که یادگاری از اسطوره های ملی ماست، در وجودش موج می زد و چون فرزند خود را درشت استخوان و خوش بنیه دید؛ تصمیم گرفت وی را تشویق نماید تا قدم بر تشک کشتی بگذارد.



«سلیمان الهیاری» بر سکوی نخست ۱۳۰ کیلوگرم کشتی آزاد در مسابقات قهرمانی کشور. نفر دوم: «امیرپور - جعفر» از مازندران. نفر سوم: «کاظم غلامی» از تهران - قهرمان آسیا - محل: شیراز
زمان: ۱۳۶۸ (ه. ش. ۰)

علی الهیاری با اهل و عیال به کرمانشاه مهاجرت کرد و در سالهایی که سلیمان در دبیرستان به تحصیل اشتغال داشت او واداشت تا در رشته کشتی آزاد ثبت نام کند .

سلیمان الهیاری نیز در سالن تختی کرمانشاه قدم بر تشک نهاد و تحت تعلیمات مربیان دلسوزی چون: برادران زرافشانی قرارگرفت و دیری نپایید که این جوان خوش قامت و درشت هیكل در سطح استان برتری خویش را به اثبات رساند و توانست در میادین مسابقات کشوری نیز خوش بدرخشد :

عناوین و مدالهای قهرمان کشوری

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۰	قهرمانی	آزاد	۷۶ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
	نوجوانی ایران					
۱۳۶۱	قهرمانی	آزاد	۷۶ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
	نوجوانی ایران					
۱۳۶۲	قهرمانی	آزاد	۹۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۶۴	قهرمانی	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	رضائیه	اول	طلا
	جوانان ایران					
۱۳۶۷	قهرمانی کشور	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	مشهد	دوم	نقره
۱۳۶۸	قهرمانی کشور	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	شیراز	اول	طلا
۱۳۶۸	سوپر قهرمانی (۱)	آزاد	بی وزن	شیراز	اول	طلا
۱۳۶۹	قهرمانی کشور	آزاد	۱۳۰ کیلو	تبریز	دوم	نقره

سلیمان الهیاری در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ در مسابقات انتخابی تیم ملی در رشته کشتی آزاد، در وزن ۱۳۰ کیلوگرم که در تهران برگزار گردید شرکت جست و در هر دو بار پس از علیرضا سلیمانی قهرمان نامی جهان، به مقام نایب قهرمانی نایل گردید. این قهرمان پر قدرت توانست در مسابقات «کاپ» های بین المللی نیز عناوینی کسب نماید :

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۶	جام بین المللی	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	ترکیه	دوم	نقره
	یاشاردوغو					
۱۳۶۷	جام بین المللی	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	ترکیه	دوم	نقره
	یاشاردوغو					

۱- قهرمانی قهرمانان که در سال ۱۳۶۹ برای اولین بار در ایران برگزار گردید .

۱۳۶۸	کاپ بین‌المللی	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	تهران	دوم	نقره
	۲۲ بهمن					
۱۳۶۹	کاپ بین‌المللی	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	تهران	دوم	نقره
	۲۲ بهمن					

سلیمان الهیاری، در سال ۱۳۷۰ (ه. ش.) در مسابقات کشتی پهلوانی بی وزن در شیراز شرکت جست. اما در حین انجام مسابقات، رباطهای پای چپ وی دچار پارگی گردید و طبق دستور پزشکان حاذق از ادامه مسابقات قهرمانی منع گردید. لذا، وی مدتی از تشک کناره گرفت و به انتظار ترمیم بافتهای پاره شده پای خود به استراحت پرداخت. سلیمان الهیاری هم اکنون مسئول تربیت بدنی بنیاد شهید کرمانشاه می باشد و در کنار انجام وظایف شغلی و خانوادگی خویش در سالن تختی کرمانشاه به تمرینات خویش ادامه می دهد. این قهرمان از نظر اخلاقی فردی سلیم النفس، آرام و فروتن می باشد و برای پیگاه تنها دختر کوچکش پدری مهربان به شمار می رود.

[برادر این قهرمان موسوم به: ظفر الهیاری توانسته است در مسابقات ارتشهای ایران مدال طلا کسب نماید ...]

محمد جعفر خدایی

محمد جعفر خدایی فرزند دلاور کرمانشاه متولد در سال ۱۳۴۴ (ه. ش.) می باشد. پدرش خیرالله مردی زحمتکش بود و سالیان سال به شغل سخت رانندگی ماشینهای سنگین روزگار سپری می نمود. وی هفت اولاد داشت که از آن میان محمد جعفر، گل استعدادش در سنت دیرین پارسیان، کشتی شکوفا گشت و در سال ۱۳۶۰ در سالن تختی کرمانشاه قدم بر تشک کشتی نهاد و تحت تعلیمات پیوسته و سنگین مربیان دلسوز شهر کرمانشاه بیژن و اسفندیار زرافشانی، استعداد ذاتی اش ثمر داد. به طوری که در سال ۱۳۶۳ با عنوان نفر برتر، در رشته کشتی آزاد، در وزن ۹۰ کیلوگرم در مسابقات انتخابی تیم ملی شرکت جست. محمد جعفر خدایی در مراحل بعدی، با رنج و پشتکار مربیان دیگری همچون: برادران محبی و محمود خاوران پلکان ترقی را یکی پس از دیگری پشت سرگذارد و طلا آویز میادین نبرد گردید.



تیم اعزامی ایران جهت مسابقات کشتی آزاد در «بازیهای آسیایی» پکن. نفرات از راست: محمدعلی صنعتکاران ایوب بنی نصرت - منصوربرزگر - محمدرضانویسی - رسول خادم - آبت واگذاری - محمدجعفرخدایی (ازکرمانشاه) رضا سوخته سرایی . نفرات نشسته: سعید کولیوند - اکبرفلاح - اویس ملاح - جلیل جهانشاهی - بهروز یاری . محل: فرودگاه «مهرآباد» تهران .

مسابقات و عناوین میادین مختلف

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۴	قهرمانی جوانان کشور	آزاد	۹۰ کیلوگرم	ساری	اول	
۱۳۶۵	قهرمانی کشور	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	مشهد	سوم	برنز
۱۳۶۶	قهرمانی کشور	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	مشهد	سوم	برنز
۱۳۶۶	جام بین المللی قائد اعظم پاکستان	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	کراچی	اول	طلا
۱۳۶۷	انتخابی تیم ملی به منظور اعزام به المپیک سنول	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	سوم	برنز
۱۳۶۸	قهرمانی کشور	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	شیراز	اول	طلا

۱۳۶۸	جام بین‌المللی یاشاردوغو	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	استانبول ترکیه	سوم	برنز
۱۳۶۹	قهرمانی جهانی	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	«توکيو» ژاپن	ششم	امتیازی برای تیم ایران
۱۳۶۹	بازیهای آسیایی	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	پکن	-	-
۱۳۷۰	کاپ بین‌المللی ۲۲ بهمن	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	ساری	دوم	نقره
۱۳۷۱	انتخابی تیم ملی	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	دوم	نقره
۱۳۷۲	انتخابی تیم ملی	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۷۳	جام الکساندریا	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	یونان	اول	طلا

محمد جعفرخدایی در طی مبارزات خود با حریفان نامی جهان دست و پنجه نرم کرده است به عنوان - مثال در سال ۱۳۶۸ در مسابقات جام بین‌المللی یاشاردوغو موفق گردید. کلاو وین حریف آمریکایی خود را شکست دهد و در برابر هاوارد سابایف^(۱) حریف پر قدرت و قد روسی، کشتی را (۱-۵) واگذار نمود. این قهرمان در برخی از کشتی‌های خود، روی شانس نبود و اگر بخت با او یار می بود، می‌توانست به عناوین جهانی بیشتری دست یابد. در این رابطه، در مسابقات جهانی توکیو، در سال - ۱۳۶۹ بایک‌باخت، در وقت اضافی (۳-۴) کشتی را به نفر دوم دنیا واگذار کرد و به عنوان ششم دست یافت. در حالی که اگر این کشتی را می برد به مسابقات نهایی راه پیدا می کرد. یا در بازیهای آسیایی - پکن، در سال ۱۳۶۹، در دوره اول بعد از باخت اول به گره جنوبی بیمار شد و بنابه تشخیص پزشکان از ادامه مسابقات منع گردید. همچنین در سال ۱۳۷۰ در مسابقات کاپ بین‌المللی ۲۲ بهمن، محمد - جعفرخدایی پس از واگذاری کشتی به کامون تومف بلغاری به مقام دوم دست یافت.

کامون تومف یکی از سرچشبانان کشتی جهان به شمار می رود. وی در سال ۱۹۷۸ (م. ا) از بلغارستان گریخت و پناهنده کشور ترکیه گردید و در آنجا نام بلغاری خود را به نام جدید ترکی علی کایالی تغییر داد. علی کایالی در سال ۱۹۸۶ (م. ا) عنوان دوم مسابقات جهانی بوداپست در سال ۱۹۹۲ (م. ا) عنوان سوم المپیک بارسلون و در سال ۱۹۹۳ (م. ا) عنوان دوم مسابقات جهانی کانادا را حائز نمود. محمد جعفر خدایی در سال ۱۳۷۱ (ه. ش.) در مسابقات انتخابی تیم ملی که به منظور شرکت در

۱- «هاوارد سابایف قهرمان روسی به آلمان غربی گریخت و پناهنده آن کشور گردید. وی در سال ۱۹۹۴ (م. ا) از جانب آلمان به مسابقات جهانی اعزام شد و به مقام قهرمانی جهان دست یافت.



نفر سمت راست «محمد جعفر خدایی» برنده مسابقه و نفر سمت چپ حریف لهستانی او در مسابقات «بین‌المللی جام یاشاردوغو» در ترکیه

بازیهای آسیایی تهران صورت گرفت در برابر کاظم غلامی با نتیجه (۰ - ۰) از شرکت در بازیهای آسیایی محروم شد. این قهرمان کرمانشاهی در سال ۱۳۷۲ در مسابقات انتخابی تیم ملی با غلبه بر ایوب نبی نصرت پهلوان کشور و قهرمان آسیا، در وزن ۱۰۰ کیلوگرم آزاد مقام نخست را از آن خویش نمود. همچنین در سال مذکور در کشور یونان در وزن ۱۰۰ کیلوگرم آزاد ستاره مسابقات شناخته شد. در مسابقات تورنتوی کانادا به جای وی از رسول خادم در وزن ۱۰۰ کیلوگرم آزاد استفاده شد. محمد جعفر خدایی در کنار تلاش معاش، همواره به تمرینات پیوسته خویش ادامه می دهد. وی قهرمانی افتاده حال و پاک اندیش می باشد و اندرونی مالا مال از عشق به کشتی، این یادگار دلاوریهای اسلاف ایرانیان دارد.

تیم طلایی کرمانشاه



تیم کشتی آزاد کرمانشاه در مسابقات بین المللی جام قائد اعظم پاکستان از راست ۱ - نماینده فدراسیون - کشتی ایران ۲ - عبدالله سیف (داور) ۳ - نادر قنبری (۱۳۰ کیلوگرم) ۴ - محمد جعفر خدایی (۱۰۰ - کیلوگرم) ۵ - محمد حسین محبی (۸۲ کیلوگرم) ۶ - کیورث رجبی (۷۴ کیلوگرم) ۷ - حشمت الله میرزایی (مربی) ۸ - جواد رضایی تبار - (نماینده اداره تربیت بدنی)

نفرات نشسته از راست : ۱ - اسفندیار غلامی (۶۸ کیلوگرم) ۲ - کامران کرمان (۶۲ کیلوگرم) ۳ - محمد حسن محبی زنگنه (۵۷ کیلوگرم) ۴ - محمد علی گنجابی (۵۲ کیلوگرم) ۵ - محمد رضا چایچی (۴۸ کیلوگرم). [توضیح اینکه کیورث مهری کرمانشاهی در این مسابقات در وزن ۹۰ کیلوگرم شرکت نمود که در عکس دیده نمی‌شود.] محل : پاکستان - زمان : ۱۳۶۶ نتیجه : تیم کرمانشاه حائز مقام اول در رشته - کشتی آزاد.

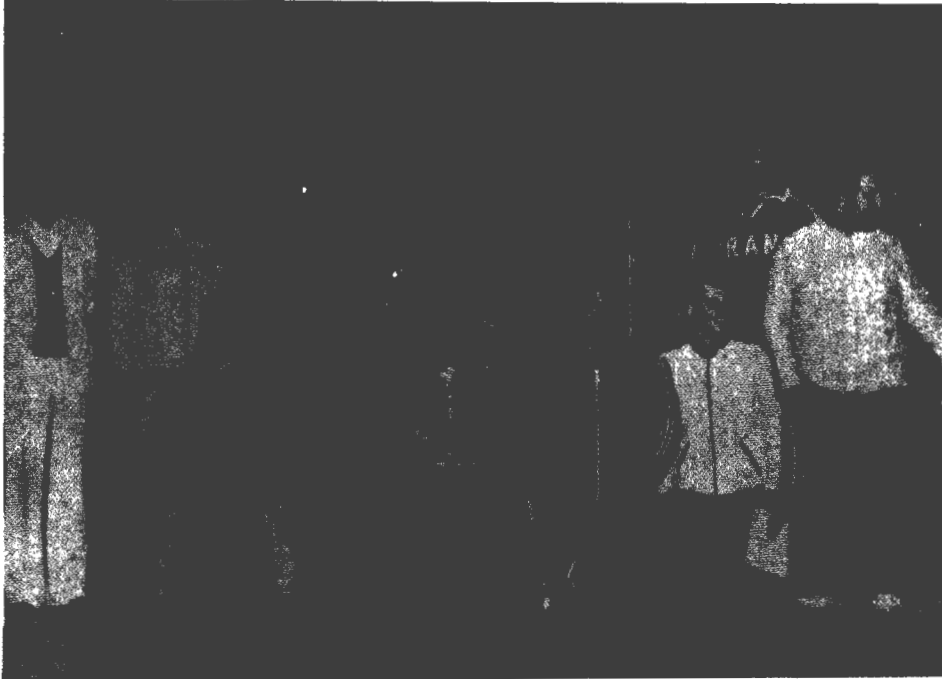
شهریار ایمانی

شهریار ایمانی فرزند صادق ایمانی، در سال ۱۳۴۴ (ه. ش.) در شهر کرمانشاه متولد گردید. وی با تأثیرپذیری از پدر قهرمان و مربی خود در سن سیزده سالگی، در سالن تختی کرمانشاه تمرینات کشتی را آغاز نمود و دیری نپایید که بین همسالان و هم نبردانش، سر آمد گردید. اما آقای صادق ایمانی که شاهد استعداد خوب فرزند خویش بود قهرمانی آموزشی و نوجوانان را برای او کافی نمی دانست. از این رو تمرینات سنگین تری برای فرزند خویش، برنامه ریزی نمود. به طوری که شهریار از سال ۱۳۶۲ به بعد به مسابقات قهرمانی کشور راه یافت. از جمله: در مسابقات قهرمانی کشور سال ۱۳۶۴ در شهر سنندج در وزن ۵۲ کیلوگرم کشتی آزاد مقام دوم را احراز نمود و به مدال نقره دست پیدا کرده همچنین در همان سال ۱۳۶۴ در مسابقات قهرمانی جوانان کشور، در ارومیه سکودار وزن ۵۲ کیلوگرم گردید و مدال طلا گرفت. و در سال ۱۳۶۴ (ه. ش.) در وزن ۵۲ کیلوگرم، کشتی آزاد مقام نخست جام یاشار دوغو را نیز به دست آورد و طلا آویز وزن خود گردید.

عناوین قهرمانی

سال (ه. ش.)	نام مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۲	قهرمانی بزرگسالان کشور	فرنگی	۴۸ کیلوگرم	یزد	سوم	برنز
۱۳۶۴	قهرمانی جوانان کشور	آزاد	۵۲ کیلوگرم	ارومیه	اول	طلا
۱۳۶۴	قهرمانی بزرگسالان کشور	آزاد	۵۲ کیلوگرم	سنندج	دوم	نقره
۱۳۶۴	جام بین المللی «یاشاردوغو»	آزاد	۵۲ کیلوگرم	«آنکارا» ترکیه	اول	طلا
۱۳۶۶	ارتشهای کشور	آزاد	۶۸ کیلوگرم	مشهد	دوم	نقره

نکته ای که بیشتر مورد توجه کارشناسان می باشد، این است که شهریار ایمانی چندین دوره سکودار وزن ۵۲ کیلوگرم بود و این همان عناوین ورزشی است که مربی و قهرمان ارزنده کرمانشاهی، صادق ایمانی سالها بیرق دار آن بوده است. شهریار ایمانی در حال حاضر در شهر کرمانشاه، کارمندانک تجارت است و بدین طریق به خدمات اجتماعی خویش ادامه می دهد.



نفرات از راست به حالت ایستاده: «صادق ایمانی» [مربی] «علیرضا جواهری» [مربی] «رضاصالحی» «مصطفی عابدی» «رضانجفیان» «محمدحسین محبی» «سیدجلال مشعشی» «علیرضارزقی» [داورین المللی] - نفرات نشسته از راست: «کامران کرمان» «رضابلوردی» «شهریار ایمانی» «غلام آقایی» - نام مسابقه یادواره جام تختی [فهرمانی کشور] محل: سالن دوازده هزار نفری تهران. زمان: ۱۳۶۲ (ش.) - توضیح اینکه در این مسابقات نتایج زیر حاصل گردید: «سیدجلال مشعشی» نفر اول در وزن یکصد کیلوگرم «محمدحسن محبی» [که در عکس مشاهده نمی‌شود] نفر اول نود کیلوگرم «محمدحسن - محبی» نفر اول ۸۲ کیلوگرم «کامران کرمان» نفر سوم شصت و دو کیلوگرم «شهریار ایمانی» نفر پنجم پنجاه و دو کیلوگرم. نتیجه کلی: تیم کرمانشاه مقام سوم کشور در کشتی آزاد.

کیومرث رجبی

کیومرث رجبی فرزند سیف الله در سال ۱۳۴۵ (۵۰ ش.) متولد گردید وی در دوران تحصیل در دبیرستان قدم در راه ورزش نهاد و تمرینات کشتی را در سالن تختی کرمانشاه آغاز نمود. مربیان ارزنده - کرمانشاهی در راه شکوفانمودن استعداد او از هیچ کوششی فروگذار ننمودند. به طوری که دیری نپایید رجبی در بین همسالان خویش کشتی گیری قدر و سرآمد گردید.



«کیومرث رجبی» از قهرمانان خوش درخشش کرمانشاه

جدول مسابقات کیومرث رجبی

سال (ه. ش.)	نام مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۵	قهرمانی کشور جوانان	آزاد	۷۴ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۶۵	مسابقات جهانی جوانان	آزاد	۷۴ کیلوگرم	شیراز آلمان	دوم	نقره
۱۳۶۶	مسابقات بین المللی پاکستان	آزاد	۷۴ کیلوگرم	پاکستان	اول	طلا
۱۳۶۶	مسابقات بین المللی ۲۲ بهمن	آزاد	۷۴	اصفهان	اول	طلا
۱۳۶۸	انتخابی تیم ملی	آزاد	۸۲ کیلوگرم	کرمانشاه	دوم	-
۱۳۶۸	مسابقات بین المللی جام جواهر لعل نهرو	آزاد	۸۲ کیلوگرم	دهلی هندوستان	اول	طلا
۱۳۶۸	مسابقات بین المللی ۲۲ بهمن	آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	دوم	نقره
۱۳۶۸	مسابقات بین المللی ترکیه	آزاد	۸۲ کیلوگرم	ترکیه	سوم	برنز
۱۳۶۸	مسابقات دانکلوف	آزاد	۸۲ کیلوگرم	بلغارستان	چهارم	کسب امتیاز برای تیم
۱۳۶۹	مسابقات انتخابی تیم ملی	آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	دوم	-
۱۳۷۳	مسابقات قهرمانی کشور	آزاد	۹۰ کیلوگرم	همدان	اول	طلا

کیومرث رجبی هم اکنون^(۱) در «تهران» کارمند هواپیمایی «هما» است و در کنار خانواده اش در رشته تربیت بدنی تحصیلات خویش را ادامه می دهد.

کوروش کهریزی

کوروش کهریزی فرزند علی در سال ۱۳۴۸ (ه. ش.) در کرمانشاه متولد گردید. وی در سال ۱۳۶۱ در سالن کشتی تختی قدم بر تشک نهاد و با علاقه و پشتکار خاصی تمرینات خویش را پی گرفت. در اثر مداومت در تمرین و تعلیمات مربیان ارزنده‌ای همچون: حاج حبیب‌الله محلوچی، برادران محبتی، محمود خاوران و بیژن زرافشانی دیری نپایید که استعداد او شکوفاور در شمار کشتی‌گیران برتر استان مطرح گردید. بدین ترتیب توانست با شرکت در مسابقات قهرمانی آموزشگاهی نوجوانان کشور در سال ۱۳۶۲ و در آموزشگاهی جوانان کشور در سال ۱۳۶۵ به مدال برنزدست بیاید. همچنین مدال طلای قهرمانی بسیج کشور را در وزن ۹۰ کیلوگرم آزاد در سال ۱۳۶۶ از آن خود ساخت. وی در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ مدال برنز و طلای قهرمانی کارگران کشور را در وزن ۹۰ کیلوگرم آزاد به خود اختصاص داد و در سال ۱۳۷۳ نیز برنده مدال طلای قهرمانی کارگران کشور در وزن ۱۰۰ کیلوگرم آزاد گردید.

عناوین برجسته این قهرمان

سال (ه. ش.)	نام مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۸	قهرمانی جوانان امیدکشور	آزاد	۹۰ کیلوگرم	تهران	سوم	برنز
۱۳۶۸	قهرمانی ارتشهای ایران	آزاد	۸۲ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۷۰	انتخابی ۲۲ بهمن	آزاد	۹۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۷۱	قهرمانی بزرگسالان ایران	آزاد	۹۰ کیلوگرم	اراک	دوم	نقره
۱۳۷۱	جام بین‌المللی «دانا پاک» مجارستان	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«بوداپست» مجارستان	چهارم	
۱۳۷۱	جام «یاشار دوغو» ی ترکیه	آزاد	۹۰ کیلوگرم	استانبول	چهارم	
۱۳۷۲	انتخابی ۲۲ بهمن	آزاد	۹۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۷۲	قهرمانی کشور	آزاد	۹۰ کیلوگرم	ساری	دوم	نقره
۱۳۷۳	جام بین‌المللی ۲۲ بهمن	آزاد	۹۰ کیلوگرم	شیراز	اول	طلا
۱۳۷۳	قهرمانی کشور	آزاد	۹۰ کیلوگرم	همدان	دوم	نقره
۱۳۷۳	قهرمانی کشور	آزاد	۹۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۷۳	انتخابی ۲۲ بهمن	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۷۴	جام جهانی آمریکا	آزاد	۹۰ کیلوگرم	«چاتانوگا»	چهارم	-

کهریزی در سال ۱۳۷۳ توانست با شکست دادن صباح‌الدین استورک قهرمان جهان، مدال طلای جام - بین‌المللی ۲۲ بهمن را از آن خود سازد و بدین منوال در معیت تیم ملی کشتی آزاد ایران به مسابقات [جام جهانی «چاتانوگا» ی آمریکا] اعزام گردد. در این مسابقات شش تیم برجسته از جهان: آمریکا - شوروی - ترکیه - ایران - کانادا - ژاپن، شرکت داشتند و ایران به مقام چهارم به دنیا دست یافت.



کورش کهریزی قهرمان پیروز در وزن ۱۰۰ کیلوگرم کشتی آزاد در مسابقات لیگ سراسری کشور در سال ۱۳۷۴ کشور در نبرد با سعید صحرايي (ازخراسان)
محل: «سالن کشتی شهید بهشتی» کرمانشاه.

نادر قنبری



مسابقات پهلوانی بی وزن در اصفهان در سال ۱۳۶۷ (ه. ش.) در این عکس داور وسط دست «نادر قنبری» را بالا برده است.

نادر قنبری فرزند خلیل در سال ۱۳۴۸ (ه. ش.) در کرمانشاه متولد شد. وی به علت عشق و شور فراوان که همچون آب خُنک و زلال از درون چشمه سار قلبش می جوشید در سن دوازده سالگی به ورزش کشتی روی آورد و در سالن کشتی شرکت نفت کرمانشاه زیر نظر محمود خاوران تمرینات خویش را آغاز نمود و سپس تحت تعلیمات مربیان دیگری از جمله: بیژن زرافشانی و نادر نجفی تمرینات خویش را کماکان ادامه داد. نادر قنبری از نظر ژنتیکی بدنی پرنیرو، با استخوانبندی درشت دارد و از این رو دیری نپایید که در رشته سنگین وزن در سطح استان مطرح شد و توانست در مسابقات بین‌المللی و مسابقات کشوری همواره خوش بدرخشد.

مسابقات جام بین‌المللی

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۶	کاپ بین‌المللی	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	اصفهان	دوم	نقره

۲۲ بهمن	(. ه. ش.)	۱۳۶۶	جام بین‌المللی	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	پاکستان	اول	طلا
قائد اعظم								
۲۲ بهمن		۱۳۷۰	جام بین‌المللی	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	ساری	دوم	نقره
۲۲ بهمن		۱۳۷۳	جام بین‌المللی	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	«شانکای»	اول	طلا
پکن		۱۳۷۳	جام بین‌المللی	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	سَم پُتوس - چین	چهارم	۶ امتیاز
حُسن نیت						بورک شوروی		برای تیم ایران

مسابقات کشوری

سال	مسابقات	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۷	قهرمانی جوانان	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	مشهد	اول	طلا
(. ه. ش.)	کشور					
۱۳۶۸	قهرمانی جوانان	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
	کشور					
۱۳۶۹	قهرمانی جوانان	آزاد	بی وزن	بابل	اول	طلا
	کشور					
۱۳۷۰	قهرمانی جوانان	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	مشهد	اول	طلا
	کشور					
۱۳۷۳	قهرمانی	آزاد	۱۳۰ کیلوگرم	همدان	اول	طلا
	بزرگسالان کشور					

نادر قنبری در مدّت دو سال سربازی خود، در سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ در کشتی آزاد، وزن ۱۳۰ کیلوگرم، در مسابقات ارتشهای ایران که هر دو بار در تهران برگزار گردید، شرکت جست و ضمن حفظ عنوان قهرمانی نخست، صاحب دو قطعه دیگر مدال طلا شد. این قهرمان جوان و پرنیرو، در حال حاضر، در سالن تختی کرمانشاه، زیر نظر قهرمان دلاور، بیژن زرافشانی کماکان به تمرینات خود ادامه می دهد.

یادبودی از اعزام تیم کشتی آزاد شهر به مسابقات قهرمانی جام «یاشاردوغوی» ترکیه در اسفند ۱۳۷۳



نفرات ردیف اول ایستاده از راست : نادر نجفی (سرپرست تیم)، - بهزاد قنبری (مدیر باشگاه استقلال - غیراعزامی) کیومرث مهری کرمانشاهی (داور) کورش کهریزی (۹۰ کیلوگرم)، بیژن زرافشانی (مربی) ، جعفر خدایی (۱۰۰ کیلوگرم)، نادر قنبری (۱۳۰ کیلوگرم) ، منصور کیانی (داور)، الله مراد زرینی (رئیس هیئت کشتی استان) جوادی (نماینده سازمان تربیت بدنی کرمانشاه)، اعتمادی - ردیف دوم نشسته از راست : هوشنگ - بختیاری (۶۸ کیلوگرم) ، حسین ابوالفضلی (۶۸ کیلوگرم ، برادر حسن ابوالفضلی و دارای عناوینی در مسابقات کشتی بین سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳)، حسن ابوالفضلی (۷۴ کیلوگرم) ، افشین نوری (۸۲ کیلوگرم) ، مظفر خسروی (مربی) مرتضی کماسی (۱۰۰ کیلوگرم) - نفرات سوم نشسته از راست : تیمور مرادی (۶۸ کیلوگرم) ، سهراب حاتمی (۶۲ کیلوگرم) ، مجتبی حسینی (۵۲ کیلوگرم) ، بهزاد وروایی (۴۸ کیلوگرم) ، داریوش اسماعیل بیگی (۵۷ کیلوگرم) ، منوچهر عزیزی (مربی)

حسن ابوالفضللی سابق

حسن ابوالفضللی سابق فرزند حاج کاظم در سال ۱۳۵۳ (ه. ش.) در کرمانشاه، متولد گردید و در سال ۱۳۶۸ در سالن شهید دارابی زیر نظر حاج حسین بیگلری و منوچهر عزیزی ورزش کشتی را آغاز نمود و توانست در مدتی نه چندان طولانی به عناوینی دست یابد:

در سال ۱۳۷۱ نفر دوم قهرمانی جوانان کشور در وزن ۶۸ کیلوگرم آزاد

در سال ۱۳۷۲ نفر اول قهرمانی جوانان کشور در وزن ۷۴ کیلوگرم آزاد

در سال ۱۳۷۲ نفر اول مسابقات نیروی زمینی سپاه در وزن ۷۴ کیلوگرم آزاد

در سال ۱۳۷۲ نفر اول مسابقات پهلوانی نیروی زمینی سپاه در وزن ۷۴ کیلوگرم آزاد

در سال ۱۳۷۳ نفر اول قهرمانی جوانان کشور در وزن ۷۴ کیلوگرم آزاد

در سال ۱۳۷۳ نفر اول مسابقات بین المللی جوانان کشور در وزن ۷۴ کیلوگرم آزاد

در سال ۱۳۷۳ نفر اول قهرمانی کشور هلا احمر در وزن ۷۴ کیلوگرم آزاد

در سال ۱۳۷۳ نفر اول مسابقات اعزامی به جام «یاشار دوغو» ی ترکیه در وزن ۷۴ کیلوگرم آزاد

محمدرضا چایی چی

محمدرضا چایی چی فرزند منوچهر در سال ۱۳۴۶ (ه. ش.) در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۳۶۰ روی به ورزش کشتی آورد و در اندک مدتی استعدادش در این ورزش ملی شکوفا گردید.

جدول مسابقات

سال (ه. ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۵	قهرمانی بزرگسالان کشور	آزاد	۴۸ کیلوگرم	تبریز	دوم	نقره
۱۳۶۶	قهرمانی بزرگسالان کشور	آزاد	۴۸ کیلوگرم	مشهد	دوم	نقره
۱۳۶۶	جام بین المللی قائد- اعظم پاکستان	آزاد	۴۸ کیلوگرم	پاکستان	اول	طلا
۱۳۶۷	قهرمانی نیروهای مسلح کشور	آزاد	۴۸ کیلوگرم	تهران	دوم	نقره
۱۳۶۹	قهرمانی نیروهای مسلح کشور	آزاد	۵۲ کیلوگرم	تهران	اول	طلا
۱۳۷۱	قهرمانی کارگران کشور	آزاد	۵۷ کیلوگرم	کرمانشاه	دوم	نقره
۱۳۷۴		آزاد	۵۷ کیلوگرم	کرمانشاه	اول	طلا

محمد رضا چایی چی در شهر کرمانشاه کارمند بانک است و بدین طریق به خدمات اجتماعی خویش ادامه می دهد.

محمدعلی گنجابی

محمدعلی گنجابی فرزند حشمت‌الله در سال ۱۳۵۰ (ه. ش. ۰) در کرمانشاه متولد گردید. در سال ۱۳۶۳ قدم بر تشک کشتی نهاد و زیر نظر حسن میرزایی مربی آموزشگاهها، تمرینات خویش را آغاز نمود. پس از دو سال تغییر باشگاه داد و تحت تعلیمات خسرو محمدی قرار گرفت. مربی مذکور مدت پنج سال تمام با پیگیری و پشتکار فراوان از محمدعلی کشتی گیری قَدرو پرتکا پوساخت. بعد از راه اندازی باشگاه استقلال، گنجابی تمرینات خویش را زیر نظریدالله یوسفی و کیومرث تیرانداز در آن باشگاه ادامه داد.

جدول مسابقات قهرمانی

سال (ه. ش. ۰)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۶	قهرمانی نوجوانان کشور	آزاد	۵۱ کیلوگرم	اصفهان	اول	طلا
۱۳۶۶	جام بین المللی قائد اعظم پاکستان	آزاد	۵۲ کیلوگرم	پاکستان	اول	طلا
۱۳۶۶	قهرمانی جوانان کشور	آزاد	۵۴ کیلوگرم	مشهد	دوم	نقره
۱۳۶۸	قهرمانی جوانان کشور	آزاد	۵۷ کیلوگرم	تهران	سوم	برنز
۱۳۶۸	قهرمانی آموزشگاه - های کشور	آزاد	۵۸ کیلوگرم	زنجان	اول	طلا
۱۳۷۰	قهرمانی جوانان امید کشور	آزاد	۶۲ کیلوگرم	ساری	اول	طلا
۱۳۷۲	قهرمانی کارگران ایران	آزاد	۵۷ کیلوگرم	مشهد	اول	طلا
۱۳۷۳	قهرمانی کارگران کشور	آزاد	۵۷ کیلوگرم	مشهد	اول	طلا
۱۳۷۴	قهرمانی بزرگسالان کشور	آزاد	۵۷ کیلوگرم	مشهد	اول	طلا

محمدعلی گنجابی در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ در اوزان ۵۰ و ۶۰ کیلوگرم در شهرستان رشت، ارومیه و مشهد توانست در مسابقات پهلوانی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان کشور مقام نخست را به -

خود اختصاص دهدوی هم اکنون در سالن تختی زیرنظر مربیان مجرب شهر کماکان به تمرینات خویش ادامه می‌دهد.

مرتضی رازی کماسی

مرتضی رازی کماسی فرزند محمدرحیم در سال ۱۳۵۲ (۰.۵ ش.) در کرمانشاه به دنیا آمد. وی در سالن آموزش و پرورش و شهید ریزه وندی تحت تعلیمات کیومرث تیرانداز قرار گرفت و با پشتکار و زحمات مربیانش توانست در اندک مدتی کشتی گیری قدر شود.

جدول مسابقات قهرمانی

سال (۰.۵ ش.)	مسابقه	رشته	وزن	محل	مقام	مدال
۱۳۶۹	قهرمانی کشور	آزاد	۹۵ کیلوگرم	اراک	اول	طلا
۱۳۷۰	قهرمانی	آزاد	۱۱۵ کیلوگرم	مشهد	اول	طلا
آموزشگاه‌های کشور						
۱۳۷۱	جام بین‌المللی	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	مجارستان	دوم	نقره
دانا پاک						
۱۳۷۲	پهلوانی جوانان	پهلوانی	بی وزن	کرج	اول	طلا
کشور						
۱۳۷۳	جام بین‌المللی	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	ترکیه	ششم	
یاشاردوغو						
۱۳۷۴	قهرمانی بزرگسالان	آزاد	۱۰۰ کیلوگرم	مشهد	اول	طلا



مرتضی رازی کماسی بر سکوی نخست مسابقات کشتی آزاد قهرمانی کشور در وزن ۱۰۰ کیلوگرم. - نفر دوم حمیدارجمندپور و نفر سوم علی اصغر گودرزی - محل: مشهد زمان: ۱۳۷۴ (۰.۵ ش.)

کشتی گیران مطرح در نوع دویندی که به علت عدم دسترسی به آن عزیزان، صرفاً به ذکر نامشان اکتفا گردیده است.

- در صورت توفیق در جلد سوم، شرح خواهند شد. -

I کشتی گیران دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ (ه. ش.)

بهمن قوامپور - مشهدی هادی قصاب - منوچهر قیاسوند - فریدون بیژن پور - ابو کریمی
منوچهر بیژن پور - مرحوم حسن رسولی نژاد - داریوش معاونی - پرویز دادرس - منوچهر -
کامروا - جعفر اعرابی - مرحوم عبدالله سیفی زاده - مرحوم بهمن ساری اصلانی - علی اشرف -
کیانی - رسول تمری - داریوش روشنگر - امیر روشنگر - محمود علی روشنگر - مرتضی
سیفاله پور - ارسلان محبتی زنگنه - گودرز بهرامی - فریبرز قدوسی - محمد جلیلی -
جعفر خری - سید علی بصام - یحیی مهاجر عطاچغازدی .

II - کشتی گیران دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ (ه. ش.)

رضا کمگویان - جعفر پاکدامن - حشمت الله میرزایی - مرحوم ارسلان زنگنه - رضا گلزاری
صفر پیرسای - اردشیر یاری - خسرو میرزایی - اصغر گلنسائی - جهانشاه قدوسی
اردشیر کیانی - محسن مارالانی - عبدالعلی عمومی - نور محمد استدی - بهزاد قیطاس وند
عباس معیریان - مصطفی ریزان - مرحوم اسماعیل گرجی - امیر عزیزیان - قدیر کوشکی
علی گلزاری - مرحوم علی مهری کرمانشاهی - علی ناصری - اسماعیل حبیبی - حسن ملکی زاده.

III - کشتی گیران دهه ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰

کاظم آسوده - اشرف کوه درّه ای - نعمت الله غلامی - اردشیر ایوانی - [عادل بلند اقبال
اکبر رشیدی - شهید داریوش ریز وندی - شهید محمود شهبازی - مرحوم عبدالرحمن -
خسروی - مسعود خدیو (از: اسلام آباد غرب)] [خسرو صفائی - سیامک جمشیدی
شاهرخ جمشیدی - مهدی سیاه پور - فرامرز امجدیان - سلیمان رحیمی (از: قصر شیرین)
شمس الله قهرمانی - سعید شهبازی - پرویز عرصه وزیری - کورش زرونی
اکبر رشیدی « دارای مقام قهرمان کشور در وزن ۸۲ کیلوگرم کشتی آزاد - از اسلام آباد غرب - »
عادل بلند اقبال « دارای مقام قهرمانی کشور در وزن ۸۲ کیلوگرم کشتی آزاد - از
اسلام آباد غرب - شهید عباس رضائی - علیرضا پشتکوهی - احمد زهرائی - یدالله درکه ای -
شهید محسن دارابی .

IV - دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ (ه. ش.)

مسعود شجری - ماشاء الله حسینی - کورش مرادی رحمت آبادی (از: کنگاور) - علیرضا کهریزی

شهرام محمدی - [تیمور مرادی - اردشیر بلنداقبال (از: اسلام آباد غرب)] پهلوان دانشگاه‌های کشور در اولین دوره مسابقات پهلوانی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، در مورخه ۲۵ / ۸ / ۷۱ در شهر یزد] - غلامعلی فتاحی (از: سرپل ذهاب) - اسفندیار غلامی «از: اسلام آباد غرب» شهید داریوش ریز وندی «دارای مقام قهرمانی کشور در وزن ۶۲ کیلوگرم کشتی آزاد و فرنگی - از اسلام - آباد غرب» - «شهید محمود شهبازی دارای مقام قهرمانی کشور در وزن ۸۲ کیلوگرم کشتی آزاد - از اسلام آباد غرب -» - «مجتبی حسینی - فرزاد حیرانی - مرتضی - حسینی - سهراب باقری - هرمز ابراهیمی - شهید مرتضی نورعلی - شهید حمیدرضا شریفی - کیومرث درکه‌ای - پرویز برهنه گرد - مرحوم مسعود زردلانی - غلامرضا آقائی - مرحوم رامین امین اصنافی - مسعود امین اصنافی - کامران پورقرب - محمدحسن محبتی زنگنه - پرویز سلیمانپور.

۷ - از سال ۱۳۷۰ به بعد

مرتضی حسینی - مرتضی رازی کُماسی - علی حسینی - آرش فیض‌خُری - ممکن است نام برخی دیگر از کشتی‌گیران مطرح از قلم افتاده باشد که در این صورت از آن عزیزان پوزش می‌طلبم «مؤلف» - جعفر کازرونی -

مربیان «کشتی دوبرندی» کرمانشاه در چندین سال اخیر

نام و نام‌فامیل	متولد سال	سابقه	کلاس آموزش	محل آموزش
	(ه. ش.)	مربیگری		
		به سال (ه. ش.)		
حشمت‌الله	۱۳۱۷	۱۷	جوانان	سالن شهید -
میرزایی (ف)			بزرگسالان	علی اصغر جوادیان
احمدکوه دره‌ای	۱۳۲۳	بیش از ۲۰	بزرگسالان	سالن کشتی شهید
(ف) (۱)				علی اصغر جوادیان (۲)
جعفر بخشی	۱۳۲۳	۵ سال	نوجوانان	کانون بسیج
(ف)				
محمد هیچی	۱۳۲۵	۱۸	جوانان -	سالن کشتی تختی
			- بزرگسالان -	

۱ - ف: فعال

۲ - در این قسمت، صرفاً به ذکر نام «سالن» های کشتی از مجموعه های ورزشی اکتفا شده است.

محمود خاوران (ف)	۱۳۲۷	۲۰	«نوجوانان»	۱- صنعت نفت
			و «جوانان»	۲- سالن کشتی شهید محسن دارابی
حسن ملکی زاده (ف)	۱۳۲۸	۲۰	نوجوانان	باشگاه برق
			جوانان	سالن کارگران
محمد کاظم محبتی	۱۳۲۸	۱۰	بزرگسالان	سالن کشتی تختی
				مسئول ورزشی اداره برق
خسرو محمدی (ف)	۱۳۲۹	۱۵	نونهالان -	سالن کشتی شهید علی اصغر جوادیان
			نوجوانان	
اشرف کوه دره‌ای (ف)	۱۳۳۰	۷	جوانان -	صنعت نفت
			- کشتی فرنگی	
علیرضا جواهری	۱۳۳۰	۸	بزرگسالان	سالن کشتی تختی
ابوالقاسم نقی زاده	۱۳۳۰	۶	جوانان	سالن کشتی تختی
کیومرث تیرانداز (ف)	۱۳۳۰	۱۰	جوانان -	سالن کشتی شهید محسن دارابی
			نوجوانان	
مجتبی شرکایی (ف)	۱۳۳۰	۱۵	جوانان -	سالن کشتی تختی شهید علی اصغر جوادیان
			نوجوانان -	
			نونهالان	
بیژن زرافشانی (ف)	۱۳۳۱	۱۸	بزرگسالان	سالن کشتی تختی
			جوانان -	
منوچهر عزیزی (ف)	۱۳۳۱	۱۵	جوانان -	سالن کشتی تختی
			بزرگسالان	
حمید رضا قبادپور (ف)	۱۳۳۱	۱۸	بزرگسالان	سالن کشتی تختی
			- کشتی فرنگی	
نادر نجفی	۱۳۳۲	۱۵	بزرگسالان	۱- سالن شهید علی اصغر جوادیان
				۲- سالن کشتی راه و ترابری
اسماعیل ذبیح منش (ف)	۱۳۳۲	۱۱	بزرگسالان	سالن کشتی تختی
			بزرگسالان	۱- دانشگاه رازی
یزدان فرزایی (ف)	۱۳۳۳	۱۴	بزرگسالان	۲- کانون بسیج

۲- قرارگاه نجف اشرف					
۴- باشگاه نور شاطر آباد					
باشگاه -	نوجوانان	۶	۱۳۳۳	محسن حسینی	(ف)
صنعت نفت	جوانان				
سالن کشتی تختی	بزرگسالان	۱۵	۱۳۳۳	حسین بیگری	
سالن کشتی شهدا	نونهالان -	۴	۱۳۳۳	ذوالفقار خوشنودی	(ف)
	نوجوانان - جوانان				
سالن کشتی تختی	نونهالان -	۱۵	۱۳۳۴	اسفندیار زر افشانی	(ف)
	نوجوانان				
سالن کشتی تختی	بزرگسالان	۸	۱۳۳۴	محمد حسین محبتی	(ف)
باشگاه صنعت	بزرگسالان	۷	۱۳۳۵	محمد حسن محبتی	(ف)
نفت					
سالن کشتی	جوانان	۵	۱۳۳۵	سید جلال	
شهید دارابی					مشعشعی (ف)
سالن کشتی	جوانان	۱۰	۱۳۳۵	یدالله یوسفی	(ف)
شهید محسن دارابی					
باشگاه استقلال -					
سالن کشتی شهید	نوجوانان	۵	۱۳۳۵	یحیی محمدی	(ف)
ریز وندی					
سالن کشتی شهید	نوجوانان	۴	۱۳۳۶	فریبرز غیبی	(ف)
محسن دارابی	جوانان - کشتی فرنگی				
سالن کشتی شهید -	جوانان	۱۲ ^(۱)	۱۳۳۷	رضا بلوردی	(ف)
علی اصغر جوادیان	بزرگسالان				
سالن تختی، راه و ترابری	جوانان	۵	۱۳۳۷	علی امیری	(ف)
سالن نور شاطر آباد،					
سالن لشکر ۴ بعثت					
سالن کشتی تختی	جوانان	۶	۱۳۳۷	فرهاد منصور	(ف)
	دانشگاه علوم پزشکی				

علیرضا پیمانفر (ق)	۱۳۳۷	۶	نوجوانان مخابرات	سالن کشتی راه و ترابری
مظفر خسروی (ف)	۱۳۳۸	۷	نوجوانان جوانان	۱- سالن کشتی تختی ۲- سالن کشتی شهید محسن دارابی ۳- باشگاه ورزشی هلال احمر ۴- دانشگاه علوم پزشکی
محمد رضا جعفری نیا (ف)	۱۳۳۹	۴	نوجوانان جوانان - کشتی فرنگی	سالن کشتی شهید - علی اصغر جوادیان شهید محسن دارابی
محمد جواد - صادق پور (ف)	۱۳۳۹	۶	جوانان	باشگاه راه و ترابری
امید رضایی (ف)	۱۳۳۹	۶	جوانان بزرگسالان	باشگاه راه و ترابری
غلام اکبری (ف)	۱۳۳۹	۴	نوجوانان جوانان	باشگاه صنعت نفت باشگاه نورشار آباد
احمد کرکوک نشین (ف)	۱۳۴۱	۴	نوجوانان	باشگاه ورزشی مسکن
ولی چغا - میرزایی	۱۳۴۱	۴	نوجوانان جوانان	سالن کشتی شهید محسن دارابی
مجید وقاری	۱۳۴۱	۵	نوجوانان	کانون بسیج
فرامرز چغا - میرزایی (ف)	۱۳۴۱	۴	جوانان نوجوانان	باشگاه صنعت نفت
الله مراد - زرینی	۱۳۴۲	۲	جوانان	سالن کشتی شهید دارابی
ارسلان حسینی (ف)	۱۳۴۲	۲	تیم شهر نوجوانان	باشگاه - صنعت نفت
آقاویس سودیاب	۱۳۴۳	۴	جوانان نوجوانان	هلال احمر استان

غلامحسین محمدی محب

غلامحسین محمدی محب معروف به: غلام صلواتی فرزند علی در سال ۱۳۳۰ (ه. ش. ۰) در کرمانشاه متولد گردید. وی به علت عشق و علاقه‌ای استثنایی به ورزش ملی ایران، کشتی و حماسه‌های پهلوانی که در قاموس وجودش می‌جوشید؛ در سال ۱۳۵۰ [زمانی که بیش از بیست سال از سنش سپری نگشته بود] به جمع آوری عکس و مطالب کشتی پهلوانی و کشتی دوپندی پرداخت و کماکان در این راه پیش رفت، تاجایی که امروزه تمامی ورزشکاران و ورزشدوستان او را به عنوان یک ورزشدوست واقعی در دل پذیرفته‌اند. صلواتی‌گنیه‌ای است به حق که از سوی ورزشکاران ایران به محمدی محب داده شده است. زیرا غزل‌خوان و صلوات فرست گودها و میادین مسابقات قهرمانی قلمداد شده است و پیوسته با چیدن بساط عکس پهلوانان و قهرمانان کشتی ایران گرمی خاصی به محافل ورزشی می‌بخشاید. وبدین طریق در امر ورزش و سلامتی جامعه سبب تشویق جوانان می‌گردد.



شرح عکس: نفرات از راست «رضاسوخته سرایی» [صاحب بازوبند طلایی پهلوانی ایران در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ (ه. ش. ۰)] «محمد دلیران» [قهرمان بازیهای آسیایی تهران در کشتی فرنگی] و «علیرضاسلیمانی» [پهلوان ایران در سالهای ۱۳۵۸، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ (ه. ش. ۰)] نفرات نشسته از راست: «ناصر اسماعیلی» [قهرمان ۴۸ کیلو کشتی فرنگی] و «غلامحسین محمدی محب» که به مناسبت یادواره جام جهان پهلوان «غلامرضانختی» در سال ۱۳۶۳ (ه. ش. ۰) در محل مجموعه ورزشی دوازده هزارنفری آزادی تهران در کنار نمایشگاه سیار خود از عکسهای پهلوانان و قهرمانان ایران دیده می‌شود.

خانواده شمس کلاهی

در شهریور ماه ۱۳۷۴ به مناسبت برگزاری (دوازدهمین دوره مسابقات پهلوانی و ورزشهای سنتی کشور- در شهر کرمانشاه، برخی از اعضاء خانواده شمس کلاهی به شهر دلاورخیز ما آمدند و لذا به احترام این - سفر ورزشی جا دارد که از آن عزیزان یادشود:

محمد تقی شمس کلاهی از قدرمردان ورزش ایران که همواره در راه سلامت جامعه در راستای ورزش ایران گامهای استوار و راستین برداشته است. به طوری که کلیه افراد فامیل شمس کلاهی تحت تأثیرات تربیتی ایشان و حاج حبیب الله شمس کلاهی روی به ورزش آورده و ضمن تحصیلات عالی در راه سلامت خود و جامعه کوشا بوده اند.

محمد تقی شمس کلاهی از سال ۱۳۳۲ (ه. ش.) عضو کمیته فنی فدراسیون، داور و مربی کشتی بوده - است. نامبرده از معدود مربیانی است که حدود ۴۰۰ فن کشتی را حفظ دارد. به پاس مرور ۱۲۰ فن کشتی برای داوران کشتی آزاد و فرنگی استان مرکزی، همچنین به افتخار مدت ۴۰ سال داوری، در سال - ۱۳۷۲، به همت آقای منتقمی ریاست تربیت بدنی استان مرکزی، یک دوره مسابقه لیگ به نام وی برگزار گردید. فرزند محمد تقی شمس کلاهی موسوم به: محسن در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ درجه - یک داوری بین المللی از کشور کانادا گردید. حاج حبیب الله شمس کلاهی پیش کسوتی است که فعالیت های ورزشی ارزنده و مفیدی از خود بروز دادن است؛ از جمله: از مؤسسين اولین سالن کشتی - اراک در سال ۱۳۱۷، سرپرست تیم شاهین در سالهای ۱۳۱۷ - ۱۳۲۴، شرکت در دو دوره مسابقات قهرمانی کشتی آزاد کشور در اصفهان و خراسان در سالهای ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲، فرد برتر کشتی اراک بالغ بر ۲۰ سال در وزن ۶۲ کیلوگرم و عضو اولین دوره هیئت مدیره ورزش باستانی کشور در سال ۱۳۵۸ بنابه انتصاب پهلوان حاج مصطفی طوسی.

- محمد شمس فرزند حاج حبیب الله شمس از باستانی کاران فعال استان مرکز قلمداد می شود.
- مصطفی شمس مرشد زورخانه راه آهن و قهرمان میل بازی استان مرکزی که سه دوره در مسابقات قهرمانی کشور شرکت داشته است.

- ابراهیم شمس فرزند حاج حبیب الله از مدرسین مرکز آموزش ماشین سازی اراک و سرپرست ورزش باستانی مرکز فوق است. فرزندان وی: رضا دانشجوی رشته الکترونیک و قهرمان ۱۲ ساله شنای کراال ۱۰۰ متر و دیگری روزبه قهرمان ۶ ساله شنای ۵۰ متر قورباغه که هر دو شنا را از ۵ سالگی شروع نموده اند.

- محمدنقی شمس از مرشدان قدیمی و کهنه سوار به شمار می رود.
- عطاالله شمس مربی ورزش باستانی دغانیات و نفر دوم کباده در رده سنی ۶۰ - ۵۰ سال در سال - ۱۳۷۲ بوده است.

- محمود شمس برادر حاج حبیب الله کشتی گیر و مؤسس و سرپرست زورخانه راه آهن اراک در سال

- ۱۳۵۸ و سرپرست تیم اعزامی بزرگسالان در سال ۱۳۷۴ بوده است .
- رضاهمشیره زاده حاج حبیب الله شمس کلاهی نفر دوم کشتی آزاد ارتشهای ایران در وزن ۷۲ کیلوگرم در سالهای ۵۵ - ۵۶ .
- مهندس اسماعیل شمس فرزند حاج حبیب الله . دارای درجه فوق لیسانس کشاورزی و شیلات از دانشگاه تهران؛ مدرس رشته شیلات، داور ممتاز کشتی آزاد و فرنگی از سال ۷۱ و داور و مدرس داوری و مربیگری فدراسیون باستانی ، رئیس فعلی فدراسیون و سرپرست هیئت کشتی جهاد- و سرپرست اعزامی تیم ایران به کشورهای مالزی و ترکمنستان در سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ .
- عناوین قهرمانی وی شامل ، فراول چرخ چمنی و کباده و نفر دوم سنگ سال ۱۳۵۸ نامبرده در سال ۵۸ سه عنوان قهرمانی بدست آورد : قهرمان کباده و کارگری به همت وزارت کار مقام اول و نفر دوم و سوم کباده سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۶۳ و همچنین نفر دوم کباده و سنگ مسابقات ورزش باستانی به همت مرحوم نامجو در سال ۱۳۵۴
- صادق شمس دارای درجه لیسانس شیمی و از چرخنده های تیز می باشد.
- امیرشمس مدیرملمی پوشان ، چرخنده تیز و کباده زن و ۳ دوره شرکت در مسابقات قهرمانی کشور و نیز عکس ۴ سالگی وی پس از چرخیدن روی دست پهلوان سجادی در کتاب آقای تهرانچی ص ۲۵۰ چاپ گردیده است .
- سعید شمس دارای درجه لیسانس زیست شناسی و از چرخنده های تیز و نفر دوم چرخ چمنی سال ۱۳۶۴
- حاج منصور شمس نفر دوم مسابقات میانمداری قهرمانی کشور در شهرستان قزوین ، در سال ۱۳۷۲ در رده سنی ۶۰ - ۵۰ سال ، سرپرست سابق زورخانه صالحیون اراک و از کباده زنهای و شیرین کارهای خوب به شمار می رود.
- جواد همشیره زاده حاج حبیب الله قهرمان کشتی آزاد ارتش های ایران در سال ۱۳۴۸
- محسن پسر دایی حاج حبیب الله نفر سوم کشتی آزاد قهرمانی آموزشگاههای ایران سالهای ۱۳۴۸ - ۱۳۴۹ و داور درجه یک بین المللی
- رضا و روزبه از قهرمانان شنای کراول و قورباغه ۵۰ متر و ۱۰۰ متر
- حسن از کباده زنهای مطرح به شمار می رود.
- محمود علی فوتبالیست و چرخنده ، دانشجوی کامپیوتر و رزمی کار و کباده زن .
- احسان فوتبالیست و چرخنده .



ردیف ایستاده به ترتیب از سمت راست :

محمدتقی شمس ، حاج حبیب الله شمس . - نفرات وسط از سمت راست : عطاالله شمس ، محمد شمس ، مصطفی شمس ، ابراهیم شمس ، محمدتقی شمس ، محمود شمس ، رضا. نفرات نشسته : از سمت راست : مهندس اسماعیل شمس ، صادق شمس ، امیر شمس ، سعید شمس ، حاج منصور شمس .

پهلوان نامدار قلندرلکی (۱) (۲)

پهلوان نامدار قلندرلکی ۱۲۹۸ - ۱۳۳۰ (ه. ق.) فرزند فتح علی در شهر پهلوان پرور کرمانشاه پای به - عرصه وجود گذارد و در همان بدو تولد به علت اندام درشت نسبت به نوزادان دیگر استثناء بود. نامدار در سنین کودکی مادر خود را از دست داد و به همین سبب بیش از پیش مورد توجه مشهدی فتح علی و اقوامش از جمله پهلوان رضا پدر مادرش قرار گرفت؛ به طوری که پهلوان رضا هر روز عصر به در مکتب خانه‌ای که نامدار، در آن درس می‌خواند می‌رفت و او را به زورخانه خودش می‌برد. این کار ادامه یافت؛ تا اینکه در سنین جوانی، نامدار در میان همسالان خویش یک سرگردن از همه برتر شد. پس از کسب موفقیت‌های چشم‌گیرش در کرمانشاه راهی عتبات عالیات شد و چندین ماه در کربلا و نجف رحل اقامت افکند. هر روز به زورخانه‌ها می‌رفت، ورزش می‌کرد و کشتی‌های پیروز می‌گرفت و شبها به زیارت می‌رفت، اشک می‌ریخت و عبادت می‌کرد.

بازگشت پهلوان نامدار به ایران

در سال ۱۳۱۰ (ه. ق.) پهلوان نامدار پس از رد کردن پیشنهادات بسیار از سوی بزرگان عراق برای اقامتش در آن کشور، در انبوه پهلوانان و باستانی کاران بدرقه‌کننده عرب عازم میهن خویش گردید. در خسروی پهلوانان و پیش کسوتان کرمانشاهی به استقبالش شتافته بودند. پهلوان رضاعلیندکرمانشاهی چشمان او را بوسید و گفت: پهلوان تو مایه افتخار مایی. پهلوان مهدی دایی مهربانش سخت او را در آغوش فشرد و گریست و گفت: اگر مادرت زنده بود؛ حالا دیگر لباس دامادی به تنت می‌کرد.

پهلوان نقی سربابی دو طرف صورت او را بوسید و گفت:

- در واقع تو یک سهرابی، نه یک انسان معمولی باید به شکرانه این همه نعمت و بزرگی به جوانان همسن و سال خود، کشتی بیاموزی.

و مشهدی فتح علی به اتفاق تعداد زیادی از تجار و کسبه شهر به استقبال فرزند دلاورش قدم رنجه کرده بود:

- پسر من به سرزمین آباء و اجدادیت خوش آمدی.

پهلوان نامدار به نصایح پیش کسوتان و بزرگان خویش گوش فراداد و زان پس بیشتر وقت خود را

۱ - بازماندگان «پهلوان نامدار قلندرلکی» نام فامیلی «بیانی» دارند.

۲ - - به علت دیر رسیدن مطالب؛ شرح حال این پهلوان در این قسمت از کتاب جای گرفت. - مؤلف.

صرف آموختن فنون کشتی پهلوانی به نوجوانان و جوانان دیار دلاور پرورش نمود. از جمله توانست شاهرخ، پسر غیور و شجاع فرخ خان ایلخانی مالک روستای چمچمال را به خوبی تعلیم دهد. به طوری این جوان مترس در یک درگیری با سپاه سالارالدوله، یک تنه با آنان، به نبرد برخاست و با مهارتی که در اسب سواری و تیراندازی داشت قلب سپاه را شکافت. اما ناجوانمردانه از قفا مورد اصابت گلوله دشمن واقع گردید. دیگر از شاگردان پهلوان نامدار «پهلوان علی اصغر گردکرمانشاهی» پهلوان نامی این دیار است که همواره خود را مدیون تعلیمات و زحمات استادش پهلوان نامدار می دانست.

کشتی پهلوان نامدار با پهلوان سید تهرانی

در سال ۱۳۲۸ (ق. ه. ق.) پهلوان سید تهرانی در پی کشتی گرفتن، شهر به شهر تا کرمانشاه، می آید و بر پهلوانان غلبه می کند. در کرمانشاه به زورخانه سنگ تراشهای رود و پس از ورزش، به خیر که می کنند طلب کشتی می کند و بر تعدادی از کشتی گیران چیره می شود. در این هنگام پهلوان نامدار در روستای چمچمال نزد فرخ خان ایلخانی در محلی که خان برایش فراهم نموده بود به ورزش و تعلیم فنون کشتی به جوانان قوی بنیه روستایی مشغول بود. با مشورت پهلوان نقی سربابی و مشهدی فتح علی پدر پهلوان نامدار پیکمی به جانب او گسیل می دارند که آب دست هست نخور، برخیز یا کرمانشاه آبروی پهلوانان شهر حسین گلزار در خطر است.

پهلوان نامدار، عزم را جزم کرده و راهی کرمانشاه می گردد. در روز ورود بدون معطلی به زورخانه می رود و با پهلوان تهرانی سرشاخ می شود. کشتی این دو ابر مرد تا غروب آفتاب به طول می کشد. مرشد ابراهیم لنگ چهار تا شده ای از محل سردم بر می دارد که لنگ بیاندازد و کار را خاتمه دهد در این اثناء پهلوان نامدار متوجه می شود. کشتی را متوقف می کند و خطاب به مرشد ابراهیم چنین می گوید: - دست نگهدار مرشد، شما را به محراب خونین مولام علی (ع) قسم می دهم که اگر کشتی ما دو نفر سالها به طول انجامید، بین ما لنگ نیاندازید.

و بدین ترتیب با صلوات حاضرین غایله ختم پیدا می کند و روز بعد کشتی ادامه می یابد. در ظهر روز سوم که چندین ساعت از کشتی دو پهلوان سپری شده است، پهلوان تهرانی ناگهان روی پشت پهلوان کرمانشاهی خیمه می زند که پهلوان نامدار از فرصت استفاده می کند و با زیرکی و قدرت هر چه تمامتر دو دست خود را دور کمر او حلقه می کند که از زمین بلندش کند، پهلوان تهرانی یا جدا می گوید و با یک چرخش خود را نجات می دهد. اما پهلوان کرمانشاهی که تصمیم گرفته بود؛ کار را تمام کند، مجدداً حریف قدر را می گیرد، و با قدرت هر چه تمامتر او را از جای بر می کند، چنان که لبه گود نیز در چنگهای پهلوان تهرانی جای کن می شود. با غلبه کردن پهلوان کرمانشاهی بر پهلوان تهرانی غریو صلوات از هر طرف بر می حیزد و مرشد بر آتش اسپند می پاشند.

مرگ ناگهانی پهلوان نامدار

در سال ۱۳۲۹ (ه. ق.) درست در بحبوحهٔ سنین قدرت و جوانی پهلوان نامدار قلندرلکی در حین تمرین کشتی با پهلوان نقی سرابی از ناحیه شکم دچار ضربه‌ای سخت و ناخواسته می‌گردد؛ آرنج راست پهلوان نقی محکم به روی شکم او فرود می‌آید؛ پهلوان نامدار از حالت عادی خارج می‌شود و مدت یک سال در منزل بستری می‌گردد و سرانجام در هفتم محرم سال ۱۳۳۰ به سرای باقی می‌شتابد. مرگ پهلوان جوان کرمانشاهی «مردم کرمانشاه» را سیاه پوش و عزا دار می‌سازد و خاطره قدرت و جوانمردی پهلوان برای همیشه در سینه‌ها جاودانه می‌گردد.

پهلوان ابراهیم حلاج یزدی معروف به: «پهلوان یزدی بزرگ»^(۱)

ابراهیم یزدی فرزند دلاوری از یزد در عصر قاجار قدم به عرصه وجود گذارد. در کتاب تاریخ ورزش - باستانی ایران تألیف مرحوم حسین پرتو بیضائی کاشانی دامنه زندگیش بین سالهای ۱۲۴۵ - ۱۳۲۰ (ه. ق.) ثبت شده است، اما طبق شواهد و قرائن و سن پهلوانان معاصر وی، تولدش می‌بایست حدود پانزده سال دیرتر صورت گرفته باشد، یعنی حدود سال ۱۲۵۵ (ه. ق.) و چون این پهلوان به سن کهنوت رسیده است، به همان نسبت تاریخ وفاتش نیز بیش از سال ذکر شده است.

ابراهیم در عنفوان جوانی از قامتی رشید و هیکلی استثنایی برخوردار بوده است، لیکن به دلیل ضیق مالی امکان ورزش و کشتی برایش فراهم نبود و در اندیشه معاش در یک کارگاه حلاجی به شغل حلاجی اشتغال یافت. تا اینکه روزی حاکم جدید یزد که با تشریفات خاص وارد شهر شده بود، چشمش به قدو بالای این جوان برومند افتاد^(۲) و پس از جلوس کردن بر تخت، او را به مقرر حکومتی طلبید و پس از به خدمت گرفتن او، هزینه ورزش را در اختیارش گذارد و ابراهیم نیز به ورزش و تمرین کشتی پرداخت و یری نیابید که یکه پهلوان یزد شد. حاکم در اندیشه ی پهلوانی پای تخت او را به تهران گسیل داشت.^(۳)

۱ - در کتاب «تاریخ ورزش باستانی یزد» تألیف «محمد کلاهی» از این پهلوان با شهرت «پهلوان بزرگ یزد» یاد شده است.

۲ - «یزدی با ۲۲۵ سانتیمتر قد و ۱۸۳ کیلو وزن نیروئی هم به همین نسبت دارا بوده است» [تاریخ ورزش باستانی یزد ص -

۳ - مرحوم حسین پرتو بیضائی کاشانی در کتاب خود «تاریخ ورزش باستانی ایران» قسمت گفتار ۱۱، صص ۱۴۴ - ۱۴۵ چنین درج نموده است: «پهلوان ابراهیم در سال ۱۲۴۵ هجری قمری در شهرستان یزد تولد یافته پدرش آقا غلامرضا یزدی در

در آن زمان ، پهلوان شعبان سیاه قمی صاحب بازوبند پهلوانی پای تخت بود و بادیدن هیکل و قد - برافراشته پهلوان یزدی به فراست دریافت کارش تمام است ، لیکن در لحظه مصاف به حيله ، یک سیلی توی صورت پهلوان یزدی می زند و تا پهلوان یزدی می خواهد بدین عمل غیر معقول معترض شود ، شعبان سیاه قمی با استفاده از فن سربند پی بر او چیره می شود.^(۱) پهلوان یزدی به یزد بازمی گردد و ورزش را ادامه می دهد و روزی هزار شماره حرکات ورزشی را انجام می دهد. دو لنگه سنگش حدود ۲۱۶ کیلوگرم معادل ۳۶ من پادشاه و یک جفت میلش حدود ۶۰ کیلوگرم^(۲) وزن داشته است .

کاروانسرای میدان خان در یزد تجارت پنه می کرده . پهلوان ابراهیم در ایام صباوت به یادرد سدیدي متلا می شود و اطای آنجا ورزش را برای او تجویز می کنند. وی در سن ۱۲ سالگی شروع به ورزش کرده و به فاصله مدت کمی چنان اسحوان بدی او درشت می شود که آشنایان سابقش در محله های دیگر یزد اورانمی شناخته اند و در طرف مدتی که کمتر از هفت هشت سال نبوده است ، چنان در ورزش و کشتی ترقی می کند که تمام هم قدرهای خود را در یزد مغلوب می سازد و خبر او به تهران و به عرض ناصرالدین شاه قاجار می رسد. به دستور پادشاه حاج حسن معروف به «بدافت» که در آن وقت پهلوان باشی دربار بود برای آوردن پهلوان ابراهیم به سوی یزد حرکت و پهلوان را به تهران می آورد... در سال ۱۲۶۶ هجری قمری شب عید نوروز به شهر ری «حضرت عبدالعظیم علیه السلام» وارد و شب را در آنجا مانده و صبح با پوشیدن تئکه در زیر لباس به شهر حرکت ولدی الورود در میدان ارک به حضور شاه معرفی و بلافاصله به قضاوت حاج حسن پهلوان باشی و جمعی دیگر با «پهلوان حبیب الله مراغه ای» پهلوان معروف و سنگین وزن آن زمان کشتی گرفته ، او را مغلوب می سازد «آقای حسن میرنی» در کتاب «پهلوان آئینه پهلوان نما» صص ۴۳۴ - ۴۳۵ آورده است که «حاج حسن بدافت» که با «پهلوان شعبان سیاه قمی» دشمنی دیرینه داشته است ؛ در پی جستجوهای مداوم خویش ، در یزد، چشمش به «ابراهیم حلاج» می افتد ، به او کشتی می آموزد و به تهران می آوردش . اما در کتاب «تاریخ ورزش باستانی یزد» ، ص ۵۷ چنین می خوانیم : «حاکم از موفقیت خود که پهلوانی را تربیت کرده خوشحال می شود و مصمم می گردد پهلوان را برای کشتی با پهلوان پایتخت که در آن موقع به نام - پهلوان شعبان سیاه بود بفرستد.

۱ - موضوع سیلی زدن «پهلوان شعبان سیاه قمی» به «پهلوان یزدی» در صفحه ۵۹ کتاب «تاریخ ورزش باستانی یزد» درج گردیده است . اما در صفحات ۴۳۴ - ۴۳۵ کتاب «آئینه پهلوان نما» تألیف «حسن میرنی» چنین می خوانیم : «شعبان که پهلوانی با تجربه و خیلی زرنگ بود به طرف این هیولای دلاور هجوم برده فریاد می زد اقبال سلطان عادل فرو می کوبد و تا یزدی به خود می چند که در کشتی را به بندد شعبان با چابکی در همان دقیقه اول برخلاف پندار همه با یک سربندی کار حریف را می سازد و یزدی نقش بر زمین می شود.

۲ - در کتاب «تاریخ باستانی یزد» آمده است که اسباب ورزشی پهلوان یزدی هم اختصاص به خود او داشته ، از جمله سنگهای

پیروزی «پهلوان ابراهیم یزدی» بر «پهلوان شعبان سیاه قمی»

دو سال پس از نخستین کشتی پهلوان یزدی و پهلوان شعبان سیاه قمی، برای بار دوم پهلوان ابراهیم راهی تهران گردید و در سلام نوروزی با حضور ناصرالدین شاه در میدان ارک با همان فن سربندی بر پهلوان شعبان سیاه قمی غالب گردید ناصرالدین شاه بر بازوی او بازوبند پهلوانی بست و خلعتش نمود. بدین منوال پهلوان ابراهیم یزدی به مقام پهلوانی پایتخت نایل گردید. در اسناد - مکتوب بسیار از جمله در کتابهای آئینه پهلوان نما و تاریخ ورزش باستانی یزد شرح دلاورها و پیروزیهای شگفت انگیز پهلوان یزدی بر دیگر دلاور مردان درج شده است. در این رابطه از پهلوان - صفر کرمانشاهی، پهلوان حسین گلزار کرمانشاهی^(۱)، پهلوان یحیی قزوینی، پهلوان مهدی سیاه نعلبند، پهلوان حبیب مراغه ای، پهلوان شعبان سیاه قمی [برای بار دوم]، پهلوان ابراهیم سیستانی و...

کشتی پهلوان ابراهیم یزدی با پهلوان ابراهیم سیستانی در زورخانه حمام خرقانی هابیش از اینکه در کشتی اول پهلوان ابراهیم یزدی با پهلوان ابراهیم سیستانی که دوازده دقیقه به طول

او که در یزد برای خود ساخته و با آن ورزش می کرده، بعد از آمدن به تهران آنها را از یزد می خواهد، مرحوم نواب بزرگ یزدی آن سنگها را به وسیله شتر به تهران می فرستد سنگهای مزبور از چوب بوده، ولی حواشی آن سرب ریزی شده بود و هرلنگه آن ۱۸ - م س شاه یعنی (۱۰۸ کیلو) وزن داشته است و همین طور به میلیهای آن پهلوان که به همان حال سابق باقی مانده بود و در باشگاه - جعفری از آن نگهداری می شد ولی در سال ۱۳۴۲ شمسی طعمه حریق گشت و هرلنگه آن ۲۸ کیلو و جفت آن ۵۶ کیلو وزن داشت. همچنین کبابه او که باید به همین منوال قیاس کرد. [ص ۷۰]

۱ - شرح کشتی «پهلوان حسین گلزار کرمانشاهی» با «پهلوان ابراهیم یزدی» در قسمت شرح حال «پهلوان حسین گلزار» در همین کتاب به فلم حقیر آمده است که طبق تحقیقات و شواهد بسیار «پهلوان حسین گلزار» در سفر دوم خود به تهران به طرز شگفت انگیزی بر «پهلوان ابراهیم یزدی» پیروز می شود؟ به نحوی که «پهلوان ابراهیم» در حالی که در خاک «پهلوان حسین - گلزار» فرار گرفته است، با دست پایه نختی که سه تن از شخصیت های حکومتی بر آن نشسته اند، می گیرد و «پهلوان کرمانشاهی» جان قدرتی به کار می گیرد که

به درون حوض وسط «میدان ارک» پرتاب می شوند. بدیهی است که خشم شخصیت های حکومتی و درگیری غلامان شاه با «پهلوان حسین گلزار» سبب پامال شدن حق مسلم «پهلوان کرمانشاهی» گردیده است. نقل شده است که «ناصرالدین در ملاقاتش با «پهلوان حسین گلزار» چنان خشمگین می شود که دستور به قتل او می دهد. اما با پادرمیانی کردن «پهلوان ابراهیم یزدی» که در جوانمردی و اخلاق نیکو، سرآمد روزگار خویش بوده است، از قتل «پهلوان حسین گلزار کرمانشاهی» صرف نظر می کند. - مؤلف.

انجامید و پهلوان سیستانی در اثر زمین خوردن از ناحیه سر زخم برداشت. ناصرالدین شاه عریضه پهلوان سیستانی را مبنی بر تقاضای کشتی مجدد پذیرفت و خطاب به غلامحسین خان خزانه دستور داد در زورخانه خرقانی ها که متعلق به خود غلامحسین خان خزانه بود کشتی دو پهلوان را اداره کند. پهلوان یزدی به ناصرالدین شاه قول داد زانوان خود را بر زمین بگذارد و با او کشتی بگیرد. در کتاب تاریخ ورزش باستانی یزد آمده است که پهلوان یزدی چهل و هشت قبل از روز موعود کنج عزلت اختیار و با خدای خود به راز و نیاز می پردازد و در روز موعود در حالی که زانوانش را بر کف گود زورخانه می گذارد، حریف قدر خویش را به روی سر می برد و بر زمین می زند.

سفرهای پهلوان ابراهیم یزدی

پهلوان ابراهیم یزدی در سفرهای بسیاری ملتزم رکاب ناصرالدین شاه بود. از جمله:

۱ - سفر به عتبات عالیات، سوار بر اسب قزل پر نیروی خود ۷ پیشاپیش کالسکه شاه.

۲ - سفر به شوروی

در این سفرها، پهلوان یزدی با پهلوانان دیگر بلاد کشتی گرفت و هربار به نحو شگفت انگیزی آوازه نام - ایرانی را بلندتر می نمود.

افول پهلوان

هر نیرویی سرانجام روی به افول می نهد و این قانون عمومی علم و خلقت است و تنها، یادگار خوبیها و بدیهای انسانی جاودانه خواهد ماند. با این وجود عمر دلاوری و پهلوانی، یزدی بزرگ کم نظیر قلمداد شده است ... ماجرای روزهای آخر قدرت نمایی این پهلوان استثنایی تاریخ پهلوانی در ایران، چنین است که پهلوان حاج سید کاظم ضابط آستان مقدس حضرت رضا(ع) پس از مشاهده نیرو و آمادگی اکبرخراسانی یکی از شاگردان زیرک و پر پشتکار خود، بدو توصیه می نماید به منظور احراز مقام پهلوانی پایتخت به تهران برود. اکبر خراسانی در تهران به محل پاتوق پهلوان ابراهیم که زورخانه - سقاخانه نوروژ خان بوده است رفت و از وی طلب کشتی نمود... ابتدا پهلوان ابراهیم او را لایق ندانست، لیکن در برابر ابرام و پافشاری جوان خراسانی تسلیم شد و در روز موعود، در میدان ارک و در حضور ناصرالدین شاه با یکدیگر کشتی گرفتند. ابتدا اکبر از دست پهلوان ابراهیم فرار می کرد، اما با اعتراض پهلوان ابراهیم، به دستور شاه، حاجب الدوله پیش قبض اکبر را گرفت و او را رو در روی پهلوان پایتخت قرارداد. پهلوان ابراهیم، اکبر را با استفاده از فن ابتکاری خود، کُنده یزدی بند مغلوب ساخت. اکبر خراسانی به دیار خویش بازگشت و همچنان تمرینات کشتی را پی گرفت و سال

بعد برای باردوم به تهران رفت و یاجود اینکه در زورخانه سقاخانه نوروزخان^(۱) چندین بار از پهلوان - ابراهیم یزدی شکست خورد، در روز موعود، در حضور شاه با حریف خویش که حدود پنجاه سال از سنش می‌گذشت و پاهایش به شدت درد می‌کرد مساوی نمود.^(۲) ناصرالدین شاه نیز که می‌دید پهلوان یزدی بزرگ دوران جوانی و طراوتش سپری گشته، با اعطاء مقام پهلوان باشی^(۳) بدو، اکبرخراسانی رابه عنوان پهلوان پایتخت برگزید.

اقوال و حکایاتی درباره «پهلوان ابراهیم یزدی بزرگ»

درباره قدرت فوق العاده، شهامت استثنایی و تنومندی پهلوان ابراهیم یزدی مطالب بسیار نقل شده - است. از جمله می‌گویند روزی پهلوان در قهوه خانه‌ای که در خیابان ناصریه واقع بود و به خود او تعلق داشت نشسته بود، جوانی به مدخل قهوه خانه می‌آید و پهلوان را طلب می‌کند تا با او کشتی بگیرد، و هنگامی که می‌خواهد داخل قهوه‌خانه شود، پهلوان به پاهای او تکیه می‌زند، جوان از حرکت باز می‌ایستد و تکانش بریده می‌شود و به تعذر می‌افتد. - روزی که پهلوان برای تماشا به باغ وحش نظامیه مجلس رفته است، متوجه می‌شود عده‌ای از مردم در حال فرار کردن هستند، چون بیری از قفس گریخته، کسی را افتاده است. پهلوان درنگ نمی‌کند، در برابر بیر می‌ایستد، با او سرشاخ می‌شود و به رویش خیمه می‌زند، بیر در زیر بدن ۱۸۳ کیلویی پهلوان به ناله می‌افتد و رام می‌شود. آنگاه پهلوان خطاب به علی شیربان می‌گوید:

- علی بیا گربه ات را بگیر.

۱ - این زورخانه را «زورخانه گذر نوروزخان» نیز گفته اند.

۲ - در صفحه ۱۴۸ کتاب «تاریخ ورزش باستانی ایران» تألیف مرحوم حسین پرتو بیضائی کاشانی و در صفحه ۷۴ کتاب «تاریخ ورزش باستانی یزد» تألیف: محمد کلاهی چنین آمده است: «آنچه تحقیق شده و به ثبوت رسیده پهلوان مزبور از روزی که بای به پایتخت نهاده تا وقتی که از کشتی گرفتن کناره گیری نموده از هیچکس در کشتی مغلوب نشده زیرا علاوه از براعتی که در فن خود داشته است، وزن بدن او ۶۱ من (یعنی ۱۸۳ کیلو) بوده و از جای کندن چنان هیکل سنگین برای همه کس مقدور - نبوده است.» اما مؤلفین محترم کتب مذکور در تحقیقات خویش از کشتی دوم «پهلوان ابراهیم یزدی» با «پهلوان حسین - گلزار کرمانشاهی» مطلبی کسب ننموده‌اند.

۳ - «فضاوت کشتی میدانی به عهده رئیس پهلوانان «پهلوان باشی» بود که این سمت در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه به عهده - حاج حسن بدافت و در اواخر به عهده پهلوان یزدی بزرگ بود. پهلوان باشی نیز جمعی از اساتید و پهلوانان قدیمی را در این صحنه شرکت می‌داد.» [«تاریخ ورزش باستانی ایران» به قلم: حسین پرتو بیضائی کاشانی، گفتار ۹ - ص ۸۰]

در کتاب تاریخ ورزش باستانی یزد از قول مرحوم میرزا عبدالحسین علیشاهی^(۱) نقل شده است که فقط توی یک لنگه کفشش چهارمن تبریز (۱۲ کیلوگرم) گندم جا می‌گرفته وانگشتی عقیقش به اندازه‌ی مچ یک آدم معمولی بوده است ...

مرشد رستم که مردی بلند قامت با ریش دو شاخ بوده و به مقام کهنه سواری رسیده بود در زورخانه‌ی نوروزخان برای پهلوان ابراهیم یزدی ضرب می‌گرفته و شعر می‌خوانده است. در کتاب تاریخ ورزش باستانی یزد آمده است: می‌گویند پهلوان یزدی هر موقع به ورزشخانه ای غیر از زورخانه نوروزخان می‌رفته موقعی که لباس خود را به قصد ورزش و کشتی در می‌آورد، یک گوشه پیراهن خود را به بالای سر دم می‌زده و یک آستین پیراهن را به سه گوش به عرض زورخانه به میخ می‌زده، هرکس وارد می‌شد و یا پهلوانی قصد کشتی گرفتن در این ورزشخانه را داشت از پیراهنی که مانند طناب زورخانه را گرفته بود وجود پهلوان یزدی را درک می‌کرده و داخل زورخانه نمی‌شده و راه خود را می‌گرفته و می‌رفته است. [ص ۷۰ - ۷۲]

مرگ پهلوان

در کتاب «تاریخ ورزش باستانی ایران» در گفتار ۱۱، صفحات ۱۴۸ - ۱۴۹ آمده است: «.. بعد از وفات ناصرالدین شاه، دیگر ریش خود را خضاب نکرده و در مدت هفت سالی که بعد از ولی نعمت خود زنده بوده است، لباس عزا از تن خود خارج نمی‌کند!

سال وفاتش ۱۳۲۰ هجری قمری و روز وفاتش اول فروردین و برابر با همان روزی بوده که به تهران وارد شده است و بنابه وصیت وی جنازه او چند سال امانت بوده تا به نجف اشرف حمل شود، چون وسائل این کار فراهم نمی‌گردد، آقای پهلوان زاده استخوانهای او را به قم برده و در محلی بین حوض و چهل چراغ صحن مقدس حضرت معصومه علیهاالسلام به خاک می‌سپارد و روی سنگ قبرش تصویر شیری نقش گردیده و اکنون هم موجود است.»

آنچه که در زندگی پهلوان یزدی بزرگ اهمیت بسیار داشته، اخلاق نیکو و روح جوانمردی وی بوده است و به همین دلیل نام بزرگ این پهلوان استثنایی همواره به نیکی در لوح تاریخ پهلوانی جاودانه گشته است که این خود از افتخارات مردم یزد همچنین دیگر ایرانیان به شمار می‌رود.

۱ - میرزا عبدالحسین علیشاهی - معروف به قیابدار از پهلوانان معروف قم و پدر آقای حاج بدالله علیشاهی پهلوان قمی است - وی از قدمای ورزشکاران و پهلوانان قم است. [«تاریخ ورزش باستانی ایران» تألیف: حسین پرتو بضانانی کاشانی، گفتار - ۱۱،

ورزشکاران و پیش کسوتان باستانی معاصر کرمانشاه^(۱)

- ۱ - سید محمد تهامی
- ۲ - مشهدی عباس بی حیلہ
- ۳ - مشهدی اسدالہ بی حیلہ
- ۴ - حاج فتح الہ قانونی
- ۵ - امیرافشار
- ۶ - غلام جاویدان
- ۷ - حاج اصغر قبائیان
- ۸ - قاسم طشتی
- ۹ - محمدرضا پنه ده
- ۱۰ - ابراهیم نویدی
- ۱۱ - حسن آقایی
- ۱۲ - حسن رحیم پور
- ۱۳ - محسن پوپ
- ۱۴ - جعفر (شاهپور) بی بی زاده
- ۱۵ - جلیل خدادادیان
- ۱۶ - جهانگیر هددهی
- ۱۷ - خلیل گردانی
- ۱۸ - جلال گردانی
- ۱۹ - مرتضی رستمی
- ۲۰ - محسن جهانی
- ۲۱ - حسن صاحب جمعی
- ۲۲ - محمدرضا بهره بر
- ۲۳ - فرهاد فیض حری
- ۲۴ - اصغر بهرامی
- ۲۵ - شهاب نجفی
- ۲۶ - شهرام مکی
- ۲۷ - مجید پندده
- ۲۸ - مرشد محسن کبیرقندی
- ۲۹ - جعفر جوادفر
- ۳۰ - یوسف چاردولی
- ۳۱ - جهانبخش رشیدی
- ۳۲ - حسن اشرف آبادی
- ۳۳ - یداله محمدی پور
- ۳۴ - اردشیر کنجیدی
- ۳۵ - عباس بهمنش
- ۳۶ -

و دیگران عزیزانی که در این جلد مطرح نشده‌اند.

۱ - این باستانی کاران در مجلدات بعدی تاریخ پهلوانی شرح خواهند شد.

حُسن ختام

به سبب اینکه مرحوم پهلوان آقاسید حسن شجاعت در حَقّ پهلوانان کرمانشاهی محبتی خاص داشته است؛ و نسبت به کشتی پهلوانی و سنت و فرهنگ باستانی ایران زمین اشراف داشته و هراز چندگاه به کرمانشاه سفر می‌کرده است؛ از این رو به عنوان حُسن ختام کتاب، شمه‌ای از سرگذشت این قَدَر مرد شرح می‌شود:

پهلوان حاج سید حسن شجاعت معروف به: پهلوان آسید حسن رزّاز
حاج سید حسن شجاعت، ۱۲۳۷ - ۱۳۲۰ (ه. ش.) (۲) در شهر دریاگون تهران پای به عرصه وجود گذارد. پدرش سید اسماعیل مردی معقول و متدین بود. سید حسن نیز تحت تأثیرات فرهنگ خانوادگی خویش، از همان کودکی علاقه ای وافر به دین و مذهب در قاموس وجودش نشست. وی پس از اتمام تحصیلات قدیمه در زادگاهش، به یاری پدر به نجف اشرف رفت و در مدرسه آخوندملا - محمّدکاظم خراسانی به تحصیل علوم دینی مشغول گشت. پس از بازگشت به کشور، به دستور محمّد - علی شاه قاجار به زندان قصر افتاد (۳) و پس از مدّتی به وساطت یکی از نزدیکان شاه از زندان آزاد شد. سید حسن شجاعت در اوآن جوانی قدم به زورخانه گذارد و در این سلک مردانه، مداومت ورزید تا سرآمد سرجُنبانان کشتی باستانی گردید و در سفرهای ورزشی اش به دیگر شهرهای ایران، پهلوانی خود را بر همگان به اثبات رساند. این پهلوان هرگز از طریق زوربازو ارتزاق نمی کرد و در خیابان سیروس تهران فروشگاه رزازی داشت از این رو به وی رزّاز گفته اند.

پهلوان آقاسید حسن رزّاز که به حَقّ کُنیه اعظم پهلوانان یافته است بر پهلوانانی غلبه کرده که شکست دادن آنان کاری بس خارق العاده به شمار می رفته است. از جمله: پهلوان حاجی علی - رستم آبادی، پهلوان اصغر نجار، پهلوان مهدی خان سیف الملک، پهلوان نایب علی خان ملک، پهلوان غلام تجریشی، پهلوان هاشم عرق گیر، پهلوان ابوالقاسم ارکی، پهلوان سید موسی - درخونگامی، پهلوان علی میرزاهمدانی و ... را می توان نام برد. نکته مورد توجه این است که پهلوانان مزبور خود به برتری حاج سید حسن اذعان داشتند و کشتی گرفتن با او را افتخار می دانستند.

۲- (آئینه پهلوان نما) تألیف: (حسن میرثی)

۳- در کتاب (پژوهشی در ورزشهای زورخانه ای) نگارش: محمّد مهدی تهرانیچی، در ص ۲۲۶، درباره «پهلوان حاج سید حسن رزّاز» چنین آمده است: «فداکارهای او نسبت به مشروطه خواهان تهران توجّه محمّد علی شاه را جلب کرد و به جرم مشروطه خواهی مدّتی را در زندان قصر به سر برد که گویا محکوم به اعدام هم بوده ولی یکی از درباریان خیراندیش مانع قتل سید حسن می شود.

امراء نیز کشتیهای حاج سید حسن را ارج می نهادند و با تشریفات و مراسم سنتی خاص، میادین و زورخانه های خود را گلریزان می کردند. به عنوان مثال کشتی پهلوان اصغر نجار و پهلوان حاج سید-حسن در زورخانه امیراعظم^(۱) و با مراسم خاص و گلریزان در حضور بزرگان، حکومتی ها و سرجنابان کشتی انجام شد. همچنین در کشتی حاج سید حسن با پهلوان علی میرزا همدانی که از پهلوانان بنام روزگار بود به دستور اکبر خان پامناری پیش کسوت و مشطی^(۲) معروف زمان، در زورخانه دنگی گلریزان شد، همه از چهار اطراف تهران به تماشای این کشتی بزرگ آمدند. حاج سید-حسن بر پهلوانی که نامش لرزه بر دلها می افکند برتری یافت.

کشتی پهلوان حاج سید حسن با شاگردان پهلوان ابوالقاسم قمی

از آنجا که پهلوان حاج سید حسن شجاعت خود را وصل به حق می دانست، هیچگاه ترس و دودلی به خود راه نمی داد و با هرکس که می گفتند، مصاف می داد. از جمله زمانی که پهلوانانی چون ابوالقاسم ارکی، حاجی آقادراندرونی، غلام تجربیشی و... که از تعلیم دیدگان پهلوان نامی کشور، ابوالقاسم قمی بودند، در برابر وی ایستادند. حاج سید حسن بدون هیچگونه تردید، با آنان فروکوبید و در برابر دیدگان پیش کسوتان و بزرگان بر آنها فائق آمد. و این در حالی بود که پهلوان ابوالقاسم قمی شاگردان خود را چنان تعلیم داده بود که به تمامی فنون و بدل کاریها مسلط بودند.

کشتی پهلوان شاطر رمضان با پهلوان حاج سید حسن

پهلوان حاج سید حسن همیشه می گفت: اگر در برابر ضعیف تر از خود قرار گرفتید، آبروی او را حفظ کنید و مگذارید یأس و ناامیدی به دل وی راه پیدا کند. و معتقد بود که یک پهلوان باید روی خود حساب باز نکند، بلکه توکلش به خالق یکتا باشد و جز او از احدی مهراسد. از این رو برای پهلوان حاج-سید حسن نه هیبت و نام حریف مهم بود و نه تعداد آنان. وی همواره به تمرینات سخت مشغول بود و هیچگاه در مبارزات طولانی از نفس نمی افتاد؛ به اصطلاح کشتی گیران امروز، هیچگاه نمی برید، با توجه به این ویژگیهای حاج سید حسن، کمتر کسی آرزوی تفوق یافتن بر وی را در سر داشت؛ روزی شاطر رمضان پهلوان پر مدعای تهران با شیطنتی خاص پانزده تن از افراد خود را که هر کدام کشتی گیری پر فن و حيله بودند، برگزید و سرزده به پاتوق حاج سید حسن که زورخانه وزیردفتر بوده است رفتند و یک به یک با او کشتی گرفتند، که پهلوان را از نفس و تک و تابیندازند تا شاطر رمضان بر

۱- در کتاب (آئینه پهلوان نما) تألیف (حسن میرنی) نام این ورزشخانه، (زورخانه سرتخت بربریهها) ثبت شده است.

۲- «متطی» به معنای «معرفت» و «لوطی گری» و «خصایل ویژه مردانه» داشتن به کار می رود.

وی غلبه کند، اما پهلوان بر حق، افراد شاطر را یکی پس از دیگری مغلوب ساخت و نوبت که به خود او رسید وی را چندین بار متوالی به زمین زد، به طوری که شاطر با صدای بلند گفت: بس است دیگر پهلوان، به خاطر خدا بس است، قبول کردم که تو پهلوان واقعی هستی.

سفر پهلوان حاج سید حسن شجاعت به نیشابور

در زمانهای دور، مسافرت به دیگر خطه‌ها با چهارپایان پردوام، مثل شتر و یا با چهارپایان تیزرو مثل اسب انجام می‌گرفت، بنابر این سفرکردن امری دشوار و پُرخطر محسوب می‌شد؛ از این رو سفر ازدیاری به دیار دیگر دستجمعی صورت می‌گرفت تا اگر خطری چون حمله دزدان پیش آمد می‌نمود یکه و تنها نباشند. در همین دوران پر مخاطره پهلوان حاج سید حسن به اتفاق پهلوان اصغر نجار و امیراعظم تهران را به مقصد زیارت امام هشتم (ع) ترک گفت. در حوالی نیشابور اسب حاج سید حسن تاخت برداشت، در نتیجه، حاج سید حسن زودتر از همراهان خود، به شهر نیشابور رسید هنگام ورود حاج سید حسن، آفتاب طلوع کرده بود. حاجی سخت خسته بود و تصمیم گرفت به اولین زورخانه شهر برود، اندکی به استراحت بپردازد تا دوستانش وارد شهر شوند. اما همین که پای حاج سید حسن به زورخانه رسید، صدای ضرب و آوای مرشد، چنان طاقت از او گرفت که بلادرنگ لباس از تن برکند، تُنکه کشتی پوشید و به درون گود رفت، هم پای لختی‌ها ورزش کرد و پس از ختم عملیات ورزشی، بی‌توجه به خستگی راه طلب کشتی نمود. یکی از پیش‌کسوتها در پاسخ او گفت: بهتر است از خواسته خود چشم پوشی کنی؛ چون، ما همه از کشتی‌گیران نیشابوریم و خود را برای کشتی با پهلوان حاج سید حسن رزّاز آماده می‌کنیم و عنقریب به تهران خواهیم رفت. حاج سید حسن بی آنکه خود را معرفی‌کند با یک آنان فروکوبید و همه را مغلوب کرد. سپس لباس پوشید و به منظور استحمام به گرمابه عمومی جنب زورخانه رفت در این حیص و بیص امیراعظم و پهلوان اصغر نجار از راه رسیدند، به زورخانه رفتند، سراغ حاج سید حسن را گرفتند پهلوانان نیشابور نیز به محض اطلاع از حقیقت مطلب، پهلوان حاج سید حسن و دوستان او را به خانه یکی از پیش‌کسوتان بردند، جلوی پایشان گاو و گوسفند ذبح کردند و چندین شبانه روزه افتخار پهلوان حاج سید حسن میهمانی دادند.

کشتی پهلوان حاج سید حسن شجاعت با جهان پهلوان هندی سید کاکوتا^(۱)

مقارن با کناره‌گیری پهلوان حاج سید حسن شجاعت از میادین قهرمانی، سید کاکوتا جهان پهلوانی هندی که صاحب هفده مدال طلای جهانی بود؛ وارد تهران شد تا کشتی بگیرد و از دست احمد شاه قاجار مدال پهلوانی دریافت کند. این پهلوان هندی در زورخانه‌های تهران ورزش کرد و طلب کشتی

۱- در کتاب: «تاریخ ورزش باستانی ایران» تألیف: «پرتو بیصانی» در باره پهلوان سید کاکوتا و پهلوان سید حسن در ص ۲۴۹

چنین آمده است: موقعی که (سرقاخوتا) پهلوان هندوستانی که در تهران به سید کاکوتا معروف است، به ایران می‌آید از بس

پهلوانان آن عصر مرحوم شجاعت حاضر به کشتی گرفتن ناوی شده و او را مغلوب می‌سازد.

نمود. اما کسی خود را حریف او نمی دانست مردم همه نا امید شده بودند، تا اینکه جمعی از پیش - کسوتان به خانه پهلوان حاج سید حسن رفتند و از او درخواست کردند، قدم به میدان بگذارد.

حاج سید حسن با وجود سن بالا، درخواست پیش - کسوتان را پذیرفت و قرارکشتی گذارده شد. چون پیش کسوتان مطمئن بودند زورخانه ها گنجایش تماشاچیان را نخواهد داشت، محل کشتی را در خیابان قوام السلطنه تعیین کردند. در روز مسابقه، خیابان قوام السلطنه و خیابانهای اطراف از جمعیت موج می زد. مردم عادی، مقامات کشوری، لشگری، حتی از دیگر شهرهای ایران برای تماشای این کشتی تاریخی که در شمار آخرین کشتیهای پهلوان حاج سید حسن - رزاز بود به تهران آمده بودند.

دو پهلوان فرو که کوبیدند و به هم پیچیدند، سید -



«پهلوان حاج سید حسن رزاز» در عنفوان جوانی.

کاشید و از داور خواست که سید حسن انگشتی اش را از دست بیرون آورد. سید حسن انگشتی را که به زعم پهلوان هندی خاصیت طلسم شکست ناپذیری دارا بود، از انگشت دست راست بیرون آورد و کشتی را پی گرفت. دقایقی دو پهلوان در کار کشتی بودند که سرانجام غریباز جمعیت برخاست و این درست در لحظه ای بود که سید کاکوتا مغلوب پهلوان حاج سید حسن گردید. اما پهلوان هندی معترض شد. داور کشتی آقاسید محمد اعتراض او را پذیرفت. مردم نیز کشتی را تمام شده می

دانستند. در آن حال و هوا، حاج سید حسن با صدای بلند گفت: یک سر^(۱) دیگر می گیریم. دوباره پهلوان ایرانی و پهلوان هندی فرو کوبیدند و چند دقیقه بعد پهلوان هندی برای مرتبه دوم مغلوب حاج سید حسن شجاعت گردید. برای بار دوم غریو صلوات از جمعیت برخاست و هلهله به پا شد. پهلوان سید کاکوتا با دست خود، بهترین مدالش را به سینه سید حسن زد و به وجود چنان پهلوانی اظهار افتخار کرد.

خبر این پیروزی بزرگ به گوش احمد شاه قاجار رسید. احمد شاه با خوشحالی تمام مدال طلای پهلوانی کشور را به جهان پهلوان حاج سید حسن رزّاز اعطاء نمود.

سفرهای خارج از کشور پهلوان حاج سید حسن شجاعت

پهلوان حاج سید حسن شجاعت در زمان سلطنت احمد شاه قاجار به چندین کشور خارجی از جمله به: آلمان، روسیه، سوئد، لهستان و ... مسافرت نمود و در کشتیهایش همواره پیروز بود. در روسیه توانمندترین کشتی گیر آن کشور را مغلوب ساخت، در سوئد بر تمامی قهرمانان، پیروز گردید. در آلمان نیز قهرمان کشتی اروپا را با شکست آشنا کرد.^(۲)

۱- اصطلاحی است زورخانه ای به مفهوم: دفعه - بار.

۲- در کتاب (آئینه پهلوان نما) تألیف (حسن میرثی) در ص - ۵۹۹ - ۶۰۰ چنین آمده است: «... در آلمان رفقای حاجی سید حسن روزی او را برای تماشا و تفریح به آشناری بردند که هیچ کس نمی توانست در زیر آن مکث کند، ولی پهلوان ماکه در عنفوان جوانی و متهای ورزیدگی و نیرومندی بود؛ لباسهای خود را در می آورد و لحت می شود و به زیر آن آبشار عظیم می رود و مدتی می ایستد. تماشاچیان که اندام برازنده و بدن ورزیده و نیروی خارق العاده او را می بینند، نزدش رفته، از هویت و ورزشش حویا می شوند و اطلاع پیدا می کنند که کشتی گیر است. چون چند روزی از مسابقه کشتی کمر بند طلا (مسابقه کشتی کمر بند طلا هنوز هم در بعضی از کشورهای اروپا و آمریکا رایج است و تقریباً مانند کشتی پهلوانی است که برنده آن صاحب بازوبند طلائی می شود. - زیر نویس کتاب مذکور -) که آن موقع در اروپا رایج بود و همه ساله در یکی از ممالک اروپا برگزار می شد و آن سال هم در آلمان چند روز قبل از ورود حاجی سید حسن به آنجا برگزار شده بود و قهرمانان کشتی اروپا هنوز در خاک آلمان به سر می بردند، به سید می گویند آیا حاضری در اینجا کشتی بگیری، وی پاسخ می دهد اگر با قهرمان اول اروپا که صاحب کمر بند طلا است باشد حاضرم ... که بالاخره مسابقه کشتی برگزار و حاج سید حسن برنده می شود.

پهلوان حاج سید حسن در زمان سلطنت پهلوی اول^(۱)، سفرهای بسیار به عتبات عالیات داشت و به علت عشق و علاقه وافر به ائمه اطهار، در هر شهر آن دیار، مدت‌ها مجاور می‌شد. روزها به زیارت و عبادت مشغول می‌گشت و شبها به زورخانه می‌رفت، ورزش می‌کرد؛ با مدعیان کشتی می‌گرفت و کماکان بر آنان برتری می‌یافت. پهلوان حاج سید حسن رزّان، مرشد عبدالله قزوینی را که از تهران به کربلائی معلماً آمده بود تشویق نمود تا زورخانه‌ای در آن سرزمین مقدّس دایر نماید. مرشد عبدالله به این کار مهمّ همت گماشت و بدین ترتیب زورخانه مزبور پاتوق پهلوان حاج سید حسن گردید. عراقی‌ها انگشت حیرت به دندان‌گزیدند و به زعم خود در صدد چاره‌ای برای شکست دادن این عجم برآمدند. اما هرچه کاویدند، پهلوانی را در خاک عراق نیافتند که طعم شکست را از دست پهلوان نامی ایران حاج سید حسن رزّان نچشیده باشد. ناگزیر، عراقی‌ها دست به دامان ممالک همجوار شدند، سید حسن بر پهلوانان گسیل شده از جانب همسایگان عراق فائق آمد. تا اینکه دولت ترکیه پهلوان - نخست خود را به عراق فرستاد. این پهلوان که از پهلوانان بنام ترکیه و بسیار قلچماق و تنومند بود؛ از سوی عراقی‌ها مورد استقبال قرار گرفت. از سوی دیگر حاج سید حسن طوری از کربلا خارج شد که درست چندین ساعت قبل از وقت مقرر برای مسابقه وارد بغداد گردید... آن روز در بغداد غلغله‌ای از جمعیت برپا بود. ملک فیصل اول پادشاه عراق نیز با چشم و خدم پُر دبدبه و کبکبه اش حضور داشت. پهلوان ترک با هیکل غول آسا و بدن روغن مالی شده قدم به میدان کشتی‌گذار و پهلوان ایرانی با اطمینان به نفس در برابرش ایستاد. پس از کوبیدن، حاج سید حسن حمله را آغاز کرد؛ اما دستش به بدن چرب شده پهلوان ترک بند نمی‌شد. بدین دلیل دقایقی طول کشید تا دست پهلوان حاج سید حسن به کمر بند شلوار کشتی پهلوان بزرگ ترک‌بند شد. دیگر مُعطل نکرد و چنان حریف را توشاخ نمود که دیگر توان برخاستن از او بُریده شد. مردم عراق، این بار به توانا بودن پهلوان ایرانی ایمان آوردند؛ بر سرو رویش گُل ریختند و بر سر دست بلندش کردند؛ و باسلام و صلوات با طاقه‌های ابریشم خلعتش

۱- در کتاب: «پژوهش در ورزشهای زورخانه‌ای»، نگارش: محمد مهدی تهرانچی، در ص - ۲۲۶، دربارهٔ «پهلوان حاج سید حسن شجاعت» چنین آمده است: «موقع سلطنت رضا... در جشن هزاره فردوسی، با عده‌ای از ورزشکاران شرکت کرد و در دنیای آن روز که ورزش باستانی ایران برای خارجی‌ها کاملاً ناشناس بود، در شناخت و معرفی آن به مهمانان بیگانه و ایران‌شناسانی که برای شرکت در جشن، به ایران آمده بودند سهم به سزائی داشت.»

نمودند . ملک فیصل اول به افتخار پهلوان پیروز بارعام و میهمانی داد . پهلوان حاج سید حسن رزّاز پس از این پیروزی عازم بیروت و دمشق شد و پهلوانان آن بلاد را نیز مغلوب خویش ساخت .

ویژگیهای اخلاقی پهلوان حاج سید حسن رزّاز

پهلوان حاج سید حسن رزّاز مردی پرهیزکار ، یاکدامن ، متقی مهربان ، قاطع ، مصمم ، میهمان نواز ، دست و دلباز و مترس بوده است . هرگز از زور و بازوی خود سوءاستفاده نمی کرد . بلکه همواره سعی اش براین بود که از ضعف دستگیری نماید و پشتیبان حق باشد . علاقه ای ویژه به خاندان ثنوّت داشت ، نسبت به حضرت سید الشهداء علیه السلام عشق می ورزید و به همین دلیل در مدّت اقامت طولانی اش در خاک عراق ، بیشتر در کربلای معلّا مجاور بود و مرشد عبدالله قزوینی را تشویق نمود تا در کربلا زورخانه ای دایر نماید . این پهلوان که به حق او را پهلوانی ملّی می دانند ، هموطنان خویش را دوست می داشت و نسبت به پهلوانان و باستانی کاران کرمانشاهی بسیار ابراز محبّت می نمود . به همین سبب پهلوانان کرمانشاهی هم عصر پهلوان حاج سید حسن رزّاز خاطرات محبّت آمیز متعددی از آن مرد بزرگ دارند .

ویژگیهای ورزشی و قدرت بدنی پهلوان حاج سید حسن شجاعت

پهلوان حاج سید حسن شجاعت از اندامی ورزیده ، فدی بلند و استخوانبندی درشت برخوردار بود . وی تمرینات سخت و محیرالعقول را بر خود هموار ساخته بود . از جمله : هر حرکت باستانی ، هزار بار انجام می داد . هرگاه به مسافرت می رفت میلهها و تخته شناهای مخصوص خود را ، همراه می برد تا وقفه ای در عملیات ورزشی اش ایجاد نشود . بر کُلیّه فنون باستانی و کشتی پهلوانی تسلط کامل داشت ؛ هر فنّ و بدل آن را می دانست . در این رابطه روزی چنان کریم بدل کار را به زمین زد که مدتها در بستر افتاد تا بهبودی حاصل نمود . پهلوان سید حسن پاهای بسیار قوی داشت ، چنان که فنون پا را ، استادانه و سریع به کار می گرفت و او تنها پهلوانی بود که فنّ پادر علم را شگرد خود ساخته بود . دستهای - حاج سید حسن چنان پر قدرت بود که اگر به پیش قبض حریف بند می شد ، توشاخ خوردنش حتمی بود . در این مورد می توان خاطره ای از مسافرت پهلوان به آلمان ، ذکر نمود و در آلمان ، پشت دستگاه نیروسنج قرار گرفت و بایک فشار ، عقربه دستگاه تا درجه نهایی حرکت کرد و انگاه دسته های دستگاه از بدنه آن جدا شد . پهلوان حاج سید حسن از نظر نفس ، استثنایی بود و هیچگاه دیده نشد که از نفس بیفتد ، به عنوان شاهد مثال ، روزی در ورزشخانه کاشی پزها با چهارده پهلوان زبده کشور ، بیست و هشت سرکشتی گرفت . باز هم نفسش چاق و تازه بود .

پایان زندگی

سرانجام در مورخه ۱۳۲۰/۱۲/۹ خزان عمر پهلوان ملی ایران زمین پهلوان حاج سید حسن شجاعت ابن بزرگمرد استثنایی و این آقای پهلوانان فرا رسید. این پهلوان پس از هشتاد و سه سال عمر پر برکت و با عزت فرمان حق را لیبیک گفت و چهره در نقاب خاک فروکشید. مرگ او چشمها را گریان و دلها را پر خزن نمود. همه در فقدان پهلوان گریستند و سینه چاک دادند. جلسات عزاداری وی ایام سوگواری مذهبی را به یاد می آورد: از زن، مرد، پیر، جوان، ورزشکار و غیرورزشکار در تشیع پیکر پاک عزیز از دست رفته ای که الگویی از اساطیر ملی و تبلوری از فرهنگ ایرانی به شمار می رفت، شرکت جستند. آن روز را می توان تمثیلی از روز پر از دحام قیامت دانست. چراکه همه می دویدند و سراسیمه بودند، تا از موج عظیم انسانی عقب نمانند، همه در یک خط و مسیر به سوی ابن بابویه^(۱) سرازیر بودند. تا ببینند و باور کنند که آیا حقیقت دارد؟! پهلوانی که پشت پهلوانان جهان را به خاک مالید، اینک خود پشت به خاک حقیقت می سپارد؟! عزیزی که از دست عزیزان ره به سوی ملکوت نهاد و با فرشتگان آسمانی هم پرواز شد تا به سلک معبود گام نهد و عاقبت همه ما نیز سر در پی پهلوان حاج سید حسن رزاز خواهیم گذارد.



پهلوان حاج حسن رزاز در سنین کهولت

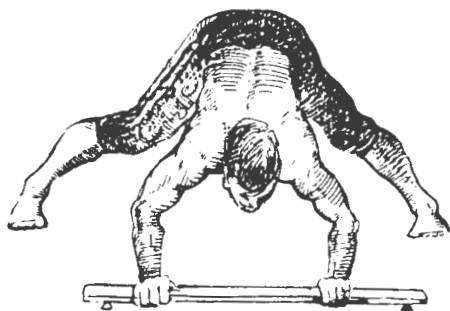
۱ - در ۲۶ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۶ (ه. ش. ۰) همین سیل عظیم جمعیت به خاطر شهادت (جهان پهلوان غلامرضاخانی)

به سوی (ابن بابویه) در جریان بود.

آلبوم ضمیمه



چوب شنا



حرکت شنا رفتن



حرکت چرخ



میل بازی



خونی که فردوسی در
رگهای ورزش جاری
ساخته - تا پایان حیات
دنیا و انسان روان
خواهد بود

رستم دستان پهلوان اسطوره‌ای ایران زمین الگوی پهلوانی در جهان



تکیه معتضد واقع در گذر «چنانی» کرمانشاه
 نفرات به حالت ایستاده از راست: قاسم خان ندیم پور، و نفر آخر: شجاع عسگری
 نفرات نشسته بر زمین: نفراول استاد کاظم لحاف دوز - پدر بجی معتضدی
 سه نفر وسط نشسته بر صندلی به ترتیب: جمشیدی، حاج شریف معتضدی، محمودخان جوری



نفرات به حالت نشسته از راست: «سردار یارمحمدخان کرمانشاهی» «حسین خان ده پهلوان (حسین خان امیربوق)». نفر وسط به حالت ایستاده، نصرت المله



سرداری غیوراز خطه تبریز در شمار یاران سردار «ستارخان»



نفر سمت راست ، «نایب فرج اله وکیل کاندوله ای» و نفر سمت چپ «پهلوان محمد علی سلطان رشیدی» در حالی که اسلحه به دست دارد.



یادبودی از مردان قدیم کرمانشاه : نفرات به حالت نشسته از راست : « حاج عبدالمحمد افشار » ، « حاج حسن - کازرانی » نفر وسط به حالت ایستاده : حاجی خان ارباب زاده .
محل : کرمانشاه .

زمان : ۱۳۱۰ (ه . ش .)



مرحوم «کاری» از فرهنگیان راستین کرمانشاه - وی سالهای عمر خویش را در راه اعتلا فرهنگ و معرفت گذارد.



یادبودی از «دبستان حسینی» کرمانشاه
نفرات از راست : آقایان کامبخش - افصح - کاری - پرندبان



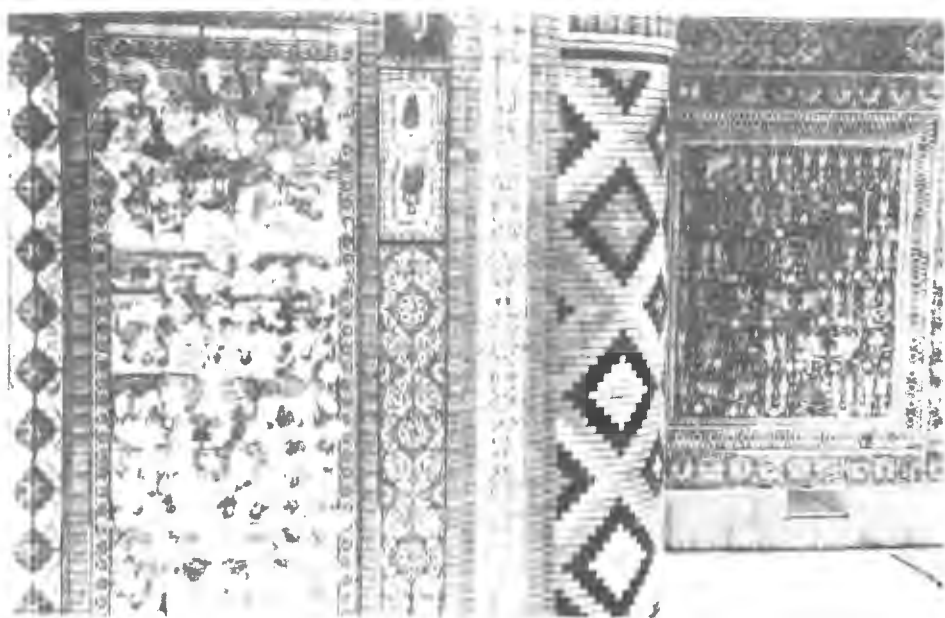
سنگ نگاره ای از بیستون [کتیبه بیستون] مربوط به عهد «داریوش هخامنشی»



سنگ نگاره ای از عهد ساسانیان در «طاق بستان» کرمانشاه



نمای تاق بزرگ مربوط به عهد ساسانیان در (طاق بستان) کرمانشاه



نمونه‌ای از کاشی کاریهای «تکیه معاون الملک» در کرمانشاه



نمونه‌ای از کاروانسراهای قدیمی در ناحیه غرب کشور



مقام «اویس قرن» - عارف نامدار ، در حومه کرماتشاه

پهلوانی «صفت معنوی مردان ایران»



نفر سمت راست: «پهلوان آفاسید محمدعلی» و نفر سمت چپ «پهلوان میرزا باقر دراندرونی»



بازوبند «پهلوان علی میرزا همدانی» از پهلوانان خوش نام ایران



«پهلوان ابراهیم یزدی» معروف به «یزدی بزرگ» فرزند آغاغلامرضایزدی «از رقبای سرسخت و قدر «پهلوان - حسین گلزار» که در کشتی و دلاوری ها ، حماسه آفریدند



بهلوان - صا نعلند که ماشاهی از بهلوان در حال زدن در حال پیک زدن در حالی که بهلوان بزرگ روس سوار بر اسب به سوی کارخانه او می آمد تا به بهلوان بزرگ هدیه ای او را آسانی کند.



جمعی از باستانی کاران پیش کسوت ایران . - در کتاب تاریخ ورزش باستانی ایران به قلم حسین . پرتویضائی کاشانی . در قسمت گفتار - ۱۲ . ص ۲۴۸ . شرح عکس چنین آمده است از راست به چپ : نشسته آقای فتح الله اتحادیه . آقای جمال قطب . آقای مرتضی خان فرزند مرحوم حاج میرزا حسین طیب . حاج آقا جلال قمی . آقا سید میرزا آقا . آقای جواد میرفخرائی از استادگان فقط نفر وسط را که عمامه به سر دارد می شناسیم و او مرحوم حاج میرزا محمود جوراب چی است .



«پهلوان سید حسن شجاعت» (رزاز) در اوج قدرت



یادبودی از باستانی کاران کرمانشاهی در ورزشگاه آزادی فعلی . «پهلوان علی اصغرگرد» جلودار باستانی کاران است .



یادبودی از پهلوان علی اصغرگرد در روزگار پیری ، در بین تعدادی از باستانی کاران پیش کسوت کرمانشاه .
 نفرات از راست به حالت زانوزده : مرحوم حاج قاسم الماسوندی - مرحوم احمدپنده - نفرات به حالت ایستاده
 از راست : محمد بشتام - پهلوان علی اصغرگرد - داریوش خوش اندام ، و نفرایستاده در وسط عبدل همّتی



آخرین عکس پهلوان علی اصغرگرد در حال چرخیدن در محل استادیوم آزادی فعلی کرمانشاه



مراسم تشیع جنازهٔ مرحوم پهلوان علی اصغرگرد کرمانشاهی در کرمانشاه .
 در این عکس آقای محمدتقی خسروی (مدیر باشگاه نیرودرستی) نفر اول سمت راست اتومبیل دیده می‌شود.
 پهلوان علی اصغرگرد با خصایل نیک خویش و نبردهای جانانه در میداين پهلوانی توانست نامی جاوید از خویش
 برجای گذارد.



یادبودی از مرحوم «پهلوان علی آقاسمیع» در سنین کهولت .

نفرات به حالت ایستاده از راست : نفر سوم «پهلوان علی آقاسمیع» ، «مهدی عرب» [قهرمان تیم ملی در وزن ۹۰ کیلوگرم، آزاد، در سال ۵ - ۱۳۳۴ (ه. ش. ۱۰) ، نفر نهم ، «عباس شیرازی». نفرات به حالت نشسته از

راست : «مهدی باغبانی» ، «خسرو نظافت دوست».

محل : باشگاه دخانیات - تهران .

زمان : ۱۳۴۰ (ه. ش.)



مرحوم پاشانیک نژاد معروف به پاشای نعمت اله کبابی از قدر مردان گود ، در سن ۸۰ سالگی



یادبودی از پهلوان حاج یدالله خان محبتی و عده‌ای از باستانی کاران کرمانشاهی در ورزشگاه گمرک کرمانشاه.
 در این عکس پهلوان حاج یدالله خان محبتی ملبس به کت و شلوار، نفر روبرو دیده می‌شود.



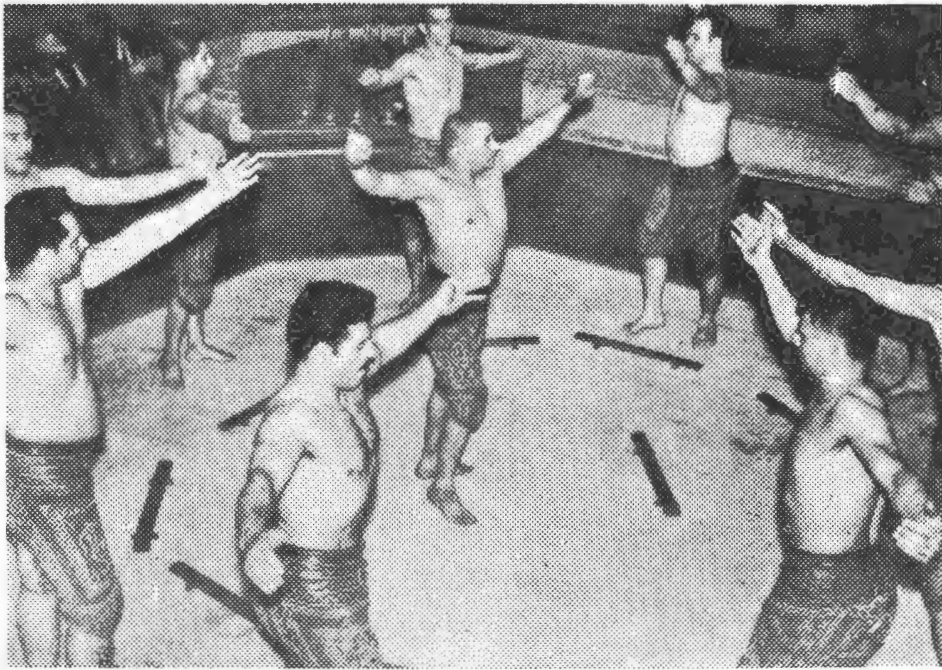
یادبودی از باستانی کاران پیش کسوت کرمانشاهی در استادیوم آزادی کرمانشاه.
نفر اول از جلو: «پهلوان تقی تیموریان، مرحوم مشهدی میرزا جیحونی، مهدی تیموری، احمد تیرانداز.
زمان: ۱۳۴۰ (ه. ش.)»



در عکس عبدالعلی پهلوانی [۱۲۹۰ - ۱۳۵۲ (ه. ش.)] از باستانی کاران پیش کسوت همدان در وسط گود دست بر زانو به حال نشسته دیده می‌شود.
 محل: زورخانه شجاعت «تهران»
 زمان: ۱۳۴۵ (ه. ش.)



«عبدالحسین آزاد»، مردی با نام بلند باستانی و یادگاری از گود و معرفت.



حرکات نرمش بعد از شنا - درعکس جمعی از ورزشکاران باستانی به میانداری حاج باقر مهدیه در زورخانه بانک ملی ایران دیده می شوند.



«پهلوان تقی تیموریان» در روزگار پیری و تنهایی
محل: کرمانشاه - منزل شخصی پهلوان
زمان: ۱۳۷۴ (ه. ش.)



«جهان پهلوان غلامرضا تختی» در زورخانه علی تیک تیک» تهران . نفر اول از سمت راست عکس ، در مقابل «تختی» حاج مرتضی متقیان [از باستانی کاران قَدَر کرمانشاه] ، نفر لنگ به دوش «منوچهر قره گوزلو» [ریاست وقت فدراسیون کشتی ایران] .



مرحوم علی آقا جاویدان از تبار دریادلی و شجاعت

اشعاری در بزرگداشت مرحوم علی آقا جاویدان سروده شاعر گرانمایه یدالله عاطفی (آشفته کرمانشاهی)

ای دریغ، قهرمان قهرمانها درگذشت
آن «علی»، «آقا» ی مردان، فخرکرمانشاه ما
مظهر مردانگیها، جان جانها درگذشت
خوش درخشید و چو برق آسمانها درگذشت
کاروانها داشت از مهر و صفا و دوستی
او نشانها داشت از کشتی، همه فخرآفرین
پشت او آمد به خاک زان نشانها درگذشت
گشت (جاویدان) و همچون جاودانها درگذشت
(پوریای) دیگری بود از فتوت و ز سَخا
بر روی سنگ مزارش حک شده است :

اینکه خفته است در این خاک، یل دوران است
پوریای ولی دوره خود، دانی کیست ؟
فخرکرمانشه و محبوب همه ایران است
(علی آقا) است که خود شهرة (جاویدان) است
برای جاودانگی جاویدان



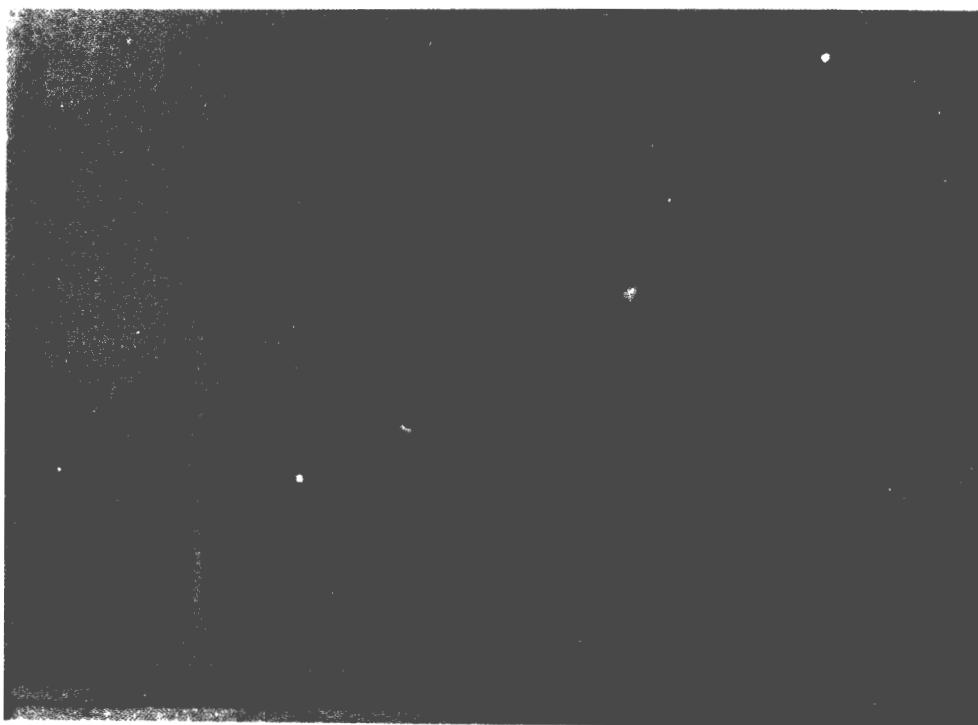
یادبودی از باستانی کاران پیش کسوت کرمانشاهی در زورخانه میدان «قبله کربلا» در سال ۱۳۴۵ (۸. ش. ۵).
نفرات از راست: حاج اسدالله شمس علی (معروف به صوفی اسد) - عزیزالله رحیمی (معروف به پهلوان
عزیزقصری) - حاج یدالله رضاپور (معروف به حاج یدالله اتوکش) است در عکس دیده می شود.



یادبودی از «مرحوم سیدعلی حله‌ای» در سال ۱۳۴۵ (۵. ش. ۰) - این باستانی کار نفر اول در سمت راست
عکس دیده می‌شود



صادق رهنما [پهلوان سایه] با حلقه گل در عکس مشهوداست





یادبودی از باستانی کاران پیش کسوت کرمانشاه - نفرات از راست ردیف جلو: مصطفی قبادی - سید محمد - نقیبی - جهانبخش نجفی - در سمت چپ عکس - نفر اول ردیف دوم - مشهدی رضا شرفی [فرزند مرحوم استاد جمعه شرفی - متولد ۳ ۱۳۰۰ - ۱۳۷۵ (۵۰ ش.) دیده می شود.]



«مرشد نجف جابری» که سالیان سال در ایام محرم بی شایبه و صادقانه خدمت نمود.



«مرشد هاشم دودی» از مرشدین خوش دست و پنجه کرمانشاه
محل: زورخانه فردوسی «کرمانشاه»
زمان: ۱۳۶۷ (۵. ش.)



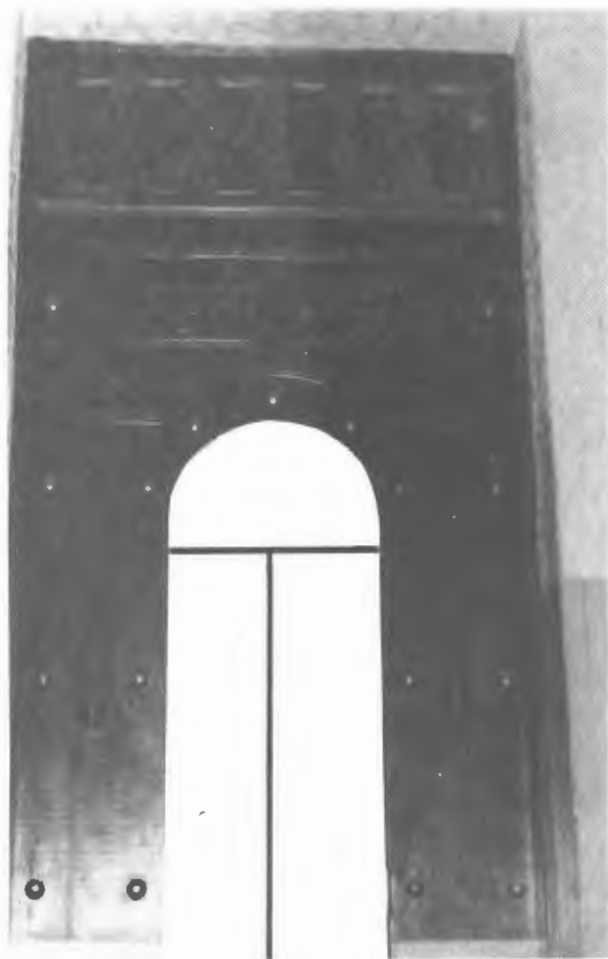
نمای بیرونی زورخانه سنگ تراشها، یادگاری از: بهلوان حسین گلزار کرمانشاهی. این زورخانه در سال ۱۳۷۴ (ه. ش.) به همت حاج علی خان کوچکی مرمت شده است.



نمایی بیرونی از قهوه خانه سنتی بازار کرمانشاه که در سال ۱۳۷۳ (ه. ش. ۱۰) توسط حاج زین العابدین رضایی تأسیس یافته است. این مکان به یاد روزگاران کهن - پانوقی برای مردان اصالت طلب می باشد.



نمای بیرونی زورخانه تکیه معاون - کرمانشاه . که سالهاستگاه قدردان گود بوده است .



نمای درب ورودی زورخانه فردوسی - کرمانشاه. این زورخانه از بدو تأسیس [۱۳۵۰ (ه. ش. ۱۰)] تاکنون به طور فعال خاستگاه ورزشکاران خطه غرب بوده است.



«علی مهرورزی» باستانی کار پیش کسوت کرمانشاهی در سن ۸۵ سالگی



مرحوم «حاج باقر بعلیک» فرزند محمد [۱۲۹۹ - ۱۳۷۵ (ه. ش. ۱۰)] در لباس محلی عشایر سنجابی



«علی نامداران» در کنار «پهلوان حاج مصطفی طوسی» -
محل: زورخانه فولاد تهران



نفرات از راست : فریدون ستوده - احمد سیدی - حاج رضا سرابی - سید مهدی سیدی .
 محل : ورزشگاه آزادی فعلی
 زمان : ۱۳۴۴ (۵ . ش .)



یادبودی از باستانی کاران پیش کسوت کرمانشاهی در حال ورزش میل - نفرات از سمت چپ عکس :
 «فریدون ستوده» ، «تقی تیمورپور» و «حاج محمد باقر نژاد» دیده می شوند.
 محل : ۱۳۴۸ (ه. ش)
 مکان : ورزشگاه آزادی کرمانشاه.



«حاج مرتضی رشیدی» فرزند «حاج احمد رشیدی» و برادرزاده «پهلوان محمدعلی سلطان رشیدی»



«فتح اله گلیاری» از باستانی کاران پیش کسوت



نفرات از راست: عباس مشهدی زاده - حاج محمد باقر نژاد - عباداله شیرزاد.
محل: کرمانشاه.

زمان: ۱۳۵۲ (ه. ش.)



«رضا بعلیک» نفر اول . از سمت راست . در جمع باستانی کاران آبادان دیده می شود.

محل : آبادان

زمان : ۱۳۵۲



نفرات ایستاده از راست : «مرشد حسن خوش اندام» - «اردشیرکنجیدی» - «مشهدی میرزاجیحونی» - ... -
 «حشمت اله شیرزادی» - «امیرعزیزیان» - «حاج مرتضی هامانی»
 نفرات ردیف دوم نشسته از راست : ... - «فرهاد اشرفیان» - «مجیدقلندرلکی» - «ابراهیم نویدی» -
 نفرات ردیف سوم نشسته از راست : «عبدالحسین فیض حُرّی» - «غلام چهری احمدوندی» - «حاج
 محمدباقرنژاد»

محل : زورخانه میدان

زمان : ۱۳۵۳ (ه. ش.)



نفرات ایستاده از راست : حاج منصور شمس کلاهی - پهلوان حاج مصطفی طوسی - عطاالله شمس کلاهی
 نفرات نشسته از راست : ابراهیم شمس کلاهی - حاج حبیب الله شمس کلاهی - محمود شمس کلاهی
 اسماعیل شمس کلاهی - مصطفی شمس کلاهی
 محل : «زورخانه نادری» اراک
 زمان : ۱۳۵۹ (ه. ش.)



مسابقات هنرهای فردی ، ورزشهای سنتی و کشتی پهلوانی کشور

نفرات از راست به حالت ایستاده :

« کریم اسدیپور » - « مرشد اکبر » - « خان نایب » - « محمد جلیلیان » - « فریدون ستوده » - « پهلوان

یعقوبعلی شورورزی » - « حاج - مرتضی رستمی » - - « پهلوان احمد وفادار - نفر آخر صادقی

نفرات به حالت نشسته از راست :

« عبدالله شیرزاد » - « ابراهیم نویدی » - « عبدالحسین فیض حُرّی » - « حشمت اله شاطی » - « ارسلان مجبی زنگنه » -

محل : تهران

زمان : ۱۳۶۷ (ه . ش .)



یادبودی از نمایش هنرهای فردی ورزشهای سنتی توسط عده‌ای از باستانی کاران جوان کرمانشاهی به مناسبت مسابقات انتخابی لجستیکی نیروهای زمینی ارتش (غلام چهری) نفر اول (میاندار) در عکس دیده می‌شود.
محل: پشتیبانی منطقه یک کرمانشاه - زمان: سال ۱۳۶۲ (ه. ش.)



پیروز مردان مسابقات ورزشهای سنتی - نفرات از راست - دکتر مصرچی [مقام سوم از همدان] - یدالله
کربلایی [مقام اول از تهران] - حاج حبیب الله منتظری [مقام دوم از کرمانشاه]

محل: قزوین

زمان: ۱۳۷۰ (۵. ش.)



یادبودی از مسابقات هنرهای فردی ، ورزشهای سنتی و کشتی پهلوانی با شرکت تیم پیش کسوتان کرمانشاهی

محل : قزوین

زمان : ۱۳۷۱ (ه . ش .)

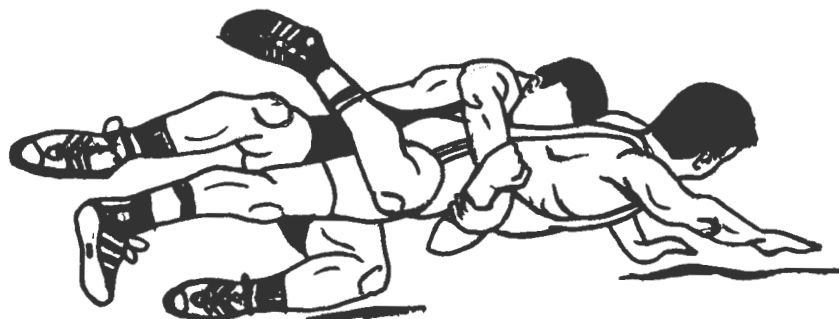


اسماعیل غلامی • [ابوهیوا] فرزند «عبدالعلی» متولد در سال ۱۳۴۲ (۵۰ ش. هـ) در روستای «سرقلم» از توابع «سرپل ذهاب»



یادبودی از مسابقات ورزشها سنت ، هنرها فردی و پهلوانی در تهران - در این عکس «پهلوان علیرضا سلیمانی»
در وسط میدان با تن پوش سپید دیده می شود.

کشتی، ورزش سنتی ایران



تختی برتر از همه ، در کسب افتخارات قهرمانی

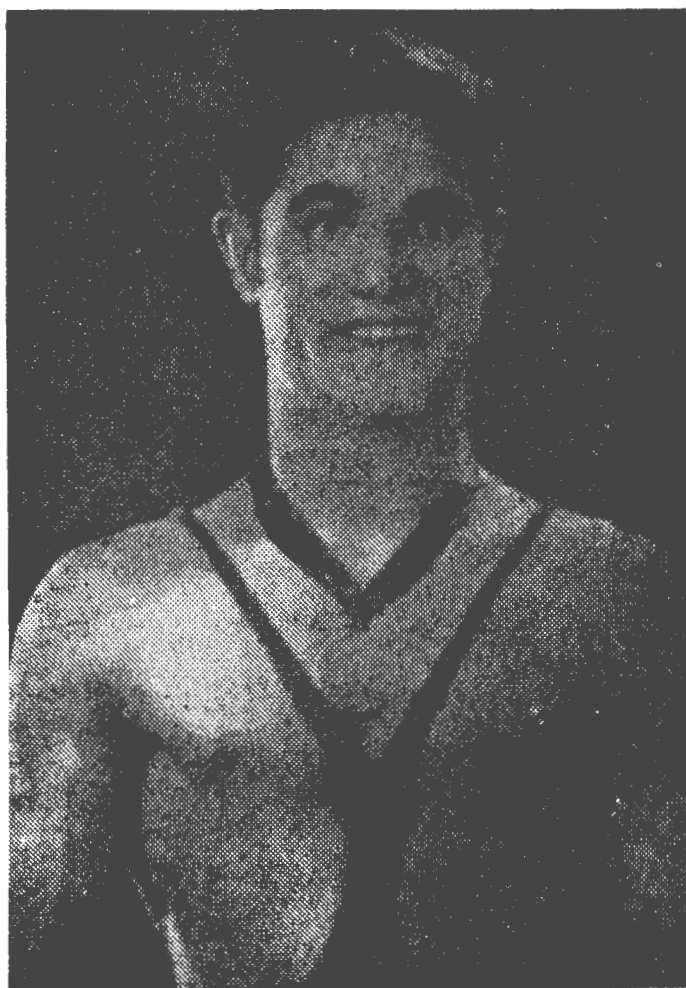
نام	طلا	طلا	نقره	نقره	برنز	برنز	مجموع
	(المپیک)	(جهانی)	(المپیک)	(جهانی)	(المپیک)	(جهانی)	
۱- شادروان غلامرضاتختی	۱	۲	۲	۴	-	-	۹
۲- عبدالله موحد	۱	۵	-	-	-	-	۶
۳- ابراهیم جوادی	-	۴	-	-	۱	-	۵
۴- امامعلی حبیبی	۱	۳	-	-	-	-	۴
۵- منصور مهدیزاده	-	۳	-	-	۱	-	۴
۶- محمدابراهیم سیف پور	-	۲	-	۱	۱	-	۴
۷- منصور برزگر	-	۱	۱	۲	-	-	۴
۸- شمس الدین سیدعباسی	-	۱	-	۲	۱	-	۴
۹- ابوطالب طالبی	-	-	-	-	۳	۴	۴
۱۰- محمدعلی صنعتکاران	-	۱	-	۱	-	-	۲
۱۱- شادروان جهانبخت توفیق	-	۱	-	۱	-	-	۲
۱۲- مهدی یعقوبی	-	۱	۱	-	۱	-	۳
۱۳- محمدقربانی	-	۱	-	۱	-	-	۲
۱۴- رحیم علی آبادی (کشتی فرنگی)	-	-	۱	۱	-	-	۲
۱۵- محمدعلی خجسته پور	-	-	۱	۱	-	-	۲
۱۶- عبدالله مجتبی	-	-	۱	۱	-	-	۲
۱۷- عباس زندی	-	۲	-	-	-	-	۲
۱۸- نبی سروری	-	۱	-	۱	-	-	۲
۱۹- ناصر گیوه چی	-	-	۱	۱	-	-	۲
۲۰- محمود ملاقاسمی	-	-	۱	۱	-	-	۲
۲۱- محمد فرهنگ دوست	-	-	۲	-	-	-	۲
۲۲- رضا سوخته سراپی	-	-	۲	-	-	-	۲
۲۳- ابوالفضل انوری	-	-	-	-	۲	-	۲
۲۴- محسن فرح وشی	-	۱	-	-	-	-	۱
۲۵- فیروزعلی زاده (کشتی فرنگی)	-	۱	-	-	-	-	۱
۲۶- محمدعلی فردین	-	-	۱	-	-	-	۱
۲۷- حسین ابراهیمیان (ملاقاسمی)	-	-	۱	-	-	-	۱

۱	-	-	۱	-	-	-	۲۸ - شادروان نصرالله سلطانی نژاد
۱	-	-	۱	-	-	-	۲۹ - محمدخادم مشهدی
۱	-	-	۱	-	-	-	۳۰ - محمدعلی فرخیان
۱	-	-	۱	-	-	-	۳۱ - رمضان خدر
۱	-	-	۱	-	-	-	۳۲ - محمدحسین محبی
۱	-	-	۱	-	-	-	۳۳ - شادروان منصور رئیسی
۱	-	-	۱	-	-	-	۳۴ - حسن سعدیان
۱	-	-	۱	-	-	-	۳۵ - علی غفاری
۱	-	-	۱	-	-	-	۳۶ - جبارابرام جهانی
۱	-	۱	-	-	-	-	۳۷ - محمدپذیرایی (کشتی فرنگی)
۱	-	۱	-	-	-	-	۳۸ - علی اکبر حیدری
۱	۱	-	-	-	-	-	۳۹ - رضاقلیچ خانی (کشتی فرنگی)
۱	۱	-	-	-	-	-	۴۰ - حمید توکل
۱	۱	-	-	-	-	-	۴۱ - ایرج خورشیدفر
۱	۱	-	-	-	-	-	۴۲ - حسین تهامی
۱	۱	-	-	-	-	-	۴۳ - شادروان حسین نوری
۱	۱	-	-	-	-	-	۴۴ - ناصر جاوید
۱	۱	-	-	-	-	-	۴۵ - محمدرضا نوایی
۱	۱	-	-	-	-	-	۴۶ - مرادعلی شیرانی (کشتی فرنگی)
۱	۱	-	-	-	-	-	۴۷ - محمدبزم آور
۱	۱	-	-	-	-	-	۴۸ - محمدرضایی
۱	-	-	۱	-	-	-	۴۹ - محمدبتا فرنگی
۱	-	-	۱	-	-	-	۵۰ - مجید ترکان
۱	-	-	۱	-	-	-	۵۱ - محمدحسن محبی



یادی از پهلوان علی اصغرگرد کرمانشاهی با لباس دوپندی - در مسابقات قهرمان کشور کشتی آزاد در ورزشگاه شهر مشهد.

نفر سمت راست: «پهلوان سخی» از مشهد و نفر سمت چپ «پهلوان علی اصغرگرد» از کرمانشاه



«حسن سعدبان» نایب قهرمان کشتی جهان . - این قهرمان در سالهای آغازی کشتی دوندی در کرمانشاه . جهت آموزش کشتی به بازی کشتی گیران کرمانشاهی شراف .



«پهلوان احمدوفادار خراسانی» . - پهلوان قَدَرایران که در مردی و مردانگی نامی جاودانه دارد.



تیم ملی کشتی آزاد ایران در زمان «جهان پهلوان تختی» نفرات به حالت ایستاده از راست : جهانبخت توفیق - امامعلی حبیبی - عباس حریری - غلامرضا تختی - محمدعلی فردین .
 نفرات به حالت نشسته از راست : غلام زندی - رعیت پناه - پرویز عرب - حسین نوری



یادبودی از مسابقات قهرمان کشوری ، با شرکت تیم کرمانشاه. نفر سمت چپ - جهانبخش نجفی با حریف خود سرشاخ شده است
محل : اراک سلطان آباد
زمان : ۱۳۳۱ (هـ . ش .)



نفرات به حالت ایستاده از راست: تولایی [قهرمان وزنه برداری کشور، همراه تیم] فریدون کمالی - [مریی] -
 خلیل جوادیان - داریوش رزقی - مصطفی رضایی - حاج قاسم یوسف پور - علی آفا جاویدان - رضاجاهد
 نفرایستاده باکت و شلوار شامیاتی [سرپرست وقت ورزشی کرمانشاه]
 نفرات به حالت نشسته از راست: اکرمیری - مصطفی تیمورپور - هوشنگ سهرابی - جهانگیریری - حاج
 قاسم الماسوندی .



علی اشرف نقی پور از قهرمانان پیش کسوت کرمانشاهی. [قهرمانی از تبار علم]



یادبودی از تیم کشتی «دیرستان کزازی کرمانشاه» در سال ۱۳۳۸ (ه. ش. ۵).
 نفرات از راست: مرحوم حاجی بشیری (معاون دیرستان) - مرحوم «احمد بیابانی» - «محمد شینانی» - «عبدالله
 اعتمادی» - «صفر عباسی» - «حسن رسولی نژاد» - «ابراهیم بهره مند» - «بهرام دلگشایی».
 نفرات از راست نشسته: منصور روانبخش - داریوش روشنگر.



یادبودی از مسابقات انتخابی قهرمانی کشور در کرمانشاه. [در وزن ۶۸ کیلوگرم آزاد]
نفرات روی سکو از راست: داریوش روشنگر - مرتضی سیف اله پور - جعفر پاکدامن.



تیم کشتی کرمانشاه در سال ۱۳۴۲ (ه. ش. ۰) - نفرات از راست : حاج حبیب الله محلوجی
 محمدجلیلی ، سیروس معاونی ، داریوش روشنگر ، اصغرآزاد ، یدالله بلدی ...
 محل : استادبوم آزادی فعلی . زمان : ۱۳۴۲ (ه. ش. ۰)



تیم کشتی آزاد کرمانشاه در مسابقات قهرمانی کشور - نفرات از راست : مرحوم «علی داد همتی» [۸۴ کیلوگرم]
 مرحوم غلامحسین بلندی [مربی] - داریوش روشنگر [۶۴ کیلوگرم] - صادق ایمانی [مربی] - یوسفی [۹۰
 کیلوگرم] .

محل : شیراز

زمان : ۱۳۴۷ (۵ ش .)



«بیژن زرافشانی» قهرمان کرمانشاهی در حال یورش به «طاهری» ملی پوش ۸۲ کیلوگرم



اسفندیار زرافشانی ، قهرمان کرمانشاهی که سالها بر تشک کشتی ، افتخار آفرید.





مسابقات پهلوانی ایران - در عکس پهلوان علیرضا سلیمانی از تهران و هادی مخبری نایب پهلوان کشور از سندج دیده می شود

مکان : اصفهان

زمان : ۱۳۶۴ (۵. ش.)

دلاوران کشتی ایران در دهه ۱۹۸۰ - ۱۹۹۰ (م.م)



نفرات به حالت ایستاده از راست : حاج آقا معزی پور [سر مربی] - علی رضا سلیمانی - کاظم غلامی - محمد حسین محبی - الله مرادزینی - خسرو پیش رو - شمس الدین سیدعباسی [مربی] نفرات به حالت نشسته از راست : مجید ترکان - امیر تهرانی - عسگری محمدیان - محسن کاوه - محمود کدخدایی.



«محمدحسن محبی» نایب قهرمان جهان در وزن ۹۰ کیلوگرم کشتی آزاد، در مسابقات «بوداپست» مجارستان در سال ۱۹۸۵ (م.ا.) - بیل شر قهرمان آمریکایی، رودزیاک آلمان شرقی در مکانهای اول و سوم، همچنین توموف بلغاری در عکس دیده می‌شوند.



یادبودی از مسابقات قهرمانی کشتی آزاد ایران در وزن ۱۳۰ کیلوگرم آزاد. نفر اول علیرضا سلیمانی از تهران -
 نفر دوم سلیمان الهیاری از کرمانشاه و نفر سوم کیومرث آیت پناه از کردستان - محل: مشهد - زمان: ۱۳۶۷ (ه. ش.).



سلیمان الهیاری قهرمان پیروز مسابقات فهرمانی کشور در وزن ۱۳۰ کیلوگرم کشتی آزاد

محل : مشهد

زمان : ۱۳۶۷ (ه. ش.)



علیرضا سلیمانی قهرمان پیروز، بر سکوی قهرمانی جهان در «سوئیس» ۱۳۰ کیلوگرم کشتی آزاد در سال ۱۹۸۹ (م) نخستین کشتی گیری است در ایران که توانست به مدال طلای فوق سنگین جهان دست یابد. شرح عکس: علیرضا سلیمانی (طلا) - بوریس با مگارتنر (نقره) از آمریکا - اصلان خادارتسف (برنز) از شوروی.

مسابقات کشتی آزاد بین المللی ۲۲ بهمن ، یادواره جام پهلوانان غلامرضا تختی



نفرات از راست: محمدرضا توپچی (از تهران) - محمدحسین محبی (برنده مدال طلا) - عزیز واگذاری (مازندران)

نفرات ایستاده در جلوی سکو (برای توزیع مدال) از راست: محمد خرمی [عضو کمیته مربیان فدراسیون بین المللی کشتی (فیلا) - بابک تختی - هوشنگ میرآفتاب - عطاءاللهی]. - نفرات کنار سکو از راست: عبدالله الیاسی - رضامنفرد



مسابقات کشتی فرنگی در وزن ۸۲ کیلوگرم . در این عکس خسرو بحری و یعقوبی دیده می شوند . -
 خسرو بحری [متولد سال ۱۳۲۹ (ه. ش .) در کرمانشاه] در عنقوان جوانی زیر نظر مربی کرمانشاهی «صادق
 ایمانی» توانست به فون کشتی مسلط شود و در کسوت مربیگری در خدمت نوجوانان و جوانان شهر خویش
 قرارگیرد.

زمان : ۱۳۵۰ (ه. ش .)



مسابقات دهه فجر در ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۲ (۵. ش.) نفرات از راست علی اکبرزاد - سیدجمال میرزاده - حسن حمیدی - اسفندیار غلامی - سعید غفوریان - الله یاری - [مربی کشتی فرنگی].



یادبودی از مسابقات کشتی آزاد «جام آلکسان دریا» - یونان ، در وزن ۱۰۰ کیلوگرم.
 نفر اول «محمدجعفر خدایی» قهرمان کرمانشاهی از ایران ، نفر دوم کشتی گیری از یونان و نفر سوم کشتی گیری
 از اُکراین .
 زمان : ۱۳۷۲ (ه. ش .)



امیر عزیزیان قهرمان کرمانشاهی در وزن دوم کشتی آزاد - پای حریف را در دست دارد.
محل : باشگاه «ایزد» مهرآباد تهران
زمان : ۱۳۴۶ (ه. ش.)



«الله مراد زرینی» نفر سمت چپ در عکس رو به روی حریف دیده می شود.

تیم کشتی آزاد کرمانشاه در مسابقات قهرمانی کشور سال ۱۳۶۵ (ه. ش. ۰) در تبریز



نفرات به حالت ایستاده از راست: سهراب باقری [مربی از اسلام آباد غرب]،
 اسفندیار غلامی [۶۸ کیلوگرم، از اسلام آباد غرب]، عبدالله سیفی [داور] - حاج حبیب‌الله محلوچی
 [سرپرست] - محمدحسین محبی [۸۲ کیلوگرم] - کیومرث مهری کرمانشاهی [داور] - محمدحسین محبی
 [۹۰ کیلوگرم] - الله مرادزینی [۷۴ کیلوگرم].
 نفرات به حالت نشسته از راست: هوشنگ بختیاری [۶۲ کیلوگرم] - مسلم کشمیری [پرشک تیم] -
 احمدزهرائی [۵۷ کیلوگرم] - علی میرشکرینی [۵۲ کیلوگرم] - محمدرضاجائی چی [۴۸ کیلوگرم] -
 محمدرضا شیرزادپور [۱۰۰ کیلوگرم] - خسرونفوشا [۱۳۰ کیلوگرم، در عکس غایب].

محل: تبریز - باشگاه تختی

زمان: ۱۳۶۵ (ه. ش. ۰)



«محمد رضا چایی چی» قهرمان بیروز وزن ۴۸ کیلوگرم کشتی آزاد در مسابقات بین المللی جام «قائد اعظم»
پاکستان در سال ۱۳۶۵ (۵. ش)



مسابقات جام قائد اعظم پاکستان در سال ۱۳۶۶ (ه. ش. ۱۰) در شهر «مولتان» پاکستان - در عکس، یکی از مقامات پاکستانی، در حال آویختن مدال طلای وزن ۶۲ کیلوگرم کشتی آزاد برگردن «کامران کرمان» دیده می‌شود.

در این مسابقات تیم کرمانشاه مقام اول را حائز نمود.



یادبودی از مسابقات بین المللی کشتی آزاد جام قائد اعظم پاکستان با شرکت قهرمانان کرمانشاهی
 نفرات از راست : عبدالله سیفی [داور] - حشمت الله میرزائی [مربی] - نادر قنبری [۱۳۰ کیلوگرم]
 محمدجعفر خدائی [۱۰۰ کیلوگرم] - کیومرث مهری کرمانشاهی [۹۰ کیلوگرم] - محمدحسین محبی [۸۲
 کیلوگرم] - کیومرث رجیبی [۷۴ کیلوگرم] - اسفندیار غلامی [۶۸ کیلوگرم] - کامران کریمان [۶۲
 کیلوگرم] - محمدحسن محبی زنگنه [۵۷ کیلوگرم] - محمدعلی گنجابی [۵۲ کیلوگرم] - محمدرضاخانی چی
 [۴۸ کیلوگرم] ... در این مسابقات که سرپرستی آن را «صادق ایمانی» عهده دار بود، تیم کشتی کرمانشاه حائز
 مقام نخست گردید.

تیم «هما»ی تهران، در مسابقه لیگ باشگاه های تهران



نفرات به حالت ایستاده از راست: هاشم کلاهی [مربی] - حسن محمدی - امیرعفراتی - محمدحسین مجیبی [از کرمانشاه] - حسین معاونیان [مربی] - رضانجفیان [از کرمانشاه] - پرویزگل عنبر [از کرمانشاه] - حاج خزائی [سرپرست تیم از کرمانشاه] - مسلم کشمیری [پزشک تیم از کرمانشاه] - نفرات به حالت نشسته از راست: علی اکبرنژاد - تیمورمردادی [از کرمانشاه] - غلامعلی فتاحی [از کرمانشاه] - محمدرضاجائی چی [از کرمانشاه] - علی میرشکراییگی [از کرمانشاه] - علی کلاهی .

محل: تهران - باشگاه هفتم تیر

زمان: ۱۳۷۰ (۵. ش.)

تیم کشتی راه ترابری کرمانشاه در سال ۱۳۷۰ (ه.ش.)



نفرات به حالت ایستاده از راست : حاج عباس خزائی [رئیس وقت تربیت بدنی کرمانشاه] - سیدمهدی جاسمی [مریی] - جنابی [رئیس وقت راه و ترابری] - الله مرادزینی [سرپرست تیم] - مسعودحق شناس - سیامک نوری - خسروشلائی - محمدرضاچائی چی .
 نفرات به حالت نشسته از راست : جوهرصادقپور - امیریاری - شاهپورتیرانداز - ...
 محل : کرمانشاه - سالن شهیدبهشتی .

مسابقات تیم به تیم با «ارمنستان»



نفرات از راست : کیومرث مهری کرمانشاهی - محمود خاوران - مرتضی حسینی - محمد رضا چائی چی - رضا چوپانی - هوشنگ بختیاری - علیرضا کهریزی - افشین نوری - کیومرث رجبی - علی حسینی - مرحوم حسین موثق.

محل : کرمانشاه - سالن شهید بهشتی

زمان : ۱۳۷۰ (ه. ش. .)



یادبودی از مسابقات کشتی آزاد قهرمانی کشور در سال ۱۳۷۰ (ه. ش. ۰) - در عکس مردنقره‌ای ایران «یوسف نوری» در وزن ۱۳۰ کیلوگرم آزاد دیده می‌شود.



یادبودی از مسابقات قهرمانی کشور ۱۳۷۲ (۵. ش. س) در ساری، «محمدرضاجائی چی» برندهٔ مدال طلای وزن ۵۲ کیلوگرم، نفروسط در عکس دیده می‌شود. - «علی شکری پور» [مقام دوم از مازندران] و «رضالایق» [مقام سوم از قزوین] به ترتیب از راست، طرفین قهرمان اول دیده می‌شوند.



یادبودی از تیم اعزامی کشتی گیران کرمانشاهی مسابقات جام یاشاردوغوی ترکیه - نفرات از راست :مسلم - کشمیری [پزشک تیم] -عباس کشمیری [خبرنگاراعزامی] - ... - سفیرایران در ترکیه - کارمند سفارت - حاج عباس - خزایی [رئیس وقت تربیت بدنی] - کارمند سفارت

نفرات نشسته : از راست : نیازی - احمد کوه دره ای [مربی] - سلیمان الهیاری - یوسف نوری - محمودخاوران [مربی] - محمودکوه دره ای [داور]

محل : استانبول

زمان : ۱۳۷۲ (ه. ش .)



یادبودی از مسابقات جام «شیانگ» در چین در سال ۱۹۹۴ (م. ن. اول: «نادرقنبری» فهردان کرمانشاهی بر سکوی نخست فهردانی وزن ۱۳۰ کیلوگرم کشتی آزاد دیده می‌شود.



مسابقات جام جهانی ۱۹۹۵ در «چاتانوکا»ی آمریکا. - در عکس «کوروش کهریزی» قهرمان کرمانشاهی در وزن ۹۰ کیلوگرم آزاد در حال ضربه فنی کردن حریف ژاپنی خویش دیده می‌شود.



مسابقات کشتی ارتشهای ایران ظفرالهیاری از کرمانشاه بر سکوی نخست دیده می شود. - مقام دوم کشتی گیری از خراسان و مقام سوم از تهران. [عکس که در دست الهیاری دیده می شود: مربوط به سروان شهید جهانبخش لرستانی می باشد.]



مجتبی حسینی از قهرمانان پُر تکاپوی خطّه غرب . [نفر سمت راست در عکس حاجّ شاهرخ دایی پور ، دبیر هیئت کشتی کرمانشاه].



حسین ابوالفضلی سابق نفر پیروز مسابقات انتخابی جام کشاورزی کرمانشاه

محل: کرمانشاه

زمان: ۱۳۷۳ (ه. ش.)



مسابقات کشتی آزاد قهرمانی کشور در وزن ۵۷ کیلوگرم آزاد نفرات از راست ، روی سکو : علی اکبر دو دانگه از تهران [مقام سوم] محمدعلی گنجابی از کرمانشاه [مقام اول] - علی باباجعفری از کرج [مقام دوم] نفرات پایین سکو : در این ردیف پهلوان یعقوبعلی شورورزی و پهلوان احمدوفادار دیده می‌شوند.

محل : مشهد

زمان : ۱۳۷۴ (۵. ش.)



۱ - «علیرضاجواهری» پیش کسوت و مربی ارزنده کرمانشاهی در کنار «کامران کرمان» کشتی گیر کرمانشاهی دیده می شود : محل : تهران - مسابقات جام تختی . - زمان : ۱۳۶۲ (. ه . ش)



«اکبرفلاح» قهرمان جهان در حال کشتی با «کامران کرمان» در مسابقات انتخابی تیم ملی سال ۱۳۶۷ (. ه . ش)

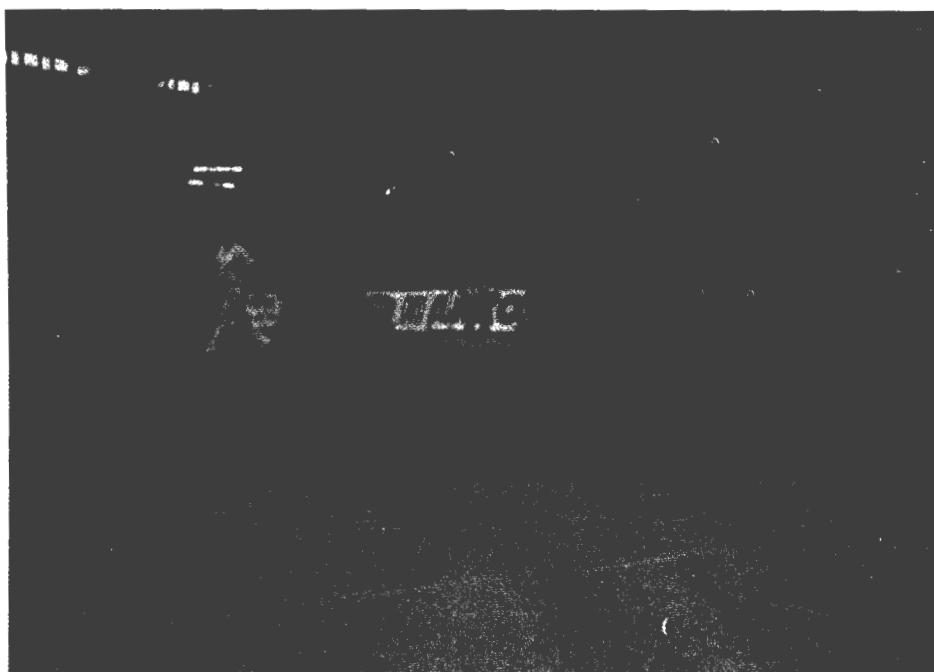


مهدی مگری قهرمانی از دیار دلاور پرور سنقر

نفر سوم پهلوانی کشور در خرم آباد

نفر دوم نوجوانان کشور

نفر دوم نیروهای مسلح کشور



«ماشالله حسینی» در مسابقات جهانی نوجوانان کشتی آزاد، در وزن ۶۲ کیلوگرم که در عکس در حال اجرای

فن بر حریف دیده می‌شود.

محل: استانبول

زمان: ۱۹۹۵ (م.)



۱



۲

جمعی از ورزشکاران بزرگ سال ورزش سستی کشور در سالن «تختی» کرمانشاه به سرپرستی حاج حبیب الله محلوچی، عکس شماره یک مربوط به سال ۱۳۷۳ و عکس شماره دو مربوط به سال ۱۳۷۴ (ه. ش.) است.

کشتی گیران کرمانشاهی در مسابقات قهرمانی کشور سال ۱۳۷۵^(۱) (ه. ش. ۰) در کرمانشاه.



مرتضی رازی کماسی در وزن ۱۰۰ کیلوگرم
[کرمانشاه] . نتیجه : مدال طلا



نادر قنبری در وزن ۱۳۰ کیلوگرم
[کرمانشاه] . نتیجه : مدال طلا

۱ - تاریخ پهلوانی از سال ۱۳۷۵ به بعد ، همچنین فهرست - نه در «کشتی گیران مطرح» کتاب درج شده‌اند در جلد سوم کتاب شرح خواهند شد. - مؤلف .



فریدون فغی‌هی در وزن ۸۶ کیلوگرم
[صحنه] نتیجه: مدال طلا



کوروش کهریزی در وزن ۹۰ کیلوگرم
[کرمانشاه] نتیجه: مدال نقره



تیمورمرادی در وزن ۶۸ کیلوگرم
[اسلام آباد]



علی اشرف دشتیان در وزن ۷۴ کیلوگرم
[کرمانشاه]



محمدعلی گنجابی در وزن ۵۷ کیلوگرم
[کرمانشاه] نتیجه : مدال طلا



غلامعلی فتاحی در وزن ۶۲ کیلوگرم
[سرپل ذهاب]



افشین فیض خری در وزن ۴۸ کیلوگرم
[کرمانشاه]



محمددرضاچائی چی در وزن ۵۲ کیلوگرم
[کرمانشاه] نتیجه : مدال طلا

نتیجه کشوری : تیم کشتی کرمانشاه : مقام سوم کشور

دلاوران المپیک ۱۹۹۶ در «آتلانتا»



عباس جدیدی



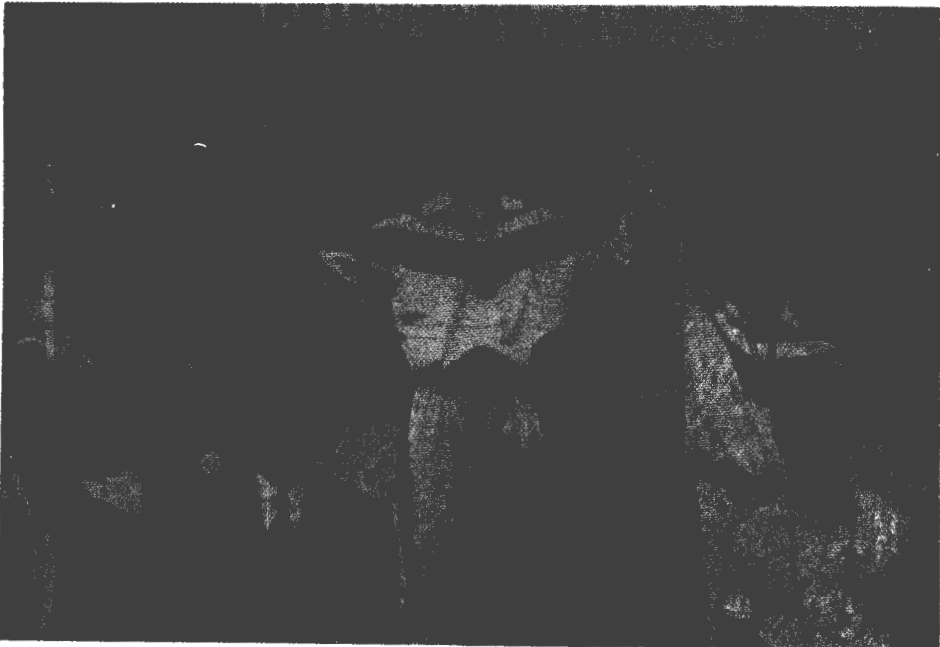
رسول خادم



امیررضا خادم



اکبرفلاح



«رسول خادم» در ردیف نفرات اعطاء جوایز در مسابقات قهرمانی نوجوانان جهان ۱۹۹۶ (م.م) در «تهران» جلوی سکوی نخست دیده می‌شود. - در این مسابقات «ماشاالله حسینی» قهرمان کرمانشاهی برسکوی قهرمانی جهان در وزن ۶۲ کیلوگرم کشتی آزاد، دستهای نفرات دوم و سوم را بالا برده است [همچنین برادر - «حسینی» «انشاالله حسینی» توانست مدال نقره وزن ۵۲ کیلوگرم این مسابقات را از آن خویش سازد.]

« حسن ختام آلبوم »

- افتخار آفرینان آخرین بازیهای المپیک قرن ۲۰، [۱۹۹۶ (م.م)]
- ۱- «رسول خادم» قهرمان طلایی در وزن ۹۰ کیلوگرم کشتی آزاد.
- ۲- «عباس جدیدی» نایب قهرمان در وزن ۱۰۰ کیلوگرم کشتی آزاد.
- ۳- «امیر رضا خادم» صاحب مدال برنز در وزن ۸۲ کیلوگرم کشتی آزاد.
- [دارای مدال طلای جهانی ۱۹۹۱ (م.م) و برنز بازیهای المپیک «بارسلون» و «آتلانتا»]



عباس جدیدی قهرمان سوم جهان در سال ۱۹۹۵ (م.م) و صاحب نقره المپیک ۱۹۹۶ (م.م)



گفتگوی مؤلف با مرحوم پهلوان حسین خمیرگیر.

پایان جلد دوم
۱۳۷۵ / ۱۲ / ۱۲ - کرمانشاه
جعفر کازرونی

فہرست اسامی

- آئیگ احمد ۶۹ - ۴۶۳ - ۴۶۴
 آبکش عباس ۲۶۴
 آتلی عصمت ۴۶۴ - ۴۶۶
 آجر تراش حسین ۳۰۳
 آذربیزین ۶۱
 آرش جمشید ۴۵۹ - ۴۸۱
 آرمنده اصغر ۳۳۴
 آزاد احمد ۳۹۱
 آزاد چنگیز ۲۳۴
 آزاد حاج تقی آزاد ۲۳۸
 آزاد فریدون ۲۳۴
 آزاد مرحوم ایرج ۲۳۴
 آزاد میرزا عبدالحسین ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۹
 ۳۸۳
 آزادی ساروخان ۳۱۷
 آزادی شاهرخ ۲۳۴
 آسودہ کاظم ۵۷۶
 آصف الدولہ ۸۴
 آقابابا ۵۴۴
 آقاشیخ ہادی ۲۱۱
 آقای دادابی ۴۳۱
 آقای مهدی رثوفی ۴۳۱ - ۴۳۶
 آقای صادقی ۴۳۱
 آل احمد جلال ۴۶۵
 آلبول ۴۶۳
 آل حاشر ۳۵۸
 آل دینی حاج علی آقا ۲۳۸
 آلمانی ہانری رنہ ۱۰۷
 آمان علی ۲۹۴ - ۲۹۵
 آمریکایی مورگان شوستر ۱۲۰
 آہنجی محمد ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۲ - ۴۲۶
 آہنگرخسرو ۲۸۲
 آہنگر عباس ۲۹۵
 آہنگراسد اللہ ۲۹۵
 ابتہاج ابوالحسن ۱۶۵
 ابرامی ہوشنگ ۱۱۸ -
 ابراہیم ۱۶۰
 ابراہیم ۳۳۴
 ابراہیم سید ۲۴۵
 ابراہیم میرزا ۱۳۲
 ابراہیمہ ۲۸۱
 ابراہیمی حسین ۴۵۶
 ابراہیمی آقابرار (آقابرار چرخ) ۲۹۴ - ۲۹۵
 ابطحی سروان ۴۲۳
 ابن کاوہ ۶۲
 ابوالفتح عطوفی ۵۲
 ابوالفتح میرزا سالارالدولہ ۱۲۳ - ۱۴۶ - ۱۵۲
 ابوالفضلی سابق حاج قاسم ۳۳۸ - ۳۴۰ - ۳۸۴ -
 ابوالفضلی سابق حاج کاظم ۳۳۷ - ۳۳۵ - ۳۳۸ -
 ۳۸۴ - ۵۴۸
 ابوالفضلی سابق حسن ۳۳۷ - ۵۷۲ -
 ابوالفضلی سابق حسین ۳۳۷ - ۵۷۲
 ابوالقاسم شیخ ۱۳۲
 ابوسعید محمد ۹۱
 ابوکرمی ۵۷۶
 اتابک اعظم ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳
 اجاق سید ابوالقاسم ۴۱۱

- اجاق سید حسین ۱۴۷ -
 احمد میرزا ۱۳۲
 احمدزاده سالار ۳۹۳
 احمدشاه قاجار ۵۷ - ۶۰ - ۵۹۲ - ۵۹۴
 احمدیان آقارضا ۳۴۹ - ۳۹۱
 احمدیان سید محمد ۳۵۷
 اخلاقی حاج علی ۳۲۶
 اورانوس غلامحسین ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵
 اورانوس علی ۲۴۴
 اورانوس حسین ۲۴۴
 ارجاسب ۶۲
 ارجون ارسلان ۴۸۴ - ۴۸۸
 اردکانی مرید حاجی سید عبدالکریم ۱۵۴
 اردلان غلامشاه خان ۹۲
 ارسطا دکتر عبدالعلی ۵۴
 ارسطو ۴۰۷
 ارکی پهلوان ابوالقاسم ۵۹۰
 ارمکان باقر ۳۲۵
 ارمنی پیرم خان ۱۲۳ - ۱۲۴
 استوالارسکی ۵۰۳
 استورک صباح الدین ۵۶۹
 اسد ۸۵
 اسدآبادی سید جمال الدین ۹۰
 اسدپورکریم ۳۵۴
 اسعد سردار ۱۵۴
 اسعدی هاشم (هاشم رویی) ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵
 اسفندیار ۸۷
 اسفندیاری احمد ۳۹۶
 اسکویی حاج سید محمد علی ۱۳۶ - ۱۴۱ - ۱۴۴
 اسماعیل بیگی داریوش ۵۷۲
 اسماعیلی آقابرار ۲۰۴
- اسماعیلی محمد (محمد آفاندوله ای) ۷۴ - ۲۰۴
 ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ -
 ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۵۵ - ۲۶۰ - ۳۰۲ - ۳۵۲ - ۳۸۶ -
 ۳۸۷ - ۴۲۵ - ۴۳۱
 اسماعیلی ناصر ۵۷۵
 اشرف ۳۰ - ۲۵
 اصغر بهرامی ۳۴۷
 اصفهانی پهلوان نعمت الله ۱۶۳
 اصفهانی سید مهدی صدر ۲۰۹ - ۲۱۴
 اصفهانی علی آقا ۲۳۲
 اصفهانی نعمت الله هیزم شکن ۱۱۱
 اعتمادی ۵۷۲
 اعتمادی ادريس ۱۰۷
 اعرابی جعفر ۵۷۶
 اعظم الدوله ۴۲
 اعظم الدوله ۱۲۳
 اعظم زنگنه ۴۹
 اعظم زنگنه دکتر محمد رضا ۴۳
 اعظم زنگنه سیف الله خان ۴۳
 اعظم زنگنه عبدالله خان ۴۳
 اعظم زنگنه عزیزخان ۴۳
 اعظم زنگنه علی اکبرخان ۴۳
 اعظم امیر پهلوان ۵۹۶
 اعظم سپهسالار ۱۵۰
 افراسیاب ۶۱ - ۶۲
 افراطی امیر ۵۳۰
 افشار برات ۳۳۱
 افغانی رستم ۸۵
 افلاطون ۴۰۷
 پهلوان ترک ۵۹۵
 اقبال محمد رضا ۲۳۴

امینی پرویز ۳۲۷	اکبر ۳۲۱
انصاف اسماعیل ۲۳۶	الفتی حسن ۵۱۲
انوری ابوالفضل ۵۳۶	الماسوندی حاج قاسم (قاسم شاطر رفیع) ۳۱۱
اورغانه ۷۶	۴۱۹ - ۴۱۲ - ۳۸۷ - ۳۵۵ - ۳۴۴ - ۳۸۷ - ۳۲۴
اورنگ شیخ الملک ۳۵	۴۲۵ - ۴۳۹ - ۴۴۱ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷
اوکتای قآن ۷۶	الهیاریخان «دوچینا» ۵۵۶
ایرانفر شهید غلامرضا ۵۴۶	الهیاری سلیمان ۵۱۴ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸ - ۵۵۹
ایرانی محمد ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۲۸ - ۴۳۱	۵۷۲
ایرج ۶۲	الهیاری صحبت الله ۱۶۵ - ۱۶۷
ایل بیگی رضاقلی خان ۱۱۹	الهیاری ظفر ۵۷۳
ایمانی شهریار ۵۶۴ - ۵۶۵	الهیاری علی ۵۵۸
ایمانی صادق ۳۵۰ - ۴۲۱ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶	الهی یدالله ۴۱۲ - ۴۳۹ - ۴۴۸
۴۹۶ - ۵۰۰ - ۵۰۳ - ۵۰۷ - ۵۱۲ - ۵۱۹ - ۵۲۳	امامی عباسی ۳۹۱
۵۲۸ - ۵۳۷ - ۵۶۴ - ۵۳۳	امان الله ۴۹۶
اینولچف ۴۷۹	امجدی ۴۵۲
ایوانی اردشیر ۴۹۰ - ۵۷۶	امجدیان فرامرز ۴۸۴ - ۵۷۶
ایلخانانی فرخ خان ۵۵۹ - ۶۰۰	امیدعلی ۳۵۹
ایوب داود ۴۵۹	امیربرق حسین خان (حسین کلاه مال) ۱۱۰ - ۱۱۱
بابا اولادی ۴۵۶	۱۱۳ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۱ - ۱۲۲
بابایی بابارمضان ۸۴	۲۸۰ - ۳۷۷
بادایف قهرمان روس ۵۲۱	امیرتومان مصیب خان ۱۱۴
بازارچه اصغر ۴۵۸	امیرجنگ محمدتقی خان ضیاء السلطان ۱۱۴
باسکرویل ۱۱۸	امیرکل ۴۹
باشماقچی تبریزی رضا ۲۵۱	امیرمجاهد حسین قلی خان ۱۱۴ - ۱۲۷ - ۱۲۹
باقرآبادی عیسی ۲۷۱	امیرمحرّم ۴۹
باقرپورمجید ۳۵۱ -	امیرمقتدر ۴۹ - ۵۸
باقرخان ۱۱۸ - ۱۱۹	امیرنظام آذربایجان سرتیپ محمدخان ۴۲
باقرنژاد ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۸ - ۳۵۲ - ۳۵۵ - ۳۹۱	امیری علی ۳۴۵
باقری محمد ۳۶۲	امیری محمدعلی ۲۷۱
بالاوندی الله مراد ۲۰۶ - ۲۰۷	امین الممالک شریف خان ۱۱۵ - ۱۲۳
بانورنگینه (عمه رنگینه) ۳۸۸	امین محمد ۲۴۶

- باوندپور غلامرضا ۳۳۱ - ۳۵۸
 بختیاری ابوالقاسم خان ۱۱۹
 بختیاری اسعد ۱۱۷
 بختیاری جعفرقلی خان هفت لنگ ۱۱۹
 بختیاری شهاب السلطنه بختیاری ۱۱۴
 بختیاری لطف علی خان امیر مفخم ۱۵۴ - ۱۵۵
 بختیاری هوشنگ ۵۷۲
 بدافت حاج حسن ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۸ - ۵۹۱
 بدل زاده ۳۲۵
 بدل کار کریم ۶۰۰
 بدلیسی امیر شرف خان ۶۰
 برارپور استاد (استاد امیر آشین) ۲۴۸ - ۲۴۷
 برزگر منصور ۴۸۰ - ۵۱۲ - ۵۲۶ - ۵۶۰
 برمکی نیا حیدر ۳۲۳
 بروجردی شیخ محمود ۱۲۳
 بروجردی مرحوم مشهدی غلامحسین ۳۲۶
 بزم آور محمد ۵۲۷
 بساوند حسین (پهلوان حسین خمیرگیر) ۳۰۳ - ۳۰۴
 بصاحه سید علی ۵۷۶
 بصیری محمود ۴۸۸ - ۴۸۹
 بکریوکر ۴۶۳
 بلدی یدالله ۴۹۹ - ۵۷۶
 بلقیس ۱۱۶ - ۱۳۰
 بلنداقبال عادل ۵۷۶
 بلندی غلامحسین ۴۲۱ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۹۱
 ۴۹۹ - ۵۰۹ - ۵۱۲ - ۵۱۸ - ۵۲۱ - ۵۲۷ - ۵۲۸ -
 ۵۳۳ - ۵۳۷ - ۵۳۸
 بلوچ خدامراد ۱۵۰
 بلور حبیب الله ۷۳ - ۱۳۷ - ۱۴۳ - ۲۶ - ۴۳۸
 ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۵۲۱
- بلوردی رضا ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۶۵ - ۵۷۶
 بلورفروش آقا محمد ۲۶ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ -
 ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۶ - ۲۰۳ - ۳۶۷
 بلورفروش میر قوام ۱۰۷ - ۸۴
 بناپور دکتر فریدون ۵۴
 بنا علی ۱۶۵
 بنکدار پهلوان حسین ۱۶۹ - ۱۷۱ - ۱۷۲
 بنکدار حاج رضا ۳۲۵
 بنکدار منوچهر ۲۹۶ - ۳۵۴
 بنی نصرت پهلوان ایوب ۴۶۸ - ۵۶۰
 بهبانی آیت الله ۱۱۹
 بهرام چوبینه ۶۲
 بهرام چهارم ۳۴
 بهرام گور ۶۲
 بهرامی ابراهیم ۳۲۰
 بهرامی گودرز ۵۷۶
 بهرامی سیامک ۴۹۱ - ۴۹۲
 بهروز یاری ۵۶۰
 بهره مند ۴۳۳
 بهزاد یدالله ۲۳
 بهمنش ۱۹۱ - ۵۰۲
 بیابانی احمد ۴۸۵
 بیات عزت الله ۳۵۶
 بیانی ۵۵۹
 بی بی زاده شاپور ۳۴۵
 بی حیلہ عباس ۳۴۷
 بیدار اختر محمد (صوفی محمد) ۳۲۲
 بیژن ۶۲
 بیژن پور فریدون ۵۷۶
 بیژن پور منوچهر ۴۹۱ - ۵۷۶
 بیگ پور معمار امید علی ۲۷۰

- بیگلری حاج حسن ۴۲۲ - ۴۳۳ - ۵۴۷
 بیگ نجفعلی ۲۳۳
 پاسبان حاجی ۲۹۰
 پاشاسرتیپ علی ۱۹۷
 پاشاعلی ۱۷۱
 پاشای بغدادی اسماعیل ۷۱ - ۷۶
 پاکدامن جعفر ۳۲۸ - ۴۹۱ - ۵۷۶
 پالان دوزابراهیم ۱۸۱ - ۱۸۵ - ۱۸۷ - ۱۹۰ - ۲۱۹
 پالم وایکینگ ۲۲۸ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۳۶۸ - ۳۸۴
 پ - جاسم ۳۸۰
 پرتویضایی مرحوم حسین ۸۴ - ۱۰۷ - ۱۱۱ -
 ۱۳۸ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۴ - ۱۶۷ - ۱۷۱ - ۴۰۲ -
 ۴۱۲ - ۵۸۴ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۹۲
 پرویز عرب ۴۸۰
 پرویزی امیر ۳۵۸
 پروینی حمید ۳۹۳
پیرسای صفر ۵۷۶
 پشته کنشی محمد ۳۴۹
 پ کاظم - ۳۸۰
 پگاه ۵۵۹
 پلنگ کش کاظم ۴۴۸
 بنده مشهدی احمد (احمد مهرکن) ۲۰۹ - ۲۱۳
 ۲۱۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۶۸ - ۲۷۰ - ۲۷۵
 ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۰۲ - ۳۱۳ - ۳۱۹ - ۳۲۱ - ۳۲۴ - ۳۲۵
 ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۷ - ۴۳۷ - ۴۴۳
 پوپ رسول ۳۵۸
 پوپ محسن ۳۵۸
 پورجعفر ۵۵۷
 پورزال ۶۱
 پورکرمی قدرت الله ۵۴۰
 پوریای ولی ۲۶ - ۶۵ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۵
 ۷۶ - ۷۷ - ۲۵۶
 پهلوان باشی حاج حسن ۵۸۴
 پهلوان رضا ۵۵۹
 پهلوان زاده ۵۸۹
 پهلوان غلام حسین اهل ساری ۱۳۷ - ۱۳۸
 پهلوان مهدی ۵۵۹
 پهلوان صفرکرمانشاهی ۵۸۹
 پیامبراسلام (ص) ۶۴
پیمانفر علیرضا ۵۱۱
 پیتربلر ۴۷۸
 پیری جهانگیر ۴۱۲ - ۴۱۹ - ۴۴۲ - ۴۴۸ -
 پیشدادی منوچهر ۶۱
 پیشرو خسرو ۵۵۴
 تالان دشتی محمدعلی ۱۴۴ - ۱۴۸
تالبوت، میجره، ف. ۵۷
 تبریزی سید محمد قرآنی ۲۸۵
 تبریزی مصیب خان ۱۲۷ - ۱۲۹
 تجریشی غلام ۵۹۰ - ۵۹۴ - ۵۹۵
 تجریشی قربان ۸۴
 تجلی سرهنگ امیر ۳۸۹
 تختی بابک ۴۶۵ - ۴۸۱
 تختی غلامرضا ۲۶ - ۶۸ - ۷۴ - ۲۷۶ - ۳۰۶
 ۳۶۶ - ۳۹۶ - ۴۰۳ - ۴۰۷ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۵۵
 ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵
 ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۷۲ - ۴۷۴ - ۴۸۶ - ۴۷۸
 ۴۸۰ - ۴۹۴ - ۶۰۱
 تختی قاسم ۱۳۵
 ترخاق سلطان علی ۵۳۰
 ترکان مجید ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۵۴
 ترکیه عبدالحسین ۱۲۱ - ۱۲۶ - ۱۲۷ -

۱۲۸ - ۱۲۹	تقی زاده صیادالسلطنه ۱۲۱
۲۶۵ - ۲۶۴ - ۳۵۵ - ۲۳۵ - ۲۰۹	تنگلو حاج علی ۲۰۹
۵۷۶	تهری رسول ۵۷۶
۱۵۰ - ۱۳۵ - ۱۳۴	تنکابنی امیراعظم ۱۳۴
۱۵۰	تنکابنی محمدولی ۱۵۰
۳۵۸	توانا رضا ۳۵۸
۵۳۳ - ۵۵۲ - ۵۳۰	تویچی محمدرضا ۵۳۰
۴۴۸	توحیدی ۴۴۸
۴۲۰	توفیق مرحوم مهندسی ۴۲۰
۴۱۳	تولایی ابوالحسن ۴۱۳
۵۶۱	تومف کامون «بلغاری» ۵۶۱
۳۷۷ - ۳۹۸ - ۴۰۲	تهرانچی محمد مهدی ۳۷۷ - ۳۹۸ - ۴۰۲
۵۹۹ - ۵۹۵	تهرانی آقاسید مرشد ۱۷۱
۱۷۱	تهرانی امیر ۵۵۴
۵۵۴	تهرانی سید ۵۸۶
۱۰۷	تهرانی بدرالدین ۱۰۷
۶۰۰	تهرانی سید (پهلوان نامدار) ۶۰۰
۸۱	تهمتن ۸۱
۶۱	تهمینه ۶۱
۳۹۴	تیرانداز ۳۹۴
۵۷۴	تیرانداز کیومرث ۵۷۴
۵۱۷	تیغی حشمت الله ۵۱۷
۲۷۶ - ۴۳۴	تیمسار بهار مست ۲۷۶ - ۴۳۴
۳۸۹	تیمسار سیاسی ۳۸۹
۴۳۶ - ۴۳۹ - ۴۴۴ - ۴۴۶	تیموری مصطفی ۴۳۶ - ۴۳۹ - ۴۴۴ - ۴۴۶
۷۴	تیموری سعید ۷۴
۹۱	تیموری سلطان حسین بایقرای ۹۱
۲۹۳	تیموری سیف الله ۲۹۳
۳۲۱	تیموری علی ۳۲۱
۲۹۳	تیموری علی محمد ۲۹۳
۲۱۳ - ۲۱۰ - ۲۰۹	تیموری مشهدی تقی (تیموریان) ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۳
۳۰۲ - ۲۹۳ - ۲۶۴ - ۲۵۹ - ۲۵۵ - ۲۵۴ - ۲۵۳	تیموری مهدی ۳۲۱ - ۳۲۵ - ۳۳۵ - ۳۶۶ - ۳۵۲
۴۳۶ - ۴۱۹	تیموری مصطفی ۴۱۹ - ۴۳۶
۳۵۵ - ۳۵۳ - ۳۵۲ - ۳۲۸	تیموری مهدی ۳۲۸ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۵
۴۶۷	ثانی پوریای ۴۶۷
۱۹۹	جاسم ۱۹۹
۴۸۴	جانسوز علی قلی ۴۸۴
۳۴۲ - ۲۹۴ - ۲۷۶ - ۲۷۵ - ۲۶۸	جاویدان علی آقا ۲۶۸ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۹۴ - ۳۴۲
۴۲۲ - ۳۴۴	جاویدان ناصر ۴۵۶
۴۵۶	جاهد رضا ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۷ - ۴۲۸
۴۳۹	جایی علی ۱۶۵
۱۶۵	جدیان عباس (عباس خانم) ۲۴۶
۲۴۶	جعفرزاده کاوس ۵۲۱
۵۲۱	جعفری حاج سید حسین ۵۴
۵۴	جعفری شعبان ۲۱۱ - ۳۸۶
۳۸۶ - ۲۱۱	جعفری فرهاد ۵۴۸
۵۴۸	جقازردی عطاء ۴۳۳
۴۳۳	جلالدین رومی ۶۵
۶۵	جلیل پهلوان کاظم ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۴۴
۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۴۴	جلیلی آقا شیخ عبدالرحیم ۱۶۹
۱۶۹	جلیلیان محمد ۴۹۱
۴۹۱	جلیلی محمد ۵۷۶
۵۷۶	جلیلی محمد حسین ۳۲۵
۳۲۵	جمشیدی سیامک ۵۷۶
۵۷۶	جمشیدی شاهرخ ۵۷۶
۵۷۶	جوادی ۵۷۲

جوادى ابراهيم ۵۱۹	حاج تقى مرحوم على خان ۱۰۷
جواديان خليل ۴۳۹ - ۴۴۲ - ۴۴۴	حاج حبيب الله ۳۱۳
جواهرى سيف الله ۳۴۳	حاج حسن ۳۷۵
جواهرى على ۴۸۸ - ۳۵۸	حاج حسين ۳۱۱
جواهرى عليرضا ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱	حاج دابى غلام (حاج غلام ستاره) ۳۲۵
جهانخت توفيق ۴۸۰	حاج على آقا ۲۷۲
جهانسوزعلى اصغر ۴۲۲ - ۴۲۷ - ۴۲۸	حاج على اصغر ۱۳۵
جهانشاهى جليل ۵۶۰	حاج على اكبر ۴۲۲
جهانيان حسين (حسين سياه) ۳۱۹	حاج قنبرعلى ۸۷
جهانى نورعلى ۳۸۷ - ۳۷۹ - ۳۹۱	حاج محراب اسدالله ۴۵۷ - ۴۵۸
جيحونى حاج آقابابا ۲۶۳ - ۳۱۱ - ۳۲۵ - ۳۵۸ - ۳۷۸ - ۴۱۹	حاج محمد ۵۱۷
جيحونى مشهدى ميرزا ۳۰۰ - ۳۳۲	حاج محمد رشيد ۳۵۰
چاردولى عبدالباقى خان ۱۲۴	حاجى آقارشيدى ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۵
چاشنى سازسيدقاسم (سيدقاسم مكانيك ناربه) ۲۶	حاجى آقا مهدوى ۵۲
۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵	حاجى آقاولى ۱۵۱
۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۸۰ - ۲۱۳ - ۲۳۲ - ۲۷۳ - ۲۹۰ - ۲۹۲ - ۳۱۰ - ۳۸۰ - ۳۸۴ - ۳۸۹	حاجى اربابى ۵۲
چائى چى ۱۹۷ - ۲۲۲	حاجى خورده فروش ۱۳۸ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۷۱ - ۱۷۰ - ۱۴۳ - ۱۴۲
چائى چى محمدرضا ۵۶۳ - ۵۷۳	حاجى رشيدى ۴۲۲
چش درسه على ۲۶۰	حاجى سعيدى ۳۴۱
چقازردى عطا ۵۷۶	حاجيه قمررشيدى ۳۸۱
چقاگلانى شهيد مسعود ۵۰۵	حازم نظام ۴۹
چقامجيرزايى فرامرز ۵۴۸	حبيب الله ۳۴۹
چلوپى سيد ميرآقا ۲۳۹	حبيب الله ۳۵۷
چمنى باقر ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۹۴ - ۳۲۵ - ۳۴۲	حبيب الله خامه چى ۴۳۹ - ۴۵۲
چهرى غلام ۳۲۵ - ۳۵۷ - ۳۶۰ - ۳۶۴ - ۳۹۴	حبيبي اسماعيل ۵۷۶
حاتمى سهراب ۵۷۲	حبيبي امامعلى ۴۴۷ - ۴۵۶ - ۴۸۰ - ۴۸۱
حاج آقا محمد مهدى ۱۶۸ - ۱۶۹	حبيبي حشمت الله ۳۴۵
حاج اسماعيل ۴۴۳	حجت الاسلام آل آقا ۱۵۷
حاجب الدوله ۸۹ - ۹۰ - ۹۲ - ۵۸۷	حجت السلام حاج مهدى مجتهد ۱۱۶
	حديدى جواد ۴۱۴ - ۴۳۳ - ۵۱۷

خادم امیررضا ۴۸۱	خُرّی آرش ۵۷۸-۵۰۶
خادم رسول ۵۶۲	حریری عبّاس ۴۸۰-۴۷۵-۷۴
خاقان ترک ۶۲	حریری محمّدهادی ۵۰
خالوحیدر اصغر ۱۰۷	حسام پهلوان ۱۴۱
خالگیران خسرو ۴۸۸	حسام میرزا ۱۴۰-۱۴۱
خان ملک پهلوان نایب علی ۵۹۰	حسن خان معاون الملک ۵۷-۵۸-۱۲۸
خاوران مجید ۵۰۵	حسن زاده محمدعلی ۵۰
خاوران محمّدرضا ۵۰۵	حسینی عبّاس (عباس سنّیل) ۳۱۵-۲۴۳
خاوران محمود ۴۸۴-۴۸۶-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵	حسینی مجتبی ۵۷۲-۵۴۵
۵۱۸-۵۲۰-۵۲۸-۵۴۴-۵۴۶-۵۴۹-۵۵۹	حسین ۸۷-۹۱-۹۲
۵۶۸-۵۷۰-۵۷۷	حسین خان ۵۹-۱۲۶
خاوری هوشنگ ۴۲۸	حسین زاده میرزامحمّد ۱۱۸
خجسته پورمحمدعلی ۴۵۶	حسین سیاه ۳۲۰
خداداد قصاب ۲۸۲	حسینی علی ۵۱۴-
خدایی محمدجعفر ۵۱۵-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-	حسینی ماشاالله ۵۰۶
۵۶۲-۵۶۳-۵۷۲	حشمت الله ۳۶۱
خدر رمضان ۵۲۷	حشمت الله شاطی ۲۹۶
خدروی محمدعلی ۳۴۷-۳۴۸	حقیقی سیروس ۳۴۷
خدویمسعود ۵۷۶	حکاک حاج علی ۲۳۶
خراسانی ۵۸۷-۵۸۸	حکمت علیرضا ۳۹۹
خراسانی آقاسید یحیی ۱۳۲	حلمی غلامرضا ۵۳۰
خراسانی اکبر ۸۷-۸۱-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-	حلّه ای سیدعلی ۲۰۹-۲۸۲-۲۸۳
۵۹۰-۵۹۱	حلیلی محمّد ۳۵۲
خراسانی درویش محمّد ۹۱	حمّده اسدالله ۴۳۲
خراسانی سیدکاظم ۹۶	حیدر ۳۲۸
خراسانی گل کار ۲۰۹	حیدریناهی عزت الله ۳۴۹-۳۵۷
خراسانی محمّدکاظم ۵۹۰	حیدرپور ایرج ۴۹۱
خرسه محمّد ۱۱۵	حیدر مشهدی ۴۹۲
خرمپور فرج الله (خرمعلی) ۲۸۶	حیدریان عادل ۵۰۶
خزانه غلامحسین خان ۵۸۶-۵۸۹	حیدری فر شهید مسعود ۵۴۶
خسرو ۲۶۱	حیدری منوچهر ۲۹۶-۳۵۸

دریازار نایب اصغر ۲۰۵ - ۲۰۷	خسروی پرویز ۳۶
دریاری پهلوان اسدالله ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۵۳	خسروکیانی ایرج ۵۰۲
درب سازان فتح الله ۳۵۵	خسروی ۴۹۵
درخانگهی پهلوان سید موسی ۸۴ - ۱۰۷ - ۵۸۱	خسروی عبدالرحمن ۵۷۶
۵۹۴	خسروی محمدعلی ۳۳۴
دلاک کاشی اکبر ۸۴	خسروی مظفر ۳۷۰ - ۵۲۸ - ۵۳۸ - ۵۴۰ - ۵۴۲
دلفانی شاهمراد ۴۴۴ - ۴۴۶	۵۷۲ - ۵۴۱
دلیریان محمد ۵۷۵	خطاط حاجی میرزاابا ۲۷۹
دولت آبادی حاج میرزا یحیی ۸۴	خلج گرگانی
دولت آبادی سید علی محمد ۱۲۳	خلیل ۵۷۰
دولتشاهی ابوالفتح میرزا ۱۱۶	خلیل جوادیان ۴۱۲ - ۴۱۹ - ۴۴۲
دولتشاهی سرتیپ ۴۶	خواصی سید نوروز ۳۹۱
دولتشاهی شاهزاده محمد مراد میرزا ۲۷۹	خوانساری حاج غلامرضا ۴۸۵
دولتشاهی عمادالدین ۶۱	خوانساری مهدی خان ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۸
دولتشاهی محمد هاشم میرزا ۱۸۱	خوش اندام شاهپور ۳۹۱
ده پهلوان جعفر (جعفرکلاه مال) ۱۸۴ - ۲۳۱	خوش اندام عباس ۳۹۱
۲۳۲	خوشخو اصغر (خان داش) ۴۹۵ - ۴۹۶
دهنوارقانی سرهنگ ۱۱۷	خیاط استاد میرزا آقا ۱۷۱ - ۲۳۲
دهقان علی ۵۴۰	خیاط باشی ۱۲۴
دیوانه داود ۱۶۵	خیاط غلامعلی ۳۴۷
ذالریاستین ۳۹	خیرالله ۵۵۹
رئیس نیا رحیم ۱۱۲ - ۱۱۹	زادرسی پرویز ۵۶۷
رئیس منصور ۴۵۶	زاریوش ۳۵
رادرس حسین ۴۹۱	داس و تیشه حسین ۲۶۰ - ۲۵۹
رافائل ۴۰۷	داس آکل ۷۱
ریوکیار ۷۰	دان زاریاسرتر ۴۷۹
رجبی کیومرث ۵۶۳ - ۵۶۶ - ۵۶۷	داودهمگی (داودچرخ شیرین کار) ۲۸۸ - ۲۸۹
رحیم خان ۱۱۸	- ۳۲۴ - ۳۴۷
رحیمی سلیمان ۵۷۶	دایی وند ابراهیم (ابی آهکی) ۲۳۵ - ۳۰۲
رحیمی غلامعلی (مشهدی کلی رحیمی) ۳۱۳ - ۳۱۴	دبیراعظم ۴۰
- ۳۴۴ - ۳۵۲ -	دراندرونی حاجی آقا ۵۹۰

رخش ۲۲۲	رشیدی ناب اسماعیل ۱۴۴
رزاریان مهدی ۲۵۸	رشید یاسمی ۶۱
رزقی داریوش ۴۴۷ - ۴۳۹ - ۴۳۵ - ۳۵۳ - ۳۵۲	رضا ۳
رزقی علیرضا ۵۶۵ - ۵۱۱	رضا ۵۰۸
رزم زن ۶۲	رضا مهدی ۱۲۹
رستم ۶۰ - ۷۳ - ۱۲۸ - ۱۳۰ - ۱۳۸ - ۲۱۷ - ۲۲۲	رضا نجفیان ۵۶۵
۲۶۱	رضانیا ۲۵۱
رستم آبادی پهلوان حاج علی ۵۹۰	رضاپور حاج یدالله «حاجی اتوکش» ۳۱۷ - ۲۹۵
رستم آبادی حاجی علی ۵۸۱ - ۹۹	رضایی تبارجواد ۵۶۳
رستمی حاج مرتضی ۲۹۶	رضایی حاج حیدر ۳۵۸
رستمی خسرو ۲۵۸	رضایی حاج طیب حاج رضایی ۲۳۷
رستمی مرتضی ۳۵۴ - ۳۴۵	رضایی حاج غلامحسین رضایی ۲۹۹
رسول زاده محمدامین ۱۱۸ - ۱۱۹	رضایی شهید عباس ۵۰۵ - ۵۴۶
رسولی نژادحسن ۴۳۳۰ - ۵۷۶	رضایی شهید عبدالوحید ۵۴۶
رشید ۸۱	رضایی شهید وحید ۵۴۶
رشیدی ۴۳۳	رضایی مصطفی ۲۳۸ - ۴۱۹
رشیدی اکبر ۵۷۶	رعیت پناه ۴۸۰
رشیدی بهروز ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۵۱	رفیع محمد ۴۶ - ۲۲۵ - ۴۴۵
رشیدی پ محمدصادق ۳۸۱	رفیعی تقی ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۴۱۳
رشیدی حاج آقا برار ۲۳۸ - ۳۸۶	رکسانا ۵۵۳
رشیدی حاجی خان عمو ۲۳۶	رمضان شاطر ۵۹۰ - ۵۹۵
رشیدی صحبت الله (الهیار) ۲۴۸ - ۲۴۷	روان احمد (احمدکتبی) ۳۱۱
رشیدی قلی خان (قلی آتش بار) ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۴۷	روانبخش رنگنه ابوالحسن خان ۱۱۶
۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۹۳ - ۲۹۹	روایی حاجی (حاجی دارا) ۲۹۰
رشیدی محمدعلی سلطان (محمدعلی گنل) ۲۶	روایی عطاالله روایی (عطاالله دارا) ۲۹۰
۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹	روحانی ۵۴۲
۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۷	رودابه ۲۱۷
۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴	روشنک امیر ۵۷۶
۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷	رهام ۶۲
رشیدی میرزا اسدالله ۱۵۴ - ۱۵۷	رهناصادق (سایه) ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۶۴
رشیدی میرزا حسن ۱۴۸	ریاحی کاظم ۵۲

ریزان مصطفی ۵۷۶	زنگنه شیخ علی خان ۳۱
ریزان نصرالله ۲۶۵	زنگنه علاءالدین زنگنه ۴۳
ریو ۶۲	زنگنه مهندس احمد ۵۴
زاب ۶۱	زمهریری نادر ۳۵۸
زاکانی حسین ۵۳۰	زهتابان علی اشرف ۳۵۰ - ۳۸۰ - ۴۱۰ - ۴۲۵
زاکی ۵۰۳	۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۹ - ۴۴۱
زال ۶۰	۴۴۲ - ۴۴۸ - ۴۹۱ - ۴۹۹ - ۵۲۱ - ۵۲۳ - ۵۲۸
زاهد جاسم ۲۳۲	زهرایی احمد ۵۰۵
زرافشانی اسفندیار ۵۱۱ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۱	زیبا علیرضا ۵۱۳
۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۵۹ - ۵۷۹	زینال صفت کرمانشاهی سیدمرتضی ۳۶۱ - ۳۶۲
زرشکیان ۴۷	۳۶۳ - ۳۹۴
زرافشانی برادران ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۵۸	زینال صفت مجتبی ۳۵۵
زرافشانی بیژن ۴۸۴ - ۴۸۸ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳	زینب ۱۱۶
۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۷۲ - ۵۶۸ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۵۵	زینی گونوج (زین العابدین) ۱۸۰ - ۱۸۲ - ۱۸۴
زرافشانی حاج سیف الله ۳۲۵	۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۹۰ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۲۲۷ - ۲۲۸
زرعی اسدالله ۳۹۱	۲۶۵ - ۳۶۸
زرونی شهید کورش ۵۱۱ - ۵۷۶	ژولیده جهانبخش (جانی امنیه) ۲۰۴ - ۲۳۵ - ۲۶۴ -
زرینی الله مراد ۵۵۱ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۴۰ - ۵۵۴	۲۷۲ - ۲۷۳ - ۳۸۱ - ۴۳۸ - ۴۳۹
۵۷۵ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۷۲	سابابین هاوارد «روسی» ۵۶۱
زکریای رازی محمدین ۴۰۸	ساری اصلانی بهمن ۵۷۶
زنجان اصغر ۳۴۸	سالارالدوله ۲۶ - ۴۲ - ۷۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۵۰ -
زنجان پ حاج عباس ۳۴۸	۱۵۱ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۴ - ۱۲۷ - ۱۵۳
زنجان علی ۳۴۸	سالارالدوله حضرت والا شاهزاده ۱۲۴
زندى حسين ۳۹ - ۳۳۲ - ۳۹۱	سالارالملک ۵۷
زندى عباس ۲۶ - ۶۸ - ۷۴ - ۴۲۸ - ۴۳۶ - ۴۶۸	سام ۶۰
۴۷۱ - ۴۸۱	سبزواری عبدالرزاق ۷۶
زندى غلام ۴۸۰	سبزواری امین الدوله ۷۶
زنگنه ارسلان ۵۷۶	سبزی کارعلی ۱۷۲ - ۱۹۷ - ۱۹۸
زنگنه اعظم ۴۳ - ۴۹ - ۵۴ - ۵۸	سبزی کار مشهدی آقا ۱۹۷ - ۱۹۸
زنگنه دکتر احمدخان ۴۳ - ۵۴	ستارخان ۱۱۸ - ۱۱۹
زنگنه سرهنگ یدالله خان ۴۳	

۲۲۸ - ۲۲۷ - ۲۲۴ - ۲۲۳ - ۲۲۲ - ۲۲۱ - ۲۲۰	ستاره حاج غلام ۳۱۱ - ۳۱۷
۲۴۳ - ۲۴۰ - ۲۴۲	ستوان مترجم ۴۲۲
۱۳۲ سمیعی کیوان	ستوده فریدون ۲۹۶ - ۳۴۶ - ۳۵۴
۵۹ سنجابی دکتر کریم	سخدری ابوالقاسم ۷۴ - ۴۷۳ - ۴۷۵ - ۴۷۶
۱۵۵ سنجابی شیرمحمدخان	سرابی پهلوان خان محمد ۱۷۵
۴۳۲ سنگدل محمود	سرابی حاج رضا ۳۹۳ - ۳۵۸
۷۲ سنگلجی حاج رضا	سرابی مرحوم حاج اسماعیل ۳۳۲ - ۳۳۴ - ۳۴۰
۱۰۹ - ۹۳ - ۹۲ سندجی نادرکله پز	سرابی نقی ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۲۶
۱۵۰ سوادکوهی غلامشاه	۲۱۹ - ۳۷۷ - ۳۸۰ - ۴۲۰ - ۵۵۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱
۵۲۶ - ۵۷۵ - ۵۶۰ - ۵۲۷ سوخته سرابی	سرلی محمد ۲۰۷
۴۹۸ سودیاب آقویس	سرتیب مدلل ۳۸۹
۶۲ سوفزای	سرتیب میرزاعای خان ۱۱۵
۵۵۲ سولتزد از امریکا	سرخوش سیاوشی ۳۲۵
۳۸۵ سوهانی محمد	سرمست ۲۶۴
۲۳۹ سوهانی مشهدی رضا	سروان هیربد ۴۲۵
۱۲۸ - ۱۲۷ سهام الدوله	سروری بنی الله ۴۵۶
۱۳۸ - ۱۱۱ ۹۱ ۸۳ - ۸۱ - ۷۳ - ۶۱ سهراب	سروری نبی ۴۹۴
۴۹۲ - ۴۹۱ - ۳۲۵ سهرابی سیامک	سرهنگ افشارخلیل ۳۲۸
۴۸۳ سهرابی هوشنگ	سرهنگ میری اکبر ۳۳۱ - ۴۱۱ - ۴۱۹ - ۴۲۵
۴۸۹ - ۴۸۸ - ۴۸۵ سهیلی سهیل	سعداللهی ۳۵۰ - ۳۵۸ - ۴۵۴ - ۵۱۷
۲۶۱ سیاوش	سعدوند نصرالله (معروف به صوفی نصرالله) ۱۶۹
۵۷۶ سیاهپورمهدی	۱۷۱ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۲۳۲ - ۲۳۴
۲۷۹ سیداسماعیل	سعدیان حسن - ۴۱۲ ۴۱۳
۲۸۰ - ۲۶۱ سیدحسن	سفید حسین ۱۷۵ - ۳۸۲
۲۸۰ سیدرضا	سفیغ نایب ۱۱۵
۱۸۰ سید صالح حیران علی پاشا	سقراط بزرگ ۴۰۷
۵۵۴ سید عباسی شمس الدین	سلطانی محمدعلی ۳۰ - ۱۰۹ - ۱۷۲
۲۸۰ سیدمحمد	سلیمانی علیرضا ۵۲۷ - ۴۶۸ - ۴۷۶ - ۵۵۴ - ۵۷۵
۵۱ سیدمحمدتقی	۵۲۶ - ۵۵۸
۱۰۵ سیدمحمد علی مسجد حوضی	سلیم حاج ۱۳۲
۱۵۲ سید نصرالله کاشانی	سمیع پور علی آقا ۲۰۲ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹

شرفی حاج حسین ۵۲	سیدی مرحوم حاج سیدرضا ۱۷۵ - ۱۸۲ - ۲۵۸
شعبان ۴۶۴ - ۴۲۲	سیستانی ایرج افشار ۱۷۵
شعبانی امامعلی ۳۹۱	سیستانی حسن ۲۷۱ - ۳۸۱ -
شعبانی حاج علی ۲۷۱ - ۲۷۰ - ۳۱۱ - ۳۵۸	سیستانی پهلوان ابراهیم ۵۸۶ - ۵۸۹
شعبانی مرحوم مشهدی غلامعلی ۲۷۰	سیستانی پهلوان علی ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۳۸۱
شعاد ۶۱	سیف الله ۵۶۶
شفیعون ۴۵۲	سیف الله پور خلیل ۴۹۱
شلاتی مراد ۵۰۶	سیف الله پور مرتضی ۴۹۱
شماعی اصغر ۳۹۱	سیف الملک پهلوانی مهدی خان ۵۹۰
شمس ابراهیم ۵۸۱ - ۵۸۳	سیف الملک شاهزاده ۸۴
شمس احسان ۵۸۲	سیف الملکی مهدی خان ۱۰۷ - ۵۸۱
شمس امیر ۵۸۲ - ۵۸۳	سیف اله پور مرتضی ۵۷۶
شمس جواد ۵۸۲	سیفی زاده عبدالله ۵۷۶
شمس رضا ۵۸۳	شاطی حشمت الله ۳۵۴
شمس سعید ۵۸۳	شامبیانی ۴۲۵
شمس صادق ۵۸۳	شاهپور سوم ۳۴
شمس عطاالله ۵۸۳	شاهزاده حسین ۱۴۷
شمس علی ۵۸۲	شاهزاده عبدالحسین میرزا ۱۲۹
شمس علی حاج اسدالله (صوفی اسدالله) ۳۱۰	شاهرخ ۵۵۹
۳۲۵	شبانلی ۵۱۶
شمس کلاهی ۵۸۴	شیدیز ۳۶
شمس کلاهی حاج حبیب الله ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴	شجاع الدوله حاج صمدخان ۱۱۷
شمس کلاهی محمدتقی شمس کلاهی ۵۸۱ - ۵۸۳	شجاع العرب ۱۷۶
۵۸۴	شجاعت آقاسیدحسن ۲۶ - ۴۷ - ۱۳۶ - ۱۴۱
شمس کلاهی مهندس اسماعیل ۵۸۲ - ۵۸۳ -	۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۲
۵۸۴	۲۲۸ - ۳۶۷ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸ -
شمس محمد ۵۸۲ - ۵۸۴ - ۵۸۷ - ۵۹۱	۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱
شمس محمدتقی ۵۸۳	شجری مآج مهدی ۳۱۴ - ۳۴۴
شمس محمود ۵۸۳	شرف خان بدلیسی ۶۰
شمس مصطفی ۵۸۳	شرفی باقر ۳۸۸
شمس منصور ۵۸۲ - ۵۸۳	شرفی مشهدی رضا ۳۲۵

شمسی مهندس داود ۵۳۰	صفی علی شاه ۱۲۰
شورورزی یعقوبعلی ۴۷۴	صمصام السلطنه ۱۵۴
شوشتری ابوالحسن موسوی ۱۱۸ - ۱۱۹	صنعتگاران محمدعلی ۵۶۰
شهبازی سعید ۵۷۶	صنیعی نصرت الله ۴۷
شهبازی شیرمحمد ۱۴۴	صنیعی غلامعلی ۴۷
شهبازی محمود ۵۷۶	صنیعی منوچهر ۴۷
شهرستانی ۳۹	صنیعی عبدالعلی ۴۷
شهرستانی جواد ۴۳۰ - ۴۸۴	ضرغام السلطنه ۱۱۹
شیانی محمد ۴۸۵	ضیاءالدین میرقواص ۷۴
شیخ حسن ۱۶۵	طالب نعمت الله ۳۵۰
شیخ علی خان اعظم زنگنه ۴۲ - ۴۳	طالبانی محمدرضا ۵۲۷
شیرازی حاج ابوالقاسم خان سفیرالملک ۱۲۰	طاهری احمد ۷۴
شیرزادعباداله ۱۳۰ - ۳۵۸ - ۳۹۱ - ۳۸۸	طوسی ابن نوذر ۶۲
شیرعلی استاد ۱۳۰	طوسی حاج مصطفی ۲۶ - ۶۸ - ۷۴ - ۲۰۳ - ۲۰۴
شیرگیر مهدی ۵۳۰	۲۱۱ - ۲۱۴ - ۲۶۳ - ۲۷۳ - ۳۶۵ - ۳۷۸ - ۳۸۶
شیرمحمدخان صمصام الملک ۵۹	۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۵ - ۵۸۱
	طهماسبی محمدتقی (تقلیه) ۲۴۵
صادق ۴۳۴	طیب ۵۰۸
صادقی ۴۲۲	ظاهری علی اشرف (اشرف علی اکبر) ۲۷۲
صارم الدوله ۱۶۳	ظاهری هوشنگ (هوشنگ علی اکبر)
صالح احمد ۳۵۰	ظفرالسلطان ۱۵۴
صالحی میرزا ۴۲۲ - ۴۳۳	ظهراب خان دکتر ۱۲۳
صباح کازرونی محمد مهدی ۵۰ - ۵۱	ظهیرالدوله ۲۸
صحبت الله بهرامی ۳۲۲	ظهیرالملک ۴۲ - ۴۹ - ۵۸
صحرايي سعید «خراسان» ۵۶۹	عبادوز سیدامیر ۱۲۶ - ۱۲۹
صدرالاشراف امیرالحاج ۴۴ - ۲۹۵	عباس احیایی ۴۱۳
صدفی یدالله	عباس حاج دایی ۱۴۱
صدوقی محمود ۵۲	عباس دیچ ۱۷۶
صدیقی دکتر عیسی ۴۰۱	عباس زهتابان ۵۲
صفاری یعقوب لیث ۷۱	عباسی ۳۲۱
صفوی شاه سلیمان ۳۱	عباسی رضا ۵۰۶

علی ۵۵۶	عباسی سید ۲۷۹
علی آقاسیفی ۵۲	عبدالباقر جهانگیر ۵۰۳
علی اشرف ۳۵۱	عبدالبقایی حاج سید عبدالجواد ۲۵۸
علی اکبر ۲۵۹ - ۵۱۲	عبدالحسین میرزا ۱۲۳ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۵۲
علی اکبرخان ۵۹ - ۱۲۱	عبدالعظیمی عباس ۴۱۵
علی بیگ ۳۰۵	عبدالکریم ۲۸۶
علی بیگ پور معمار ۳۸۶	عبدالله فاطمی ۴۱۳
علیخان والی ۸۴	عبدل حمید ۵۲
علیزاده استاد حسین ۲۹	عبدی ۵۱۶
علیزاده جلیل ۴۹۱	عجم غلامرضا ۳۸۷ - ۴۱۳
علیزاده مرتضی ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵	عراقی فرح ۲۵
علیشاهی حاج یدالله ۵۸۸ - ۵۹۱	عرب ۱۹۹
علیشاهی مرحوم میرزا عبدالحسین ۵۸۸ - ۵۹۱	عرب ۳۹۶
علیقلی میرزا ۱۶۳	عرب ۴۳۴
عمادالدوله امامقلی میرزا ۱۶۳	عرب ۴۸۱
عمادالرعایامهدی خان ۶۰	عرب داود ۱۶۵ - ۱۷۶
عمواغلی حیدر ۱۱۲ - ۱۱۸ - ۱۱۹	عرب هیبت الله ۲۰۳
عموی عبداللعلی ۵۷۶	عرق گیر هاشم ۸۴
عیدی حسن ۱۸۰ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷	عرصه وزیری پرویز ۵۷۶
۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۲۲۸	عزت الله سالاری ۵۲
عین الدوله ۱۲۰	عزیررحمانی وعزیرمسگر ۲۶۴ - ۲۹۳
عیوضی خانی (خانی کُراقا) ۳۰۸ - ۳۸۴	عزیزیان امیر ۵۷۶
عیوضی مشهدی خانی ۲۷۳ - ۳۸۴	عزیزی عبدالله ۵۳۰
غفارخان میرزا ۱۱۴	عزیزی منوچهر ۵۴۸ - ۵۷۲ - ۵۷۳
غفاری علی ۲۵۶ - ۳۹۶ - ۴۰۰	عسگریان جواد ۳۵۹
غلام آقایی ۵۶۵	عضدالملک حاج علی رضاخان ۵۷ - ۱۱۸
غلامحسین ۱۳۵	عطری علی ۱۶۵ - ۱۷۶
غلامعلی ۳۱۹	عطوفی ابوالفتح ۵۲
غلامعلی سیاه ۱۶۳	علایی سید ۲۸۰
غلامی ۵۱۶	علاءالدوله ۳۹
غلامی اسفندیار ۵۶۳	علی ۵۰۸

غلامی کاظم ۵۵۴ - ۵۷۷ - ۵۶۲	غلامی نعمت الله ۴۹۰ - ۵۷۶
غیرت سید عبدالکریم غیرت (غیرت کرمانشاهی)	۴۲ - ۴۵ - ۵۱ - ۱۳۱ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ -
فرهادی کریم ۳۳۴	۳۸۰
فرهنگ دوست محمد ۵۱۲	فاتح سردار ۱۲۹
فروه شی محسن ۵۲۱ - ۵۲۶	فتح الله ۱۰۰ - ۱۰۱
فریبرز ۶۲	فتح الله بی باک ۲۸۱
فریبرز ۲۶۰	فتح الله تهرانی
فرید مسعود ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۵۰	فتح علی شاه ۲۷۹
فریدون ۶۲	فتح علی مشهدی ۵۵۹
فعلی حاج عبدالحسین ۲۰۸ - ۴۱۱ - ۴۵۵	فخیم السلطنه ۱۲۳ - ۱۲۴
۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۸۶	فخیم السلطنه حیدرخان ۴۲
فولادی اسدالله (اسدآهنگر) ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳	فدوی حاج اکبر ۲۹۹
۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۷ - ۲۱۴ - ۲۱۷ - ۲۷۳ - ۳۱۰ -	فدوی عزیزخان ۲۹۹
۳۸۶	فرامرز ۶۱ - ۲۶۰ - ۲۶۱
فولادی بیژن ۲۰۴	فرامرزی نایب ۱۹۷
فلاح اکبر ۵۶۰	فرح بخش رشید (رشیدخان قصاب) ۲۸۴
فیاض میرزا آقا ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۲۳۲	فرحناکیورعلی (علی برقی) ۲۸۳ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴
فیاضی مشهدی میرزا آقا ۳۰۲	فردوسی حکیم ابوالقاسم ۳۵ - ۷۰ - ۷۲ - ۲۱۷
فیروزبانی ۳۲۸	فردین محمدعلی ۴۸۰
فیض حُرّی جعفر ۳۴۷ - ۳۵۰ - ۵۱۷ - ۵۷۶	فرزانه میرزا فخرالدین ۴۵
فیض حُرّی عبدالحسین ۳۲۳ - ۳۲۸ - ۳۴۵ -	فرزایی حُسنا ۵۱۹
۳۴۷ - ۳۵۰ - ۳۵۴ - ۳۵۸ - ۳۹۱	فرزایی محمدعلی ۵۱۹
فیض حُرّی فرهاد ۳۵۸	فرزایی یزدان ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۴۸۸ - ۴۹۰
فیض شکرآز ترکیه ۵۵۰ - ۵۵۱ - ۵۵۴	فوسیه ورد ۶۲
فیلابی مسلم اسکندر ۳۴۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ -	فرضی حاج احمد (احمدبزر) ۲۱۱
فیله همدانی ۷۶	فرطوس چخانی ۶۲
فیلی حاج محمد ۷۴	فرمانفرما عبدالحسین میرزا ۱۱۵ - ۱۲۴
فیلی حسن کرده ۱۶۴	فرمانفرما منوچهر ۲۳۸
فاییل ۶۰	فرهاد ۶۲
قاپوچی اصغر ۱۰۷	
قاجار فتحعلی شاه ۱۲۹	
قاجار محمدعلی میرزا ۱۱۵	
(کیقباد ۶۱)	

قلندر لکی عباس ۳۵۸	قادری مجید ۵۰۵
قلیچ خانی محمد رضا ۵۰۲	قارون ۶۲
قلی خان مصطفیٰ ۴۶	قارون ابن برزمهر ۶۲
قمر تاج ۱۱۶ - ۱۳۰	قاسم ۳۰۶
قمی ابوالقاسم ۷۹ - ۸۰ - ۹۹ - ۱۰۵ - ۱۰۷ -	قاسم خان ۵۹
۱۹۷ - ۴۵۷ - ۵۹۰	قاسمی احمد ۳۳۲ - ۳۹۱
قمی ارباب رضا ۲۰۱ - ۳۶۷	قاسمی حشمت الله ۴۱۲ - ۴۲۲ - ۴۲۵ - ۴۲۶
قمی حاج معتمد التوقیه ۱۲۳	قاسمی عبدالکریم ۴۶
قمی شعبان سیاه ۸۵ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۹ - ۱۰۹	قاسمی ملا ۴۵۶
۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۸	قبائیان حاج اصغر ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۴۵ - ۳۴۹
قمی صادق ۴۵۷	۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۸ - ۳۶۴ - ۳۹۱ - ۳۹۳
قمی نصر الله ۴۲	قبادیان عباس خان ۲۳۸
قنبری بهزاد ۵۷۲	قبادی مرحوم حسن ۳۲۶ - ۳۲۵
قنبری نادر ۵۱۴ - ۵۶۳ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۲	قدار بند عبدالله ۱۷۴
قندچی حاج غلامعلی (حاج غلامعلی سقط فروش) ۲۳۳	قوامپور آقاداشی ۳۱۳
قوام آقا عبدالحسین ۶۰	قدوسی جهانشاه ۴۹۱ - ۵۷۶
قوامپور بهمن ۵۷۶	قدوسی فریبرز ۴۹۱
قوامپور هوشنگ ۴۸۵	قرچه داغی رحیم خان ۱۱۷ - ۱۱۸
قوجانی حاج علی اصغر قوجانی ۷۴	قزاق بریگاد ۱۱۶
قهرمانی شمس الله ۵۷۶	قزاق قربان علی ۱۶۳
قیاسوند حاج یحیی ۳۹۲ - ۳۹۳	قزوبینی پهلوان ۱۷۰ - ۱۸۵
قیاسوند منوچهر ۵۶۷	قزوبینی سالار منصور ۱۱۴
قیطاسوندی بهزاد ۵۷۶	قزوبینی عبدالله ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۹۰
کابلی حیدرقلی خان سردار ۱۴۶	۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۲۲۷ - ۵۹۵ - ۵۹۶
کازرانی جواد ۵۱	۵۹۹ - ۶۰۰
کازرانی حسن ۴۸ - ۲۲۵ - ۲۲۶	قزوبینی محرم ۲۰۳ - ۲۲۴
کازرونی جعفر ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۳ - ۲۷ - ۳۳۸ -	قزوبینی یحیی ۲۰۳ - ۲۲۴ - ۵۸۹
۳۹۶ - ۵۷۷ - ۵۸۵	قصاب حسین سیاه ۳۲۲
کازرونی حاج احمد ۲۲۶ - ۲۳۲	قصاب مشهدی هادی ۵۷۶
کازرانی علی آقا (حاج علی آقا کازرونی) ۳۱۷	قفل ساز فریدون ۱۹۷
	قفل ساز کریم ۱۴۳ - ۱۴۴

- کاشفی رضا ۴۰۴
 کاشی اقبال الدوله ۱۴۶
 کاظم پهلوان حاج سید ۵۸۷
 کاظم ریاحی ۵۲
 کاظمی زنگنه هاشم ۴۵۳
 کاظمینی حاج کاظم ۱۶۵ - ۱۶۸
 کاکا پهلوان ۱۳۴ - ۱۳۵
 کاکوتاسید ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸
 کالسکه چی عباسعلی ۱۰۵
 کامبیروف «بلغاری» ۵۵۶
 کامران میرزا ۹۱ - ۹۲
 کامروا منوچهر ۴۸۵ - ۴۹۶ - ۵۱۲ - ۵۷۶
 کامکار نصرالله ۳۵۱ - ۴۱۲ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۴۴
 کاووس ۶۲
 کاوه محسن ۵۵۴
 کایالی علی ۵۶۱
 کبری خان موسیو ۱۱۴
 گچول حسن ۲۴۳
 کدخدایی محمود ۵۵۴
 کراز حیدر ۱۴۲
 کراشربلی گیوی (شوروی) ۵۰۳
 کردستانی آیت الله شیخ محمد مردوخ ۹۳
 کردستانی حسین ۴۹۱
 کرده حسین ۳۱۶
 کرمانشاه در تکاپوی سیر تکاملی ۴۱۷
 کرمانشاهی جاسم ۱۳۲
 کرمانشاهی دکتر محمد ۵۴
 کرمانشاهی رضاعلیبند ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۶۸ - ۵۵۹
 کرمانشاهی شاطر عبدالله ۲۰۸
 کرمانشاهی صفر ۷۹ - ۸۰ - ۸۲ - ۸۳ - ۹۲ - ۹۳
- ۹۹ - ۳۷۷ - ۳۸۰ - ۵۸۶
 کرمانشاهی علی مهر ۵۷۶
 کرمانشاهی کاظم ۱۳۲
 کرمانشاهی محمدعلی ۲۳۸
 کرمانی میرزارضای ۵۷ - ۹۰
 کرم حاج حسین علی ۳۱۷
 کرمان کامران ۵۴۶ - ۵۶۳ - ۵۶۵
 کریمی جواد ۴۳۴ - ۴۰۶
 کریمی حسین ۵۰
 کریمی محمد ۳۶۲
 کریمی مهدی (مهدی قصاب) ۲۰۳ - ۲۰۹
 کریمی نصرالله (صوفی نصرالله) ۲۹۲ - ۳۲۴
 کزازی سیدحسین ۴۷ - ۲۸۰
 کزازی سید محمدعلی ۵۰
 کزازی سیدحسین ۴۷
 کزازی سیداحمد ۴۷
 کزازی سیدمحمد ۴۷
 کزازی سیداحمد ۴۷
 کزازی سیدپرویز ۴۷
 کزازی سیدحسن ۴۷
 کزازی سیدمحمود ۴۷
 کزازی دکتر میرجلال الدین ۴۷
 کزازی دکتر میرکمال الدین ۴۷
 کزازی سیدجمال الدین ۴۷
 کزازی سیده منصوره ۴۷
 کزازی سیدمحمدعلی ۴۷
 کزازی سیدقاسم ۴۷
 کزازی سیدکاظم ۴۷
 کزازی سیدجعفر ۴۷
 کزازی سیدعلی اصغر ۴۷
 کزازی مهندس سیدمحمدعلی ۴۷

کوشکی قدیر ۵۷۶	کزازی سید محمد حسن ۴۷
کولایف ۴۷۸	کزازی سید محمد حسین ۴۷
کولیوند سعید ۵۶۲	کزازی آقاسید حسین کزازی ۴۷
کوه دره ای احمد ۴۸۸ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۵۱۱ -	کزازی سیده اشرف السادات ۴۷
۵۱۸ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۵۰ -	کزازی سیده عشرت السادات ۴۷
کوه دره ای اشرف ۵۷۶	کزازی ملا علی ۲۷۹
کهریزی کورش ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۲	کسروی احمد ۱۱۸ - ۱۲۰
کهنه سوار کاظم جلیل ۱۳۳ - ۱۳۵	کشاورز ۵۲
کیامنش احمد ۳۱۰	کفش دوز پهلوان استاد آقا ۱۷۷ - ۲۰۶
کیامنش رحیم (رحیم گچی) ۲۴۱ - ۳۸۱	کلاودین «امریکایی» ۵۶۱
کیامنش محمد جعفر ۳۲۲	کلاه بخش علی (علیله) ۳۳۶ - ۳۸۲ - ۳۸۶
کیانی اردشیر ۵۷۶	کلهر امیر اعظم ۱۲۴
کیانی بهمن ۶۱	کلهر داود خان ۱۲۴
کیانی پاشاهی نعمت الله ۳۱۰	کلهر نصر الله خان ۱۲۱
کیانی علی اشرف ۵۷۶	کماسی مرتضی ۵۷۲
کیانی منصور ۵۷۲	کمالی فریدون ۲۹۷ - ۳۲۵ - ۳۴۴ - ۳۵۵ - ۳۸۹
کیخسرو ۶۲	۳۲۸ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۸۹ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۲۰
کیقیاد ۶۲	۴۲۱ - ۴۲۵ - ۴۲۸ - ۴۳۲ - ۴۳۷ - ۴۳۹ - ۴۴۴
کیکاوس ۶۱ - ۶۲	۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۷ - ۴۸۹ - ۴۹۰
کیمرش ۳۵	۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۱۱
کینایوف سرکنی از شیروی ۵۵۱	۵۲۱
کیومرث ۳۵	کم گویان رضا ۵۷۶
کیومرث تیرانداز ۵۷۴	کمندی عباس ۱۰۹
کیسانپور احمد ۳۲۵	کنجیدی اردشیر ۳۹۱
گاندی مهاتما ۴۶۴	کوتینیک مرحوم عزیز ۱۷۵ - ۳۸۴
گاوکش پ خداداد ۳۲۲	کورت مصطفی ۴۶۳
گرازه ۶۲	کور توف ۵۰۳
گرjestانی علی قلیچ ۱۷۳ - ۱۷۴	کوره پز ۲۵۶
گرچی اسماعیل ۴۹۱ - ۵۷۶	کوره پز حاج آقا کوره پز ۲۱۱
گرچی کلاویدی ۱۳۸	کوزه گر حبیب الله ۳۸۶ - ۳۸۳
گرچی یاشال (نارنجک انداز) ۱۲۱ - ۱۲۲	کوشکی دکتر اسد الله ۵۴ - ۳۱۷

۶۰۰ - ۵۹۱	گردان کُرد ۵۱۹
گلزاره ۸۱ - ۸۳ - ۹۳ - ۱۰۴	گردانی حَاج مرتضی ۲۷۲ - ۳۴۲ -
گلزاری رضا ۵۷۶	گردانی خلیل ۲۸۴
گلزاری علی ۴۹۱ - ۵۷۶	گردانی مرحوم حَاج حسن ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶
گلنسایی اصغر ۵۱۲ - ۵۷۶	۳۰۲ - ۳۱۳ - ۳۱۷ - ۳۲۱ - ۳۲۵ - ۳۳۲ - ۳۴۲ -
گنجابی محمد ۵۰۶ - ۵۶۳ - ۵۷۷ - ۵۷۴	۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۵۷ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۹ -
گودرز ۶۲	۳۹۱
گیدنین ۳۷۹	گُرد علی اصغر (معروف به علی اصغر کله شیر) ۱۶۷
گیو ۶۲	۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ -
گیوئین زیگفرید ۶۳ - ۳۷۹	۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ -
گیوه کش حاجی ۲۸۸ - ۳۰۲	۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ -
لطف الله ۳۱۰	۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۳ - ۲۲۷ - ۲۲۸ -
لطف الله نسب مرحوم لطف الله ۴۸۸	۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۳ - ۲۵۵ -
لولو آلن ۱۳۸	۲۵۹ - ۲۶۸ - ۲۸۳ - ۲۸۵ - ۲۹۳ - ۲۹۷ - ۳۰۱ -
لیاخوف کنلن ۱۱۶	۳۱۰ - ۳۱۳ - ۳۱۸ - ۳۲۱ - ۳۲۹ - ۳۴۴ - ۳۴۶ -
مادر تختی ۴۶۲	۳۵۳ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۸۰ - ۳۸۲ - ۳۸۴ - ۴۲۰ -
مادلن مسیو ۲۴۵	۶۰۰
مارالانی محسن ۴۹۱ - ۵۷۶	گُرد علی اکبر ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۸۹ -
ماهیدشتی آقاسید کریم ۱۴۸	گُرد کوهانشاهی ۱۹۳
مجاهد سید حسین ۵۰	گرشاسب ۶۰ - ۶۱
مجتهد آقاسید محمد ۱۱۲	گرشاسب بانو ۲۶۱
مجدالمک ۵۸	گرگانی میرزا شفیع خان مستشار الممالک ۱۲۰
مجیدی عباس ۵۴۸	گِردِگَر حسن ۱۶۰ - ۱۶۱
محبی ارسلان (زنگنه) ۳۴۵ - ۳۵۱ - ۳۵۴ -	گرگین ۶۲
۳۵۸ - ۳۸۹ - ۳۹۴ - ۵۷۶	گزنفون ۴۰۷
محبی برادران ۳۷۰ - ۵۱۶ - ۵۲۱ - ۵۳۵ - ۵۵۵	گستهم ۶۲
محبی حَاج مرتضی ۳۲۸ - ۳۴۲ - ۵۰۰	گشتاسب ۶۱
محبی حَاج یدالله ۲۰۹ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴	گلزار حسین ۲۶ - ۷۴ - ۷۹ - ۸۱ - ۸۳ - ۸۵ - ۸۶ -
۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۳۷ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۳	۸۷ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ -
۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۶۶ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۹۰	۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ -
۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۴۵ - ۳۴۷ -	۱۱۱ - ۱۷۵ - ۳۷۶ - ۳۸۱ - ۴۲۰ - ۵۸۵ - ۵۸۹ -

محمدتقی ۲۵۰	۳۵۳ ۳۵۵ - ۳۸۱ - ۳۸۴ - ۴۲۵ - ۴۳۱ - ۴۳۸ -
محمدحسن میرزا ۱۱۸	۵۲۳ ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸
محمدحسین ۵۲۸	محبّی رودابه ۵۱۲ - ۵۳۳
محمدخان ۲۹۲	محبّی کریمخان ۲۶۶
محمدرحیم میرزا ۳۹	محبّی کیومرث ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲
محمدرضا ۱۶۵ - ۳۰	محبّی گردانی ۳۹۵
محمدصادق ۱۴۸	محبّی محمدحسن ۵۱۱ - ۵۲۶ - ۵۲۸ - ۵۲۹
محمدصادق ۱۷۰	۵۳۰ - ۵۵۱ - ۵۵۴ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۵ -
محمدعلی ۱۳۵ - ۱۳۶	۵۶۳ -
محمدعلی شاه ۵۷ - ۹۰ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۸	محبّی محمدحسین ۳۱۱ - ۵۱۱ - ۵۲۳ - ۵۲۴
۵۸۱ - ۱۲۲ - ۱۲۰	۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۳۰ - ۵۵۱ - ۵۵۴ - ۵۳۱ - ۵۳۲
محمدعلی میرزای قاجار ۲۷۹	۵۳۳ - ۵۳۵ - ۵۶۳ - ۵۶۵
محمدکاظم محبّی ۵۲۶ - ۵۳۳ - ۵۴۶ - ۵۷۸	محبّی میرزا علی آقا ۲۹۴
محمد مهدی ۵۴۳	محبّی هومن ۵۰۱
محمدی ۵۱۶	محسن ۵۸۱
محمدی اسدالله ۵۵۴	محسن مارالانی ۵۷۶
محمدیان عسگری ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۵۴	محلوجی حاج حبیب الله ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۵
محمدی خسرو ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۱۱ - ۵۵۱ - ۵۷۴	۴۱۹ - ۴۳۹ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷
محمدی علی آبادی ابوالحسن ۵۱۷	۴۸۸ - ۴۹۱ - ۴۹۶ - ۴۹۹ - ۵۰۳ - ۵۰۷ - ۵۱۲
محمدی قاسم ۵۰۶	۵۱۹ - ۵۲۱ - ۵۳۷ - ۵۲۸ - ۵۳۸ - ۵۶۸ - ۵۷۳
محمدی محمد ۵۰۶	محلوجی حاج نصرالله ۴۸۶
محمدی محبّ غلام «غلام صلواتی» ۵۷۵	محلوجی روح الله ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۲۵ - ۴۲۶
محمدی (ممدی) ۲۴۳	۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳
محمدی ناصر ۴۶۷	محلوجی فتح الله ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۸۶ - ۴۸۷
محمودیان بابک ۲۹۶	محلوجی ولی الله ۴۴۲ - ۴۴۴ - ۴۴۹ - ۴۵۱
مخبرالسلطنه حاج مهدی قلی ۱۱۸	۴۸۷
مختاری عباس (سردار مختاری) ۳۴۲	محمد ۵۱۲
مخلوق پورحاج فتح الله مخلوق پور ۲۴۰ - ۳۸۲	محمد آقا ۱۰۹
مدحت الممالک ۱۲۷ - ۱۲۸	محمدباقر میرزا (خسروی) ۳۹
مدنی مرحوم میرزا حسن خان ۴۰	محمدبلبل درویشی ۲۶۰
مدویدالکساندر ۶۹ - ۴۶۴ - ۵۴۴	محمدپور مصطفی ۴۲۵

مشهدی یوسف ۳۱۱	مرادعلی ۵۷۰
مشیرجناب ۱۲۵	مرادیان دکتر ۵۴
مظاهری حسن ۲۳۸	مرادی تیمور ۵۷۲
مظفرالسلطنه شاهزاده ۱۲۵	مرادی کورش ۵۰۶
مظلومی حاجی ۲۱۱ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۳۲۲ - ۳۴۴	مرادی محمد ۲۶۴
۳۸۶	مرادی محمدرضا ۵۰۶
معافی داریوش ۵۷۶	مراغه ای پهلوان حبیب الله ۵۸۴ - ۵۸۶ - ۵۸۸
معاون الملک حسن خان ۵۰	مرتضی علیزاده ۳۴۳
معاون حسین ۱۲۴	مرحوم اقبال الدوله کاشانی ۳۹
معاون سیدمحمد ۵۱	مرحوم دکتر عبدالحمید زنگنه ۴۲
معتضدالدوله ۱۵۱	مرحوم سارایبگ ۳۴۲
معتضدی مرحوم حاج آقا ابرار معتضدی	مرحوم علی خان سردار اجلال ۴۲
(معتضدی الممالک) ۴۱ - ۴۲	مرحوم عموصدقی ۳۲۶
معزپور محمود ۵۵۴ - ۵۲۷	مرحوم فخری پورخداداد ۳۲۲
معصومی خسرو ۲۰۷	مرحوم مشهدی ولی ۳۲۶
معیرالممالک دوستعلیخان ۸۴	مرحوم مصطفی ادبی ۲۶۲
معیریان عباس ۵۷۶	مریم ۵۴۳
معین ۴۰	مزینی منوچهر ۶۳
معین الکتاب میرزا حسن خان ۴۰	مستشار علی نعمتی حاج عبدالله (حاجی
معین دکتر محمد ۲۰۴	داداش) ۴۴ - ۲۸۷ - ۲۹۵
معینی ۵۱۶	مشعشی سیدجلال ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ -
معینی ضیاء ۵۱۲	۵۶۵
مقتدر علی اکبرخان ۱۵۵	مشهدی آقا ۱۶۲ - ۱۶۳
مکانیک ناریه حشمت الله ۱۶۰	مشهدی حسن ۳۷۲
مکری احمد (کرمانشاهی) ۳۰۶ - ۳۰۷	مشهدی خدامراد ۱۷۷
مکری دکتر محمد ۳۴	مشهدی رستم ۳۰۹
مکی اکبر ۳۳۱	مشهدی روزان ۲۷۲
مکی حسین ۳۲۸	مشهدی علی اکبر ۵۳۸
ملاح اویس ۵۶۰	مشهدی محمد ۳۱۳
ملک فیض اول پادشاه عراق ۵۹۵ - ۵۹۶	مشهدی محمود ۲۸۴
ملکی سمنگانی اشرف ۲۵	مشهدی یدالله ۵۰۳

ملکی زاده حسن	۴۸۸ - ۵۳۷ - ۵۴۶ - ۵۷۷
ممتحن حسین خان	۱۳۴
منتظر حاج حسن	۴۱۳
منتظری حاج حبیب الله	۲۹۶ - ۳۱۱ - ۳۱۲ -
۳۳۲ - ۳۴۶	
منتظری حاج صادق خان (حاج صادق خان چاشنی ساز)	۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳
منتظری علی	۵۱۷
منتظری ناصر	۴۱۴ - ۴۲۸ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۴۸
منتقمی	۵۸۱
منوچهر	۶۲
منوچهر علی اشرف خان	۲۳۴
موجول استاد آقا	۱۷۷
موحد عبدالله	۲۶ - ۴۰۴ - ۴۷۶ - ۴۷۹ - ۴۸۷
۴۹۷ - ۴۹۸	
موسوی سیدحسین	۳۲۰
مولاعلی (ع) ۴۶ - ۶۴	
مولانا	۶۵
مولوی تیمسار	۵۰۲
مویندی ابراهیم	۳۹۱
مهاجریحی	۵۷۶
مهدی رثوفی	۴۱۳
مهدی قلی خان	۱۲۱
مهدیه باقر	۱۶۷ - ۳۹۰ - ۶۳۰
مهرجو حاج علی	۴۱۳
مهروندی علی اکبر (علی اکبر آجر تراش)	۳۰۹
مهری کیومرث	۵۷۲
متینی پ حاج رسول	۲۶۷
میرنی آقاسن	۵۸۵ - ۵۹۰ - ۵۹۴
میرآقایی مرحوم	۳۵۵
میران پهلوان محمود	۴۶۸
میرزا ابوالقاسم	۲۶۲
میرزا باقر	۱۳۵
میرزاییگی مشهدی علی جان	۳۲۵ - ۳۹۳
میرزاپورپ - جعفر	۲۴۳
میرزاپورمحمد	۲۶۶
میرزا حبیب الله	۲۶۳
میرزا خسروی شاهزاده محمدباقر	۶۰
میرزاده سید جمال	۵۰۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸
میرزا شازده محمدهاشم	۱۸۵
میرزا عباس	۱۲۹
میرزا فیروز	۱۲۹
میرزا محمدعلی	۱۴۶
میرزایی حشمت الله	۵۳۷ - ۵۵۵ - ۵۶۳ - ۵۷۶
میرزایی خسرو	۵۷۶
میرزایی کرمانشاهی علی	۴۱۳
میرعبدالباقی حاجی سیدعلی	۴۵
میرقوامی ضیاء	۴۷۳ - ۴۶۸
میری اکبر	۴۴۲
میری حسن	۱۷۰ - ۵۸۸ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۸
میری حسین	۷۶
میکل آنژ	۴۰۷
میلان روان حاج علی (حاجی خمیرگیر)	۳۰۵
مینویی پ حسن	۳۶۷
مؤمنی عبدالحسین	۱۱۳ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۹
۱۲۱ - ۱۲۵ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۵۰	
۳۸۰	
نادری علی اشرف	۳۵۱ - ۴۵۴ -
ناصرالدین شاه	۵۷ - ۷۹ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶
۸۷ - ۹۰ - ۹۳ - ۹۶ - ۹۹ - ۴۰۲ - ۵۸۴ - ۵۸۷	
۵۸۸ - ۵۸۹	
ناصرالملک	۵۷

نعلبند پهلوان امان الله ۱۷۴	ناصرخان سردار ۵۹
نعلبند پهلوان مهدی سیاه ۵۸۶ - ۵۸۹	ناصری علی ۵۷۶
نعلبند حاجی خان ۱۲۵	ناظمی ۳۵۵
نعلبند حسین (حسین قره) ۲۶۷	نامداران علی ۳۶۵
نقاش سید ابوالقاسم ۳۶۹	نامور رادعباس ^۱ (عباس شاطر احمد) ۲۶۰-۲۶۱
نقشبندی حشمت اله ۳۵۱ - ۴۵۴ -	ناوه کشی آصف ۳۳۲ -
نقشی زینی ۲۴۵	نایب محمد علی فتح الله ۲۵۰
نقشی علی اصغر ۲۶۴	نیاتی عباس ۴۹۱ - ۴۹۲
نقیب زاده سید حسن ۲۴۵	نچار اصغر ۸۰ - ۱۰۷ - ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳
نقی پور علی اشرف ۴۴۳	۵۹۰ - ۵۹۲ - ۵۹۶
نقی زاده ابوالقاسم ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۳۶	نجانان محمد ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۷۰
نوایی محمدرضا ۵۶۰ - ۵۶۲	۵۹۴ - ۵۹۵
نوذر ۶۱ - ۶۲	نجفی جهانبخش ۲۹۶ - ۳۲۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶
نور محمدخان سردار ۱۳۲	۳۵۳ - ۳۵۵ - ۳۵۸ - ۳۸۱ - ۳۸۹ - ۴۱۱ - ۴۲۵ -
نوری افشین ۵۷۲	۴۳۲ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ -
نوری حسین ۴۵۶ - ۴۷۴ - ۴۸۰	۴۴۴ - ۴۴۸ -
نوری سید مصطفی (حاتم طایی) ۲۹۱	نجفی شهاب ۳۴۷
نوری علی اکبر (اکبر سنبل) ۳۱۵ - ۳۲۱	نجفی نادر ۵۷۰ - ۵۷۲
نوری میرزا حسین (بهاء الله) ۵۹۵	نخودچی قدیر ۵۲۷
نوری ناطق ۴۹۸	نریمان سید ۵۳۳
نوری یوسف ۵۵۵ - ۵۵۶	نشاط انگیز سندنجدی محمد صالح ۲۴۰
نویدی ابراهیم ۳۵۰ - ۳۵۸	نصرت المله حسین خان ۱۲۴
نویدی هاشم ۲۴۴	نصرتی باقر ۴۴۴
نهاوندی شیخ محمد مدرس ۱۳۲	نصیرالدوله ۸۴
نیکروش دکتر حبیب الله ۵۴	نصرالله صوفی ۲۳۲
نیک سیماعلی ۳۵۳	نصیری محمد ۳۴۹
نیک نژاد پاشای (نعمت کبابی) ۲۷۳ - ۳۱۰ -	(نظام معارک کرمانشاهی) فتح الله ۲۴۶
۳۸۴	نظر علی حسین نایب ۱۴۴
نگارنده ۳۸۸	نظریان دکتر داود ۵۴
نیما ۳	نظری ناصر حاج ۳۲۵
والژان ژان ۲۴۵	نظیر محمد ۴۶۲

هرکول ۶۰	والیان یدالله ۲۳۸
هزیر عطاءالله (عطا هلشنی) ۳۱۹	وثوق الممالک ۱۶۹
همایون دکتر ۵۴	وثوق پهلوان حسن - ۱۶۵ - ۱۶۸
همت علی ۳۲۱	۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۲
همتی پهلوان حسن ۱۷۶	وثوق حسین ۱۰۹ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱
همتی پهلوان خان محمد ۲۰۰	وحیدی علامه ۲۳۸
همتی هوشنگ ۴۲۵	ورزشکاران پیش کسوتان باستانی ۲۷۸
همدانی آقاعیسی ۲۰۵	وروی بهزاد ۵۷۲
همدانی احمد کوه کش ۲۰۹	وزیری احمد ۱۱۶
همدانی پ علی میرزا ۳۵۴	وزیری علی جان ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۵۱ - ۱۵۶
همدانی پهلوان علی میرزا ۵۹۰	وزیری میرزاهدایت الله ۸۴
همدانی حسام الملک ۲۷۹	وفادار خراسانی احمد ۲۶ - ۶۸ - ۷۴ - ۳۹۴ - ۳۹۶
همدانی علی قلیچ ۱۷۰	۴۶۸ - ۴۷۰ - ۵۳۰
همدانی علی میرزا ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۵۸۱ - ۳۵۴ - ۵۹۰	وکیل احمد ۲۳۸
همدانی میرزا محمد علی خان فریدالملک ۱۵۱	وکیل التجاره میرزا محمود ۵۱
هندی ۱۸۱ - ۱۸۳ - ۱۸۵ - ۲۰۰	وکیل الدوله حاج آقا رحیم ۱۴۷
هیچی محمد - ۳۵۵ - ۴۸۴ - ۴۸۸ - ۴۹۱ - ۴۹۶ - ۵۱۸ - ۴۹۸ - ۴۹۷	وکیل باشی بدرخان ۱۱۵
یاراحمدی موسی خان ۲۶۰	وکیلی ایرج ۳۸۹
یارمحمدخان ۲۶ - ۴۱ - ۱۱۰ - ۱۱۲ - ۱۱۳	محمدحسن وندی ۴۱۳
۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰	ویستایف (روس) ۴۷۷
۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۷	ویکتور مارکلیف ۵۰۳
۱۲۸ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۴۸ - ۱۵۰ - ۱۵۲ - ۱۵۳	هاییل ۶۰
۲۸۰ - ۳۷۷ - ۳۸۰	هادی بیگی چراغعلی ۳۲۸
یاری اردشیر ۵۷۶	هادی بیگی عزیز ۳۵۴
یانکلف ایوان ۵۰۳	هارای کوزا (ژاپن) ۴۷۷
یحیی خان حاج ۱۱۷	هامانی حاج مرتضی ۳۹۵
یحیی قزوینی ۸۵	هاشمی عطاءالله ۲۶۴
یدالله خان ۴۵۳	هجرائی مرحوم سیف الله ۲۶۹ - ۳۸۱ - ۳۸۲
یدالله رضایی (اطوکش) ۲۶۴	هجیر ۶۲
	هدایت صادق ۷۱
	هدندی جهانگیر ۳۵۴ - ۳۹۱ - ۴۹۱

- یزدانبخش علی اکبر ۳۱۱ - ۳۱۹ - ۳۸۹ -
 یزدی بزرگ (پهلوان ابراهیم حلاج یزدی) ۸۵ - ۸۶ -
 ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۶ - ۲۲۱ -
 ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ -
 یزدی سلیمه ۸۸
 یزدی عسگر ۸۸
 یزدی غلامرضا ۵۸۴ -
 یزدی محمد ۸۸ - ۱۰۷
 یعقوبی ۴۹۱
 یوسف ۴۲۹ - ۴۳۷
 یوسف پورقاسم ۴۱۹ - ۴۲۵ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴
 یوسفی عزیزعلی ۵۷۰
 یوسفی بدالله ۵۷۴
 یونسی وفا ۵۱۷

فهرست اماکن

بازار گیوه کشها ۲۳۱	آبادان ۳۰۶ - ۴۳۳ - ۴۶۲
باغ پهلوان خان محمد ۲۰۰	آذربایجان ۵۹
باغ خسروآباد ۹۲	آسیاب سیداحمد ۲۰۰
برزه دماغ ۲۵۳ - ۴۲۹ - ۳۸۵ - ۴۳۷	آسیاب ملامیران ۱۸۰
بروجرد ۱۲۰ - ۲۶۰ - ۳۲۶	آلمان ۳۰ - ۵۲۱ - ۵۶۱ - ۵۸۵ - ۵۹۸ - ۶۰۰
بغداد ۲۸۰	آلمان غربی ۵۲۱
بقعه امام زاده عبدالله ۲۴۴	ابن بابویه ۶۸ - ۵۸۸ - ۵۹۸ - ۶۰۱
بلغارستان ۵۲۱	اپاختره ۳۵
بلوچستان ۵۹ - ۷۳	اراک ۳۰ - ۵۷
بوئین زهرا ۴۶۴	اردبیل ۱۱۷ - ۱۱۸
بوداپست مجارستان ۵۵۱ - ۵۵۴	اردن ۷۱
بوئین زهرا ۶۸	اروپا ۳۰ - ۵۸۵
بهارهمدان ۱۰۱	ازمیرترکیه ۴۸۹
بهشت زهرا تهران ۲۰۴	اسلام آباد غرب ۳۱ - ۳۳ - ۳۷۲
بیستون ۳۱ - ۹۴ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۲۶۷	اصفهان ۳۰ - ۱۰۴ - ۱۳۲ - ۲۷۶ - ۵۲۵ - ۵۳۷ - ۵۶۹
بیله وار ۲۵۳	افغانستان ۷۱
بیله وارکندوله ۲۹۳	الوند ۳۲
بیمارستان دکتر پرندیان ۲۸۷	امریکا ۵۷ - ۴۷۸ - ۵۲۱ - ۵۵۰ - ۵۸۵ - ۵۹۸
پاساژ قصر ۲۱۹	انگلیس ۳۰ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۹ - ۶۰ - ۱۲۰ - ۱۲۳
پاطاق ۳۱ - ۵۹	ایران ۲۶ - ۳۰ - ۳۵ - ۵۶ - ۷۰ - ۱۳۲ - ۳۳۰ - ۴۷۰ - ۵۴۱ - ۵۵۲ - ۵۵۴ - ۵۶۹
تالان دشت ۳۳	ایلام ۳۰ - ۳۴ - ۵۰۸
پاوه ۳۲	ایمانشهر ۳۵
پایروند ۳۳ - ۲۱۲	باختران ۳۳ - ۳۵ - ۳۶
پشت دربند بیلوار ۳۳	بازارچه توپخانه مقابل کاروانسرای آقا ۲۷۳
پل اجلالیه ۴۲	بازارچه چال حسن خان ۲۰۱ - ۳۲۹
پل سیمان شاه عبدالعظیم ۴۶۷	بازار زرگرها ۲۵۶
پلنگ گرد ۲۴۶	بازارکلیمی ها ۲۷۵ - ۳۸۰
پنبه زنی علاف خانه ۳۲۲	
تبریز ۱۱۶ - ۱۱۸	

۷ حوض نارمک ۲۶۰	۲۵۵ تپه فتحعلی خان
۳۳ خدابنده لو	ترکمن صحرا ۷۳
۴۷۳ خراسان	ترکیه ۶۸ - ۷۱ - ۴۶۲ - ۵۶۹ - ۵۷۳ - ۵۹۹
۳۲ خرم	نکیه بیگریگی ۴۶
۲۵۰ خرم آباد	نکیه معاون الملک ۵۸ - ۵۹ - ۲۴۳
۴۳۳ خرمشهر	تنکابن ۱۵۰
۳۳ خزعل نهاوند	تنگ ذهاب ۳۲ - ۳۳
۳۱ خسروی	توکیو ۵۲۵
۲۲ خطه غرب	تویسرکان ۳۰
۷۷ خوارزم	تهران ۴۲ - ۱۲۱ - ۱۳۸ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۷۰ -
خوزستان ۱۲۰	۱۷۷ - ۲۰۲ - ۲۰۴ - ۲۰۷ - ۲۰۹ - ۲۱۱ - ۲۱۶ -
خیابان مدرس (شاهپور سابق) ۱۸۶	۲۲۰ - ۲۲۳ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۳۶ - ۲۳۰ - ۲۳۴ -
خیوه خوارزم ۷۱	۵۸۲ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۳۴۷ - ۳۱۵ - ۴۲۰ -
دارالحکومه ۱۲۳	۴۶۲ - ۴۸۰ - ۵۳۳ - ۵۵۰ - ۵۴۷ - ۵۵۷ -
دالان قاسم خان کشته ۲۳۹	ثلاث باباجانی ۳۲ - ۳۴
دالاهو ۵۰۱	جلالوند
دانشگاه تربیت معلم ۱۹	جلوخان ۱۳۸ - ۱۸۵ - ۲۱۲ - ۳۳۷
دانشگاه تهران ۲۰	جوانرود ۳۲
دبستان فردوسی ۴۶	چال حسن خان - بازار ۲۳۸ - ۲۸۹ - ۲۹۹
دبستان محمدیه ۴۶	چغاسرخ ۴۶
دبستان معاضد ۴۶	چغاسرخ ۳۱۳
دبستان هدایت ۴۲۹	چکسلواکی ۵۴۴
دبیرستان امام خمینی ۴۲۱	چلوکبابی مهدی (ماهی خان) ۱۷۷
دبیرستان رازی ۴۶	چمن سیدعلی ۲۰۰
دبیرستان شاهپور ۴۲۱	چهارسوق بازار عمادولدوله ۱۷۳
دبیرستان کزازی ۴۶	چین ۳۶۱ - ۵۴۱
دبیرستان محمدرضاشاه ۴۲۱	حسینیة حسن خان معاون الملک ۳۸۴
دبیرستان ملی داریوش ۴۲۶	حسینیة شهداء ۴۴۵
درب طویله ۵۸ - ۲۶۹	حسینیة شیخ احمد ۳۸۵
درنه ۳۲	حسینیة کرمانشاهی ۳۳۳
دروازه غارتهران ۲۴۴	حمام سرتیپ ۳۸۵

سراب ۱۷۶	درودفرمان ۲۴۳ - ۲۲۴ - ۳۳
سراب فُش ۳۲	درود لرستان ۳۲۶
سراب قنبر ۸۱ - ۹۸ - ۱۰۳ - ۱۱۰ - ۳۳۴ - ۲۵۳	دزفول ۲۵۰
سراب همت ۲۹۲	ده برنجان ۱۲۷
سَرَبان ۳۲	دهستان چمچمال ۳۳
سردالان حاج داداش ۲۹۵	دینور ۳۳ - ۶۱
سرفیروزآباد ۳۳	راسته بازار ۱۷۵ - ۱۷۷ - ۲۱۹ - ۲۲۴ - ۲۶۷
سفیدکوه ۳۲	رستم آباد شمیران ۲۸۱
سگزی ۶۱	رفعتیه ۴۶
سکوی حشمت السلطنه ۳۲۲	روانسر ۳۲
سمنگان ۶۱	رودخانه ریژاو ۵۰۱
سنجابی ۳۴ - ۵۹	رودخانه دینور ۳۲
سقر ۳۳	رودخانه سیروان ۳۲
سندج ۳۲ - ۱۲۷ - ۲۶۳ - ۳۲۳ - ۵۴۸	رودخانه کنگرشاه ۳۲
سوئد ۵۴۱ - ۳۶۴	روزنامه کوبک غرب ۲۸۱
سوئد ۵۸۵	روس ۳۰ - ۳۹ - ۵۷ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۹ - ۷۰ - ۱۲۰
سوریه ۷۱	۵۰۳ - ۱۲۳
سویس ۵۲۵	روسیه ۵۸۵
سیدایاز ۳۴	رومانی ۵۰۳ - ۵۳۷
سیدفاطمه ۱۶۸	زاگرس ۳۲ - ۹۴
شاطرخانه ۴۰۲	زرآسوند ۱۱۹
شاه کو ۳۲	زردلان ۳۳
شاهو ۳۲	زردلان کرمانشاه ۱۳۰
شمشک تهران ۵۵۶	زنجان ۱۲۰ - ۳۴۷
شورجه ۱۲۴	زندان صالح آباد ۴۳۴
شوروی ۴۱۰ - ۴۶۲ - ۴۷۸ - ۵۰۹ - ۵۶۹	زندان قصر ۵۸۱
شهرستان شاهرود ۳۷۳	ستول ۵۵۲
شهرمسجد سلیمان ۳۰۶	ساری ۱۳۷
شهرنورمازندران ۴۹۸	سازمان آب و لوله کشی ۵۴
شیراز ۵۵۷	سیزوار ۱۷۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶
صحنه ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۶۱ - ۱۲۴	سبزه میدان ۱۵۶ - ۲۵۳

طاق بستان ۲۸ - ۳۲ - ۳۶ - ۳۷ - ۹۴	قلعه حاج کریم ۲۰۰
طاق وسان ۳۶	قلعه هترسم ۱۶۸
طاق وستان ۳۶	قلعه روانسر ۳۲
عثمانوند ۳۳	قم ۱۵۵
عراق ۳۴ - ۴۶ - ۷۱ - ۱۷۶ - ۱۹۸ - ۲۰۳ -	قورخانه ۴۶
۳۳۸ - ۵۲۲ - ۵۲۷ - ۵۴۷ - ۵۴۱ - ۵۹۹ - ۶۰۰	قهرمانشهر ۳۵
عشق آباد ۱۰۷	قهوه خانه پهلوان عزیز ۲۶۰
عکاسی مانی - عکاسی گلبرگ ۲۵	قهوه خانه محمودخان ۳۶۹
علافخانه ۴۶ - ۱۷۵ - ۲۴۵	کاخ کلستان ۸۵
علی خان لر ۴۳۷	کارخانه آردشاهین غرب ۳۰۵
عمادالدوله ۸۷ - ۱۲۹ - ۲۱۲ - ۲۳۱	کارخانه شیرپاستوریزه ۵۴
فراشه ۱۲۹	کارخانه قندیستون ۵۴
فرانسه ۵۴۸	کاروانسرای فلانوروز ۲۵۰
فراپبورگ آلمان ۴۹۵	کاروانسرای مصطفی قلبی خان ۳۸۱
فرودگاه کرمانشاه ۳۶۵	کاروانسرای ملانوروز ۳۸۲
فرودگاه مهرآباد تهران ۵۶۰	کاظمین ۱۶۵ - ۲۲۶ - ۲۳۲
فلسطین ۷۱	کانادا ۴۸۰ - ۵۳۷ - ۵۶۹
فیض آباد ۴۶ - ۵۲ - ۱۶۹ - ۱۷۳ - ۲۱۲ - ۲۱۵	کتیبه بیستون ۳۵
۲۵۰ - ۲۶۷ - ۳۸۳ - ۵۰۰ - ۵۲۶ - ۵۲۸ - ۵۳۳	کرانه گشن ۳۲
قاپی شاه نجف ۲۵۶	کرج ۳۱۵ - ۴۹۶
قراسین ۳۴	کردستان ۳۰ - ۱۰۱ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۵۰۸
قروه سنندج ۳۳	کرماجان ۳۴
قروه سو ۲۴ - ۱۲۵ - ۲۲۴	کرماجان ۳۴ - ۱۹۳
قروه گوزلو ۳۲	کرماشان ۳۴ - ۱۹۲
قریه دوجغای الهیارخانی ۲۵۹	کرمان ۳۴
قریه سراب قنبر ۳۳۳	کرمان ۳۴ - ۷۳ - ۱۲۹ - ۱۵۴ - ۵۵۲
قریه علی آباد ۳۱۷	کرمانشاه ۱۹ - ۲۲ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲
قریه قیسوند ۲۸۱	۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۴۲ - ۴۵ - ۴۷ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸
قریه مأوا ۲۲۴	۵۹ - ۸۱ - ۹۴ - ۱۰۱ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۳۲
قزوین ۱۲۱ - ۲۰۳ - ۲۶۳ - ۳۲۶ - ۳۴۶	۱۵۱ - ۱۵۴ - ۱۵۶ - ۱۵۹ - ۱۶۳ - ۱۶۹ - ۱۷۵ -
قصرشیرین ۳۴ - ۲۳۷ - ۳۰۳	۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۸۰ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۱۱ - ۲۱۲ -

لوس آنجلس آمریکا ۵۳۲ - ۵۵۱	۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۴ - ۲۲۷ - ۲۳۱ - ۲۳۳ - ۲۵۰ -
لهستان ۳۰ - ۵۰۳ - ۵۰۹	۲۵۵ - ۲۶۷ - ۲۸۶ - ۳۰۰ - ۳۰۲ - ۳۰۵ - ۳۱۵ -
مازندران ۳۹۵ - ۵۳۵ - ۵۴۸	۳۲۳ - ۳۲۸ - ۳۴۲ - ۳۵۰ - ۳۹۵ - ۴۳۸ - ۵۰۸ -
ماهیدشت ۳۳ - ۳۴ - ۲۳۶ - ۲۳۸ - ۲۴۵	۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۵۰ - ۵۴۱ - ۵۷۹ - ۵۹۰ - ۵۹۸ -
مجتمع ورزشی برادران محبتی ۵۲۵	کرمانشاهان ۳۲ - ۱۵۱
مجلس شورای ملی ۴۶	کرد ۳۳ - ۳۴ - ۵۹
محال سرفیروزآباد ۱۱۲	کرد غرب ۳۴
محلّه آبشوران کرمانشاه ۳۱۹	کره جنوبی ۵۶۱
محلّه آشپخ هادی ۳۴۲	کفرآور ۳۴
محلّه تاریکه بازار ۳۸۳ - ۴۳۱	کلایف شوروی ۵۵۷
محلّه توپخانه ۳۰۸	کلیایی ۳۳
محلّه چال حسن خان ۳۱۳ - ۳۱۹ - ۳۲۱	کندوله ۳۳
محلّه چنانی ۳۱۰	کندهر ۲۴۶
محلّه چهار راه اجاق ۳۴۱	کنگاور ۳۷۱
محلّه چهار راه گاوکش ها ۵۰۵	کوچه نصیرالاطباء ۲۱۲
محلّه سنگ تراشها ۱۷۹	کوچه لک ها ۳۹۲
محلّه میدان وزیری ۴۲۲	کوه پراو ۳۲
مذائن عراق ۳۵	کوه دالاهو ۳۲ - ۳۳
مدرسه آخوند ملامحمدکاظم خراسانی ۵۸۱	کوه سفید ۸۱
۵۹۴	کهریزالهی ۵۱۰ - ۵۱۲
مدرسه دارالفنون ۲۷۶	گاراژ حاجی خان محمود رشیدی ۳۶۹
مدرسه دارالفنون تهران ۴۲۰	گاراژ شفق (بازارچال حسن خان) ۴۲۳
مسجد آقا رحیم آل آقا ۳۳۹	گاماسیاب ۲۲۴
مسجد امام خمینی ۱۳۸	گذرحمام ملّاباشی ۲۱۲
مسجد بازار ۱۴۰	گرجستان ۷۱
مسجد ترکها ۱۷۹	گرگان ۷۳
مسجد جامع ۷۷ - ۳۲۷	گرگوندچمچمال ۱۲۴
مسجد حاج شریف معتضدی ۴۲	گیلانغرب ۳۴ - ۵۹ - ۱۰۱
مسجد حاجیه قمر رشیدی ۳۸۱	لاس وگاس آمریکا ۲۱۵
مسجد سید اسماعیل ۲۶۳	لبنان ۷۱
مسجد شازده ۳۰۵	لرستان ۳۰ - ۱۰۱ - ۱۲۰ - ۵۰۸

یزد ۳۱	مسجد هاشمی ۱۳۲
	مشهد ۱۷۴ - ۱۹۵ - ۲۳۴ - ۲۶۳
فهرست خانقاه	مغرب ایران ۳۰
خانقاه اخوت ۲۳۴	مغولستان ۷۱ - ۴۷۹ - ۵۰۳ - ۵۰۹
خانقاه صفا ۲۸۷	مقبره بیات بلده طیبیه قم ۴۱
فهرست البسه و ابزار باستانی	مکتب خانه شیخ سلمان ۲۳۱
تنکه ۶۳ - ۷۱ تنکه آینه ۷۲	مکزیکو ۴۷۹
تنکه میخچه ۷۲ سنگ ۶۴	مکه ۴۴ - ۵۳
میل ۶۴	ملایر ۳۰
کباده ۶۵ - ۷۷	منطقه شیان کلهر ۲۵۰
تخته شنا ۶۴	مونترال ۴۸۰
فهرست زورخانه های معتبر کرمانشاه	میان دریند ۳۳
۲۷۰ - ۳۲۲ - ۳۲۷ - ۳۵۰ - ۳۶۸ - ۳۷۲ - ۳۸۶	میدان ارک تهران ۷۹ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۹۶ - ۹۹
۳۸۷ - ۳۷۸ - ۳۸۴ - ۳۸۸ - ۳۸۹	میدان توپخانه ۵۸
زورخانه خان محمد سرابی ۱۷۵ - ۳۱۰ - ۳۸۲	میدان شهرداری سابق ۲۹۰
زورخانه آینه ۸۵	مینسک (روسیه) ۵۴۴
زورخانه اسدالله حاج محراب ۴۵۷	نارین قلعه ۱۱۸
زورخانه امیراعظم ۱۳۴ - ۵۸۲ - ۵۹۵	نجف اشرف ۴۷ - ۱۵۶ - ۱۶۵ - ۱۷۶ - ۲۲۶
زورخانه «انبارگندم» تهران ۱۳۸ - ۲۲۶	۵۸۱
زورخانه بازارچه ۲۰۶	نورآباد لرستان ۳۳
زورخانه بازارچه سعادت ۱۳۹	نهاوند ۳۰
زورخانه بازارچه مروی ۱۷۴	نیشابور ۵۸۳
زورخانه بغداد ۲۳۲	وادی السلام ۲۴۹ - ۲۸۸
زورخانه بیژن ۳۰۱	ورزشگاه ملی ایران ۳۷۶
زورخانه بیژن (میدان وزیری) ۲۱۰ - ۲۶۳ - ۲۶۹ -	هتل آتلانتیک ۴۶۴
زورخانه پنبه زنی حسن نقیب زاده ۲۷۳	هرسین ۳۳ - ۱۰۱ - ۱۷۵ - ۲۳۱
زورخانه پولاد ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۳۱۰	هلیلان ۳۳
زورخانه پهلوان خسرو ۳۷۲	همدان ۳۰ - ۳۲ - ۳۹ - ۱۲۱ - ۱۲۴ - ۲۸۰ -
زورخانه تکیه معاون ۳۰۱ - ۳۶۸ - ۳۷۲ - ۳۷۵	۳۲۶ - ۳۹۵ - ۵۰۸ - ۵۴۱
زورخانه توپخانه ۲۵۰ - ۳۰۸ - ۳۸۲	هندوستان ۷۱
زورخانه تیمچه ۳۸۲	هوخستره ۳۵
زورخانه تیمچه سید اسماعیل سامنی (زورخانه)	

- ۲۳۴ - ۲۳۱ - ۲۰۳ - ۲۰۲ زورخانهٔ صندوق سازها
 ۲۳۵ - ۲۳۷ - ۲۳۹ - ۲۵۳ - ۲۵۵ - ۲۶۳ - ۲۶۵ -
 ۲۷۰ - ۲۸۱ - ۳۰۰ - ۳۰۶ - ۳۱۰ - ۳۱۲ - ۳۱۷ -
 ۳۲۲ - ۳۲۹ - ۳۷۰ - ۳۸۳ - ۴۲۷ زورخانهٔ صوفی نصرالله ۳۸۶
 ۳۷۰ - ۳۲۶ - ۳۰۸ - ۲۷۴ زورخانهٔ علاف خانه
 ۳۸۴ - ۳۸۳ زورخانهٔ علی تیک تیک ۲۲۳
 ۳۳۲ زورخانهٔ قَرخ «سنقر»
 ۳۵۰ - ۳۴۵ - ۳۱۳ - ۲۶۳ زورخانهٔ فردوسی
 ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۸۸ - ۳۹۱ - ۳۹۲ زورخانهٔ فولکی ها ۲۰۳
 ۲۰۴ زورخانهٔ فولاد
 ۴۵۸ زورخانهٔ کربلایی عباس
 ۳۱۲ - ۲۹۴ - ۲۶۳ زورخانهٔ کندوله ای ها
 ۳۸۲ زورخانهٔ کهن [سنگ تراشها] ۳۵۰ - ۳۰۱
 ۲۰۶ - ۲۰۵ زورخانهٔ کهنه فروشها
 ۳۷۳ زورخانهٔ ماشاالله خالصی
 ۱۱۱ زورخانهٔ محلّهٔ بیدآباد
 ۳۸۲ - ۳۶۸ - ۳۲۶ زورخانهٔ محمدآقا کندوله ای
 ۱۴۰ زورخانهٔ محمدعلی اسکویی
 ۳۸۵ زورخانهٔ مدیرعباسی
 ۲۴۷ - ۲۴۳ - ۱۷۵ - ۱۷۲ - ۱۶۹ زورخانهٔ میدان
 ۳۰۹ - ۳۰۸ - ۲۷۲ - ۲۶۶ - ۲۶۳ - ۲۵۹ - ۲۴۸ -
 ۳۷۰ - ۳۴۲ زورخانهٔ میدان (نیرو) ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۲۹ - ۲۵۸
 ۳۸۱ - ۳۷۲ - ۳۷۱ - ۳۷۰ زورخانهٔ میدان وزیری ۳۸۶ - ۳۷۲
 ۵۹۱ - ۵۸۲ زورخانهٔ وزیر دفتر
 ۶۰۰ - ۵۸۷ زورخانهٔ کاشی پزها
 ۳۸۵ - ۲۶۳ (محمد شیک) زورخانهٔ تیمچهٔ لاستیک برها ۳۲۶
 ۲۴۳ - ۱۷۷ - ۱۷۴ زورخانهٔ چال حسن خان
 ۳۸۴ - ۳۸۱ - ۳۷۱ - ۳۶۹ - ۳۴۲ - ۳۲۶ - ۳۱۳ -
 ۳۸۵ زورخانهٔ چال درویشی ها «دبریش ها» ۳۸۵
 ۳۸۴ - ۲۵۳ زورخانهٔ چال سلیمان خان
 ۳۲۹ - ۲۰۸ زورخانهٔ چال میدان
 ۱۷۷ زورخانهٔ چنانی
 ۳۸۳ زورخانهٔ حمام صرابی ها
 ۵۸۹ - ۵۸۶ زورخانهٔ «خرقانی» ها
 ۲۱۵ - ۲۱۲ - ۲۰۳ زورخانهٔ خیمه گاه کربلا
 ۵۸۲ زورخانهٔ دنگی
 ۳۳۶ زورخانهٔ سازگار درود
 ۳۵۰ - ۳۱۱ - ۳۰۳ - ۲۸۶ زورخانهٔ سبزه میدان
 ۳۶۸ زورخانهٔ سربارخانه ۸۴
 ۵۹۱ - ۵۸۲ زورخانهٔ سرتخت بربرها
 ۲۷۰ زورخانهٔ سرتیپ بهرامی
 ۵۹۲ زورخانهٔ سقاخانهٔ نورزوخان ۵۸۷ - ۵۸۹ - ۵۹۰
 ۱۰۰ - ۹۹ - ۹۴ - ۸۲ - ۷۹ زورخانهٔ سنگ تراشها
 ۱۶۸ - ۱۶۰ - ۱۲۵ - ۱۱۱ - ۱۱۰ - ۱۰۹ - ۱۰۱ زورخانهٔ سنگ تراشها ۷۹
 ۱۸۵ - ۱۸۰ - ۱۷۵ - ۱۷۴ - ۱۷۳ - ۱۷۲ - ۱۶۹ زورخانهٔ سنگ تراشها ۷۹
 ۲۳۹ - ۲۳۵ - ۲۳۱ - ۲۱۹ - ۲۰۶ - ۲۰۰ - ۱۸۶ زورخانهٔ سنگ تراشها ۷۹
 ۲۷۲ - ۲۷۰ - ۲۶۷ - ۲۶۳ - ۲۶۰ - ۲۵۹ - ۲۴۳ زورخانهٔ سنگ تراشها ۷۹
 ۳۰۲ - ۲۹۲ - ۲۸۴ - ۲۸۲ - ۲۸۱ - ۲۸۰ - ۲۷۳ زورخانهٔ سنگ تراشها ۷۹
 ۳۲۲ - ۳۱۷ - ۳۱۵ - ۳۱۲ - ۳۱۱ - ۳۱۰ - ۲۰۹ زورخانهٔ سنگ تراشها ۷۹
 ۳۷۱ - ۳۷۰ - ۳۶۸ - ۳۵۰ - ۳۴۷ - ۳۴۲ - ۳۳۴ زورخانهٔ سنگ تراشها ۷۹
 ۵۸۶ - ۴۹۳ - ۳۸۱ - ۳۸۰ - ۳۷۶ - ۳۷۲ زورخانهٔ سنگ تراشها ۷۹
 ۲۵۰ زورخانهٔ سید ملکهٔ قصرشیرین

اسامی مرشدها

۲۲۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۸۱ - ۳۶۷ - ۳۷۰ - ۳۸۳ -	ابراهیم ۱۱۳ - ۱۲۵ - ۱۲۶
۳۸۵	ابراهیم ۳۸۱
صابونی حبیب الله ۳۸۲ - ۳۸۶ - ۳۸۷ -	اکبرچمک ۲۲۴ - ۲۵۳ - ۲۶۳ - ۲۷۵ - ۳۲۶ -
صابونین حبیب الله ۳۷۱	۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۸۱ - ۳۸۷ -
صیف شکرالله ۳۹۲	بداقت حسن ۸۵ - ۹۰
طوسی محمد ۲۷۲	جابری ۳۳۲
قزوینی عبدالله ۵۸۶ - ۵۸۷ -	خرمپورفرج الله ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ -
قوامپورآقاداشی ۳۸۱	خوش اندام ۲۸۳
کرمانشاهی محمود ۳۲۶	خوش اندام ۳۷۰
کمتازحسن ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ -	خوش اندام حسن ۳۱۳ - ۳۲۶ - ۳۲۸ - ۳۵۷ -
گدالی حسین ۲۵۵	۳۵۹ - ۳۶۹ - ۳۸۱ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۵۲۸ -
گل کف محمد (مرشد محمد کلاه مال) ۳۷۲ - ۳۷۴ -	خوش اندام حسین ۳۵۱ - ۴۵۴ -
مرشدخانجان ۸۳	خوش اندام حشمت الله ۳۲۶ - ۳۴۵ - ۳۷۲ -
مرشدین زورخانه‌های کرمانشاه ۳۶۳	۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۸۲ -
فهرست اصطلاحات و فنون باستانی و انواع	خوش اندام داریوش ۲۵۸ - ۲۹۶ - ۳۲۸ - ۳۴۵ -
کشتی پهلوانان	۳۴۶ - ۳۵۵ - ۳۷۲ - ۳۷۴ - ۳۷۵ -
پای تبریزی ۱۹۰	خوش اندام منوچهر ۳۲۸
پای جنگلی ۱۹۰	خیاط عبدالله ۲۶۳ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۴۹۴ -
پای خراسانی ۱۹۰	دودی غلام ۲۵۸ - ۲۶۳ - ۳۲۴ - ۳۶۸ - ۳۸۱ -
پای شاطری ۱۹۰	۳۸۲ -
پای شلار ۱۹۰	دودی قاسم ۳۷۲
پای کرمانشاهی ۱۹۰	دودی هاشم ۳۲۴ - ۵۱ -
بیج پیچک ۷۴	۳۹۲ - ۴۵۴ -
تندر ۷۴	رحیمی حیدر ۲۶۹
جرخ سربازی ۱۹۰	زمزم اسدالله ۳۹۲
جفت شدن ۲۶۰	سیداسماعیل ۳۷۳ - ۳۸۷ -
جرخ ۲۸۲ - ۳۰۲ - ۳۲۳ - ۳۴۹ -	سیدحسن ۳۸۷
جرخ تک پر ۱۹۰	شم شم حبیب الله ۱۸۰
	شهباری عطاالله خان ۱۸۰ - ۲۰۹ - ۲۲۴ - ۲۳۱ -

کشتی میدانی ۸۵	چرخ تیز ۱۹۰ - ۲۸۲ - ۳۵۷
کُنده ۸۹	چرخ چمنی ۲۸۲ - ۳۵۷
لنگ ۹۱	چرخ دوباسه ۱۹۰
لنگ انداختن ۱۱۳	زوران ۱۹۵
لنگ سرکش ازچپ ۹۱	سالتوجلو ۷۴
لنگ سرکش از راست ۹۱	سالتوعقب ۷۴
لنگ کردی ۸۷ - ۲۰۷	سنای روشلاته ۱۸۹
میل ۲۷۲ - ۳۴۲	سنگ ۳۴۲
میل بازی ۸۵	سنگ گرفتن ۳۲۳
میل گرفتن ۳۲۳	سنگ گیری ۳۱۱
	شنای پیچ ۱۸۹
	شنای ساده ۱۸۹
فهرست باشگاهها	فن بارانداز ۷۴
البرز ۴۱۳ - ۴۳۳ - ۵۰۰	فن پادرعَلَم ۵۸۷ - ۵۹۶
المپ ۴۱۴	فن توبرات ۷۴
پولاد ۴۶۰	فن توشاخ ۲۰۳ - ۲۰۷ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۲۵
پهلوان پور ۳۷۳	فن درخت کن ۱۴۳
تختی ۵۱۷	فن رخت کن ۲۲۷
توکلی ۲۷۵ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۲۳ - ۴۳۴ - ۴۳۷	فن شاطری ۴۰۲
جعفری ۵۸۵	فن فتیله پیچ ۵۱۳
دخانیات ۲۲۷	فن قوس ۱۴۳
رئوفی مهدی ۴۱۳ - ۴۲۶ - ۴۸۹	فن کمر ۷۴
شاهین ۴۲۰ - ۴۲۹ - ۴۳۴ - ۴۵۲	فن کنده دست درشکن ۴۶۱
شیرافکن ۲۰۸	فن کول انداز ۴۲۱
صنعت نفت ۵۳۳	فن گوسفندانداز ۲۲۵
علی تیک تیک ۱۷۴	فن گهوارکی ۲۶۰
گاراژ ۴۹۶	فن مشک سقا ۱۳۶ - ۱۳۹ - ۲۲۱
ماهرحسین آبادمنوچهر ۴۳۱	کباده ۲۷۲ - ۳۰۲ - ۳۴۹
منیریه ۴۶۰	کباده زدن ۳۲۳
	کشتی آزاد ۲۱۶
	کشتی فرنگی ۲۱۶

ورزشگاهها و فهرست سالنهای کشتی

- استادیوم یکصد هزار نفری آریامهر «تهران» ۲۹۸
 سالن تختی کرمانشاه ۵۵۹
 سالن شهید بهشتی ۳۹۴ - ۴۱۶ - ۵۶۹
 سالن کارگران ۵۴۶
 سالن کشتی اداره برق ۴۱۵
 سالن کشتی تختی ۵۱۹ - ۵۲۷ - ۵۷۱
 سالن کشتی دارایی ۴۱۵ - ۵۳۶
 سالن کشتی دانشگاه رازی ۴۱۵
 سالن کشتی دانشگاه علوم پزشکی ۴۱۵
 سالن کشتی شهید جوادى عسکریان ۳۵۹
 سالن کشتی شهید عباس جوادیان ۴۱۵
 سالن کشتی صنعت نفت ۴۱۵
 سالن کشتی کارگران ۴۱۵
 سالن کشتی کیهانشهر ۴۱۵
 سالن کشتی مخابرات ۴۱۵
 سالن کشتی هلال احمر ۴۱۵
 ورزشگاه خسرو پرویز (آزادی فعلی) ۲۴۵ - ۲۵۹ - ۳۲۰
 ورزشگاه فولاد «تهران» ۳۶۵
 ورزشگاه گمرگ ۲۶۸

فهرست اعلام آلبوم ضمیمه تاریخ پهلوانی

- | | |
|---|---|
| نمونه‌ای از کاروانسرای قدیمی در ناحیه غرب کشور - | حرکات ورزشی ۶۰۲ |
| نمونه‌ای کاشی کاریهای (تکیه معاون الملک) در | رستم دستان ۶۰۳ |
| کرمانشاه ۶۱۲ | تکیه معتضد ۶۰۴ |
| مقام «اویس قرن» عارف نامدار در حومه | قاسم خان ندیم پور ۶۰۴ |
| کرمانشاه ۶۱۳ | شجاع عسکری ۶۰۴ |
| پهلوان میرزا باقر دراندرونی ۶۱۴ | استادکاظم لحاف دوز ۶۰۴ |
| پهلوان آقاسیدمحمدعلی ۶۱۴ | پدریحیی معتضدی ۶۰۴ |
| مهندس هادی امیری ۶۶۲ | جمشیدی ۶۰۴ |
| بازوبند پهلوان علی میرزا همدانی از پهلوان خوش نام | حاج شریف معتضدی ۶۰۴ |
| ایران ۶۱۵ | محمودخان جوزی ۶۰۴ |
| پهلوان ابراهیم یزدی معروف به «یزدی بزرگ» فرزند | یارمحمدخان کرمانشاهی ۶۰۵ |
| «آقا غلامرضا یزدی» از رقبای قدر پهلوان «حسین | حسین خان ده پهلوانی (حسین خان امیربِق) ۶۰۵ |
| گلزار» ۶۱۶ | نصرت المله ۶۰۵ |
| پهلوان رضاعلیند کرمانشاهی از پهلوانان قدر زمان در | سردارغیور ۶۰۵ |
| حال پُتک زدن ۶۱۷ | نایب فرج الله وکیلی کندوله‌ای ۶۰۶ |
| جمعی از باستان کاران پیش کسوت ایران - به قلم | پهلوان محمدعلی سلطان رشیدی ۶۰۶ |
| حسین، پرتویضائی کاشانی ۶۱۸ | حاج عبدالمحمدافشار ۶۰۷ |
| آقای فتح الله اتحادیه ۶۱۸ | حاج حسن کارزانی ۶۰۷ |
| جمال قطب ۶۱۸ | حاجی خان ارباب زنده ۶۰۷ |
| مرتضی خان فرزند مرحوم حاج میرزا حسین | مرحوم «کاری» از فرهنگیان راستین کرمانشاه ۶۰۸ |
| طیب ۶۱۸ | دبستان حسینی کرمانشاه ۶۰۹ |
| (حاج آقا جلال قمی) ۶۱۸ | آقایان کامبخش ۶۰۹ |
| آقا سید میرزا آقا ۶۱۸ | افصح ۶۰۹ |
| جواد میرفخرائی ۶۱۸ | کاری ۶۰۹ |
| مرحوم حاج میرزا محمودجوراب چین ۶۱۸ | پرندیان ۶۰۹ |
| پهلوان سیدحسین شجاعت (رزاز) در اوج قدرت | سنگ نگاره‌ای از بیستون [کتیبه بیستون] مربوط به |
| ۶۱۹ | عهد داریوش (هخامنشی) - سنگ نگاره‌ای از |
| یادبودی از باستانی کاران کرمانشاهی در ورزشگاه | عهدساسانیان در طاق بستان کرمانشاه ۶۱۰ |
| آزادی فعلی «پهلوان علی اصغرگرد» جلودار | نمای بزرگ طاق بزرگ مربوط به عهد ساسانیان در طاق |
| باستانی کاران ۶۲۰ | بستان در کرمانشاه ۶۱۱ |

- پهلوان علی اصغر در روزگار پیری ۶۲۱
 مرحوم حاج قاسم الماسوندی ۶۲۱
 مرحوم احمد بنده ۶۲۱
 محمدبشنام ۶۲۱
 علی اصغرگرد ۶۲۱
 داریوش خوش اندام ۶۲۱
 عبدل همتی ۶۲۱
 آخرین عکس پهلوان علی اصغرگرد در حال چرخیدن
 استادبوم آزادی فعلی کرمانشاه ۶۲۲
 مراسم تشیع جنازه علی اصغرگرد کپرمانشاهی در
 کرمانشاه ۶۲۳
 آقای محمد تقی خسروی (مدیر باشگاه نیرو درستی)
 ۶۲۳
 یادبودی از مرحوم (پهلوان علی آقاسمیع) در سنین
 کهولت ۶۲۴
 پهلوان علی آقاسمیع ۶۲۴
 مهدی عرب ۶۲۴
 عباس شیرازی ۶۲۴
 مهدی باغبانی ۶۲۴
 خسرو نظافت دوست. محل: باشگاه دخانیات. تهران
 ۶۲۴
 مرحوم پاشانیک نژاد معروف به پاشای نعمت الله
 کبابی از قدرمردان گود در سن ۸۰ سالگی ۶۲۵
 یادبودی از پهلوانان حاج یدالله خان محبی در
 ورزشگاه گمرک کرمانشاه ۶۲۶
 یادبودی از باستانی کاران پیش کسوت کرمانشاه در
 استادبوم آزادی کرمانشاه تقی تیموریان ۶۲۷
 مرحوم مهدی میرزاجیهونی ۶۲۷
 مهدی تیموری ۶۲۷
 احمد تیرانداز ۶۲۷
 عبدالعلی پهلوانی از باستانی کاران پیش کسوت
- همدان در وسط گود محل: زورخانه شجاعت
 تهران ۶۲۸
 عبدالحسین آزاد ۶۲۹
 حرکات نرمش بعد از شنا ۶۳۰
 پهلوان تقی تیموریان در روزگار پیری و تنهایی ۶۳۱
 جهان پهلوان غلامرضاتختی در زورخانه علی تیک
 تیک تهران در مقابل تختی ۶۳۲
 حاج مرتضی مستقیان از باستانی کاران
 قدرکرمانشاه ۶۳۲
 «منوچهر قره گوزلو» نفرلنگ بدوش ریاست فدراسیون
 کشتی ایران ۶۳۲
 مرحوم علی آقا جاویدان از تباردریادلی و
 شجاعت ۶۳۳
 یادبودی از باستانی کاران پیش کسوت کرمانشاه در
 زورخانه میدان (قبله کربلا) در سال ۱۳۴۵ (ه. ش)
 حاج اسدالله شمس عا (معروف به صوفی
 اسد) ۶۳۴
 عزیزالله رحیمی (معروف به پهلوان عزیز
 قصری) ۶۳۴
 حاج یدالله رضاپور (معروف به حاج یدالله
 اطوکش) ۶۳۴
 مرحوم سیدعلی حله‌ای در سال ۱۳۴۵ ۶۳۵
 صادق رهنما (پهلوان سایه) با حلقه گل ۶۳۶
 مرحوم حاج حبیب الله چنانی از پیش کسوتان ورزش
 باستان ۶۳۷
 مصطفی قبادی ۶۳۸
 سیدمحمدنقیبی ۶۳۸
 جهانبخش نجفی ۶۳۸
 مهدی رضاشریفی ۶۳۸
 مرشدنجف جابری ۶۳۹
 مرشدهاشم دودی ۶۴۰

- ۶۴۱ نمای بیرونی زورخانه سنگ تراشها
 ۶۴۲ زین العابدین رضایی
 ۶۴۳ نمای بیرونی زورخانه تکیه معاون - کرمانشاه
 ۶۴۴ نمای درب ورودی زورخانه فردوسی کرمانشاه
 ۶۴۵ کرمانشاهی
 ۶۴۶ مرحوم حاج باقرعلیک فرزند محمد
 ۶۴۷ علی نامداران در کنار پهلوان حاج مصطفی طوسی
 ۶۴۸ فریدون ستوده
 ۶۴۸ احمدسیدی
 ۶۴۸ حاج رضاسرابی
 ۶۴۸ سیدمهدی سیدی
 ۶۴۹ فریدون ستوده
 ۶۴۹ تقی تیمورپور
 ۶۴۹ حاج محمدباقرزاد
 ۶۵۰ حاج مرتضی رشیدی
 ۶۵۱ فتح اله گلپاری
 ۶۵۲ عباس مشهدی زاده
 ۶۵۲ حاج محمدباقرزاد
 ۶۵۲ عبادالله شیرازد
 ۶۵۳ رضابعلیک در جمع باستان کاران آبادان
 ۶۵۴ مرشدحسن خوش اندام
 ۶۵۴ اردشیرکنجدی
 ۶۵۴ مشهدی میرزاجیحونی
 ۶۵۴ حشمت اله شیرزادی
 ۶۵۴ امیرعزیزیان
 ۶۵۴ حاج مرتضی هامانی
 ۶۵۴ فرهاداشرفیان
 ۶۵۴ مجیدقلندرلکی
 ۶۵۴ ابراهیم نویدی
 ۶۵۴ عبدالحسین فیض خُری
 ۶۵۴ غلام چهری احمدوندی
 ۶۵۴ حاج محمدباقرزاد
 ۶۵۵ حاج منصور شمس کلاهی
 ۶۵۵ پهلوان حاج مصطفی طوسی
 ۶۵۵ عطاالله شمس کلاهی
 ۶۵۵ ابراهیم شمس کلاهی
 ۶۵۵ حاج حبیب الله شمس کلاهی
 ۶۵۵ محمودشمس کلاهی
 ۶۵۵ اسماعیل شمس کلاهی
 ۶۵۵ مصطفی شمس کلاهی
 ۶۵۶ کریم اسدپور
 ۶۵۶ مرشداکبر
 ۶۵۶ خان نایب
 ۶۵۶ محمدجلیلیان
 ۶۵۶ فریدون ستوده
 ۶۵۶ پهلوان یعقوبعلی شورورزی
 ۶۵۶ حاج مرتضی رستمی
 ۶۵۶ پهلوان احمدوفادار
 ۶۵۶ صادقی
 ۶۵۶ عباداله شیرزاد
 ۶۵۶ ابراهیم نویدی
 ۶۵۶ عبدالحسین فیض خُری
 ۶۵۶ حشمت اله شاطی
 ۶۵۶ ارسلان محبی زنگنه
 ۶۵۷ غلام چهری
 ۶۵۸ دکتر مصرچی مقام سوم از همدان
 ۶۵۸ یدالله کربلایی مقام اول از تهران
 ۶۵۸ حاج حبیب اله منتظری
 ۶۵۹ یادبودی از هنرهای فردی و کشتی پهلوانی

- | | |
|--|--------------------------------------|
| هوشنگ سهرابی ۶۷۰ | اسماعیل غلامی ۶۶۰ |
| جهانگیربیری ۶۷۰ | علیرضا سلیمانی ۶۶۱ |
| حاج قاسم الماسوندی ۶۷۰ | کشتی ورزشی سنتی ایران ۶۶۲ |
| علی اشرف نقی پور ۶۷۱ | تختی ۶۶۳ - ۶۶۴ |
| یادبودی از تیم کشتی دبیرستان کزازی ۶۷۲ | پهلوان علی اصغرگرد ۶۶۵ |
| مرحوم حاجی بشیری ۶۷۲ | پهلوان سَنَخی ۶۶۵ |
| احمد بیابانی ۶۷۲ | علی اصغرگرد ۶۶۵ |
| محمد شیبانی ۶۷۲ | حسن سعدیان ۶۶۶ |
| عبدالله اعتمادی ۶۷۲ | پهلوان احمدوفادارخراسانی ۶۶۷ |
| صفر عباسی ۶۷۲ | تیم ملی کشتی آزاد ایران ۶۶۸ |
| حسن رسولی نژاد ۶۷۲ | جهان پهلوان تختی ۶۶۸ |
| ابراهیم بهره مند ۶۷۲ | جهانبخت توفیق ۶۶۸ |
| بهرام دلگشایی ۶۷۲ | امامعلی حبیبی ۶۶۸ |
| منصور روانبخش ۶۷۲ | عباس حریری ۶۶۸ |
| داریوش روشنگ ۶۷۲ | محمدعلی فردین ۶۶۸ |
| داریوش روشنگ ۶۷۳ | غلامزندی ۶۶۸ |
| مرتضی سیف‌اله پور ۶۷۳ | رعیت پنا ۶۶۸ |
| جعفر پاکدامن ۶۷۳ | پرویز عرب ۶۶۸ |
| حبیب اله محلوچی ۶۷۴ | حسین نوری ۶۶۸ |
| محمد جلیلی ۶۷۴ | یادبودی از مسابقات قهرمانی کشوری ۶۶۹ |
| سیروس معاونی ۶۷۴ | جهانبخش نجفی ۶۶۹ |
| داریوش روشنگ ۶۷۴ | تولایی ۶۷۰ |
| اصغرآزاد ۶۷۴ | فریدون کمالی ۶۷۰ |
| یدالله بلدی ۶۷۴ | خلیل جوادیان ۶۷۰ |
| علی رادهمتی ۶۷۵ | داریوش رزقی ۶۷۰ |
| غلامحسین بلندی ۶۷۵ | مصطفی رضایی ۶۷۰ |
| داریوش روشنگ ۶۷۵ | حاج قاسم یوسف پور ۶۷۰ |
| صادق ایمانی ۶۷۵ | علی آقاچاویدان ۶۷۰ |
| یوسفی ۶۷۵ | رضاجاهد ۶۷۰ |
| بیژن زرافشانی ۶۷۶ | اکبر میری ۶۷۰ |
| طاهری ۶۷۶ | مصطفی تیمورپور ۶۷۰ |

- اسفندیار زرافشانی ۶۷۷
 فرامرز چغامیرزایی ۶۷۸
 علیرضا سلیمانی ۶۷۹
 هادی مخبری ۶۷۹
 دلاوران کشتی ایران در دهه ۱۹۸۰ - ۱۹۹۰ میلادی ۶۸۰
 حاج آقامعزی پوری ۶۸۰
 علیرضا سلیمانی ۶۸۰
 کاظم غلامی ۶۸۰
 محمدحسین محبی ۶۸۰
 الله مرادزینی ۶۸۰
 خسرو پیش رو ۶۸۰
 شمس الدین سیدعباسی ۶۸۰
 مجید ترکان ۶۸۰
 امیرتهرانی ۶۸۰
 عسگری محمدیان ۶۸۰
 محسن کاوه ۶۸۰
 محمود کدخدایی ۶۸۰
 محمدحسین محبی ۶۸۱
 بیل شرآمریکائی ۶۸۱
 رودزیاک آلمان شرقی ۶۸۱
 توموف بلغاری ۶۸۱
 علیرضا سلیمانی ۶۸۲
 سلیمان الهیاری ۶۸۲
 کیومرث آیت پناه ۶۸۲
 سلیمان الهیاری ۶۸۳
 علیرضا سلیمانی ۶۸۴
 بوریس بامگارنتر ۶۸۴
 اصلان خاراسف از شوروی ۶۸۴
 محمدرضا توپچی ۶۸۵
 عبدالله الیاسی ۶۸۵
 رضامنفرد ۶۸۵
 محمدحسین محبی ۶۸۵
 محمدخرم ۶۸۵
 بابک تختی ۶۸۵
 هوشنگ میرآفتاب ۶۸۵
 عطاالله الهی ۶۵۸
 خسرو بحری ۶۸۶
 یعقوبی ۶۸۶
 صادق ایمانی ۶۸۶
 علی اکبرنژاد ۶۸۷
 سیدجمال میرزاده ۶۸۷
 حسن حمیدی ۶۸۷
 اسفندیار غلامی ۶۸۷
 سعید غفوریان ۶۸۷
 الله یاری ۶۸۷
 محمدجعفر خدایی ۶۸۸
 امیر عزیزیان ۶۸۹
 الله مرادزینی ۶۹۰
 سهراب باقری ۶۹۱
 اسفندیار غلامی ۶۹۱
 عبدالله سیخی ۶۹۱
 حبیب الله مخلوجی ۶۹۱
 محمدحسین محبی ۶۹۱
 کیومرث مهری ۶۹۱
 محمدحسین محبی ۶۹۱
 هوشنگ بختیاری ۶۹۱
 مسلم کشمیری ۶۹۱
 احمدزهرائی ۶۹۱
 الله مراد زرینی ۶۹۱
 علی میرشکر بیگی ۶۹۱
 محمدرضا چائی چی ۶۹۱

- ۶۹۱ محمدرضا شیرزاد پور
 خسرو نفوشا ۶۹۱
 ۶۹۲ محمدرضا چائی چی
 کامران کرمان ۶۹۳
 عبدالله سیفی ۶۹۴
 حشمت الله میرزائی ۶۹۴
 نادر قنبری ۶۹۴
 محمدجعفر خدایی ۶۹۴
 کیومرث مهری کرمانشاهی ۶۹۴
 محمد حسین محبی ۶۹۴
 کیومرث رجیبی ۶۹۴
 اسفندیار غلامی ۶۹۴
 کامران کرمان ۶۹۴
 محمد حسن محبی زنگنه ۶۹۴
 محمد علی گنجابی ۶۹۴
 محمدرضا چائی چی ۶۹۴
 صادق ایمانی ۶۹۴
 هاشم کلاهی ۶۹۵
 حسن محمدی ۶۹۵
 امیر عفراتی ۶۹۵
 محمد حسین محبی ۶۹۵
 حسین معاونیان ۶۹۵
 رضانهفیان ۶۹۵
 پرویز گل عنبر ۶۹۵
 حاج خزائی ۶۹۵
 علی اکبر نژاد ۶۹۵
 تیمور مرادی ۶۹۵
 غلامعلی فتاحی ۶۹۵
 محمدرضا چائی چی ۶۹۵
 علی میرشکر بیگی ۶۹۵
 علی کلاهی ۶۹۵
 عباس خزائی ۶۹۶
 سید مهدی جاسمی ۶۹۶
 جنابی ۶۹۶
 الله مراد زرنی ۶۹۶
 مسعود حق شناس ۶۹۶
 سیامک نوری ۶۹۶
 خسرو شلانی ۶۹۶
 محمدرضا چائی چی ۶۹۶
 جوهر صادق پور ۶۹۶
 شاهرور تیرانداز ۶۹۶
 امیریاری ۶۹۶
 کیومرث مهری ۶۹۷
 محمود خاوران ۶۹۷
 مرتضی حسینی ۶۹۷
 محمدرضا چائی چی ۶۹۷
 رضا چوپانی ۶۹۷
 هوشنگ بختیاری ۶۹۷
 علیرضا کهریزی ۶۹۷
 افشین نوری ۶۹۷
 کیومرث رجیبی ۶۹۷
 علی حسینی ۶۹۷
 حسینی موثق ۶۹۷
 یوسف نوری ۶۹۸
 محمدرضا چائی چی ۶۹۹
 علی شکری پور ۶۹۹
 رضالایق ۶۹۹
 مسلم کشمیری ۷۰۰
 عباس خزایی ۷۰۰
 عباس کشمیری ۷۰۰
 احمد کوه دره ای ۷۰۰
 سلیمان الهیاری ۷۰۰

- یوسف نوری ۷۰۰
 محمود خاوران ۷۰۰
 محمود کوه دره‌ای ۷۰۰
 سفیر ایران در ترکیه ۷۰۰
 کارمند سفارت ۷۰۰
 عباس خزایی ۷۰۰
 نادر قنبری ۷۰۱
 کورش کهریزی ۷۰۲
 ظفر الهیاری ۷۰۳
 جهانبخش لرستانی ۷۰۳
 مجتبی حسینی ۷۰۴
 شاهرخ دایی پور ۷۰۴
 حسین ابوالفضلی سابق ۷۰۵
 علی اکبر دودانگه ۷۰۶
 محمد علی گنجایی ۷۰۶
 علی بابا جعفری ۷۰۶
 یعقوب علی شورورزی ۷۰۶
 احمد وفادار ۷۰۶
 علیرضا جواهری ۷۰۷
 کامران کر میان ۷۰۷
 اکبر فلاح ۷۰۷
 کامران کر میان ۷۰۷
 مهدی مکرری ۷۰۸
 ماشاء الله حسینی ۷۰۹
 حبیب الله محلوجی ۷۱۰
 نادر قنبری ۷۱۱
 مرتضی رازی کماسی ۷۱۱
 کورش کهریزی ۷۱۲
 فریدون قنبری ۷۱۲
 علی اشرف دشتیان ۷۱۲
 تیمور مرادی ۷۱۲
 غلامعلی فتاحی ۷۱۳
 محمد علی گنجایی ۷۱۳
 محمد رضا چائی چی ۷۱۳
 افشین فیض حری ۷۱۳
 دلاوران المپیک ۷۱۴
 عباس جدیدی ۷۱۴
 رسول خادم ۷۱۴
 امیر رضا خادم ۷۱۴
 اکبر فلاح ۷۱۴
 رسول خادم ۷۱۵
 ماشاء الله حسینی ۷۱۵
 انشاء الله حسینی ۷۱۵
 افتخار آفرینان المپیک ۷۱۶
 رسول خادم ۷۱۶
 امیر رضا خادم ۷۱۶
 عباس جدیدی ۷۱۶
 گفتگوی مؤلف با مرحوم پهلوان حسین خمیرگیر
 ۷۱۷^(۱)

دیگر آثار مؤلف:

- ۱- هووی آن زن ...
 - ۲- نقد هنر (داستان - رمان) در ۱۲ جلد. [از جمله] تلخیص و نقد و بررسی شوهر آهو خانم - تلخیص و نقد و بررسی شادکامان دره قره سو [و دیگر آثار علی محمد افغانی]
 - ۳- نقد و بررسی آثار (سیمون دوبوار)
 - ۴- نقد و بررسی آثار (گابریل گارسیا مارکز)
 - ۵- فرهنگ مردم کرمانشاه
 - ۶- فرهنگ اصطلاحات انگلیسی
 - ۷- آهنگها و آدمها
- و دیگر آثاری که در مقدمه کتاب به قلم ناشر ذکر گردیده است.

